همشهری جوان
همشهری جوان • ضمیمه قرآنی • ویژه مشترکین • پیوست هفته‌نامه جوان • نیمه دوم شهریور ۱۳۸۸

# آیه

HAMSHAHRI JAVAN / SPECIAL ISSUE / September 2009
۴۰ صفحه + ۴ صفحه ویژه کودکان





شهریار پرهیزکار معتقد است برنامه‌های قرآنی باید در تمام شبکه‌های صدا و سیما پخش شوند

# شبکه قرآن را تعطیل کنید!

وَ هُوَالَّذی یُنَزِّلُ الْغَیَثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنطوُا وَیُنْشِرُ رَحْمَتهُ وَ هُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ

و اوست کسی که باران را پس از آنکه (مردم) نومید شدند فرود می‌آورد و
رحمت خویش را می‌گسترد و هموست سرپرست ستوده



سوره الشوری / ۲۸

طرح: سعید بهداد



# نقد و نظر

**شماره هفتم آیه پیش روی شماست نظرات شما و اهالی قرآن، مسیر را برایمان روشن‌تر و ما را به ادامه راه امیدوارتر می‌کند. بی‌شک نظرات صاحبنظران و فعالان قرآنی در بهبود کیفیت آیه بسیار موثر خواهد بود؛ از این رو خواهشمندیم هر گونه انتقاد و پیشنهاد خود را از ما دست‌اندرکاران این نشریه دریغ نکنید. در اینجا گزیده‌ای از رهنمودهای فعالان عرصه قرآن که درباره شماره‌های قبل به‌دستمان رسیده را می‌خوانید.**

### موج‌آفرینی کنید

**حجت‌الاسلام حمید محمدی / دبیر اجرایی منشور توسعه فرهنگ قرآنی**

مجله قرآنی «آیه» از نظر طراحی صفحات، رنگ و چاپ بسیار خوب است و کلا از نظر گرافیکی نوآوری‌هایی داشته است و می‌توانم بگویم جزء حرفه‌ای‌ترین نشریات در حوزه قرآن و حتی دین است. در بخش محتوا هم باید بگویم که در زمینه اطلاع‌رسانی در قالب گزارش موفق عمل کرده‌اید اما آنچه به نظر می‌رسد این است که آیه باید متکفل بخشی از نیازها و خواست‌های جدی جامعه قرآنی شود و لازمه این کار این است که ببینید کدام بخش و حوزه مورد غفلت قرار گرفته و روی زمین مانده و مجله آیه بیشتر به آن بپردازد. داشتن جهت‌گیری مشخص و جریان‌سازی در حوزه فعالیت‌های قرآنی هم یکی از کارهایی است که یک نشریه قرآنی می‌تواند انجام دهد و باید اثرگذاری مطالب را بیشتر و عمیق‌تر کنید. نکته دیگری که باید به آن توجه داشته باشید این است که برای ادامه بهتر مسیر، اولویت‌های مجله را مشخص کنید تا در ادامه چاپ شماره‌های بعد دچار سردرگمی نشوید. با همه نکات مثبت، قطع مجله خوب نیست و مطالب منتشر شده در هر صفحه زیاد است.

### متنوع و جذاب

**حجت‌الاسلام محمدرضا زائری / کارشناس رسانه**

در نگاه اول، ظاهر مجله آیه بسیار خوب است و برای مخاطب، جذاب و خواندنی است که در این جذابیت، محتوای مجله هم مؤثر است. یکی از نقاط امتیاز «آیه» نسبت به مجلات قرآنی دیگر، تنوع مطالب و نحوه تهیه و تنظیم آنهاست.

متاسفانه رسانه‌های قرآنی فکر می‌کنند که باید به یک حوزه به‌طور تخصصی بپردازند و دیگر حوزه‌ها را رها می‌کنند و این باعث کم مخاطب بودن و کم اثر بودن مطالبشان می‌شود ولی روشی که آیه در پیش گرفته بهتر است چون مطالبش متنوع و جذاب است و برای مخاطبان بیشتری قابل استفاده است.

### هفته‌نامه شوید

**محمد قاسم‌تبار /مدیر روابط عمومی شبکه قرآن**

اولین نکته‌ای که درباره مجله «آیه» لازم است بگویم این است که فاصله انتشار بین دو شماره را کوتاه کنید و به هفته نامه برسانید تا مطالب به روزتر و تازه‌تر باشند.

نکته دیگر اینکه رویکرد خاصی که به مصاحبه با چهره‌ها دارید خوب است و مطرح کردن این افراد لازم است اما شاید بعضی چهره‌ها را باید با دقت بیشتری انتخاب کرد و سعی کنید کسانی را انتخاب کنید که هم برای عوام و هم برای خواص جذاب باشند.

ظاهرا یکی از دغدغه‌های نشریه «آیه» پرداختن به مسائل مربوط به جامعه قرآنی است و باید گفت که هدف‌گذاری درستی است چون مجلات تخصصی زیادی وجود دارند که به محتوا و معارف قرآنی می‌پردازند و جای رسانه‌ای که عمدتا به فعالیت‌های قرآنی بپردازد خالی است. معتقدم که کار مرتبط با قرآن باید شکیل و زیبا هم باشد تا بتوان با استفاده از این جذابیت‌های بصری، متن عمیق و سنگین قرآن را در حد توان ساده و روان به مخاطب عرضه کرد و در این حوزه هر چقدر هزینه شود کم است وانصافا «آیه» زیبا و چشم نواز است. رشد کمی و کیفی رسانه‌های قرآنی برخلاف بعضی حوزه‌های دیگر، اتفاق مبارکی است و لازم می‌دانم که به مسوولان و مدیران موسسه همشهری بابت انتشار این مجله قرآنی که باعث نشاط و قوت قلب فعالان قرآنی می‌شود، تبریک بگویم.

### تبلیغ کنید

**منیره حسینی / کارشناس ارشد علوم قرآنی**

اولین نکته مهمی که درباره مجله آیه باید بگویم این است که چرا این مجله در دکه‌های مطبوعاتی یافت نمی‌شود و معلوم نیست که برای تهیه کردن آن باید چه کرد؟

شما که این همه هزینه برای انتشار آیه متحمل می‌شوید، فکری برای ارائه کردن آن به مخاطب بکنید چون با این نحوه توزیع زحمت هایتان هدر می‌رود.

حرف دیگر هم این است که حضور بانوان قرآنی و قرآن پروژه در مطالبتان کم است، در حالی که در حوزه قرآن زنان با سواد و فعال زیادی داریم که می‌توانند سوژه‌های خوبی برای مجله باشند.

شاید لازم است به عنوان یک کار فرهنگی و قرآنی، تبلیغات بیشتری درباره معرفی این مجله انجام شود تا علاقه‌مندان متوجه انتشار این نشریه بشوند چون هنوز بسیاری از فعالان قرآنی و دانشجویان نمی‌دانند که این‌چنین مجله‌ای منتشر می‌شود.

### چرا کودک؟

**محمدحسن اکرمی / فعال حوزه نشر**

چه لزومی دارد که در یک مجله قرآنی که مخاطبش جوان‌ها و بزرگسالان هستند، چند صفحه هم برای کودکان در نظر گرفته شود؟ بهتر است به همان حوزه مخاطب‌های خود برسید و انرژی و هزینه را روی همان گروه متمرکز کنید که در این حالت حتما نتیجه بهتری خواهید گرفت. قطع مجله‌تان هم یک قطع نامانوس است و تا به حال کمتر از این اندازه برای نشریه استفاده شده است. این قطع متفاوت است اما استفاده از مجله برای مخاطب سخت می‌شود و حمل و نقلش هم دردسر دارد. فکر می‌کنم اگر قطع مجله را عوض کنید و به همان اندازه‌های متعارف بازگردید خیلی بهتر باشد.

### اتفاق مبارک

**سیدحسین دهقانی /دانشجوی دکترای علوم قرآنی**

به نظر من همین که مجموعه همشهری این احساس مسؤولیت را از خود نشان داده است که به صورت جدی به موضوعات قرآنی بپردازد، اتفاق میمون و مبارکی است.

در کل آنچه از مطالعه چند شماره اخیر آیه دریافته‌ام این است که این جریده به نسبت دیگر جراید حوزه معارف دینی و اسلامی تلاش می‌کند خود را از کلیشه‌های رایج رها ساخته و کار نویی را ارائه دهد که برای طیف وسیع‌تر و عمومی‌تری جذابیت ایجاد کند.

اما از باب نقد باید بگویم که به نظر من تلاش مجموعه اهالی همشهری آیه و محصول نهایی آن زمانی سربلندتر از اکنون خواهد بود.

شما دوستان در کنار مطالب عمومی‌تر تلاش کنید بر کمیت و کیفیت مطالب تخصصی‌تر هم تاکید بورزید و اصولا درصدد یافتن راهی باشید که همین مطالب تخصصی هم خواندنی‌تر و جذاب‌تر شوند.

از لحاظ کیفیت فیزیکی و چاپ این نشریه هم باید گفت که نوع کاغذ و چاپ آن در شأن یک نشریه قرآنی هست ولی احساس می‌شود توزیع آن چندان برنامه‌ریزی‌شده نیست و ناگزیر جای خالی آن بر بسیاری از دکه‌های روزنامه‌فروشی احساس می‌شود. در پایان باید به تمامی اعضای تحریریه خسته نباشید بگویم. توفیق الهی همگام و همراه شما عزیزان باشد.

### خبررسانی

**محمد اکبر خانی / معلم قرآن، اصفهان**

انتشار مجله قرآنی آیه ان‌شاء الله بازگشایی دریچه‌ای به سوی فهم و انس بیشتر با قرآن باشد و در کنار اینها، خوب است انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی از رخدادهای قرآنی هم مورد توجه قرار گیرد.

آگاهی اهالی قرآن از فعالیت‌های یکدیگر این حسن را دارد که باعث دلگرمی افراد به ادامه کار می‌شود و در همان حال که می‌تواند در اموری به الگوسازی و الگوگیری منتهی شود، در بعضی امور هم مانع از فعالیت‌های موازی می‌شود که این یک امتیاز بزرگ است.

متاسفانه در حال حاضر اهالی قرآن کمتر از حال هم مطلع هستند و این مجله می‌تواند این خلأ را پر کند و باعث انسجام بین این جمع شود.

در کشور ما نشریات بسیاری در حوزه‌های مختلف منتشر می‌شوند و صرفا به طرح مطالبات همان دسته و صنف می‌پردازند ولی قرآنی‌ها از این چنین امکانی محروم هستند که امید است مجله آیه به این مهم دست یابد.

الف لام میم

## چاشنی نوپردازی

ماه مبارک رمضان و بهار قرآن این‌بار هم سریع‌تر از آنچه گمان می‌بردیم، رو به پایان است و دوستداران کلام وحی و شیفتگان قرب الهی را در اندوه و حسرت باقی می‌گذارد.

اما این همه رهاورد ماه روزه‌داری نیست؛ به لحاظ معنوی اگرچه باید همواره بر فرصت‌های معنوی از دست رفته اندوه برد و غمگین بود اما از آن سو این حالت، پیش برنده و فعالیت‌ساز هم باید باشد. اندوه این ایام اتفاقا مثبت است و زمینه را برای فعالیت‌های بیشتر و تلاش‌های افزون‌تر هموار می‌کند.

محافل متعدد نور و تلاوت و قرائت کلام الهی در هزاران مسجد، حسینیه و امامزاده از زیبایی‌های چشم‌نواز این ایام بود و حضور مراجع معظم تقلید و شخصیت‌های علمی و فرهنگی در این مراسم از جلوه‌های بارز این مجالس بود. این اقدام ستوده و پخش مستقیم جلسات قرآنی قم و مشهد از سیمای جمهوری اسلامی ایران آن هنگام ارزش و اعتبار خاصی به خود می‌گرفت که بینندگان با انبوه حاضران در این محافل اعم از زن و مرد و پیر و جوان مواجه می‌شدند. تشریفات خاص اجرای برنامه همچون پوشش قاریان و حافظان و نحوه چینش رحل‌ها و نشستن جمعیت همه از زیبایی‌های این برنامه بدیع و معنوی بود.

آنچه در این مجال باید بدان پرداخت، ظرفیت‌های موجود در حوزه قرآن و کلام وحی است که همچنان ناشناخته‌مانده و دریافت نشده و بیش از همه مسؤولان فرهنگی نظام اسلامی را ناگزیر از تلاش مضاعف در این حوزه می‌کند. چاشنی خلاقیت و نوپردازی در اجرا و البته پوشش رسانه‌ای برنامه‌های قرآنی همان اکسیری است که باید در همه برنامه‌های مذهبی به کار گرفت و مطمئن بود که این نسخه تا مدت‌ها بر بسیاری از ضعف‌ها غلبه کرده و آرمان‌های متعالی انسانی را فرادست‌تر خواهد آورد. اینها همه کمی تامل، تحقیق و خوش‌سلیقگی می‌طلبد.

**سردبیر**

فهرست






همشهری‌جوان • ضمیمه‌قرآنی
ویژه‌مشترکین پیوست
هفته‌نامه‌جوان • نیمه‌دوم‌شهریور۱۳۸۸

گروه مجلات همشهری ناشر مجلات:
جوان - خانواده - دیپلماتیک - ماه سرنخ
خردنامه - کتاب داستان همشهری
و ویژه نامه سرزمین من و آیه

مدیرمسئول: علی قنواتی
سردبیران ارشد: حبیب حبیبی‌فهیم، حمیدباباوند
سردبیر: سیدمحمدحسین امامی
دبیرتحریریه: عطاءالله اسماعیلی

تحریریه
رضا صیادی، روح‌الله رجایی، محمداشعری،دانیال‌ابوالحسن‌معمار

فنی وهنری
مدیرارشدهنری: علی هاشمی شهرکی
مدیر تولید: امین مؤیدی
مدیرهنری: سمیرا فرجی
عکس: محمدرضا شاهرخی‌نژاد،مریم مجد
تصویرسازی: محمدعلی‌حلیمی
صفحه‌آرایی: محمدسعیدغفوری
ویرایش: محمدامیرپور، مهدی‌دادخواه‌تهرانی
ویرایش عکس: بهرام غروی
حروفچینی: رقیه‌نصیری

اجرایی
قائم‌مقام اجرایی گروه: سیداحسان‌جاهد
بازرگانی وتوسعه بازار: مسعود شاهمرادی
طرح وبرنامه: علی کاشفی‌پور
انفورماتیک: محمدنظری
پشتیبانی: ناصرندافی

تحریریه مکمل
سایت و مجلات دیجیتال: سیدمرتضی توکلی
کارگاه‌داستان: سعیدجعفریان
محصولات‌فرهنگی: امیرحسین راهنمایی

نشانی: تهران – خیابان کریمخان - شماره ۱۰۱
کدپستی ۱۵۸۵۶
تلفن: ۸۴۳۲۱۵۲۲
پیامک: ۳۰۰۰۹۹۹۱۰
www.hamshahrimags.com
ایمیل: ayeh@hamshahrimags.com
روابط عمومی: ۸۴۳۲۱۸۳۱
آگهی: ۸۸۸۱۲۲۶۷
اشتراک: ۸۴۳۲۱۸۴۳
توزیع: موسسه راه زندگی
چاپ: همشهری

### دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی:

# جامعه قرآنی با منشور قرآنی محقق می‌شود

حجت‌الاسلام محمدی، دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی در یک نشست خبری گفت: «منشور، میثاق ملی برای ساختن جامعه قرآنی است».

دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی در نشست خبری با موضوع تبیین ابعاد گوناگون منشور توسعه فرهنگ قرآنی گفت: «منشور توسعه فرهنگ قرآنی میثاق ملی ما برای ساختن جامعه‌ای متمسک به قرآن و اهل بیت(ع) است». حجت‌الاسلام والمسلمین حمید محمدی با اشاره به اینکه ایجاد منشور توسعه فرهنگ قرآنی آرزوی ۳۰ ساله انقلاب اسلامی و عالی‌ترین و جامع‌ترین سندی است که جمهوری اسلامی ایران تولید کرده است، افزود: «این به این معناست که در نظام هیچ‌گاه سندی وجود ندارد که در سطح ملی و بین‌المللی در حوزه قرآن، از طرفی ناظر به دستگاه‌های دولتی و عمومی بوده و از طرفی هم ناظر به معارف، علوم و امور قرآنی و همچنین ناظر به امر مهم سیاستگذاری، هماهنگی، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های قرآنی باشد».

وی عنوان کرد: «این منشور در راستای توسعه در پنج زمینه مدیریت توسعه فرهنگ قرآنی، مدیریت توسعه پژوهش‌های قرآنی، مدیریت توسعه آموزش‌های تخصصی قرآنی، مدیریت توسعه آموزش‌های عمومی قرآنی و مدیریت توسعه تبلیغ و ترویج قرآن برنامه‌ریزی شده است. منشور توسعه فرهنگ قرآنی میثاق ملی ما در راه ساختن جامعه‌ای متمسک به قرآن و اهل بیت(ع) است».

محمدی منشور توسعه فرهنگ قرآن کریم را دارای سه رویکرد دانست و گفت: «منشور توسعه فرهنگ قرآنی بهره‌مند از توسعه فعالیت‌های قرآنی در داخل و خارج کشور، فرهنگ‌سازی قرآنی و نظام‌سازی قرآنی است. این سند با مختصاتی که دارد، برای اولین بار و با یک نگاه عمیق که محصول ده سال تلاش کارشناسان و مسؤولان قرآنی دستگاه‌های مختلف در شورای عالی انقلاب فرهنگی است، تشکیل شده و باید روی کلمات منشور تامل و عنایت ویژه‌ای داشت».

دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی در ادامه افزود: «نظام‌سازی و فرهنگ‌سازی قرآنی از پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین مباحث نظام بوده و قصد ما هم این است که نظام‌های اقتصادی، سیاسی و تربیتی را بر اساس قرآن هدایت کنیم». وی با اشاره به تعریفی از فرهنگ قرآنی تصریح کرد: «فرهنگ قرآنی، شناخت و ایمان به قرآن، انس و ارتباط با قرآن و تحقق مضامین آیات قرآنی در رفتار فردی و اجتماعی، اقشار مختلف جامعه و حکومت و همچنین فهم تمام حقایق قرآن و درک مقاصد والای آن است. در بسیاری از اقشار جامعه هنوز ارتباط و انس با قرآن ایجاد نشده و این محصول طول زمان است و یک امر، دفعی و لحظه‌ای نیست».

منشور توسعه فرهنگ قرآنی بهره‌مند از توسعه فعالیت‌های قرآنی در داخل و خارج کشور، فرهنگ‌سازی قرآنی و نظام‌سازی قرآنی است. این سند با مختصاتی که دارد، برای اولین بار و با یک نگاه عمیق که محصول ده سال تلاش کارشناسان و مسؤولان قرآنی دستگاه‌های مختلف در شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده، تشکیل شده است.

محمدی فرهنگ قرآنی را مرکب از سه عنصر علم قرآنی، ایمان قرآنی و عمل قرآنی دانست و گفت: «فعالیت‌های قرآنی امری متفاوت از فرهنگ قرآنی است. فعالیت‌های قرآنی برای شناخت و شناساندن قرآن و معارف آیات قرآن انجام می‌گیرد و پیش‌نیاز توسعه فرهنگ قرآنی است. البته گاهی خیلی از فعالیت‌ها به دلیل فقدان ویژگی‌های مورد نظر منجر به توسعه فرهنگ قرآن نشده زیرا خصوصیات کافی برای اثر گذاری را نداشته است».

دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی در ادامه برای فعالیت‌های قرآنی چهار عرصه در نظر گرفت و گفت: «آموزش عمومی که مربوط به خواندن و درک مفاهیم و معارف قرآن برای استفاده عموم اقشار جامعه ارائه می‌شود، بر عهده وزارت آموزش و پرورش است و این وزارتخانه یکی از کمیسیون‌هایی است که در شورای توسعه فرهنگ قرآنی شکل خواهد گرفت. دومین عرصه هم آموزش عالی و تخصصی است و برای تربیت نیروهای متخصص به اجرا درمی‌آید که بر عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. همچنین پژوهش‌های قرآنی و فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی هم از دیگر عرصه‌های فعالیت‌های قرآنی محسوب می‌شود». وی در ادامه افزود: «ضمانت اجرایی هر مصوبه‌ای بستگی به جایگاه حقوقی مطلوب آن مصوبه، ساختار مناسب و نیروی انسانی مناسب دارد که تمام اینها در منشور توسعه فرهنگ قرآنی لحاظ شده‌اند؛ همچنین سعی شده است تا جایگاه قرآن در نظام ساختاری دستگاه‌های عمومی و خصوصی بالا رود و به موازات فعالیت‌های قرآنی بخش دولتی، بخش مردمی هم با رشد قابل توجهی روبه‌رو شود».

دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی در پایان یادآور شد: «با گرفتن رای اعتماد دولت دهم از مجلس سعی می‌شود که اواخر ماه مبارک رمضان جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تشکیل شود و کارگروه‌های تخصصی هم به دنبال آن شکل گیرند».

دبیر شورای تخصصی توسعه فرهنگ قرآنی اذعان کرد: «شورای عالی انقلاب فرهنگی از ده سال پیش تاکنون در زمینه مطالعات کارشناسی امور قرآنی فعالیت نسبتا گسترده‌ای را با مشارکت صاحب‌نظران آغاز کرده که محصول تلاش ده ساله شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه قرآن، کریم تولید منشور توسعه فرهنگ قرآنی است؛ هر چند فعالیت‌های قرآنی توسط دستگاه‌های مجری صورت گرفته‌اند اما همچنان کمبود کارهای مطالعاتی عمیقی که بتوانند منشوری را تولید کنند که محور تمام سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و نظارت باشد، احساس می‌شد».

## خبرهای کوتاه

### حضور همزمان پنج قاری و حافظ ایرانی در مسابقات بین‌المللی

همزمان با برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در کشورهای تونس، لیبی و اردن، پنج تن از قاریان و حافظان برتر کشورمان به مسابقات بین‌المللی این کشورها اعزام می‌شوند. حجت‌الاسلام والمسلمین حسین احمدیان معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه با اشاره به درخشش قاریان و حافظان ایرانی در مسابقات کشورهای اسلامی، گفت: «سیاست سازمان، حضور چشمگیر و مؤثر در مسابقات بین‌المللی قرآن کشورها و ایفای نقش سازنده فرهنگی در این مسابقات است».

### تفسیر المیزان در صدر پرفروش‌ترین آثار قرآنی

مسؤول غرفه دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، از المیزان به عنوان پرفروش‌ترین اثر قرآنی این انتشارات طی بیش از ۲۰ سال گذشته یاد کرد. ابراهیم شرقی با بیان این نکته، درباره ویژگی این اثر گفت: «شهید مرتضی مطهری هر گاه قصد پیدا کردن موضوعی پیرامون اسلام را داشت، به تفسیر المیزان مراجعه می‌کرد و این موضوع خود بیانگر جامعیت و کامل بودن این اثر است». به گفته شرقی، انتشار المیزان برای برخی ناشران به صرفه نیست، بنابراین انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مسؤولیت چاپ مکرر آن را بر عهده گرفته است. تفسیر المیزان علامه طباطبایی(ره)، به همراه فهرست موضوعی آن در ۲۱ جلد گردآوری شده که با قیمت یک میلیون و ۵۳۵ هزار ریال به فروش می‌رسد.

### کتابخانه تخصصی مطالعات قرآنی آغاز به کار می‌کند

کتابخانه تخصصی مطالعات قرآنی تا پایان مهرماه در مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور به بهره‌برداری می‌رسد. مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور اقدام به تاسیس این کتابخانه کرده و برای این کار، تجهیز طبقه اول این مرکز آغاز شده است. این کتابخانه تخصصی که زمزمه‌های تاسیسش در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به صورت جدی مطرح شده بود، با ۱۵ هزار جلد کتاب در حوزه قرآن، علوم قرآنی، سیره، فقه و احکام کار خود را آغاز خواهد کرد.

### شروع فعالیت «مسجد مجازی»

مسجد مجازی توسط گروه فرهنگی - تبلیغی آسمانیان راه‌اندازی شد. ارائه خدماتی مانند مشاوره و گفتمان چهره به چهره اینترنتی، ارائه مشاوره دینی به جوانان به صورت آن لاین، تشکیل اتاق‌های فکر و کرسی‌های آزاداندیشی مجازی، برگزاری کنفرانس‌های مجازی با حضور اساتید و کارشناسان و پاسخگویی به سؤالات شرعی، اجتماعی و اعتقادی کاربران بخشی از برنامه‌های این سایت است. علاوه بر این در این سایت امکاناتی مانند دسترسی به روحانی، نوارخانه، کتابخانه، جلسات گفت‌وگوی آن لاین، کنفرانس، پرسش و پاسخ، مسابقات فرهنگی و چت‌روم تخصصی مبلغان پیش‌بینی شده است. این سایت به نشانی http://asemanian.com/fa/main-mo قابل دسترسی است.

# کتاب‌های مهم قرآنی دوباره ترجمه می‌شوند

مرکز سامان‌دهی ترجمه و نشر معارف اسلامی تصمیم دارد کتاب‌های با اهمیتی مثل نهج‌البلاغه و تفسیرهای قرآن را به زبان‌های مختلف ترجمه کند.

اصغر صابری - رئیس مرکز سامان‌دهی ترجمه و نشر معارف اسلامی - درباره آخرین فعالیت‌های مرکز سامان‌دهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی گفت: «این مرکز در سال ۸۶ با هدف انسجام و بازدهی مطلوب ترجمه‌های قرآنی تشکیل شده است». وی افزود: «مرکز سامان‌دهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی به عنوان یک مرکز دولتی و وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تشکیل شده که به دلایل مختلف نتوانسته تا امروز فعالیت گسترده‌ای را در این زمینه انجام دهد». وی ادامه داد: «با توجه به اهمیت کتاب‌هایی چون نهج‌البلاغه، تفسیرهای قرآن و کتاب‌هایی مثل الحیات، تصمیم داریم در این مرکز این آثار را به زبان‌هایی که ترجمه نشده، ترجمه و در ادامه ترجمه‌هایی را که با ضعف‌هایی روبه‌رو هستند، باز ترجمه کنیم».

### برای اولین بار در جهان منتشر شد

# تنها نمونه چاپی قرآن به خط ریحان

«قرآن ریحان» - تنها نمونه چاپی قرآن به خط ریحان در جهان - توسط انتشارات «مبلغان» منتشر شد.

این قرآن که به صورت نفیس چاپ شده، به قلم ریحان، خوشنویسی و با تذهیب‌های برجسته ایرانی - اسلامی تزئین شده است. وجود تهذیب‌های نفیس و رنگ‌های فراوان، این اثر را به نمونه‌ای بارز در هنر خوشنویسی و تذهیب تبدیل کرده است. قرآن ریحان که بر اساس شیوه رسم‌المصحف کتابت شده، تنها نمونه چاپی قرآن به خط ریحان در جهان است و تذهیب‌های به کار رفته در آن به شیوه تذهیب‌های دوران تیموری و صفویه است.

خوانا بودن کلمات و بهره‌مندی از اعراب گذاری دقیق، طراحی کتیبه‌های متعدد و مجلل برای سوره‌ها، شمسه‌های متنوع وقف، سه نوع فهرست با تذهیبات فاخر، تزئینات صفحات استقبال، دعای افتتاح و سوره‌های «حمد» و «بقره» از ویژگی‌های این قرآن نفیس هستند.

رعایت قواعد نحوی و علائم تجویدی و رنگ‌نویسی آنها برای جلوگیری از تداخل بین حروف، اعراب و علائم تجویدی، مشخص کردن محل آیات سجده با ترنجی در حاشیه و شمسه‌هایی برای آغاز اجزا و تقسیمات حزب و توضیحات تفصیلی درباره علائم تجویدی هم از دیگر ویژگی‌های این قرآن هستند.

قرآن ریحان به صورت گلاسه در ۶۶۷ صفحه با جلد چرم تیماج همراه با جعبه نفیس به همراه بروشور زبان انگلیسی و فارسی توسط انتشارات «مبلغان» منتشر شده است.

### پس از تصویب در شورای انقلاب فرهنگی

# منشور توسعه فرهنگ قرآنی ابلاغ شد

رئیس جمهور در راستای ارتقای التزام عملی به قرآن در ابعاد فردی و اجتماعی، دستیابی به جامعه‌ای متمسک به قرآن و عترت و برخوردار از ایمان و عمل صالح، گسترش فرهنگ حیات بخش قرآن کریم و ارتقای ایران به کشوری توسعه‌یافته با هویتی اسلامی-انقلابی، منشور توسعه فرهنگ قرآنی را ابلاغ کرد. این مصوبه در راستای دستیابی به جامعه‌ای برخوردار از ایمان و عمل صالح، تحقق اندیشه‌های معمار بزرگ انقلاب اسلامی(ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری در گسترش فرهنگ حیات بخش قرآن کریم، توسعه فرهنگ متاثر از قرآن و حاکم بر بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی در کلیه سطوح سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نظام، تصویب شده است. بر اساس این مصوبه، منشور توسعه فرهنگ قرآنی با هدف ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی، مؤسسات و گروه‌های فعال غیردولتی در جهت هم‌افزایی و ارتقای فعالیت‌های قرآنی در سطح ملی و بین‌المللی تصویب و ابلاغ شده است. این مصوبه در ده ماده و دو تبصره در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده و رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را برای اجرا ابلاغ کرده است.



### پاسخ‌های رئیس نمایشگاه به منتقدان

# ما گوشت گوساله و لامپ نفروختیم!

رئیس هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به انتقادات کارشناسان و بازدیدکنندگان واکنش نشان داد.

شاید آنچه امسال - حتی بیشتر از ایرادهای شکلی و محتوایی - گلایه کارشناسان را به دنبال داشت، فعالیت‌های غیرمرتبط با برنامه‌های نمایشگاه مانند فروش گوشت بود. محمدعلی خواجه‌پیری در توضیح این مسأله گفت: «فروش گوشت گوساله و لامپ به ما ارتباطی نداشت و خود مصلی بدون هماهنگی با ما اقدام به این کار کرده بود که در ادامه از این کار جلوگیری شد».

البته این تنها مشکلی نبود که خواجه پیری مصلی را مسؤول آن دانست؛ او در پاسخ به گلایه بازدیدکنندگان در مورد گرمای سالن مصلای تهران مشکلات فنی را دلیل راه‌اندازی نشدن سیستم سرمایشی مصلی اعلام کرد و توپ را در زمین مسؤولان مصلی انداخت؛ «مسؤولان مصلی سال گذشته قول دادند که سیستم‌های سرمایشی نمایشگاه را راه‌اندازی می‌کنند. اواخر کار هم اعلام کردند که سیستم تهویه قابل راه‌اندازی است اما در نهایت راه‌اندازی سیستم سرمایشی عملی نشد و فقط سیستم تهویه راه افتاد. بنابراین مصلی نتوانست به تعهداتش عمل کند و هزینه بسیار سنگینی هم به ما تحمیل شد. قرار بود مصلی را با شرایط مناسب تهویه تحویل بگیریم اما هزینه سنگینی بابت خرید کولر و ۲۵۰ دستگاه پنکه و نصب آنها پرداخت کردیم».

خواجه‌پیری دلیل عدم حضور رئیس‌جمهور در مراسم تجلیل از خادمان را چنین توضیح داد: «متأسفانه در بخش خادمان قرآن کریم چند سال است شاهد بی‌نظمی زیادی هستیم. حضور رئیس‌جمهور که در سالیان گذشته تقریبا تثبیت شده بود، در چند سال اخیر دچار اختلال شده است. علاوه بر این، برنامه رئیس‌جمهور دست ما نیست و ایشان شرایط کاری خودشان را دارند».

گلایه برخی ناشران درزمینه سختگیری بیش از اندازه مسؤولان نمایشگاه برای عرضه برخی کتاب‌ها موضوع دیگری بود که خواجه‌پیری به آن واکنش نشان داد؛ «نمایشگاه قرآن غیر از نمایشگاه کتاب است و افراد متدین و علاقه‌مندان به قرآن می‌آیند محصولات مطمئن فرهنگی یک سال خود را در این نمایشگاه تهیه و تأمین می‌کنند. آنها به انتخاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعتقاد دارند و ما هم ملزم هستیم به خاطر احترام به نظر مردم، محصولات فاخر را در نمایشگاه وارد کنیم. ما حتما از ورود کتاب‌های بی‌محتوا و مطالبی نظیر ارواح و جن و شب اول قبر که حالت بازاری دارد و با جلدهای ترسناک عرضه می‌شود، جلوگیری می‌کنیم».

رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور افزود: «عناوین کتاب‌هایی که به دلیل محتوای آنها از حضور در نمایشگاه منع شده‌اند، بسیار کم است. به نظر من این یک دست پنهانی است که به منظور خراب کردن اعتقاد مردم و بدبین کردن آنها نسبت به دین و ایجاد ترس نسبت به مسائل اعتقادی و دینی به خصوص در نوجوانان و جوانان که روح لطیفی دارند، به وجود آمده است. همچنین جریانی وجود دارد که این مسائل را سازمان‌دهی می‌کند. علاوه بر این برخی کتاب‌ها مشکل مجوز دارند. به طور مثال ناشری مجوز قرآن بدون ترجمه گرفته است و قرآن با ترجمه چاپ می‌کند یا مجوز قطع وزیری گرفته‌اند اما قرآن را در چهار قطع چاپ می‌کنند و این خلاف قانون است».

### انتقادهای ابوالفضل بهرام‌پور از نمایشگاه هفدهم قرآن:

# دیگر تخصصی نیست، عمومی شده!

ابوالفضل بهرام‌پور در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی قرآن از شیوه برگزاری آن انتقاد کرد. بهرام پور با بیان اینکه در این نمایشگاه اسم قرآن وجود دارد اما کلیت نمایشگاه به‌طور عملی قرآنی نیست، گفت: «فعالیت‌های هنری و ارائه لوح‌های فشرده در نمایشگاه قرآن به حدی پررنگ شده که نمی‌گذارد عنوان قرآن‌ای باقی بماند». این کارشناس قرآنی با ارائه این پیشنهاد که به جای برگزاری سالانه، نمایشگاه قرآن هر فصل یک بار برگزار شود، افزود: «خوب است این نمایشگاه با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هر شهری با همین امکانات رفاهی برگزار شود».

## از گوشه و کنار

### شورای قرآن در مناطق شهرداری تهران راه‌اندازی می‌شود

رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در همایش تجلیل از پیشکسوتان قرآنی اظهار کرد: «شهرداری تهران با مشارکت فرهنگسرای قرآن، شورای قرآن را در مناطق شهرداری راه‌اندازی می‌کند».

در هشتمین همایش تجلیل از پیشکسوتان قرآنی که ۱۴ شهریورماه در فرهنگسرای قرآن برگزار شد، محمدجواد شوشتری، رئیس سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران طی سخنانی اعلام کرد: «شهرداری تهران در نظر دارد با مشارکت فرهنگسرای قرآن، شورای قرآن را در مناطق شهرداری راه‌اندازی کند تا شهروندان هرچه بیشتر با قرآن کریم و مفاهیم آن آشنا شوند».

وی در ادامه گفت: «تمام تلاش سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران برای معنوی کردن فضای شهر تهران است و پیشکسوتان قرآنی با همکاری شهرداری تهران باید از جذابیت و توان قرآن کریم استفاده و فرهنگ اصیل قرآنی را در جامعه پیاده کنند».

### ثبت نام برای حفظ غیرحضوری قرآن

مؤسسه قرآن و نهج‌البلاغه از علاقه‌مندان برای شرکت در طرح حفظ غیرحضوری قرآن کریم دعوت کرد.

شرایط ثبت‌نام در این طرح، تسلط بر روانخوانی قرآن کریم است و در طول زمان برگزاری دوره برای متقاضیان بسته آموزشی شامل قرآن، کتاب، نوار و سی‌دی ارسال می‌شود. همه علاقه‌مندان به حفظ قرآن بدون محدودیت سنی می‌توانند در این طرح شرکت کنند.

آشنایی با ترجمه و مفاهیم آیات و روایات، گذراندن دوره‌های تجوید، صوت و لحن و شرکت در آزمون‌های حضوری و غیرحضوری مؤسسه از دیگر امتیازات این طرح است. مدت زمان این طرح چهار سال و دو ماه است اما کسانی که وقت و استعداد بیشتری دارند می‌توانند زودتر از موعد هم حفظ خود را به اتمام برسانند.

امکان ثبت نام اینترنتی در پایگاه این موسسه به نشانی www.2noor.com/qoran.htm فراهم است.

### اتحادیه جلسات قرآنی کشور تاسیس می‌شود

مسؤول امور قرآنی ستاد عالی کانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد کشور با اشاره به اینکه مدرسان جلسات قرآنی سراسر کشور در دومین همایش «مساجد و آموزش قرآن» دعوت به حضور می‌شوند، گفت: «پیرو تشکیل این همایش‌ها به زودی اتحادیه جلسات قرآنی کشور تاسیس می‌شود».

علی فربین، مسؤول امور قرآنی ستاد عالی کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد کشور با اشاره به بخشی از فعالیت‌های قرآنی این ستاد گفت: «این ستاد با دعوت از استادان قرآنی‌ای که در شهر تهران جلسات قرآنی برپا می‌کنند نشست‌هایی طی روزهای پنجم و ششم خردادماه سال جاری با عنوان «هم‌اندیشی مسجد و آموزش قرآن» برگزار کرد».

### آیت‌الله هاشمی رفسنجانی میزبان قاریان برتر کشور بود

# دلتنگ که می‌شوم، قرآن می‌خوانم

امسال هم به رسم هر ساله آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت نظام میزبان قاریان برجسته قرآن بود. در این دیدار که تعدادی از قاریان پرآوازه و فعالان جامعه قرآنی حضور داشتند، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به سابقه ۲۰ ساله برگزاری مراسم محفل انس با قرآن از سال ۶۸ تاکنون گفت: «باید ممنون باشم؛ این قبیل برنامه‌ها برای من سازنده است و ان‌شاءالله برای دیگران هم سازنده باشد».

رئیس مجلس خبرگان رهبری با توصیه به انس با قرآن گفت: «هیچ چیز بهتر از انس با قرآن نیست. قرآن سند دست‌نخورده‌ای است که نظیری در دنیا ندارد و کتاب‌هایی همچون تورات، انجیل، زبور و سایر کتب انبیا به سلامت قرآن نیستند. قرآن کتابی است که خداوند برای جلوگیری از تحریف آن تضمین داده است».

هاشمی رفسنجانی قرآن را معجزه خالقه اسلام دانست و افزود: «از لحاظ محتوا قرآن آن‌قدر غنی است که انسان هرچه دقت و تحقیق کند، دریچه‌ای جدید می‌بیند. اگر امت اسلامی قدر این نعمت را می‌دانستند، عظمت کل جهان اسلام در مقابل کفر و الحاد برای فرزندان و نسل جوان همیشه تضمین می‌شد».

وی با بیان اینکه مردم علاقه‌مند به قرآن هستند، گفت: «صداوسیما نیز روی برنامه‌های قرآنی خوب سرمایه‌گذاری و بر آن تاکید می‌کند. تا آنجا که ما با مردم سروکار پیدا می‌کنیم، می‌بینیم که آنها از قرآن بهره‌ها می‌برند».

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام چند توصیه هم برای قاریان داشت؛ «آنچه اکنون در دست شماست، همان کلامی است که خداوند از طریق جبرئیل در دل پیامبر(ص) نازل کرده و وقتی انسان قرآن می‌خواند، خیالش راحت است که کلمات خداوند را می‌بیند و این نعمت بزرگی است. به دستور خود قرآن، هر وقت می‌خواهید قرآن بخوانید از شر شیطان به خدا پناه ببرید و بدانید در نمازها، دعاها، زیارت‌ها و درست در بزنگاه‌ها شیطان به سراغ انسان می‌آید و حضور پیدا می‌کند تا ذهن انسان را به جای دیگری ببرد. دستور مکرر قرآن است که موقع قرآن خواندن به خدا پناه ببرید؛ چرا که پناه بردن به خدا احساس ویژه‌ای از آرامش به انسان می‌دهد. سعی کنید که بیشتر با مفاهیم قرآن آشنا شوید. ممکن است کسی عربی خوب متوجه نشود ولی تفسیرها و ترجمه‌های خوبی وجود دارد. باید تلاش کنید وقت خود را صرف مطالعه قرآن کنید. اگرچه با صرف وقت خود به مطالعه قرآن بخش کمتری از آن را می‌خوانید اما محتوای قرائت را باید همیشه مدنظر داشت».

هاشمی رفسنجانی به دوران زندانش اشاره کرد و گفت: «زمانی که در زندان بودیم، وقتی در انفرادی که انسان هیچ چیز جز دیوار نمی‌بیند، قرآن در اختیار ما قرار دادند، درهای بهشت به رویمان باز شد. مدام با قرآن ذهن خودم را از زندان بیرون می‌بردم. من در تجربه شخصی خودم در طول ۶۰ سالی که با قرآن سر و کار دارم، هیچ سند، کتاب، شعر و فیلمی نتوانسته به اندازه قرآن در وجود من اثر بگذارد. هر وقت ناراحت و دلتنگم، قرآن می‌خوانم یا به حافظه‌ام رجوع کرده و برخی آیات را مرور می‌کنم».

# برنامه‌های تفسیر رادیو قرآن متحول می‌شوند

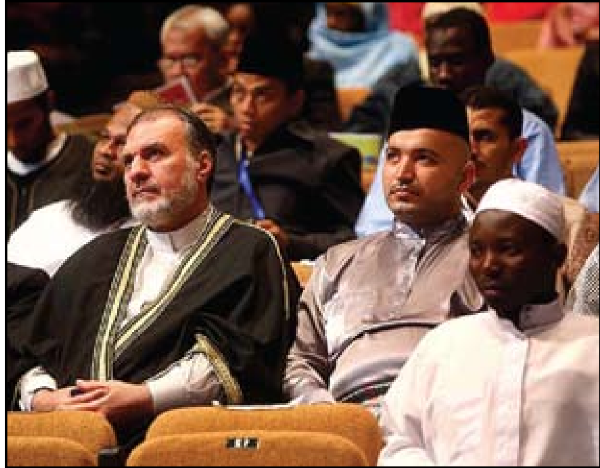
مدیر گروه قرآن و تفسیر رادیو قرآن، غنی‌سازی برنامه‌های تفسیری را از اولویت‌های این گروه اعلام کرد و گفت که رادیو قرآن توانایی جریان‌سازی در فضای قرآنی و تفسیری کشور را دارد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد شیخ‌الاسلامی گفت: «باید توانایی جریان‌سازی در فضای قرآنی و تفسیری کشور را داشته باشیم زیرا نگاهی که در این گروه وجود دارد، حتی می‌تواند فضای دانشگاه‌ها را هدایت کند که این کار تعامل با نخبگان حوزوی و دانشگاهی را هم به دنبال خواهد داشت».

وی با اشاره به وجود دیدگاه‌های متعدد درباره تفسیر قرآن افزود: «ضعف از ماست که نتوانسته‌ایم برنامه‌های مورد پسندی برای جوانان و عامه مردم در رادیو و تلویزیون داشته باشیم چراکه تفسیر قرآن گاهی اوقات جای خود را به بررسی‌های قرآنی داده است».

مدیر گروه قرآن و تفسیر رادیو قرآن با تاکید بر لزوم تحول در برنامه‌های تفسیری این رادیو، گفت: «چون قالب این برنامه‌ها به شکل سخنرانی بوده، بهتر است به عنوان نمونه تفسیر حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی را با طرح سؤالاتی مناسب و کاربردی از یک برنامه تأمینی به یک برنامه تولیدی مرتبط با تفسیر تبدیل کنیم.

همچنین می‌توانیم تفسیر موضوعی با موضوع‌یابی و مسأله‌یابی از داخل قرآن و هم برنامه زنده بحث و گفت‌وگوی تفسیری با مباحثات و مناظره‌های تفسیری - به ویژه در ماه مبارک رمضان - را با افق‌های جدیدتر در دستور کار این گروه قرار دهیم».



### مسابقات بین‌المللی قرآن مصر آغاز شد

## رقابت حرفه‌ای‌ها

مسابقات بین‌المللی قرآن مصر از شانزدهم شهریور در پنج رشته آغاز شد. پایگاه اطلاع‌رسانی الیوم السابع از استقبال کشورهای اسلامی از مسابقات بین‌المللی قرآن مصر خبر داد و نوشت: «۹۵ شرکت کننده به نمایندگی از ۶۲ کشور از سراسر جهان در هفدهمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم مصر حضور دارند». عبدالقادر سرحان - مسؤول دفتر وزیر اوقاف مصر در قاهره و ناظر برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم مصر - در توضیح تفاوت‌های این دوره از مسابقات با دوره‌های قبل گفت: «اختصاص دو مکان برای اجرای رقابت‌های مسابقات و تشکیل دو کمیته داوری متشکل از متخصصان قرآنی کشورهای مختلف ویژگی نمایشگاه امسال است. علاوه بر این امسال برای نخستین بار مسابقات مرحله دوم (مرحله نهایی) مصر که شامل رقابت سه برگزیده اول هر رشته می‌شود، از شبکه فرهنگی تلویزیون مصر به صورت زنده پخش می‌شود تا برای اجرای دقیق عدالت در انتخاب برگزیدگان مسابقه، شفاف‌سازی کرده باشیم». در مسابقات امسال کمیته اول داوری از کشورهای مصر، لیبی، سنگال، لبنان و عربستان سعودی انتخاب شده‌اند که رشته‌های اول، چهارم و پنجم مسابقه را داوری خواهند کرد. دومین کمیته داوری متخصصان قرآنی از کشورهای مصر، تونس، سوریه، مراکش و سودان هستند که داوری در رشته دوم و سوم مسابقات را انجام می‌دهند. شیخ ابوالعینین شعیشع - از قاریان ممتاز مصری - هم به عنوان داور برتر و مسؤول دو کمیته داوری مسابقات در صورت ایجاد اختلاف انتخاب شده است. جلال رضایی نماینده ایران در دوره پانزدهم این مسابقات موفقیتی کسب نکرد اما سال گذشته و در شانزدهمین دوره این مسابقات شجاع زویدات - حافظ خوزستانی ایران - رتبه نخست را کسب کرد. گفت‌وگوی اختصاصی همشهری آیه با زویدات را در صفحه۳۵-۳۴ بخوانید.

## توزیع رایگان قرآن در یمن

طرح توزیع رایگان نسخه‌های قرآن کریم در یمن با شعار «هر شهروند یک قرآن» از هفته دوم شهریور به همت اداره مساجد وزارت اوقاف و ارشاد اسلامی یمن در شهرهای مختلف این کشور آغاز شد. این طرح تا پایان ماه مبارک رمضان و با همکاری مؤسسه توسعه انسانی التواصل، مؤسسه خادم کتاب‌الله و شورای جوانان دبیرخانه دفتر وزارت اوقاف یمن در شهر صنعا اجرا می‌شود. محمد رزق الصرمی - معاون وزارت اوقاف و ارشاد اسلامی یمن - در مراسم افتتاح این طرح در صنعا - پایتخت یمن - گفت: «کمک به اجرای طرح توزیع قرآن کریم و صندوق‌های حفظ و نگهداری نسخه‌های قرآن در میان مردم یمن وظیفه دینی و شرعی هر شهروند است». او از خطیبان مساجد، مبلغان و رسانه‌های تبلیغاتی یمن خواست شهروندان این کشور را با اهمیت حفظ و قرائت آیات قرآن کریم و نگهداری از نسخه‌های قرآن در صندوق‌های ویژه آگاه کنند. مدیر اداره مساجد وزارت اوقاف و ارشاد اسلامی این کشور گفت که یمنی‌ها تاکنون استقبال خوبی از این طرح کرده‌اند.

همچنین مسابقات سالانه و سراسری حفظ و قرائت قرآن کریم ویژه دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی یمن از ۱۴ شهریورماه در صنعا - پایتخت این کشور - آغاز شد. این مسابقات به همت اداره کل فعالیت‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش یمن و در دو رشته حفظ و قرائت ۲۰ جزء و ۱۰ جزء آیات قرآن برگزار می‌شود.

عبدالسلام قاسم - ناظر برگزاری مسابقات - در توضیح شیوه اجرای این مسابقات گفت: «در این مسابقات از هر استان یمن سه دانش‌آموز دختر و پسر به همراه مسؤول اداره فعالیت‌های تحصیلی هر استان حضور دارند که در رشته حفظ و قرائت به رقابت می‌پردازند». کمیته داوران این مسابقات متشکل از سه استاد قرآنی یمن است که از مجموع ۱۰۰ نمره، ۴۵ نمره برای حفظ، ۴۵ نمره برای قرائت صحیح و ۱۰ نمره برای توانایی شرکت کننده در ادای حفظ و صوت قرآنی اختصاص خواهند داد». همزمان با این مسابقات، سیزدهمین دوره مسابقه قرائت قرآن در جده هم آغاز به کار کرد. این مسابقات با همکاری سرکنسولگری فیلیپین در عربستان ویژه افراد زیر ۱۲ سال و به مدت دو هفته برگزار می‌شود.

### خبرهای کوتاه

#### این سایت حلال است!

موتور جست‌وجوی «I'mHalal.com» (من حلال هستم) راه‌اندازی شد. این موتور جست‌وجو با هدف ارائه خدمات به مسلمانان در انگلستان آغاز به کار کرده و سایت‌هایی را که از نظر شریعت اسلامی مناسب نیستند یا حاوی مطالب موهن نسبت به مسلمانان و حضرت محمد(ص) هستند را به صورت خودکار فیلتر کرده و در نتایج جست‌وجو نشان نمی‌دهد.

مدیران این سایت با اشاره به افزایش روزافزون تعداد کاربران مسلمان، هدف از راه‌اندازی موتور جست‌وجوی اسلامی را ارائه خدمات بهتر و مطابق با تعالیم دینی به جامعه اسلامی سراسر جهان اعلام کردند. در ابتدای این سایت نوشته شده است: «من به دنبال مطالب حلال می‌گردم چراکه من مسلمانم».

#### نمایشگاه خوشنویسی قرآنی در هرات افغانستان

نمایشگاه آثار خوشنویسی قرآنی هنرمندان ایرانی و افغان همزمان با هفته قرآنی شهر هرات در این شهر، فعالیت خود را آغاز کرد. در این نمایشگاه ۲۵ اثر هنری در قالب چلیپا، کتابت و قطعات خطاطی از سید علیرضا امیری - هنرمند ایرانی - و ۱۵ تابلو در قالب نستعلیق، ثلث و معلی از نجیب‌الله انوری - خطاط ایرانی - به نمایش گذاشته شده است.

#### کمیته مرکزی قرآن در دانشگاه‌های عراق

وزارت آموزش عالی و پژوهش علمی عراق از دانشگاه‌های عراق خواست کمیته مرکزی قرآن کریم تأسیس کنند. وزیر آموزش عالی و پژوهش علمی عراق با صدور دستوری، دانشگاه‌ها و انجمن‌های وابسته به دانشگاه‌های این کشور را موظف کرد در راستای اجرای مصوبه هیأت وزیران هر چه سریع‌تر کمیته مرکزی قرآن را تشکیل دهند. عبدذیاب العجیلی گفت: «ایجاد هماهنگی لازم با استانداران، ارائه پیشنهادات در زمینه فعالیت‌ها و برنامه‌های قرآنی و انتخاب یکی از اعضای کمیته به عنوان نماینده دانشگاه در کمیته قرآن کریم استان از جمله وظایف این کمیته است. همچنین کمیته عالی قرآن کریم عراق هم مسؤول برپایی گردهمایی کمیته‌های فعال قرآنی استان‌های عراق و منطقه کردستان این کشور است و این کمیته، همایش مؤسسه‌های دولتی قرآنی عراق را ساماندهی می‌کند».

#### نمایشگاه قرآن در الجزایر

پنجمین نمایشگاه سراسری قرآن کریم الجزایر به مناسبت ماه رمضان از ۸ شهریورماه در مرکز اسلامی-فرهنگی شهر برج بوعریریج (شرق این کشور) افتتاح شد.

در این نمایشگاه، ۷۵ مؤسسه انتشاراتی الجزایر آخرین انتشارات خود با موضوع نسخه‌هایی از قرآن کریم را در اندازه‌های مختلف، کتاب‌هایی با موضوع علوم و تفسیر قرآن کریم و کتبی علمی، ادبی، دینی و تاریخی به نمایش گذاشته‌اند.

### دارالافتای مصر:

## شنیدن قرآن در اماکن اداری مشکلی ندارد

دارالافتای مصر با صدور بیانیه‌ای، فتوای جایز نبودن شنیدن آیات قرآن در وسایل نقلیه عمومی و محیط‌های اداری را رد کرد و گوش فرادادن به نوار قرآن را در این اماکن امری جایز دانست. این فتوای مرجع عالی مصری پس از آن صادر شد که فتوای جمال قطب - شیخ پیشین الأزهر مبنی بر جایز نبودن شنیدن آیات قرآن در اماکن اداری - اختلاف نظرهای زیادی در مصر ایجاد کرد. موافقان فتوای جمال قطب، شنیدن آیات قرآن در اماکن عمومی و اداری را هتک حرمت به قرآن می‌دانند و مخالفان آن معتقدند هیچ مانع شرعی‌ای در گوش فرادادن به قرآن در محیط کار نیست. جمال قطب اخیرا در فتوای خود گفته بود: «شنیدن آیات قرآن در محیط کار و وسایل نقلیه باعث ایجاد سردرگمی در ارتباط با قرآن می‌شود و طبیعی است روشن کردن نوار قرآن در وسایل نقلیه عمومی، مسافران مشغول و خسته را به دلیل عدم آمادگی برای حسن تدبر در آیات قرآن در تنگنا قرار می‌دهد». پس از این اظهار نظر سعاد صالح - استاد فقه تطبیقی دانشگاه الازهر - طبق آیه «وإذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلكم ترحمون» و اینکه شنیدن قرآن نیازمند تامل و تدبر است با فتوای جمال قطب موافقت کرد.

اما دارالافتای مصر با تاکید بر اینکه گوش فرادادن به قرآن در محیط کار هیچ‌گونه مغایرتی با تدبر در مفاهیم آن ندارد، با صدور فتوایی اعلام کرد: «هیچ مانع شرعی‌ای وجود ندارد. اگر مسلمانان نوار قرآن را روشن کنند و سهوا به آن گوش فرانداده و مشغول کار و فعالیت خویش شوند که این مطلب منافی با سخن خداوند نیست.

### سال آینده و برای نخستین بار برگزار می‌شود

## مسابقات قرائت و ترجمه قرآن در ترکیه

برای اولین بار، مسابقات سراسری قرائت و ترجمه قرآن کریم به همت انجمن درک مفاهیم قرآنی ترکیه (KAB)، اوایل ماه میلادی ژوئن سال ۲۰۱۰ در استانبول برگزار می‌شود. انجمن درک مفاهیم قرآنی با انتشار بیانیه‌ای هدف از برگزاری این مسابقات را تشویق قشر جوان و نوجوان ترکیه برای قرائت قرآن کریم و یادگیری ترجمه ترکی آن و همچنین ترویج فرهنگ قرائت و گوش دادن به آیات کلام وحی اعلام کرد.

بر اساس این بیانیه این مسابقات در سه مرحله برگزار خواهند شد؛ مرحله استانی ۲۴آبان(۱۵نوامبر) در تمام استان‌های کشور برگزار شده و مرحله منطقه‌ای ۱۸بهمن(۷فوریه) در میان نفرات برگزیده استان‌های مختلف برگزار خواهد شد. سی‌ام ماه می‌میلادی زمان برگزاری مرحله نهایی اعلام شده است. سؤالات مربوط به ترجمه و تفسیر قرآن از کتاب «فیض‌الفرقان» مطرح خواهد شد و تمامی علاقه‌مندان قرآن در رده سنی بین ۱۵ تا ۴۰سال می‌توانند در این مسابقات شرکت کنند. هشتم آبان(۳۰اکتبر) آخرین مهلت ارسال درخواست علاقه‌مندان به شرکت در این مسابقه اعلام شده است. ۱۰هزار لیره ترک برای نفر اول، ۷۵۰۰ لیره برای نفر دوم و ۵ هزارلیره برای نفر سوم جوایز این مسابقات هستند.

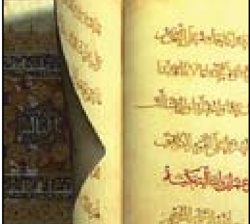
### در نمایشگاه قرآن امسال

## غرفه چین شلوغ‌تر از همه جاست

هنرمندان و خوشنویسان قرآنی چین از طریق خوشنویسی مستقیم آیاتی از قرآن و اهدای رایگان آن به بازدیدکنندگان، توانستند پربیننده‌ترین بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن هفدهم را به خود اختصاص دهند. خوشنویسان و هنرمندان چینی، در نخستین روزهای آغاز به کار این بخش با خطاطی آیاتی از قرآن کریم و توزیع رایگان آن در میان بازدیدکنندگان باعث رونق بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن و ازدحام بازدیدکنندگان در غرفه چین شدند. همچنین، خوشنویسان قرآنی عراق هم با خوشنویسی نام ائمه اطهار(ع) با عنوان یاحسین(ع)، یاعلی(ع) و یا فاطمة الزهراء(س)، و اهدای رایگان آن به شهروندان، توانستند توجه بازدیدکنندگان را به غرفه عراق جذب کنند. غرفه جمعیت القرآن‌الکریم لبنان هم پوسترهایی از قاریان برگزیده جهان اسلام و تصاویری از - سید حسن نصرالله - دبیرکل حزب‌الله لبنان در میان بازدیدکنندگان توزیع کردند. در نمایشگاه امسال اگرچه کشورهای‌های خارجی حضور کمرنگی داشتند - اما ابتکار خوشنویسان چینی و عراقی باعث رونق این بخش و استقبال بازدیدکنندگان شد.



## بزرگ‌ترین مرجع و بانک اطلاعات قرآنی در قم تولید شد



بزرگ‌ترین مرجع جهانی و بانک اطلاعات قرآنی کشور توسط پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا) تولید و روانه بازار شد.

مدیر پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا هدف از تولید این مجموعه را کمک به تحقیق و پژوهش قرآن‌پژوهان و ارائه مرجعی غنی از آخرین یافته‌ها و پژوهش‌های قرآنی و تقریب محققان به یکدیگر دانست و گفت: «این مرجع قرآنی به عنوان بیستمین تولید موفق نرم‌افزاری و در ادامه عرضه محصولات منبع‌شناسی و کتاب‌شناسی توسط این موسسه ارائه شده است».

امیر حسین شرافت با بیان اینکه این مرجع قرآنی حاوی اطلاعات ۳۵ هزار منبع با محوریت قرآن، علوم و معارف قرآنی است افزود: «تمام کتاب‌ها، مقاله‌ها، مجموعه‌ها و پایان نامه‌ها که در موضوعاتی چون تفسیر، ترجمه، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اعجاز قرآنی، قسم‌ها و مثل‌ها، اوصاف قرآن و... نوشته شده‌اند، بخشی از منابع معرفی شده در این لوح فشرده هستند». در این مرجع، امکان استفاده بدون محدودیت زبانی و تاریخی از منابع، تحقیق و پژوهش‌هایی که در زمینه قرآن توسط نویسندگان ایرانی و خارجی نگاشته شده، وجود دارد.

### استقبال خاموشی از نامگذاری روز ملی چاپ

## چاپ قرآن باید توسعه پیدا کند

پس از آنکه خبرگزاری قرآنی ایرنا پیشنهاد کرد یک روز در تقویم با عنوان «روز ملی چاپ قرآن» نامگذاری شود، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی از این پیشنهاد استقبال کرد و این ابتکار را زمینه‌ساز توسعه ظرفیت صنعت چاپ قرآن دانست.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی گفت: «پیشنهاد نامگذاری روزی به نام روز ملی چاپ قرآن در تقویم جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های موجود در ایران برای چاپ قرآن پیشنهاد بسیار خوبی است که اگر به شورای فرهنگ عمومی ارائه شود، مدافعان زیادی خواهد داشت». عضو شورای فرهنگ عمومی افزود: «اگر چنین روزی در تقویم جمهوری اسلامی ایران ثبت شود، هم حرکتی تبلیغی است و هم ترویجی و در مجموع به نفع صنعت چاپ قرآن کشور خواهد بود؛ ضمن اینکه موجب گسترش کمی و کیفی صنعت چاپ قرآن می‌شود». وی تاکید کرد: «البته نباید از نظر دور داشت که نامگذاری چنین روزی بهانه‌ای برای عملکرد بهتر است. ظرفیت‌های حوزه چاپ و نشر قرآن باید به روش‌های مختلف توسعه پیدا کنند. یکی از روش‌ها هم ثبت روزی به نام چاپ قرآن است تا در این روز ناشران و قرآن‌پژوهان اهتمام ویژه‌ای به قرآن و چاپ آن داشته باشند».

### سخنگوی شهرداری تهران اعلام کرد:

## احداث بزرگ‌ترین مرکز قرآنی در تهران

سخنگوی شهرداری تهران از ساخت بزرگ‌ترین مجموعه قرآنی جهان اسلام در مساحتی به وسعت ۶۰هزار متر مربع در تهران خبر داد.

محمدهادی ایازی با اعلام این خبر گفت: «ما این افتخار را داریم که در مجموعه شهرداری در حوزه‌های فرهنگی نقش ایفا کنیم؛ چرا که پرداختن به موضوعات قرآنی و تقویت باورهای دینی جوانان را وظیفه خود می‌دانیم». وی افزود: «بر همین اساس، شورای عالی قرآنی شهرداری تهران که حجت‌الاسلام سیدمهدی خاموشی (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی) و لاله افتخاری (عضو کمیسیون فرهنگی مجلس) از اعضای آن هستند، درصدد است بزرگ‌ترین مجموعه قرآنی جهان اسلام را با هدف توسعه فرهنگ قرآنی در مجموعه عباس‌آباد در حاشیه بزرگراه حقانی راه‌اندازی کند». ایازی افزود: «تمام موضوعات مربوط به قرآن در هفت تالار پیش‌بینی شده که در این تالارها، داستان‌های قرآنی به تصویر کشیده خواهند شد و برنامه‌های قرآنی برای شهروندان به نمایش درخواهند آمد». وی تاکید کرد که در هیچ جای کشور و حتی در جهان اسلام نظیر این مجموعه وجود ندارد.

### شهربه‌شهر

#### پوشش شبکه قرآن در مازندران ضعیف است

مسؤول دارالقرآن اداره کل تبلیغات اسلامی مازندران با اشاره به وجود مشتاقان جوان فعالیت‌های قرآنی در استان از ضعیف بودن پوشش شبکه قرآن در مازندران انتقاد کرد.

سعید قربانی با اشاره به اینکه بسیاری از مردم مناطق استان از پوشش شبکه قرآن محروم هستند از صدا و سیما خواست که هرچه سریع‌تر برای حل این مشکل اقدام کند.

#### طرح احیا برای دانش‌آموزان زنجانی

طرح احیا در شب‌های قدر برای دانش‌آموزان استان زنجان در ماه رمضان از سوی سازمان دانش‌آموزی استان برگزار می‌شود.

رئیس سازمان دانش‌آموزی استان زنجان با بیان اینکه برنامه‌های امسال متفاوت از سال‌های قبل خواهد بود، گفت: «حدود هزار نفر در مقاطع راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی در ویژه‌برنامه این سازمان برای شب‌های قدر که همراه با نشست‌های معرفتی دانش‌آموزان با علماست، شرکت خواهند کرد».

#### مرکز مشاوره قرآنی در اردبیل

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل گفت: «مراکز مشاوره قرآنی با هدف کمک گرفتن از معارف و مبانی قرآن در زندگی اجتماعی در شهرهای استان اردبیل راه‌اندازی می‌شود».

عظیم ابراهیم‌پور با بیان اینکه بعد از اردبیل، این مرکز در پارس‌آباد راه‌اندازی می‌شود افزود: «با اینکه پارس‌آباد یک شهرستان مرزی است اما با توجه به اعلام نیاز اهالی پیش بینی می کنیم استقبال خوبی از انجمن قرآن و نهج‌البلاغه در این منطقه بشود».

#### تکریم قاریان قرآن محلات

کارشناس فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی محلات از برگزاری مراسم تکریم از قاریان، حافظان و مربیان قرآن کریم در این شهرستان خبر داد. رضا پورمومن گفت: «این برنامه در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان و در سالن اجتماعات موسسه مهد قرآن کریم این شهرستان برگزار می‌شود. علاوه بر این قرار است یک نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی با ۷۰۰عنوان کتاب در ۱۰ هزار جلد با موضوعات مذهبی، قرآنی، علمی و فرهنگی آغاز به کار کند».

#### محافل انس با قرآن هر شب در شاهرود برگزار می‌شود

برگزاری شبانه محافل انس با قرآن تا پایان رمضان در شاهرود ادامه دارد. در این مراسم که هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۳:۳۰ برگزار می‌شود، علاوه بر تلاوت یک جزء از قرآن توسط قاریان و حافظان منتخب استانی و کشوری، برنامه تفسیر قرآن و مسابقات مفاهیم قرآن کریم هم با حضور دانشگاهیان و عموم مردم برگزار می‌شود. رئیس دانشگاه پیام نور شاهرود و سرپرست دانشگاه پیام نور میامی گفت: محافل انس با قرآن کریم تا پایان ماه مبارک رمضان هر شب در شاهرود برگزار می‌شود.



### به دعوت فراکسیون قرآن مجلس شورای اسلامی

## وزیران مرتبط با قرآن به خانه ملت می‌روند

نخستین اقدام فراکسیون قرآن بعد از تشکیل دولت دهم، دعوت از وزرای مرتبط با موضوع قرآن برای ساماندهی فعالیت‌های قرآنی و اجرای طرح جامع خدمات‌رسانی به فعالان قرآنی است.

لاله افتخاری - رئیس فراکسیون قرآن مجلس - با اشاره به اجرای جدیدترین برنامه فراکسیون قرآن گفت: «پس از تصویب نهایی «منشور توسعه فرهنگ قرآنی» در ماه گذشته، منتظر تشکیل و رای اعتماد به وزرای دولت دهم بودیم تا جدیدترین اقدام فراکسیون قرآن را اجرا کنیم».

این نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: «اولین اقدام، دعوت از وزرای مرتبط با موضوع قرآنی و ساماندهی فعالیت‌ها در حوزه‌های پژوهش، آموزش و تبلیغ و ترویج قرآن است».

وی افزود: «در طرح منشور توسعه فرهنگ قرآنی، جایگاه متولی قرآنی مشخص شده و آموزش و پژوهش تخصصی قرآن تحت نظر وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، آموزش عمومی قرآن زیر مجموعه وزارت آموزش و پرورش و تبلیغ و ترویج قرآن زیر نظر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار می‌گیرد». رئیس فراکسیون قرآن خاطرنشان کرد: «قبل از رای اعتماد، با وزرای این وزارتخانه‌ها در این باره جلسه داشتیم و دیدگاه‌های خوبی از آنها شنیدیم که بعد از شروع کار دولت، این برنامه را انجام خواهیم داد».

وی عنوان کرد: «سه وزارتخانه مذکور هریک باید سه نفر را برای ریاست این کمیسیون‌ها به مجلس معرفی کرده و هرکدام باید دارای صلاحیت‌ها و قابلیت‌های قرآنی خوبی باشند. در نتیجه این سه نفر، فراتر از یک وزیر قرآن اعتبار اجرایی دارند».

افتخاری ادامه داد: «قدم بعدی این فراکسیون، اجرای طرح جامع خدمات‌رسانی به فعالان قرآنی است که مدت‌هاست اجرای آن در گرو تصویب نهایی منشور قرآنی بود که بحمدالله این طرح‌ها به زودی بعد از تشکیل دولت، اولین اقدام فراکسیون قرآن خواهد بود».

### در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم انجام شد

## تجلیل از ۱۴ خادم کهنسال قرآن

یک عمر تلاش قرآنی ۱۴ خادم معمر بالای ۸۰ سال از جمله آیات‌عظام مکارم‌شیرازی و سبحانی در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن مورد تجلیل قرار گرفت.

مراسم تجلیل از ۱۴ خادم قرآنی در شبستان اصلی مصلی و با حضور رئیس نمایشگاه و همچنین مدیر بخش خادمان قرآن هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شد. براساس این گزارش در ابتدای مراسم، محمدعلی خواجه‌پیری گفت: «خادمان قرآن کریم عمر خود را صرف احیای معارف قرآن، اهل‌بیت(ع) و ارزش‌های اسلامی کردند که با رتبه و درجه نمی‌توان واقعیت شأن این بزرگواران را نشان داد».

رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی با اشاره به حرکت پسندیده نمایشگاه بین‌المللی قرآن برای تجلیل از خادمان قرآن کریم اظهار داشت: «برای انتخاب خادمان قرآن کریم با مشکل روبه‌رو بودیم و نمی‌توانستیم فردی را که ۸۰ سال از عمر خود را در راه قرآن صرف کرده است، خادم قرآنی بنامیم. به همین منظور سه سطح خادم قرآنی، فعال ممتاز قرآنی و فعال برگزیده قرآنی را تعیین کردیم».

خواجه‌پیری با اشاره به اینکه تجلیل از خادمان قرآن کریم هرچند گویای زحمات آنان نیست اما این کار وظیفه ماست، افزود: «ما با این کار به نسل‌های بعدی نشان می‌دهیم کسی که در خدمت قرآن و دین باشد از مقام و منزلت بالایی برخوردار است و تقدیر از این خادمان سبب می‌شود جوانان بدانند که چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی در دوران غربت و دوری از فضای قرآنی، چه آثار ارزشمند و نفیسی را ارائه کرده‌اند».

رئیس هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در ادامه تصریح کرد: «ما خود را قدردان خادمان قرآنی می‌دانیم و به عنوان شاگردانی کوچک آثار علمی، هنری و فرهنگی شما را تحسین می‌کنیم».

خواجه‌پیری در پایان خاطرنشان کرد: «برگزاری نمایشگاه بین‌المللی قرآن نتیجه زحمات و فعالیت‌های این خادمان قرآنی است چراکه این نمایشگاه از آثار، تالیفات و سخنان آنها ساخته شده و در کارنامه اعمالشان نوشته خواهد شد».

در پایان این مراسم از حضرات آیات ناصر مکارم‌شیرازی، جعفر سبحانی، سیدعلی‌اکبر قرشی، ابوالقاسم خزعلی، محمد واعظ‌زاده‌خراسانی، سیدهاشم رسولی‌محلاتی، سیدرضی شیرازی، دکتر ابوالقاسم گرجی، استادابراهیم پورفرزیب، استاد محمود فرشچیان، زهرا بیگم‌روستا، سیدمحمد ضیاءآبادی، زینب‌السادات همایونی و اکبر صولتی کرمانی به عنوان ۱۴ خادم قرآنی قدردانی شد.





شهریار پرهیزکار در گفت‌وگوی اختصاصی با آیه از مشکلات جامعه قرآنی می‌گوید
او معتقد است برنامه‌های قرآنی صداو سیما باید در تمام شبکه‌ها پخش شوند

# شبکه قرآن را تعطیل کنید!

روح‌الله رجایی

**همه چیز با صدای تلاوت مادری شروع شد که البته قرآن را خیلی هم حزن‌انگیز می‌خواند. پسر خانواده مجذوب همین قرآن خواندن‌های مادر شد. بعد از آن، تفریحش این بود که گوشه‌ای می‌نشست و برای خودش مسابقه قرآنی برگزار می‌کرد. خودش را جای قاری مسابقات می‌گذاشت و قرآن می‌خواند. بعد هم داور می‌شد و... این چنین بود که زندگی قرآنی شهریار پرهیزکار آغاز شد. مسیری که در سال‌های کودکی آغاز کرد، در سال‌های جوانی نام او را به عنوان حافظ و استاد ترتیل قرآن بر سر زبان‌ها انداخت. آن سال‌ها از این همه حافظ قرآن خبری نبود. پرهیزکار حسابی پرآوازه شد. حالا چند سالی است که حنجره استاد مشکلاتی دارد و دیگر نمی‌تواند مثل سال‌های دور بخواند. اما همچنان همه از او به عنوان استاد سرشناس ترتیل و البته حفظ قرآن یاد می‌کنند.**



**آقای پرهیزکار، دختر خانم‌های شما حافظ کل قرآن هستند؟**

نخیر، حافظ کل قرآن نیستند، البته جسته و گریخته چیزهایی حفظ دارند. البته خب ما...

**انگار توقع و تصور عده‌ای این است که فرزند کسانی که حافظ کل قرآن هستند، حتما حافظ همه قرآن باشند...**

بله، خیلی‌ها اینجوری فکر می‌کنند و البته که اشتباه است. ما از اول هم بنا نداشتیم که الزام کنیم و بگوییم چون بنده حافظ قرآنم حتما بچه‌هایم این طور باشند. خواستیم که اگر این کار را می‌کنند، به میل خودشان باشد. البته خود بچه‌ها هم بی‌علاقه نیستند. اما هر چیزی زمانی دارد که اگر به آن نقطه زمانی برسد همه کارها به خوبی انجام خواهد شد.

البته من الان هم ناامید نیستم که بچه‌ها به فکر حفظ قرآن بیفتند و بخواهند به صورت جدی حافظ قرآن بشوند. ظرفیتش هم هست، چون در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که قرآن در همه بخش‌هایش هست. شاید روزی به این نقطه برسند که خودشان بخواهند حافظ کل قرآن بشوند.

**یعنی شما در حالی که برای حافظ کل شدن فرزندانتان اجباری ندارید، علاقه‌تان را هم برای رفتن آنها به این سو پنهان نمی‌کنید.**

همین طور است! حتی برایشان جایزه تعیین کرده‌ام. به آنها گفته‌ام هر صفحه از قرآن را که حفظ کنید، من هم مبلغی به شما هدیه می‌دهم. این به جز ماهیانه‌ای است که می‌گیرند. یک جور جایزه نقدی فقط برای حفظ قرآن.

**هر صفحه قرآن را دقیقا چند حساب می‌کنید؟!**

مبلغ ثابتی نبوده. از ۵۰۰ تومان شروع شده و به هزار تومان رسیده است.

**اینکه عبارت «چند حساب کردید» را به کار بردم، چون بعضی‌ها می‌گویند نباید این جور با حساب و کتاب و ابزارهای تشویقی پولی به بچه‌ها قرآن یاد داد!**

چرا که نه! این مشوق‌ها خیلی هم می‌تواند مؤثر باشد. من به اینکه کسانی می‌گویند مسائل قرآنی و حفظ و انس با قرآن را با مسائل مادی مخلوط نکنید، خیلی اعتقاد ندارم چون بچه‌ها با این کار تشویق می‌شوند و وقتی بزرگ‌تر شدند، دیگر جایزه برایشان بی‌معنا می‌شود. پول در مقابل آن چیزی که به دست آورده ارزشش را از دست می‌دهد. الان هم در جلسات و محافلی که می‌روم از من سؤال می‌کنند اینکه ما بچه‌ها را عادت بدهیم که پول بگیرند و قرآن را حفظ بکنند، خوب است؟ می‌گویم، بله! خوب است. اصلا شما به او بگویید که من این مبلغ را می‌دهم، شما این قدر حفظ کن! به وقتش خواهد فهمید که چه کار باید بکند.

**اما مشکل اینجاست که بعضی والدین خیلی روی حافظ قرآن شدن فرزندشان اصرار دارند. این مساله اگر منطقی نباشد، آفت‌هایی هم دارد.**

من خانواده‌هایی را می‌شناسم که فرزندشان را با نوجوان موفقی در حفظ قرآن به صورت بدی مقایسه می‌کنند. این مقایسه‌ای اشتباه است. معنی ندارد چون آن بچه مثلا هفت‌ساله حافظ کل قرآن شده، بچه شما هم باید بشود. یادمان باشد توان‌های فکری و ذهنی آدم‌ها با هم متفاوت است. باید به روحیات فرزندمان هم توجه کنیم که اصلا علاقه‌ای به این کار دارد یا نه! بعضی از پدر و مادرها تحت تاثیر جوی که مخصوصا در سال‌های اخیر ایجاد شده، افق‌هایی برای فرزندشان ترسیم می‌کنند که اصلا درست نیست. او را به حفظ قرآن تشویق می‌کنند که نهایتا تلویزیون نشانش بدهد یا برای شرکت در مسابقات به خارج اعزام بشود. این صحیح نیست؛ مثلا از ابتدا بچه را روزی یک جلسه قرآن می‌برند بعد هم آزمون می‌گذارند، بعدش هم مسابقه و بعد جایزه، بعد مدرک و...

**خب بالاخره ما باید حافظ کل هم داشته باشیم؟!**

**برای یانگوم ویژه‌برنامه می‌سازند اما قهرمان قرآنی را تحویل نمی‌گیرند، مسوولان صداو سیما قرآن را باور ندارند**

چرا اما باید یک سری عوامل و پارامترهایی را در فرزندمان اندازه‌گیری کنیم و ببینیم آیا این توانایی را دارد یا نه. با کمک یک کارشناس هم باید به این نتیجه برسیم. اگر می‌گویند ضریب هوشی فرزندمان متوسط است نباید دنبال حفظ کل قرآن باشیم. اگر بچه توانست پنج جزء را هم حفظ کند، خوب است. ضمنا اینکه تنها راه انس با قرآن حفظ قرآن نیست. تلاوت هست، ترتیل و تفسیر هست. ما نباید انتظار داشته باشیم که همه در حد قهرمانی باشند.

**حالا پدر و مادری که به درستی تصمیم گرفتند فرزندشان چقدر از قرآن را با چه شیوه‌ای حفظ کند، با مشکلی به نام آموزش مواجه می‌شوند. تعداد موسسات الان زیاد است و مثلا تضمین می‌کنند که فرزند شما یک ساله قرآن را حفظ می‌کند. چقدر از این موسسات استاندارد هستند؟**

من بارها و بارها یعنی صدها بار در هر جلسه‌ای که دعوت شده‌ام و در همه محافل قرآنی از این شیوه‌ها انتقاد کرده‌ام. به نظر من آنها که کارشناس حفظ قرآن نیستند، نباید مجموعه‌های حفظ قرآن راه بیندازند. الان خیلی جاها را می‌بینیم که افرادی که صاحب‌نظر هم نیستند با روش‌های خاص خودشان مجموعه‌های حفظ قرآن تشکیل داده‌اند. روش نامناسب این موسسات اثر معکوس روی بچه‌ها می‌گذارد که هیچ، بچه‌ها را هم از قرآن دور می‌کند. من با دوره‌های حفظ یک ساله کاملا مخالفم.

**چرا؟ عیبی دارد که کسی قرآن را یک ساله حفظ کند؟**

اگر استثناها – که تعداشان هم کم است- را قلم بگیریم، این کار نشدنی است و اگر هم بشود فایده‌ای ندارد. چون این روش تاکنون جواب نداده. تاکنون خیلی از کسانی که به همین روش قرآن را حفظ کرده‌اند، به من مراجعه کرده‌اند تا از آنها امتحان بگیرم. سؤالی را می‌پرسیدم و نمی‌توانستند جواب بدهند. خیلی ضعیف قرآن را حفظ کرده‌اند. باور کنید خیلی‌هایشان افسرده شده‌اند. می‌گفتند ما یک سال از عمرمان هدر رفت و الان هم وقتی نگاه می‌کنیم به جایی نرسیده‌ایم. من می‌پرسم پس این چه حفظ قرآنی است؟! بعضی از این موسسات پول قابل توجهی می‌گیرند. من حتی یک مورد را می‌شناسم که متولی موسسه، خودش حافظ قرآن نیست. از این آقا باید پرسید وقتی حافظ قرآن نیستی، چطور به خودت اجازه می‌دهی که به مردم اعلام بکنی که من روش حفظ یک ساله دارم؟ بعضا هم می‌نویسند: «با ارائه مدرک لیسانس» در حالی که مدرک لیسانس مشخصا به آموزش عالی مربوط است نه آن موسسه خاص. یعنی اگر کسی حافظ قرآن شد، حالا چه در خانه‌اش چه در آن موسسه، با یک سری شرایطی که آموزش عالی اعلام کرده، مدرک کارشناسی علوم قرآنی می‌گیرد. این بی‌تقوایی است. من قرآن را در سه سال و البته به طور ماندگار حفظ کردم. از پدر و مادرها می‌خواهم، عجله نکنند. چه اشکالی دارد فرزندشان قرآن را پنج ساله حفظ کند؟

**بحث بعدی شیوه‌های آموزش حفظ قرآن است. اینکه با اشاره حفظ کنند یا به اصطلاح ضربدری حفظ می‌کنند و می‌گویند که این کلمه در صفحه چند قرآن است. آن صفحه چند خط دارد و هر خط چند حرف است و... شما هم از این کارها بلدید؟**

این شیوه‌ها را قبول ندارم. ضمن احترام به همه دوستان می‌گویم شیوه حفظ با اشاره برای انسان سالم ضرورتی ندارد. مگر ما از نعمت شنوایی محرومیم که این کار را می‌کنیم؟! آن روش‌هایی که شما گفتید هم بی‌فایده است. من اسمش را گذاشته‌ام شعبده‌بازی و چشم‌بندی قرآنی! نمی‌دانم اینکه کسی می‌گوید من قرآن را ضربدری می‌خوانم یا مربعی یا مثلثی یا نمی‌دانم تقاطعی، این کارها چه ربطی به قرآن دارد. یک جور نمایش و تردستی است. یکی با توپ از این کارها می‌کند، عده‌ای هم سراغ قرآن آمده‌اند!

**سوراخ دعا گم شده آقای پرهیزکار؟!**

بد جوری هم گم شده. آن‌قدر که مقام معظم رهبری هم انتقاد کردند. در جلسه‌ای که ما خدمت ایشان بودیم، یکی از حفاظ به همین شیوه قرآن خواند. رهبر معظم انقلاب بالاخره ایشان را تشویق کردند اما خیلی صریح گفتند که من هیچ ضرورتی نمی‌بینم که دوستان حافظه خودشان را به این مشغول کنند که مثلا این آیه در کدام صفحه است و آن صفحه چند کلمه و حرف دارد. بعد ایشان گفتند که حالا این آیه‌ای که شما خواندید و می‌گویید توی صفحه ۱۰۴ قرآن عثمان طه است، اگر کسی قرآن دیگری دستش باشد دیگر فایده‌ای ندارد. شما رفتی این همه زحمت کشیدی اما ضرورتی نداشت. این انتقاد مستقیم رهبر بود. حال وقتی این فرد به عنوان الگو تبلیغ بشود، خب خیلی‌ها می‌خواهند بروند همین کار را تکرار کنند.

**این هم مشکل دیگری است. صدا و سیما در دوره‌ای با برجسته کردن بعضی چهره‌های قرآنی، موجی در جامعه به وجود آورد که تحت تاثیر آن خیلی از خانواده‌ها به همان مسیرهایی رفتند که مورد انتقاد شماست؛ مثلا اصرار کردند که حتما در کودکی حافظ کل بشوند یا....**

ببینید اگر منظور شما طرح چهره‌هایی مثل آقای جواد فروغی یا آقای محمد حسین طباطبایی در سیماست، من گلایه‌ای ندارم. در زمان خودش لازم بود و اتفاقا کم هم بوده است و باید بیشتر بشود اما اگر قرار باشد نقش صدا و سیما را در بعضی برداشت‌های نادرست مردم بررسی کنیم و انتقادی حرف بزنیم، بحث دیگری است.

**خب بفرمایید!**

بگذارید با همین بحث چهره‌های قرآنی در تلویزیون ادامه بدهیم. عرض کردم که به نظر من از این چهره‌های قرآنی کم هم داریم و اتفاقا صدا و سیما در مطرح کردن همین چهره‌های کم هم بی‌مهری می‌کند. اگر تمام چهره‌های قرآنی را جمع بکنیم، در کل در حد یک صدم چهره‌های هنری غیر قرآنی در تلویزیون مطرح نشده‌اند. به نظرم باید چهره‌های قرآنی مرتب و مکرر در معرض دید مردم باشند تا مردم با آنها آشنا شوند.من سیاسی حرف نمی‌زنم و تحت تاثیر کسی هم نیستم. در بحث قرآن و ترویج فرهنگ قرآنی، صدا و سیمای ما بسیار ضعیف عمل کرده است.

**یعنی از نظر شما مردود است؟ چه نمره‌ای به صدا و سیما در این زمینه می‌دهید؟**







بدون اغراق و با ارفاق از ۲۰ به صدا وسیما ۲ می‌دهم. دلیل هم دارم. حواسم به شبکه قرآن رادیو و سیما هم هست. این نمره را با توجه به همه فعالیت‌های صدا و سیما می‌دهم. امیدوارم این حرف‌های مرا چاپ کنید تا شاید ایشان بخواند و بعد از من طلبکار بشود و توضیح بخواهد، شاید باعث بشود که بنده بروم و به طور مستند و مستدل به شورای سیاستگذاری و رئیس سازمان صدا سیما بگویم که چرا معتقدم با فرهنگ قرآن بیگانه هستند؟

**خب، حالا یک بخشی از این دلایل را برای ما بگویید.**

همین نکته‌ای که شما گفتید که چهره‌های قرآنی در دوره‌ای در صدا و سیما مطرح شدند و حالا بعضی‌ها اصرار دارند بچه‌هایشان مثلا آنها بشوند. معتقدم این الگوسازی باید باشد -اگر چه به اندازه کافی نیست- اما باید به موازات آن شبکه قرآن اطلاع رسانی کند و از همین جنس حرف‌هایی که من و شما با هم زدیم، مطرح شود. جای این جور اطلاع‌رسانی خالی است. من تا حالا برنامه‌ای تخصصی در حوزه قرآن در شبکه قرآن ندیده‌ام. البته اساسا با وجود این شبکه مخالفم. گونه‌ای سکولار کردن صدا و سیماست. به این معنی که شما اگر قرآن می‌خواهی این شبکه را بزن، اگر هر چیزی جز قرآن می‌خواهی برو سراغ آن هفت شبکه دیگر. پیشنهاد من این است که شبکه قرآن را لطف کنند بردارند، اصلا حذفش کنند و برنامه‌هایش را در شبکه‌های دیگر توزیع کنند؛ البته به اندازه و به صورت حساب شده. فعالیت‌های قرآنی در بقیه شبکه‌ها فوق العاده کم است. الان تلویزیون ما غیر از آن تلاوت‌های قبل از اذان و بعضی اوقات خاص دیگر، قرآن پخش نمی‌کند. بعضی وقت‌ها هم زیرنویس می‌کنند که الان اذان مغرب است و قید قرآن و اذان را با هم می‌زنند.

چند سال قبل مقام معظم رهبری در پیامی گفتند مسؤولان صدا و سیما برای نماز، زمین و زمان را تعطیل کنند. اما الان این اتفاق نمی افتد.من هم مثل بقیه فوتبال دوست دارم و بعضی بازی‌ها را نگاه می‌کنم. البته هیچ تعصبی هم ندارم. اما به نظرم مدیران صدا و سیما بیش از اندازه شیفته فوتبالند. این طور نیست که فقط قرآن را به نفع فوتبال کنار گذاشته باشند. در همین حوزه ورزش هم بقیه رشته‌ها را فدای فوتبال کرده‌اند. امسال والیبال و بسکتبال این‌قدر خوب عمل کردند اما تلویزیون باز هم فوتبال را ترجیح می‌دهد. انصافا این فوتبال به چه کار ما آمده است. جام جهانی نرفتیم و این همه علاقه مند سرخورده شدند. بعد هم این همه بودجه میلیاردی می‌دهیم. در کنار اینها مسائل اخلاقی را هم یادتان نرود. همه‌اش شده فحش و دست به یقه شدن در زمین. یعنی یک ورزش کاملا غیر اخلاقی! من هیچ هراسی ندارم که بگویم فوتبال ما فاجعه است. آن وقت تیم ملی ما مثلا اگر بحرین را ببرد – که نمی‌برد- صدا وسیما چند روز اعلام جشن و پایکوبی می‌کند. آن وقت بچه‌های ما می‌روند المپیاد رتبه می‌آورند، در چند بخش خبری یکی در میان خبرهای چند ثانیه‌ای پخش می‌کنند. سؤالم از آقای ضرغامی این است که چرا تلویزیون این‌قدر در خدمت فوتبال است؟

**یعنی در خدمت قرآن نیست؟**

البته که نیست. من فعالیت‌های بعد از انقلاب را ندیده نمی‌گیرم اما این فعالیت‌ها حتی به اندازه حداقلی که ما انتظار داشتیم، هم نبوده. در مقایسه با دیگر بخش‌ها سهم قرآن از صدا و سیما خیلی کم است. الان ایران در مسابقات جهانی نزدیک ۶۰ مقام اولی تا سومی دارد. این خیلی مهم است و مردم باید بدانند. اما تلویزیون به قهرمان قرآنی ما که در مصر اول می‌شود یعنی در بین کسانی که زبان اصلی‌شان عربی است و با همه بغض‌هایی که داوران آنها دارند، کمترین بهایی نمی‌دهد. تیم مار و پله رتبه بیاورد، کلی مسؤول مملکتی برایش پیام تبریک می‌فرستند. شما بگویید آخرین باری که کسی برای یک قاری موفق در مسابقات بین المللی پیام تبریک فرستاد، کی بود؟!

**برداشت من از گفت‌وگو با بسیاری از چهره‌های قرآنی این است که آنها می‌خواهند از فضای فعالیت‌های قرآنی تصویر خیلی شسته و رفته‌ای نشان بدهند. جوری اظهار نظر می‌کنند که انگار در این حوزه هیچ مشکلی وجود ندارد، اما شما این محافظه کاری را ندارید.**

چرا باید ملاحظه بیجا داشته باشم. اتفاقا ما در حوزه قرآن مشکلات زیادی هم داریم که می‌خواهم باز هم تاکید کنم بیشترش به صدا و سیما مربوط می‌شود. مثلا در همین مراسم چهره‌های ماندگار هر سال شاهد تلاش صداو سیما و آقای ضرغامی در معرفی قهرمان قهرمانان، پهلوان پهلوانان، هنرمند هنرمندان و... هستیم. ایشان باید جواب بدهند که ما در میان این همه قاری و حافظ یک نفر شایسته انتخاب شدن به عنوان چهره ماندگار نداشتیم؟! با سیاست‌های صدا و سیما کسانی که بعضا دارای مسائل حاشیه‌ای هم هستند، می‌شوند الگوی فرزندان ما. تازه اینها که خوب است. الان بچه‌های ما می‌خواهند جومونگ و بانو سوسانا شوند. وقتی صدا و سیما یک تیم می‌فرستد به کره که با خانم یانگوم دیدار کنند و از این دیدار هم برنامه بسازند و پخش کنند، نتیجه‌اش تاراج فرهنگ دینی و ملی ماست.

**به نظر تان همه مشکل در صدا و سیماست؟**

نه اما عمده‌اش آنجاست. ما هنوز در مملکت اسلامی بحث بیمه جامعه قرآنی را حل نکرده‌ایم. تکریم‌شان نمی‌کنیم. من در کشورهای خارجی دیده‌ام که چطور قراء و حفاظشان را احترام می‌کنند. در فرودگاه برایشان مراسم استقبال می‌گیرند. ولی ما از این کارها نمی‌کنیم. حتی به دولت فعلی هم انتقاد دارم. اگر چه واقعا در وزارت‌ارشاد این دولت برای قرآن خیلی بیشتر از قبل هزینه شد، اما باز هم آن چیزی که مطلوب است رخ نداده، انتظار جامعه قرآنی بیشتر از اینها بود. اگر قرار باشد در این باره هم حرف بزنم چند ماهی باید هر هفته با من مصاحبه کنید. بنابراین خیلی سربسته عرض می‌کنم که اوضاع خیلی خوب نیست.

**بچه‌هایم را مجبور به حفظ قرآن نمی‌کنم اما به آنها گفته‌ام هر صفحه از قرآن را که حفظ کنید، مبلغی به شما هدیه می‌دهم**

## از خاطرات استاد

### روبوسی با یک لشکر

سال‌های ۶۵، ۶۶ خیلی حافظ قرآن نداشتیم. من همراه یکی از دوستان به جبهه می‌رفتم و برای رزمنده‌ها برنامه اجرا می‌کردیم. بعضی اوقات نزدیک خط مقدم می‌رفتیم. حتی خاطرم هست در فاو هم برنامه اجرا کردیم. برنامه ما آن موقع خیلی تازگی داشت. برای رزمنده‌ها خیلی عجیب بود. می‌گفتند واقعا یک کلمه بخوانیم، شما بقیه‌اش را می‌خوانید؟ وقتی به سؤالاتشان جواب می‌دادم یک صلوات و تکبیری می‌فرستادند. این جلسه‌ها فوق العاده پرهیجان می‌شد؛ مثلا برنامه‌ای که قرار بود یک ساعت و نیم طول بکشد، گاهی تا چهار ساعت طول می‌کشید. می‌خواستند کیفیت حفظ مرا امتحان کنند. یک نفر دست بلند می‌کرد که من سؤال دارم. بعد هم نفر بعد و همین طور ادامه داشت. قرار بود سه تا سؤال بپرسند، ۳۰ تا می‌شد. بعد از برنامه هم پادگان صف می‌ایستادند که با من روبوسی کنند! تا حالا با این همه آدم یکجا روبوسی نکرده بودم.

### امام(ره) دستم را رها نمی کرد

چند بار توفیق داشتم خدمت امام خمینی(ره) برسم. در این دیدارها ایشان خیلی بنده را تشویق کردند. برایم دعا فرمودند و قرآنی را هم امضا کردند و یادگاری به من دادند. موقع رفتن که با امام(ره) دست دادم، خیلی حس خوبی داشت. من می‌خواستم ایشان اذیت نشوند و خواستم دستم را بیشتر توی دستشان نگه ندارم اما ایشان دستم را رها نمی کردند و چند لحظه همین طور محکم دست‌هایم را گرفته بودند. یک مشت قند هم دادند.

## کوتاه‌از زندگی استاد

### شوق آموختن

استاد شهریار پرهیزکار، ۲۵ مرداد ۱۳۴۳ در تهران به دنیا آمد. اشتیاق او به آموختن قرآن و همچنین جو مذهبی خانواده، باعث گرایش قرآنی او شد. وقتی که نه سالش بود با شنیدن چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از تلویزیون پخش می شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و بیشتر از همه، تحت تاثیر تلاوت استاد محمدتقی مروت که آن سال در مسابقات اول شد، قرار گرفت. روخوانی و روان‌خوانی و مباحث تجوید مقدماتی را در محضر استاد ادیب و تجوید، صوت و لحن را در جلسات استاد مروت آغاز کرد. مدتی بعد با راهنمایی استاد مروت به جلسات درس استاد مولایی رفت و حفظ قرآن را هم شروع کرد. خودش می گوید:«با مشوق‌های مادی از دوران نوجوانی به ادامه حفظ و قرائت خیلی علاقه‌مند شدم. البته این علاقه واقعا در من بود. یعنی اگر آن محرک‌ها هم نبود من این کار را انجام می‌دادم، اما سرعت پیشرفتم کمتر بود. استاد پورفرزیب(مولایی) که استاد ما بودند برای حفظ یا قرائت خوب، تشویق مادی می کردند یا می گفتند هر یک حزبی که حفظ کنید، یک سکه جایزه می‌دهم. این تشویق‌های مادی استادمان خیلی مؤثر بود. اگرچه با تشویق‌های مالی شروع کردم اما وقتی ۱۷ سالم شده بود، راه خودم را می‌رفتم. دیگر اصلا نیاز نبود که کسی تشویقم کند. چه جایزه‌ای در کار بود و چه نبود، چه مسابقه‌ای بود و چه نبود، چه اعزام به خارجی بود و چه نبود، من حفظ قرآن را ادامه می‌دادم.» پرهیزکار، اولین بار به صورت رسمی در مسابقات قرآنی‌ای که سال ۱۳۵۶در مسجد لاله‌زار و در ضدیت با رژیم طاغوت برگزار شد، قرآن خواند. به این ترتیب، اولین تجربه رسمی قرآنی‌اش به نوعی سیاسی هم شد. آن سال سوره یوسف را آن‌قدر خوب خواند که مورد توجه خیلی‌ها قرار گرفت.

بعد از دریافت دیپلم در سال ۱۳۶۰، در دانشگاه شهید بهشتی و در رشته نرم‌افزار پذیرفته شد. نه سال بعد ازدواج کرد که ثمره این ازدواج دو فرزند به نام‌های فاطمه و مهدیه است. او چندین بار در مسابقات داخلی رتبه آورد و سال ۱۳۶۲ در مسابقات بین‌المللی ایران در حفظ ۱۵ جزء رتبه نخست را کسب کرد. دو سال بعد در حفظ ۲۰ جزء دوم شد. باز هم دو سال بعد در مسابقات بین‌المللی ایران شرکت کرد واین بار در رشته حفظ کل اول شد. سال ۷۱ همین رتبه را در مسابقات عربستان به دست آورد. انتشار دوره کامل تلاوت ترتیلی با صدای استاد پرهیزکار هم از مهم‌ترین اتفاقات زندگی‌اش محسوب می‌شود. پرهیزکار که مدتی است تهران را ترک کرده و در قم زندگی می‌کند، در ده سال گذشته، بیشتر در حوزه آموزش و پژوهش فعالیت کرده است.



آیه همشهری
ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه‌دوم شهریور ۱۳۸۸

چهار فرزند خانواده عطارزاده با یکدیگر رقابت صمیمانه‌ای داشتند و به فاصله کوتاهی از هم حافظ کل قرآن شدند

# حفظ آیات در ماراتن خانوادگی

معصومه اصغری

**«آنها که در راه خدا از یکدیگر سبقت گیرند، از مقربانند.» (واقعه/۱۰ و ۱۱) انگار این آیه بدجوری به دل و جان فرزندان خانواده عطارزاده نشسته است. چهار خواهر و برادر این خانواده با فاصله سنی کمی از هم در زمره حافظان قرآن کریم قرار گرفته‌اند و هنوز در این زمینه رقابت دوستانه‌ای میانشان وجود دارد. یکی دوساعتی که در منزل آنها مهمان‌شان بودیم، غرق صمیمیت، همکاری و البته شخصیت‌هایشان شدیم و این مصاحبه در چنین فضایی پا گرفت. زینب ۲۴ سال دارد و در ۱۷ سالگی حافظ کل قرآن شده است. فاطمه ۲۲ ساله است و ۱۵ سالش بود که توانست همه آیات وحی را به ذهن و قلبش بسپارد. سمیه حالا ۲۰ سال دارد و در ۱۳ سالگی به خواهران حافظش پیوست. مصطفی تنها پسر خانواده هم ۱۸ سال دارد و در ۱۲ سالگی حافظ کتاب وحی شده است. فرزندان عطارزاده با کمک مادرشان در یک ماراتن خانوادگی به فاصله کوتاهی از یکدیگر حافظ کل قرآن شده‌اند.**


عکس: مریم مجد

**این جور که پیداست با فاصله کمی از هم توانستید از پس نگهداری از آیات قرآن در ذهنتان برآیید. راستش را بگویید، رقابتی در کار بود یا اینکه خود به خود جذب این کتاب الهی شدید؟**

زینب: چون از باقی بچه‌ها بزرگ‌تر بودم، به طور طبیعی آموزش برایم زودتر شروع شد. مادرم زمانی که خیلی کوچک بودم هر روز قرآن تلاوت می‌کرد. کنارش می‌نشستم و گوش می‌دادم. ایشان خیلی دوست داشتند سوره‌ها را از حفظ بخوانم. مثل اینکه بعد از چند بار امتحان گرفتن متوجه شدند که استعداد آن را دارم و از همان موقع تمرین شروع شد. هنوز مدرسه نمی‌رفتم که مادرم الفبا را یادم داد و می‌توانستم سوره‌هایی را از بر بخوانم.

فاطمه: من دو سال از زینب کوچک‌ترم. کمی که بزرگ‌تر شدم، مادرم سعی می‌کرد در کنار او مرا هم به حفظ قرآن تشویق کند. خیلی از سوره‌ها را همراه زینب حفظ کردم.

سمیه: اعتراف می‌کنم وقتی می‌دیدم خواهرانم آیه‌ها را پشت سر هم تلاوت می‌کنند، دلم می‌خواست خیلی زود به آنها برسم. این رقابتی که می‌گویید در من بیشتر از بقیه خودش را نشان می‌داد. به دلیل شیطنت‌هایم همیشه از خواهرانم عقب می‌ماندم و به گرد پایشان هم نمی‌رسیدم.

مصطفی: اگر بگویم فعالیت‌ها و جدیت خواهرانم برای حفظ قرآن در من بی‌تاثیر بوده، دروغ بزرگی گفته‌ام ولی خیلی راحت‌تر از آنها و در ۱۲ سالگی قرآن را حفظ کردم. البته این هم از برکت وجود آنها بود. آن‌قدر این آیه‌ها را تکرار کرده بودند که بیشتر سوره‌ها را به صورت شنیداری از بر شده بودم. اگر کلاسی هم می‌رفتم، برای این بود که نظمی به این آشفتگی بدهم و بهتر بتوانم در مسابقه‌ها شرکت کنم.

**می‌گویند برای حفظ قرآن یک مثلث وجود دارد که از حمایت خانواده، آموزش صحیح و اراده فرد تشکیل شده است؛ شما از این سه ضلع به شکل همزمان بهره بردید یا با مثلث ناقصی سروکار داشتید؟**

زینب: نه خدا را شکر، همه اینها برایمان مهیا بود.

**وقتی مادرمان می‌پرسید و درست جواب می‌دادیم، در آن حال و هوای کودکی انگار دنیا را به ما داده بودند**

فاطمه: فکر می‌کنم همه استعداد این را دارند که حافظ قرآن شوند و فقط به مهیا بودن این سه شرط نیاز است تا این اتفاق بیفتد. در واقع فکر می‌کنم هر کس حافظ قرآن شده، به نوعی از این موارد بهره برده است. این اتفاق برای ما هم افتاد.

سمیه: حتی نبود یکی از این موارد می‌تواند کسی را که می‌خواهد حافظ شود، دچار دردسر کند. بعد از حفظ قرآن، کار تثبیت آن شروع می‌شود. ما هر روز حدود دو جزء را تلاوت می‌کنیم.

مصطفی: من می‌گویم اراده از همه مهم‌تر است. راستش من زمانی که قرآن را حفظ کردم، چند وقت آن جور که باید برای تثبیت تمرین نکردم. تقریبا داشتم محفوظاتم را فراموش می‌کردم ولی دوباره با تشویق خانواده، آیه‌های فراموش شده را به ذهنم برگرداندم.

**وقتی همزمان با هم قرآن را حفظ می‌کردید، حتما مسابقه‌های خانگی هم در کار بوده؛ همین‌طور است؟**

فاطمه: مسابقه بود اما جایزه‌ای در کار نبود.

سمیه: با این حال خیلی شیرین بود. وقتی مادرمان می‌پرسید و درست جواب می‌دادیم، در آن حال و هوای کودکی انگار دنیا را به ما داده بودند.

زینب: از همه بزرگ‌تر بودم و مادرم بیشتر با من کار کرده بود؛ به همین دلیل بهتر از بقیه حفظ می‌کردم و این حس رقابت را بیشتر می‌کرد و باعث می‌شد سمیه و فاطمه تمرین‌های منسجم‌تری داشته باشند.

مصطفی: وقتی خواهرانم امتحان می‌دادند، من خیلی کوچک بودم. مادرم می‌نشست و آنها روبه‌رویش چهارزانو روی زمین به سؤال‌هایش جواب می‌دادند. در این مواقع می‌رفتم روی گردن و شانه‌های مادرم می‌نشستم. یادم می‌آید چهار سالم بود که یک بار یکی از خواهرهایم آیه‌ای را اشتباه خواند؛ من با اینکه هنوز سواد نداشتم ولی آن آیه را به صورت شنیداری حفظ کرده بودم. به مادرم که متوجه غلط خواندن خواهرم نشده بود گفتم که آیه غلط خوانده شده و مادرم با تعجب از خواهرم خواست که دوباره تلاوت کند.

**وقتی شما در کودکی مشغول حفظ قرآن بودید، بسیاری از هم‌سن و سال‌های دور و برتان در حال بازی بودند. رابطه‌تان با بچه‌های دیگر چطور بود؟**

زینب: مادرمان جوری تربیتمان کرده بود که خودمان را جدا از دیگران ندانیم. اصلا حس نمی‌کردیم که داریم کار ویژه‌ای انجام می‌دهیم که دیگران از پس آن برنمی‌آیند. ما هم با بچه‌های دیگر همبازی می‌شدیم.

فاطمه: وقتی می‌فهمیدند که حافظ قرآن هستم، انگار بیشتر رویم حساب باز می‌کردند ولی من اصلا نمی‌خواستم که این‌طور باشد. همیشه هم اتفاقی متوجه این موضوع می‌شدند. یادم می‌آید یک بار در مدرسه امتحان خیلی سختی داشتیم. هیچ‌یک از بچه‌ها درست و حسابی درس نخوانده بودند. آمدند دور من و گفتند چون حافظ قرآن هستی، اگر دعا کنی معلم امتحان نمی‌گیرد. من هم دعا کردم. آن روز اصلا معلمان به مدرسه نیامد که بخواهد امتحان بگیرد.

سمیه: همه چیز ما سر جایش بود. بازی، درس و قرآن زمان‌های مشخصی داشتند. فقط یک سالی که با فاطمه و زینب ترک تحصیل کردیم تا به کلاس‌های قرآنی برویم وضعیتمان کمی متفاوت‌تر شد.

زینب: آن یک سال شیرین‌ترین سال زندگی‌ام بود. احساس می‌کردم در بهشت هستم. از صبح تا شب با قرآن بودیم. به خانه هم که می‌آمدیم، دوباره تمرین می‌کردیم. اگر یک سال کاملا مفید داشته‌ام، همان سال بوده است.

مصطفی: از دوستانم کسی حافظ قرآن نیست. هیچ‌وقت هم سعی نمی‌کنم کسی متوجه شود که حافظ هستم. بعضی‌ها فکر می‌کنند حفظ قرآن حافظان را تافته جدابافته می‌کند ولی من برخوردی کاملا عادی با دوستانم دارم و آنها هم همین برخورد را دارند.

**وقتی حفظ قرآن به پایان می‌رسد، حافظان تلاش می‌کنند که رفتاری قرآنی داشته باشند؛ این تا چه اندازه در شما نمایان شد؟**

زینب: رفتار یک حافظ اهمیت زیادی دارد. باید الگو باشد. قرآن نوری است که تاریکی گناه را از بین می‌برد و کسی که با قرآن باشد، کمتر به گناه کشیده می‌شود. رفتار یک فرد قرآنی بهترین امر به معروف‌هاست.



**اصلا نمی‌شود کسی با قرآن باشد و از آن تاثیر نگیرد. ما این‌طور تربیت شده‌ایم که قبل از انجام هر کار مهمی ابتدا قرآن می‌خوانیم**

فاطمه: سعی می‌کنیم رفتارمان با قرآن تطبیق داده شود. قرآن کامل است و این کار را به راحتی می‌توان انجام داد.

سمیه: اصلا نمی‌شود کسی با قرآن باشد و از آن تاثیر نگیرد. ما این طور تربیت شده‌ایم که قبل از انجام هر کار مهمی ابتدا قرآن بخوانیم.

**تمرین‌ها و مسابقه‌های پی‌درپی تاثیری در درس خواندنتان نداشت؟ مثل اینکه غیر از مدرکی که معادل کارشناسی است و به حفاظ تعلق می‌گیرد، مدارک تحصیلی دیگری هم دارید؟**

زینب: این خواسته پدر و مادر و خودمان بود که به این مدرک بسنده نکنیم و درس بخوانیم. من کارشناس علوم حوزوی هستم و تصمیم دارم خودم را برای امتحان کارشناسی ارشد آماده کنم.

فاطمه: می‌خواهم به یک نکته اشاره کنم که فکر می‌کنم اهمیت دارد. برخلاف چیزی که پرسیدید، فکر می‌کنم قرآن باعث موفقیت ما در تحصیل باشد؛ یعنی با تمرین قرآن هوش قوی‌تری پیدا کرده‌ایم. من دانشجوی سال آخر رشته ریاضی در دانشگاه شهید بهشتی هستم.

سمیه: ما نه از قرآن غافل شدیم، نه از درس خواندنمان. البته گاهی که درس‌ها خیلی سنگین می‌شوند، مجبور می‌شویم بیشتر به آنها بپردازیم. این روزها جزء بدترین روزهای ما هستند. من دانشجوی رشته فیزیک هستم و در یکی از دانشگاه‌های استان سمنان درس می‌خوانم.

مصطفی: من در درس خواندن هم تحت تاثیر خواهرانم هستم. همه‌شان تحصیلات دانشگاهی دارند. الان سال سوم دبیرستانم ولی خیلی جدی می‌خواهم درس بخوانم تا وارد دانشگاه شوم.

**روایات زیادی از بزرگان دین به ما رسیده که در آنها گفته شده تلاوت قرآن در دشوارترین لحظه‌های زندگی چاره‌ساز است. این را تجربه کرده‌اید؟**

سمیه: از آنجا که همیشه در حمایت خانواده بوده‌ایم، تا به حال شرایط خیلی ویژه‌ای برایمان پیش نیامده است. البته من به دلیل درس خواندن در شهرستان، دوری از خانواده را تجربه کرده‌ام. در روزهای اول وقتی می‌دیدم بچه‌های خوابگاه گریه و زاری می‌کنند و دلتنگ هستند، یاد حدیثی از امام زین‌العابدین(ع) می‌افتادم که در آن فرموده‌اند: «اگر در تمام دنیا تنها باشم، چون قرآن با من باشد هرگز دلتنگ نمی‌شوم». شروع می‌کردم به قرآن خواندن و آرامش عجیبی پیدا می‌کردم.

زینب: انسان همیشه باید با قرآن همراه باشد تا این آیه‌ها در هنگام سختی و بلا برایش حکم معجزه داشته باشند. قرآن علاوه بر تاثیرهای ظاهری، تاثیرهای باطنی زیادی دارد. یکی از آنها این است که همیشه و در هر کاری به یاد خدا خواهی بود؛ نه تنها در مشکلات بلکه در تمام مراحل زندگی.

مصطفی: برای شفای بیماران قرآن تلاوت می‌کنم؛ خیلی آرامش می‌دهد و مؤثر است. خودم یک بار با قرآن شفا پیدا کرده‌ام و دلم می‌خواهد این اتفاق برای همه بیماران بیفتد.

زهرا سعادتمند، مادر خانواده:

## بچه‌ها الفبا را پیش از دبستان یاد گرفتند

شاید اگر تلاش‌های شبانه‌روزی زهرا سعادتمند، مادر خانواده عطارزاده نبود هیچ‌یک از این چهار خواهر و برادر حافظ کل قرآن کریم نمی‌شدند. او می‌گوید: «یادم می‌آید برای بچه‌ها از زمان کودکی‌شان قرآن تلاوت می‌کردم. زینب از همه بزرگ‌تر بود و خیلی علاقه و صبر از خودش نشان می‌داد که آیه‌ها را حفظ کند. روزی در تلویزیون کودکی پنج ساله را دیدم که حافظ کل قرآن شده است. با خودم گفتم اگر با زینب بیشتر تمرین کنم، امکان دارد که بتواند سوره‌های بیشتری را حفظ کند». زهرا خانم از فردای آن روز به طور مستمر زمان ویژه‌ای را برای آموزش و تلاوت قرآن کریم به بزرگ‌ترین کودکش در نظر گرفت؛ «وقتی زینب در حفظ قرآن روان شد، کم‌کم خواهران دیگرش هم در تمرین‌هایمان شرکت می‌کردند. آیات را می‌شنیدند و خیلی زود در ذهنشان ثبت می‌شد. بچه‌ها پیش از اینکه به مدرسه بروند، حروف الفبا را یاد گرفتند و به همین دلیل سال اول دبستان سخت‌ترین و کسل‌کننده‌ترین سال تحصیلی‌شان بود. معلمشان چیز جدیدی نداشت که به آنها یاد بدهد».

مادر خانواده عطارزاده از اهمیت مهیا بودن زمینه‌ای مناسب در خانواده برای حافظان قرآن می‌گوید: «حمایت‌های والدین مهم‌ترین تشویق برای فرزندانی است که تصمیم به حفظ گرفته‌اند. زمانی که من شروع به تمرین با بچه‌ها کردم، پدرشان رزمنده بود و خیلی نمی‌توانست موقع تمرین‌ها حضور داشته باشد ولی هر وقت به خانه می‌آمد، برای بچه‌ها هدیه‌هایی دلگرم‌کننده داشت. یادم می‌آید مثلا به بچه‌ها می‌گفت اگر این تعداد صفحه را حفظ کنند، این هدیه را به آنها می‌دهد. ولوله‌ای به پا می‌شد. هر کدام می‌خواستند زودتر صفحه‌ها را حفظ کنند تا هدیه زودتر به آنها برسد. البته این خاصیت دوران کودکی است که بچه‌ها با تشویق پیشرفت می‌کنند. بچه‌هایم حالا قرآن را با دنیا هم عوض نمی‌کنند». مشوق اصلی حفظ قرآن در خانواده عطارزاده شاهد برکت‌های کتاب خدا در زندگی‌شان است؛ «در خانه مدام از هر گوشه صدای تلاوت قرآن می‌آید. احساس می‌کنم همین که بچه‌ها دائم‌الوضو هستند، خیلی کمک می‌کند به اینکه شیطان کمتر در این خانه رفت و آمد داشته باشد».




آیه همشهری
ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه‌دوم شهریور ۱۳۸۸

حسین عطارزاده، پدر خانواده:

## خیالم از تربیت بچه‌ها راحت شده‌است

«وقتی همه بچه‌هایم حافظ کل قرآن کریم شدند، خیالم از تربیت صحیح آنها راحت شد»؛ حسین عطارزاده، پدر خانواده این را می‌گوید و قرآن را به عنوان نگهدارنده از انحراف‌های مختلف معرفی می‌کند؛ «وقتی والدین می‌بینند فرزندانی که به دنیا آورده‌اند در راه قرآن گام برمی‌دارند، آرامش عجیبی پیدا می‌کنند. فکر می‌کنم به این دلیل است که همه احکام الهی در این کتاب جمع شده است و کسی که آنها را مو به مو اجرا کند به خودی خود از گناه و عواقب جبران نشدنی آن دور می‌شود». نزول خیرات و برکاتی که بعد از حافظ شدن بچه‌ها به خانواده عطارزاده سرازیر شده، همیشه جلوی چشم پدر خانواده است؛ «دار و ندارمان قرآن است. حالا که خانواده‌مان قرآنی شده، هرچه داریم از این آیه‌های الهی است. اطرافیان، این خانواده را به عنوان حافظان و قرائت‌کنندگان قرآن می‌شناسند. می‌خواهم بگویم، وقتی قرآن برای انسان تکلیف تعیین کند، معنویات پررنگ‌تر می‌شود. حمل کردن قرآن خیلی خوب است اما عمل کردن به آیه‌های آن است که اهمیت بیشتری دارد». عطارزاده می‌گوید از وقتی بچه‌هایش در زمره حفاظ قرار گرفته‌اند، خانواده آرامش بیشتری پیدا کرده است؛ «در قرآن به مومنان اشاره شده که همواره در امتحان الهی خواهند بود. این باعث شده هر وقت سختی‌ای پیش می‌آید، بچه‌ها با استناد به آیه‌های الهی، صبر و تحمل بیشتری از خود نشان دهند». در این دنیا راه‌ها و مسیرهای زیادی وجود دارد که هر کس با توجه به میزان معرفتی که دارد، راهش را انتخاب می‌کند. حاج آقا عطارزاده، راه قرآن را نجات‌بخش همه خانواده‌ها می‌داند؛ «خوشحالم که در سنین میانسالی می‌بینم زندگی بچه‌هایم با قرآن هماهنگ شده است و خطر انحراف را از سر گذرانده‌اند». عطارزاده به خوبی امدادهای غیبی قرآن در جبهه‌ها را به یاد می‌آورد؛ «جنگ، شرایط سختی داشت که انسان مومن را با قرآن بیشتر همراه می‌کرد. هر روز شهادتین می‌گفتیم و قرآن به همراه داشتیم. هر وقت احساس می‌کردیم احتمال دارد دشمن ما را ببیند آیه «وجعلنا من بین ایدیهم سدا» را می‌خواندیم. یا وقتی نگران می‌شدیم آیه‌الکرسی ورد زبانمان می‌شد».

ناگفته‌های یک دیدار خانوادگی

## شیطان در کمین ما هم نشسته است

حافظان خانواده عطارزاده می‌گویند بعد از اینکه دیگران متوجه می‌شوند آنها حافظ قرآن هستند، رفتارهای مختلف و گاهی به یادماندنی‌ای از خودشان نشان می‌دهند ولی خانواده عطارزاده می‌خواهند بگویند که آنها هم مثل بقیه زندگی می‌کنند و عادی‌اند. این خاطره‌ها خواندنی‌اند:

سمیه عطارزاده: یک بار در خوابگاه دانشجویی‌مان دوستانم تصمیم گرفتند به سینما بروند. وقتی قرار شد مشخص کنند که کی می‌رود، کی نمی‌رود، به من که رسیدند گفتند خب! سمیه که حافظ قرآن است، معلوم است که سینما نمی‌رود. راستش آنجا من کمی دلگیر شدم و با آنها سینما نرفتم. می‌خواهم بگویم که اینها هیچ ارتباطی با هم ندارند. مگر سینما رفتن جرم است که یک حافظ نخواهد برای تماشای فیلم مثل بقیه پای پرده نقره‌ای سینما بنشیند؟

مصطفی عطارزاده: حدود ۱۰ سالم بود که بیماری مننژیت مغزی گرفتم. تب شدیدی داشتم و یادم می‌آید دکترها و پرستاران رفتار دلسردکننده‌ای با مادرم داشتند. فکر می‌کردند دیگر خوب نمی‌شوم. مادرم که دلش خیلی گرفته بود، رو به خدا کرد و گفت که پسرم حافظ قرآن است و خودتان فرموده‌اید کسانی که ایمان بیاورند به بیماری‌های سخت دچار نمی‌شوند. من همان شب خوب شدم. وقتی پزشکان برای معاینه من آمدند، تعدادی دانشجو هم همراهشان بودند. پزشکی رو به آنها کرد و درباره بیماری خطرناکم توضیح داد. داروها را هم به آنها نشان داد ولی در آخر همه داروها را کنار زد و گفت که ایمان دارد من با این داروها خوب نشده‌ام و چیز دیگری نجاتم داده است. آن پزشک می‌دانست که من حافظ قرآنم.

زهرا سعادتمند: هر جا که می‌روم بچه‌هایم را با دیگر بچه‌های فامیل مقایسه می‌کنند. این کار بسیار بدی است و عواقب معکوسی دارد. بعضی‌ها بچه‌هایم را متبرک می‌دانند. راستش این جور مواقع می‌خواهم بگویم این کلمه‌ها را به کار نبرند. ما هم بندگان معمولی خداییم و شیطان در کمین همه‌مان نشسته است و اگر خدای‌نکرده با این جمله‌ها به جاده غرور بیفتیم از شیطان پیروی کرده‌ایم.

## شریک‌شدن در لذت تلاوت

قبول داریم که همه آیه‌ها بار معنوی بالایی دارند اما انگار هر حافظی به سوره و آیه‌های ویژه دلبستگی بیشتری دارد. سراغ این آیه‌ها را از حافظان خانواده عطارزاده گرفتیم. زینب در کنار قرائت قرآن به ترجمه‌ها هم دقت می‌کند و آیه‌های ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل‌عمران را بی‌نظیر می‌داند؛ «همیشه وقتی این آیه‌ها را تلاوت می‌کنم حس عجیبی دارم. سوره حمد هم اگر با تمام توجه خوانده شود چنین اثری دارد. می‌گویند اگر سوره فجر را هم زیاد تلاوت کنید با امام حسین(ع) محشور خواهید شد». زینب توصیه خوبی هم برای روزه‌داران دارد؛ «هر وقت روزه بگیریم اگر در اولین دقایق سحر، سوره یاسین را تلاوت کنیم در آن روز گرسنگی و تشنگی بر ما چیره نخواهد شد». بزرگ‌ترین فرزند خانواده عطارزاده، زیباترین آیه‌اش را به خوانندگان آیه تقدیم می‌کند؛ «همه آیات را دوست دارم اما فکر می‌کنم آیه ۲۴ سوره انفال ابهت ویژه‌ای برایم دارد. آن‌قدر از خواندن این آیه لذت می‌برم که دلم می‌خواهد همه در این احساس شریک شوند».

اما فاطمه یکی از آیه‌های سوره زمر را زیباترین کلام خداوند می‌داند؛ «دلم می‌خواهد همه سراغ قرآن‌هایشان بروند و آیه ۵۳ سوره زمر را تلاوت کنند. در این آیه خداوند پیام بسیار زیبایی برای انسان دارد که می‌تواند هر بنده‌ای را بیش از پیش عاشق معبودش کند». سمیه مدت‌هاست دلداده یکی از آیه‌های سوره علق شده است؛ «سوره‌هایی را که دوست دارم بیشتر تلاوت می‌کنم اما این آیه شب و روز با من است. آیه ۱۴ سوره علق تکانم می‌دهد و شوق عشق به قرآن را در دلم زنده می‌کند». مصطفی شش آیه آخر سوره حشر را زیباترین آیات می‌داند؛ «شاید یکی از علت‌های این انتخابم، قرائت و صوت بی‌نظیر استاد عبدالباسط باشد». مادر و استاد قدیمی بچه‌ها در حفظ قرآن شیفته سوره یاسین است و آیات آن را با صفت صریح و روشن معرفی می‌کند؛ «تلاوت یاسین بسیار از سوی پیامبر(ص) و ائمه(ع) و بزرگان توصیه شده است. حتما نوری میان این آیه‌هاست که با آن قلوب مومنان روشن‌تر و با ایمان‌تر می‌شود».



وبلاگ‌ها فضای جدیدی برای رونق دادن به معارف قرآنی فراهم کرده اما بلاگرهای قرآنی راه‌درازی در پیش دارند

# کلیک به کلیک با وبلاگ‌های قرآنی

در این صفحه‌ها، نگاه تحلیلی - انتقادی «همشهری آیه»
را درباره وبلاگ‌نویسی قرآنی می‌خوانید

دانیال ابوالحسن / عیسی محمدی / فاطمه عباسی

۱ـ وبلاگ‌نویسی پدیده جدی و مهمی است. اگر جدی نبود کنار چت، سایت، ای‌میل و بقیه مخلفات اینترنت، میلیون‌ها طرفدار خودش را نداشت. اگر هم مهم نبود دو سه سال بعد از تولد اولین وبلاگ فارسی در فضای مجازی، هزاران وبلاگ دیگر متولد نمی‌شد. اینها را برای این گفتیم که صفحه‌های «موضوع ویژه» این دفعه ما را جدی بگیرید.

۲ـ وبلاگ‌نویسی قرآنی پدیده جدی‌تر و مهم‌تری است. اگر جدی‌تر نبود حالا طلبه‌های حوزه به تکاپو نمی‌افتادند که کنار روش‌های سنتی برای تبلیغ، سراغ روش نوین وبلاگ‌نویسی بروند. اگر هم مهم‌تر نبود متولیان برنامه‌های قرآنی کشور سراغ برپایی جشنواره‌های وبلاگ‌نویسی قرآنی نمی‌رفتند. اینها را برای این گفتیم که بدانید همین حالا هم در این حوزه حسابی عقب افتاده‌ایم.

۳ـ چند سوال ساده داریم؛ چرا کتاب خدا در فضای وبلاگ‌های فارسی‌زبان این‌قدر مهجور است؟ چرا تعداد وبلاگ‌ها با موضوع‌هایی غیرقرآنی از تعداد وبلاگ‌های قرآنی فاصله زمین تا آسمان و حتی بیشتر پیدا کرده است؟ چرا هنوز خیلی از متولیان اشاعه علوم قرآنی سراغ این رسانه نرفته‌اند؟ اگر گشتی در دنیای وبلاگ‌ها بزنید شما هم می‌پذیرید که حال وبلاگ‌های قرآنی زیاد خوب نیست.



وبلاگ‌های قرآنی در شش روایت

# هوای وبلاگستان کمی ابری است

آنها به خودی خود مهم نیستند اما می‌توانند مهم بشوند. کافی است بدانیم که خوانندگان و مراجعان برخی وبلاگ‌ها و سایت‌های قرآنی، بیشتر از خوانندگان و مراجعان بعضی مجله‌ها و حتی روزنامه‌هایی که در حوزه دین منتشر می‌شوند هستند و نیز کافی است بدانیم که در فضای وب، نام بعضی از بلاگرهای قرآنی، معروف‌تر از همان مجله‌ها و روزنامه‌های ذکر شده است. یک وبلاگ چگونه مهم و پرخواننده می‌شود؟ اینجاست که پای اصول و آداب به میان می‌آید. باید گفت که برای مهم شدن در حوزه وبلاگ‌های قرآنی، این اصول و آداب قابل آشنایی و رعایت شدن هستند؛ اصولی چون محتوای مطالب، کوتاهی نوشته‌ها، طراحی و نوع قالب‌ها و....

### روایت اول

برای موفقیت در وبلاگ‌نویسی قرآنی چه باید کرد؟ آنها هم مثل وبلاگ‌های دیگرند؟ حجت‌الاسلام سعید شمس، مدیر بخش پرسش و پاسخ نمایشگاه قرآن و کانون گفتمان قرآنی می‌گوید: «وبلاگ‌های قرآنی موجود، پاسخگوی نیاز کاربران نیست. آنها نباید تنها به گذاشتن پست‌های صرفا قرآنی مثل ترجمه و تفسیر قرآن اکتفا کنند». نظر محمدسجاد جوزدانی - دانشجو و پژوهشگر ساکن مسکو - را هم بخوانید که می‌گوید: «با توجه به کثرت سایت‌های قرآنی و غلبه آنها بر وبلاگ‌های قرآنی از لحاظ کمی و کیفی، هنوز وبلاگ‌های قرآنی نتوانسته‌اند در سطح وبلاگستان مطرح شوند و این موضوع نیاز به تبلیغات بیشتر و ارائه موضوعات بهتر دارد».

### روایت دوم

نیم‌نگاهی کوتاه به وبلاگ‌های قرآنی البته ما را به همین نظرها می‌رساند. از وبلاگی به نام «وبلاگ‌های قرآنی» در فضای پرشین بلاگ شروع می‌کنیم. از دور که نگاه می‌کنید، این وبلاگ از تمام امکانات خودش استفاده کرده است؛ تیترها و لینک دوستان و لینک‌های روزانه و دسته‌بندی یادداشت‌ها و...؛ اما نزدیک‌تر که می‌شوید و مطالب را با دقت بیشتری می‌خوانید، می‌بینید که وبلاگ، یک کتاب نیمه‌سنگین قرآنی است که در فضای وب قرار گرفته. فونت‌ها، رنگ‌های مختلفی دارند که نیازی به این کار احساس نمی‌شود. اندازه فونت‌ها هم گاهی ناهماهنگ است و خواندن آنها را مشکل می‌کند. تعداد مراجعان به آن هم متوسط است و در نوع خودش، قابل قبول. اما ماجرای اصلی، بر سر تطبیق قالبی به نام وبلاگ و محتوایی به نام «پرسش و پاسخ قرآنی» است که احساس می‌شود خوب از آب در نیامده. طبیعی است که مراجعان چنین وبلاگی، کسانی باشند که دستی در قرآن و تفسیر و مطالعه قرآنی دارند و نه همه خوانندگان عام فضای سایبر.

### روایت سوم

وبلاگ بعدی، منتخب تفاسیر از حوزه بلاگفاست. همان‌طور که از اسمش لو می‌رود، قرار است در این وبلاگ، انواع و اقسام تفسیرها را مشاهده کنید؛ البته تمرکز بیشتر روی تفاسیر نور و نمونه و المیزان است. وبلاگ، قالب قابل قبولی دارد؛ قالبی که نشانه سلیقه نویسنده آن است و نه نشانه انتخاب پیش‌فرض‌هایی موجود که دست و بال آدم را حسابی می‌بندد. سعید مطلق در وبلاگ خودش از امکانات موضوعات، لینک‌ها، نظرسنجی‌ها، آرشیو و... به خوبی استفاده کرده. البته موضوعات به نسبت سوره‌ها تقسیم شده‌اند و تعدادشان کمی زیاد شده. زبان وبلاگ، زبانی متناسب با معارف انتخاب شده است که البته جا داشت کمی ساده‌تر و عمومی‌تر باشد. اما همین زبان هم، چندان دور از وبلاگ نیست و می‌توان از آن سر در آورد.

### روایت چهارم

خب، حالا در همین محیط بلاگفا، به وبلاگی می‌رسیم با عنوان «قرآن برای نوجوانان». طبیعی است که وقتی نوشتن برای نوجوانان و وبلاگ با هم جمع می‌شوند، انتظار زبانی بسیار ساده، جذاب و روان را داشته باشید. قالب، قالبی مناسب فضای نوجوانان نیست؛ کاملا ساده انتخاب شده و مطالب، کاملا ساده در آن ریخته شده است. زبان مورد استفاده هم، چنگی به دل نمی‌زند؛ انگار که روی سخن با بزرگسالان باشد. تنها عنوان وبلاگ است که جذب می‌کند؛ قرآن برای نوجوانان.

وبلاگی با عنوان «از جنس وحی» در همین محیط هم چنین خصوصیاتی دارد؛ با این تفاوت که قالب زیبایی را برای کارش انتخاب کرده و چیدمان مطالبش ترتیب بیشتری دارد؛ اما نثر و محتوا، چنان است که گفتیم و انگیزه‌ای برای خواندن ایجاد نمی‌کند.

### روایت پنجم

از حوزه میهن‌بلاگ، باغ قرآن را انتخاب می‌کنیم. خوبی وبلاگ این است که از تصویر هم استفاده کرده؛ چیزی که در وبلاگ‌های قبلی به ندرت دیده می‌شد. البته مطالب، اقتباسی و به اصطلاح «copy-paste»هایی هستند از کتاب‌ها و منابع دیگر. از خود نویسنده و ارتباطی که با قرآن گرفته، اثری دیده نمی‌شود. فونت نوشته‌ها ریز است و چشم را اذیت می‌کند، چیدمان معمولی‌ای هم دارند و انگار که با حوصله انجام نشده‌اند. البته وبلاگ قرآنی «کوثر» در همین حوزه، چنین ایرادهایی را ندارد و در قالب و محتوا خوب از آب در آمده است. بزرگ‌ترین ویژگی‌اش این است که ردپایی از نویسنده‌اش و هویت فردی‌اش را هم داخل وبلاگ می‌توان پیدا کرد. همه چیز این وبلاگ قابل قبول است جز مراجعان و خوانندگانش. ۲۰۰ نفر بازدیدکننده برای یک ماه، آمار خوبی نیست.

### روایت ششم

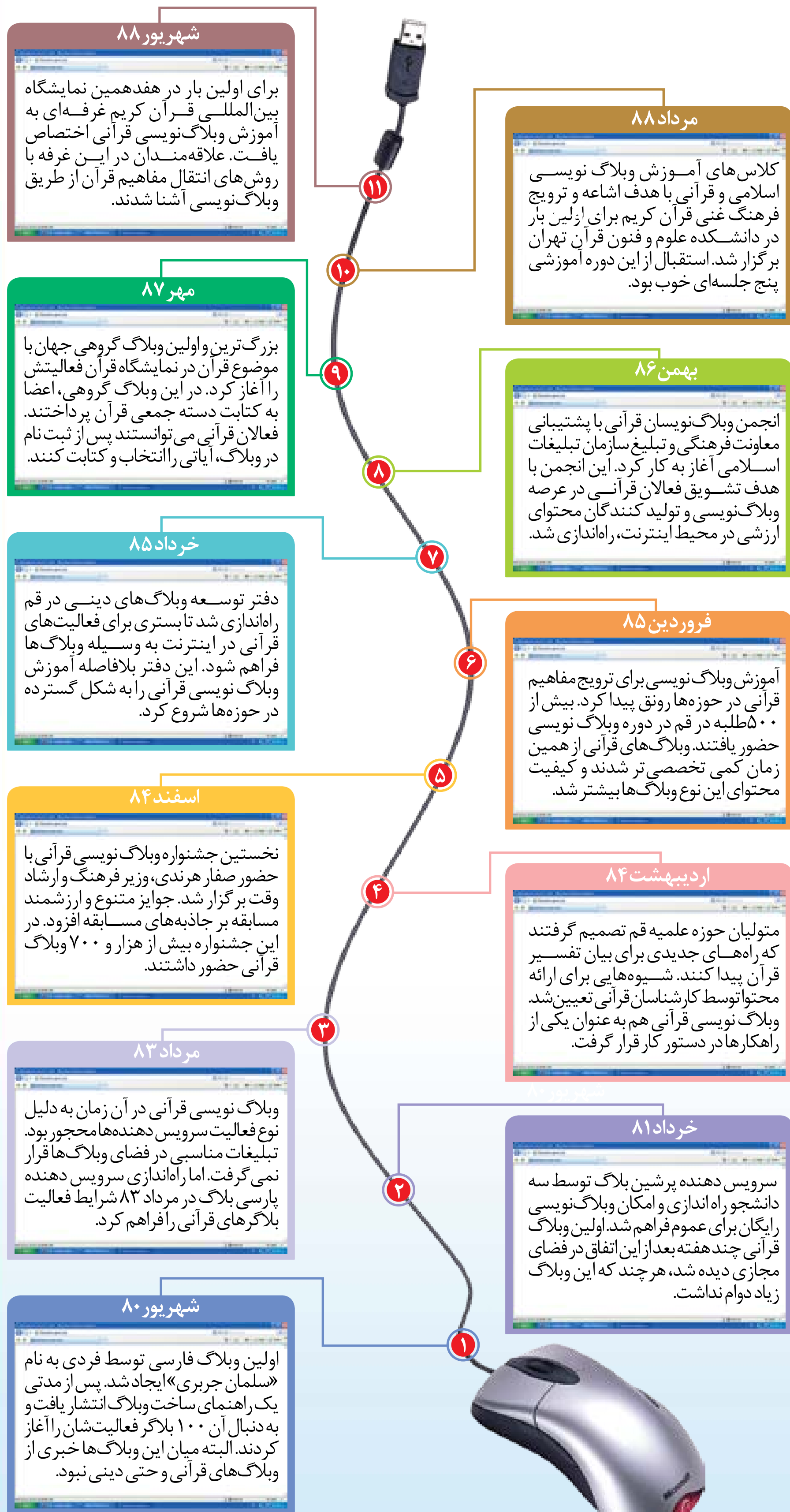
محمدعلی خواجه‌پیری - رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - می‌گوید: «نبود حمایت، اصلی‌ترین دلیل رکود وبلاگستان قرآنی است. وبلاگ‌ها نیاز به حمایت‌های دولتی در حوزه‌های قالب و محتوا دارند. فردی که وبلاگ‌نویسی می‌کند حمایت‌های مختلفی می‌خواهد».

آیا همه چیز با حمایت حل خواهد شد؟ آیا وبلاگ‌نویسی که در همه جای دنیا حرکتی خودجوش و خودخواسته است، با چنین راه‌حلی رسمی، جدی‌تر خواهد شد، خاصه از نوع قرآنی‌اش؟



## وبلاگ‌های قرآنی؛ از تولد تا...

وبلاگ و وبلاگ‌نویسی را هنوز هم باید پدیده تازه‌ای در ایران دانست، اما این پدیده آن‌قدر در همین مدت کوتاه فراگیر شده که انگار سالیان سال از راه‌اندازی اولین وبلاگ‌ها گذشته است. وبلاگ‌نویسی قرآنی هم‌سن و سال چندانی ندارد و شاید به دلیل کم‌کاری‌های انجام‌شده از دیگر وبلاگ‌ها با موضوع‌هایی دیگر جوان‌تر است. البته در همین دوران کوتاه هم اتفاق‌های مختلفی در این حوزه رخ داده است. این رخدادها باعث شده که این نوع وبلاگ‌نویسی تخصصی، این روزها کمی در فضای سایبر پا بگیرد و فعالان قرآنی را به این ابزار جدید و مدرن علاقه‌مند کند. حالا می‌توان به آینده وبلاگ‌نویسی قرآنی امیدوار بود، البته اگر این اتفاق‌های خوب همچنان ادامه داشته باشد. ما در مسیر شکل‌گیری وبلاگ‌های قرآنی حرکت کرده‌ایم. شما هم با ما همراه شوید تا از تاریخچه ایجاد این نوع وبلاگ‌ها مطلع شوید.





زائری تیر انتقادهایش را در زمینه وبلاگ‌نویسی قرآنی
به سوی مسؤولان نشانه می‌گیرد

# آموزش، حلقه مفقوده وبلاگ‌نویسی

**حجت‌الاسلام محمدرضا زائری، روحانی مشهور و صریح‌اللهجه‌ای است که اظهاراتش همواره با استقبال فراوان نسل جوان مواجه می‌شود. او این روزها برای گرفتن مدرک دکترا راهی کشور لبنان شده ولی گاهی به کشور سر می‌زند و در ضمن در سال‌های اخیر هنوز از طریق وبلاگ با مخاطبانش ارتباط دارد. او از روحانیون انگشت شماری به حساب می‌آید که پیشتاز عرصه وبلاگ‌نویسی هستند. در سفر اخیر زائری به ایران، گفت‌وگویی با او درباره وبلاگ‌نویسی قرآنی انجام دادیم.**

**به نظرتان وبلاگ‌ها به عنوان یک رسانه عمومی در فضای سایبر می‌توانند در موضوعی موج آفرین باشند یا هنوز بلاگرهای کشورمان به این حد از توانایی نرسیده‌اند؟**

اصل موضوع به نظرم کاملا مشخص است. وبلاگ‌ها مخاطبان جدی و مشخصی دارند که با تاثیر زیاد می‌توانند جریان‌سازی کنند. کارکرد تعاملی و دوسویه وبلاگ‌ها این ظرفیت موج آفرینی را برای آنها ایجاد کرده است.

**ولی حداقل می‌توان گفت که وبلاگ‌های قرآنی ما به این حد از توانایی نرسیده‌اند، این طور نیست؟**



وبلاگ قرآنی یک‌جور رسانه تخصصی به حساب می‌آید که نباید از آن انتظار موج‌آفرینی داشته باشیم. به نظرم جریان‌سازی معمولا در وبلاگ‌های عمومی که بازدیدکنندگان بیشتری دارند، اتفاق می‌افتد.

**یعنی تخصصی بودن را دلیلی بر ناتوانی در جریان‌سازی وبلاگ‌های قرآنی می‌دانید؟**

فکر می‌کنم وبلاگ‌های قرآنی زمانی می‌توانند موج‌آفرین باشند که همزمان با حفظ رویکرد تخصصی، محدوده وسیع‌تری از مخاطبان را با مطالب متنوع پوشش دهند. مطالب جذاب و خواندنی، می‌توانند بازدیدکنندگان یک وبلاگ تخصصی قرآنی را به طور چشمگیری افزایش دهند.

**خب، پس مشکل کجاست؟ چرا وبلاگ‌های فارسی‌زبان با موضوع‌های دیگر به این توان جریان‌سازی رسیده‌اند ولی وبلاگ‌های قرآنی هنوز ناتوانند؟**

باید دید نهادها و سازمان‌هایی که در فعالیت‌های قرآنی کشور تاثیرگذارند، چه نسبتی با وبلاگ‌نویسی قرآنی دارند. متاسفانه فاصله آنها با این ماجرا بسیار زیاد است و هیچ تاثیری ندارند. خود وبلاگ‌های قرآنی هم خیلی جدی، پررونق، فعال و مرتبط با هم نیستند. فکر می‌کنم حلقه مفقوده این ماجرا هم آموزش وبلاگ‌نویسی به افرادی باشد که انگیزه فعالیت‌های قرآنی دارند.

> **نهادها وسازمان‌های قرآنی در ماجرای وبلاگ‌نویسی قرآنی هیچ تأثیری ندارند**

**فکر نمی‌کنید اگر ظاهر فضای وبلاگ‌ها متناسب با موضوع قرآن و مذهب باشد تاثیر بیشتری در جذب مخاطب خواهد داشت؟**

در اهمیت ظاهر وبلاگ‌ها شکی نیست. مسلما این ظاهر می‌تواند میل، علاقه و رغبت جدی در بازدیدکنندگان ایجاد کند و باعث رونق وبلاگ‌های قرآنی شود. قصد مقایسه ندارم، ولی مسیحیت با اهمیت دادن به همین ظاهر متنوع و به روز، تجربه موفقی در انتقال متون مقدس به عوام داشته است. این تجربه می‌تواند برای ما قابل استفاده باشد.

**چرا حوزه در سال‌های اخیر کمتر از این فضا برای تبلیغ قرآن و دین استفاده کرده است؟ مسلما آنها از نظر داشتن محتوا مشکلی نداشته‌اند.**

احساسم این است که هنوز حساسیت، نیاز و اهمیت وبلاگ‌نویسی قرآنی در حوزه درک نشده است. کارهایی انجام شده است ولی فاصله آن‌قدر زیاد است که زمان زیادی برای رسیدن به فضای جدید نیاز داریم.

**ولی به نظر می‌رسد تمایل متولیان و مدیران حوزه‌ها به استفاده از همان روش‌های سنتی برای تبلیغ، بسیار بیشتر از روش‌های جدید است، این طور نیست؟**

مسلما نسل قبلی با قالب‌های سنتی مانوس است و زمان می‌برد تا فاصله‌ها برداشته شود. در ضمن نباید الگوی کار جمعی را فراموش کنیم. شاید گروهی باشند که فقط توانایی تولید محتوای خوب دارند و گروهی هم باشند که فقط بتوانند با ایجاد وبلاگ مناسب با مخاطبان ارتباط برقرار کنند. تعامل این دو گروه با یکدیگر می‌تواند به تولید وبلاگ‌های قرآنی مشترک و قوی بینجامد.

**این تعامل هم مسلما باید با حمایت و برنامه‌ریزی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط ایجاد شود.**

در سطوح کلان مسلما نقش سازمان‌ها و نهادها در این زمینه غیر قابل انکار است که متاسفانه فعلا کمرنگ است ولی به نظرم در سطوح پایین‌تر، افراد می‌توانند برای تولید یک وبلاگ قرآنی مشترک به توافق برسند.

## وبلاگ قرآنی باید چشم‌نواز باشد

**دکتر احمد توکلی / روزنامه‌نگار و استاد علوم ارتباطات** وبلاگ قرآنی یک وبلاگ تخصصی به‌حساب می‌آید، به همین دلیل بلاگر این وبلاگ باید هم در شکل ظاهری وبلاگ و هم در زمینه محتوا کاملا حرفه‌ای عمل کند. اما ملاک، معیار و شاخص این حرفه‌ای بودن چیست؟ متاسفانه در حال حاضر ظاهر وبلاگ‌های ما به دلیل استفاده از قالب‌های آماده شبیه هم هستند. در حالی که ظاهر هر وبلاگ باید متناسب با موضوع مورد نظر باشد. مسلما می‌توان قالبی مناسب برای یک وبلاگ قرآنی یافت و از آن استفاده کرد. نکته مهم در این بخش این است که به هر حال ظاهر وبلاگ بسیار اهمیت دارد و چشم‌نواز بودن آن در جذب مخاطب بسیار تاثیرگذار است. اگر وبلاگ قرآنی از نظر شکل مورد پسند مخاطب قرار گیرد، مسلما از آن استقبال می‌کند. در ضمن مسلما یک فعال قرآنی وقتی در فضای مجازی سراغ وبلاگ‌های قرآنی می‌رود، توقع و انتظار دارد که در این وبلاگ‌ها با مطالب قرآنی علمی و به‌روز مواجه شود. این علمی و به‌روز بودن هم زمانی به دست می‌آید که خود بلاگر در جریان فعالیت‌های قرآنی کشور قرار داشته و با مباحث روز این حوزه در ارتباط باشد. این ارتباط باید آن‌قدر گسترده و مستمر باشد که بلاگر قرآنی بتواند وبلاگش را در فاصله زمانی کوتاهی به‌روز کند تا مخاطبش را از دست ندهد.

## فضای سایبر را جدی نمی‌گیرند

**دکتر حسام‌الدین آشنا / استاد علوم ارتباطات**
محیط سایبر مثل هر محیط دیگر مشارکت‌کنندگان مخصوص خودش را دارد. هر محیطی هم متناسب با شرکت‌کنندگان آن، شرایطی بر آن حاکم است. بعضی از فعالان قرآنی در فضای مجازی حضور تخصصی دارند و بعضی حضور عمومی. مسلما مخاطبان گروه اول هم مخاطبان متخصص هستند و گروه دوم مخاطبان عام. متاسفانه در حال حاضر آمار تعداد وبلاگ‌های قرآنی تخصصی در اینترنت بالا نیست. این نقص علت مشخصی دارد؛ افراد متخصص علوم قرآنی هنوز محیط سایبر را محیطی جدی برای ارائه مطالب و دیدگاه‌های خود نمی‌دانند، به همین دلیل هم حضور وبلاگ‌های تخصصی قرآنی در این فضا بسیار کمرنگ است. وبلاگ قرآنی می‌تواند تبدیل به یک کلاس درس بزرگ و دائمی شود، به شرط اینکه متخصصان این حوزه متوجه کارایی این ابزار مدرن و جدید شوند. فعالان قرآنی باید هرچه زودتر از این ظرفیت وبلاگ‌ها برای تبلغ مفاهیم قرآنی استفاده کنند تا از خیلی از حوزه‌های دیگر وبلاگ‌نویسی عقب نمانند. در ضمن راهکارهای مختلفی می‌توان برای تقویت وبلاگ‌های تخصصی قرآن در نظر گرفت. یکی از این راهکارها، حمایت دانشگاه‌ها و موسسه‌های علمی معتبر از وبلاگ‌های تخصصی قرآنی است که می‌تواند گام بسیار موثری در تشویق متخصصان قرآنی برای فعالیت در فضای سایبر باشد.







بلاگر معروف قرآنی اعتقاد دارد
که مشکل اصلی وبلاگ‌های قرآنی شیوه ارائه محتواست

# شبهات قرآنی در وبلاگ‌ها طرفدار دارند

**باید بپذیریم که فعالیت وبلاگ‌نویسان قرآنی‌مان هنوز در فضای مجازی اینترنت پا نگرفته است. البته در این میان هستند کسانی که سال‌هاست وبلاگ را به عنوان عرصه جدیدی برای انتشار مفاهیم قرآنی انتخاب کرده‌اند. حجت‌الاسلام سعید شمس را باید یکی از پیشگامان این عرصه دانست که هنوز هم در این حوزه بسیار فعال است. او مدت‌هاست که به عنوان مدیر کانون گفتمان قرآنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی فعالیت می‌کند. سراغش رفتیم تا از اوضاع این روزهای وبلاگ‌نویسی قرآنی مطلع شویم.**

**آماری دارید که در حال حاضر چند وبلاگ قرآنی فعال در فضای مجازی اینترنت وجود دارد؟**

سال گذشته گروهی را مامور کردیم که این کار را انجام دهند ولی متاسفانه نمی‌توان هیچ آماری را به طور رسمی در این زمینه اعلام کرد.

**با این حال قبول دارید که آمار وبلاگ‌های قرآنی بسیار کمتر از وبلاگ‌هایی با موضوع‌های دیگر است؟**

مسلما تعداد این نوع وبلاگ‌ها بسیار کم است. در ضمن خود وبلاگ‌های قرآنی هم به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ وبلاگ‌هایی که اختصاصا به عنوان وبلاگ قرآنی ساخته شده‌اند و وبلاگ‌هایی که بیشتر پست‌هایشان درباره مطالب قرآنی است. اگر بخواهیم فقط تعداد وبلاگ‌های دسته اول را در نظر بگیریم، باید بگوییم در این زمینه بسیار عقب افتاده‌ایم.

**چه چیزی را علت مهجور بودن قرآن در فضای مجازی می‌دانید؟**

اتفاقا این موضوع را بررسی کرده‌ام. ما خیلی‌ها را داریم که علاقه دارند به عنوان یک بلاگر قرآنی در اینترنت فعالیت داشته باشند. مشکل راه‌اندازی وبلاگ و همچنین مواد خام اولیه هم نداریم؛ مشکل فقط چگونگی ارائه محتواست. اینجاست که کار می‌لنگد و علاقه‌مندان سراغ وبلاگ‌نویسی در این موضوع نمی‌روند چون اساسا نمی‌توانند مخاطب را جذب کنند. مشکل دیگر هم این است که میان وبلاگ‌نویسان قرآنی کشورمان انسجام و هماهنگی وجود ندارد. ما نیاز به تشکلی داریم که کار خط‌دهی و آموزش را انجام دهد.

**مطالب غالب وبلاگ‌های قرآنی موجود ترجمه یا تفسیر قرآن است؛ در حالی که یک کاربر می‌تواند با خریدن یک نرم‌افزار قرآنی به تمام ترجمه‌ها و تفاسیر موجود دسترسی پیدا کند. فکر می‌کنید یک وبلاگ قرآنی قابل استفاده باید چه مطالبی داشته باشد؟**

کسانی که وارد اینترنت می‌شوند، زیاد حوصله خواندن مطالب طولانی و غیرجذاب را ندارند. مشکل محتوای بیشتر وبلاگ‌های قرآنی موجود هم همین است. آنها باید سعی کنند که شاه‌کلید مطلب را به مخاطب انتقال دهند. در ضمن ارائه مطالب در قالب محتوایی خشک و رسمی هم جواب نمی‌دهد؛ باید سراغ فرم‌های محتوایی جذابی مثل قالب‌های ادبی برویم. وبلاگ‌داری در حوزه قرآن یک تخصص است که متاسفانه خیلی‌ها با فنون آن آشنا نیستند. بلاگر باید در پست‌هایش از کلمه‌های کلیدی استفاده کند تا مطلب در موتورهای جست‌وجو به راحتی پیدا شود. همین نکته‌های کوچک است که باعث رونق وبلاگ‌های قرآنی می‌شود.



> **مشکل این است که میان وبلاگ‌نویسان قرآنی کشورمان انسجام و هماهنگی وجود ندارد**

**خود محتوا چطور؟ باید سراغ چه موضوع‌های قرآنی‌ای برویم تا بتوانیم بازدیدکننده بیشتری داشته باشیم؟**

پس از سال‌ها فعالیت در این عرصه به این نتیجه رسیده‌ام که مخاطبان به بحث و گفت‌وگو درباره شبهات قرآنی علاقه دارند. اتفاقا سایت‌ها و وبلاگ‌های زیادی هم هستند که دائما شبهه‌های دینی را برای جوانان در فضای مجازی تولید می‌کنند. باید با شیوه خود آنها و با استفاده از همین وبلاگ‌های قرآنی به این شبهات پاسخ دهیم. متاسفانه در حال حاضر خیلی از وبلاگ‌های قرآنی تبدیل به تقویم مناسبت‌های مذهبی یا محلی برای معرفی محافل قرآنی شده‌اند.

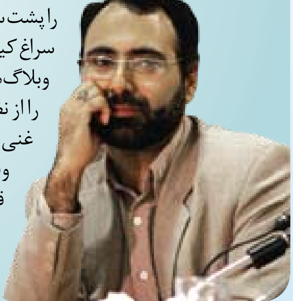
**سازمان‌ها و نهادهای مختلف هم سایت‌های قرآنی راه‌اندازی کرده‌اند. فکر نمی‌کنید بهتر است این سازمان‌ها مطالب خام و غیر جذاب این سایت‌ها را در اختیار بلاگرها قرار دهند تا وبلاگ‌های قرآنی‌ای که مخاطبان بیشتری دارند، رونق بگیرند؟**

این سایت‌ها کلی مطالب ارزشمند دارند که مسلما می‌توانند مرجعی برای وبلاگ‌های قرآنی باشند. اما دو مشکل اساسی در این زمینه وجود دارد؛ اول اینکه این انسجام میان بلاگرها و مسؤولان این سایت‌ها وجود ندارد که با هم تعامل داشته باشند و دوم اینکه برای شناساندن این سایت‌های مرجع هیچ اطلاع‌رسانی درستی انجام نشده است.



## قالب‌های مناسب را پیدا کنید

**محمدرضا فخری / مدیر پارسی بلاگ** خوشبختانه می‌توان به تعدادی وبلاگ قرآنی در فضای مجازی برخورد کرد که فعال هستند ولی متاسفانه کیفیت این وبلاگ‌ها زیاد مناسب با شأن و منزلت قرآن کریم نیست. اصل حضور فعالان قرآنی در فضای مجازی مهم است ولی وقتی این مرحله از کار را پشت سر گذاشتیم باید سراغ کیفیت برویم و این وبلاگ‌های تخصصی را از نظر محتوایی غنی کنیم. در ضمن وقتی یک فعال قرآنی، مدیر وبلاگ است؛ ظاهر وبلاگ هم باید متناسب با سلیقه مدیرش، قرآنی باشد. توقع این است که از نمادها و المان‌های قرآنی در وبلاگ‌های این حوزه استفاده کنیم تا مخاطب بلافاصله جذب شود. البته هنوز طراحی قالب وبلاگ در کشور ما برای یک بلاگر مقرون به صرفه نیست ولی اگر بلاگرهای قرآنی کمی در اینترنت جست‌وجو کنند می‌توانند قالب‌های قرآنی مناسبی را پیدا کنند. همچنین معتقدم که بیشتر شدن وبلاگ‌های قرآنی در حال حاضر خیلی مطلوب نیست بلکه اولویت اول باید بالا رفتن کیفیت وبلاگ‌های موجود باشد. نهادها و سازمان‌های فعال در عرصه قرآنی کشور باید با برگزاری دوره‌های آموزشی، آگاهی فعالان قرآنی را در زمینه وبلاگ نویسی چه از نظر محتوا و چه از نظر طراحی قالب وبلاگ بالا ببرند. فقط با برگزاری این دوره‌های آموزشی است که می‌توانیم به آینده وبلاگ‌های قرآنی امیدوار باشیم.



## وبلاگ قرآنی به مخاطبش زنده است

**حمیدرضا ضیایی پرور / بلاگر و مدرس روابط عمومی الکترونیک** خوشبختانه در سال‌های اخیر روند وبلاگ‌نویسی به سمت تخصصی شدن پیش رفته است و مسلما در حوزه قرآن هم شاهد وبلاگ‌های تخصصی بوده‌ایم، هرچند که تعداد آنها نسبت به وبلاگ‌های موضوع‌های دیگر بسیار محدود بوده است. وبلاگ‌های قرآنی زمانی می‌توانند در فضای مجازی پا بگیرند و فعالیت چشمگیرتری داشته باشند که فعالان حرفه‌ای حوزه قرآن هم به وبلاگ‌خوانی روی بیاورند. وبلاگ‌های تخصصی قرآنی به مخاطبشان زنده‌اند. اگر کسی مطالب قرآنی وبلاگ‌ها را نخواند، بلاگر هم انگیزه‌ای برای فعالیت نخواهد داشت. پس باید گفت که نقش مخاطبان وبلاگ‌های قرآنی بسیار موثرتر از خود بلاگرهاست. از طرفی سازمان‌ها و نهادهای متولی فعالیت‌های قرآنی هم باید به دنبال ایجاد انگیزه برای بلاگرهای قرآنی باشند. بلاگرها برای ادامه فعالیت نیازمند حمایتند و تا این حمایت به طور جدی انجام نشود، نباید توقع رشد وبلاگ‌های قرآنی و تاثیر آنها بر فعالیت‌های قرآنی کشور را داشته باشیم. راه‌های مختلفی هم برای ایجاد انگیزه در بلاگرها وجود دارد. یکی از این راه‌ها، برگزاری جشنواره و مسابقات وبلاگی است. خبرگزاری قرآن در سال‌های اخیر دو دوره مسابقه وبلاگ‌نویسی قرآنی برگزار کرد که باعث ایجاد هزاران وبلاگ قرآنی در فضای مجازی شد.



حجت‌الاسلام جواد باقری می‌گوید که استقبال فعالان قرآنی از وبلاگ‌نویسی قرآنی گسترده است

## وبلاگ‌ها در دام «تفسیر به‌رای» نیفتند

**طلاب حوزه‌های دینی این روزها به این فکر افتاده‌اند که از وبلاگ به عنوان یک منبر خطابه و سخنرانی مفاهیم قرآنی و دینی استفاده کنند. آنها معتقدند که این منبر جدید می‌تواند مفاهیم قرآنی را با سرعت هر چه بیشتر و در یک سطح جهانی منتقل کرده و به گوش دیگران برساند. حجت‌الاسلام جواد باقری قمی چند سالی است که در شهرهای مختلف به آموزش وبلاگ‌نویسی به طلاب می‌پردازد. او همچنین امسال در نمایشگاه قرآن کریم غرفه‌ای برپا کرد تا فعالان قرآنی کشور را با این ابزار جدید تبلیغ دین آشنا کند. سراغ او رفتیم تا از موج جدید وبلاگ‌نویسی در حوزه‌های دینی بیشتر مطلع شویم.**

**شنیده‌ایم که در حوزه‌های دینی قم، آموزش وبلاگ‌نویسی را برای ترویج مفاهیم قرآنی شروع کرده‌اند. چه شد که حوزوی‌ها به فکر استفاده از این فضای جدید افتادند؟**

حدود چهار سال قبل تصمیم گرفته شد که تفسیر قرآن به شکل فراگیرتری میان عامه مردم گفته شود. عده‌ای که توانایی این کار را داشتند، برای بیان تفسیر، انتخاب شدند ولی مشکل اینجا بود که کسی نمی‌دانست این تفاسیر را با چه شیوه جدیدی به مردم ارائه دهد که اثرگذارتر باشد. استادان فن، سمینارها و جلسه‌های مختلفی برگزار کردند تا توانستند روش‌های موثری را برای بیان تفسیر از خود قرآن پیدا کنند. این روش‌ها در حقیقت ظرف‌هایی بودند که محتوای قرآنی در آنها برای مخاطب جذاب‌تر بود. بعد هم کم‌کم این فضا ایجاد شد که طلبه‌ها از این روش‌ها در فضای مجازی و وبلاگ برای بیان تفسیر قرآن و دیگر مطالب قرآنی استفاده کنند.

**چه ویژگی‌هایی در وبلاگ و اینترنت وجود دارد که در منبر نمی‌توان یافت؟**

اینترنت مخاطبان بیشتری را پوشش می‌دهد. این ابزار کمک می‌کند تا مخاطبان بسیاری را در سراسر دنیا پوشش دهیم و با اصول دین و ارزش‌های انسانی و نجات‌بخش اسلام آشنا سازیم. در حال حاضر نسل جوان در ایران و جهان به این وسیله ارتباطی روی آورده است. البته ناگفته نماند که منبر به دلیل حضور، تماس، ارتباط مستقیم و تاثیرگذاری در روح و روان، مفیدتر و آثار آن پایدارتر است ولی این ابزار جدید هم ویژگی‌هایی دارند که نمی‌توان از آنها چشم پوشید.

**استقبال طلاب از دوره‌های آموزشی وبلاگ‌نویسی چطور بود؟**

استقبال واقعا چشمگیر و گسترده بود. خیلی‌ها متوجه شده بودند که استفاده از وبلاگ برای ترویج مفاهیم قرآنی مخاطبان زیادی را جذب و راضی می‌کند. البته هنوز هم این آموزش‌ها در ابتدای راه قرار دارند و فکر می‌کنم در آینده شاهد ایجاد موجی از وبلاگ‌های قرآنی در فضای مجازی خواهیم بود.

**امسال برای اولین بار در نمایشگاه قرآن کریم غرفه‌ای به وبلاگ‌نویسی قرآنی اختصاص یافت که شما مدیریت آن را برعهده داشتید. جرقه این فکر چطور در ذهنتان زده شد؟**

نمایشگاه قرآن محل تجمع فعالان قرآنی است و به همین دلیل از مدت‌ها قبل به این فکر می‌کردم که این فضا می‌تواند به توسعه وبلاگ‌نویسی قرآنی بسیار کمک کند. اساسا دولت می‌تواند در توسعه این ماجرا اثرگذار باشد. مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌توانند منبع فکری‌ای را برای ارتقای محتوای وبلاگ‌های قرآنی فراهم کنند.

**در حال حاضر تعدادی از فعالان قرآنی اقدام به راه‌اندازی وبلاگ‌هایی در فضای مجازی کرده‌اند. فکر می‌کنید چرا این وبلاگ‌ها خیلی در روند فعالیت‌های قرآنی کشور تاثیرگذار نیستند؟**

دلایل رکود وبلاگ‌نویسی قرآنی در فضای کنونی کاملا مشخص است. تعداد وبلاگ‌های قرآنی بسیار محدود هستند. دلیل دیگر هم این است که ما محتوای قرآنی نداریم؛ منابع محتوای قرآنی ما پاسخگوی نیاز کاربران نیست. اگر به طور مثال نرم‌افزارهای قرآنی جدید بتوانند خوراک فکری‌ای را برای وبلاگ‌نویسان فراهم کنند، می‌توانیم شاهد این باشیم که وبلاگ‌های قرآنی با مطالب جدیدی به روز می‌شوند. باید مطالب قرآنی در روش‌های جدید ارائه شوند تا منتظر تحولات جدید و ارتقای سطح وبلاگ‌نویسی قرآنی باشیم.

**فکر می‌کنید افزایش وبلاگ‌های قرآنی باعث به وجود آمدن آسیب‌هایی در این حوزه می‌شود؟**

در فعالیت‌های قرآنی اگر انسان ادله‌ای برای تفسیر قرآن داشته باشد اما این ادله مبتنی بر قواعد اصولی تفسیر قرآن نباشند می‌توانند به عنوان آسیبی برای وبلاگ‌نویسی قرآنی به حساب آیند. تفسیر به رأی و تفسیر ذوقی دامی است که وبلاگ‌نویس نباید در آن بیفتد. افزایش وبلاگ‌های قرآنی ممکن است باعث به وجود آمدن این آسیب شود.



یک راهنمای جمع‌وجور برای اینکه بلاگر قرآنی خوبی باشید

# لطفا بیشتر دیده شوید

**دلتان به حال مهجور بودن قرآن در فضای مجازی سوخته است و حالا هم یک وبلاگ قرآنی پروپیمان راه انداخته‌اید. مشتری ندارید؟ وبلاگتان دیده نمی‌شود؟ کسی برای مطالب قرآنی‌تان، کامنت نمی‌گذارد؟ وبلاگتان به سختی در دنیای شلوغ وبلاگ‌ها پیدا می‌شود؟ خب، اینکه غصه ندارد. یادتان باشد که وبلاگ قرآنی، یک وبلاگ تخصصی به حساب می‌آید و داشتن یک وبلاگ قرآنی خوب هم کلی قلق دارد که ما بعضی از این قلق‌ها را به شما پیشنهاد می‌کنیم. بالاخره قرار است همشهری آیه همین جا به دردتان بخورد و به کارتان بیاید.**

### دیده شدن

**دیده شدن وبلاگ قرآنی برای یک بلاگر قرآنی از نان شب هم واجب‌تر است. با کلی هدف و انگیزه اشاعه معارف قرآنی وارد دنیای مجازی شده‌اید و وبلاگ راه انداخته‌اید، اگر قرار باشد وبلاگتان مشتری نداشته باشد بی‌تعارف زحماتتان بر باد رفته است. ما سه پیشنهاد داریم برای دیده شدن یک وبلاگ قرآنی.**

۱- بعضی از روزنامه‌نگاران معتقدند که تیتر مطلب از خود مطلب مهم‌تر است. اگر تیترتان خوب دیده شود، مطلب هم مشتری خودش را خواهد داشت. تیتر وبلاگ قرآنی شما همان اسم وبلاگتان است. لطفا برای انتخاب این اسم کمی وقت بگذارید و فکرتان را به کار بیندازید. اسم باید با موضوع وبلاگ همخوانی داشته باشد، پس سراغ ایهام و استعاره و این جور آرایه‌های ادبی در انتخاب اسم نروید و از کلمه‌های کلیدی مثل قرآن، اسلام، آیه، سوره و... استفاده کنید.

۲- موتورهای جست‌وجو را که می‌شناسید. گوگل، MSN، یاهو و... را می‌گوییم. کاربر اینترنت برای پیدا کردن وبلاگ‌های مورد نظرش یک‌راست سراغ این موتورهای جست‌وجو می‌رود. اگر به این نتیجه رسیده‌اید که وبلاگ قرانی‌تان بازدیدکننده ندارد و حرف‌هایتان در بی‌مخاطبی شهید می‌شوند، سراغ این موتورها بروید و وبلاگ قرآنی‌تان را به آنها معرفی کنید تا بیشتر شناخته شوید. معرفی وبلاگ به این موتورها هم کار زیاد سختی نیست، از حرفه‌ای‌های دنیای اینترنت کمک بگیرید.

۳- حال دادن به وبلاگ‌های قرآنی دیگر برای دیده شدن حسابی جواب می‌دهد. یک مرامنامه مخفی در دنیای بلاگرها وجود دارد که یکی از بندهای آن می‌گوید اگر کسی وبلاگ شما را معرفی کرد شما هم وبلاگ طرف مقابل را معرفی کنید. اگر لینک وبلاگ‌های خوب قرآنی را در وبلاگتان بگذارید، آنها هم این کار را خواهند کرد و می‌توانید حسابی مشتری جمع کنید.

### شکل و قیافه

**ظاهر و شکل وبلاگ قرآنی را خیلی جدی بگیرید. اگر جدی نگرفتید، مطمئن باشید که مطالب و یادداشت‌های قرآنی روی دستتان باد می‌کنند. البته معمولا ظاهر همه وبلاگ‌های فارسی شبیه هم هستند ولی با رعایت نکاتی می‌توانید ظاهر آراسته‌تری به وبلاگ قرآنی‌تان بدهید تا متناسب با شأن این کتاب الهی باشد.**

۱- سرویس‌دهنده‌های وبلاگ معمولا تعداد مشخصی قالب در اختیار بلاگرها قرار می‌دهند. این قالب‌ها ساده‌اند و گرافیک خیلی خاصی ندارند. فعلا باید از همین قالب‌ها استفاده کنید چون طراحی قالب شخصی کمی دردسر دارد و پر هزینه است. اگر کمی حوصله داشته باشید، می‌توانید قالب‌های آماده متناسب با موضوع قرآن و دین هم پیدا کنید.

۲- مطالبتان را با یک فونت در وبلاگ قرآنی‌تان قرار دهید. چشم خواننده با تغییر فونت‌ها اذیت می‌شود و مشتری‌تان می‌پرد. فونت‌های خیلی درشت هم انتخاب نکنید که حسابی زشت است. خیلی هم مطالبتان را رنگارنگ ننویسید؛ دارید مطلب قرآنی می‌نویسید، نقاشی که نمی‌کنید.

۳- عکس گذاشتن برای مطالب حسابی چهره وبلاگتان را جذاب می‌کند و بر مشتریان پروپاقرص‌تان می‌افزاید. فقط حواستان باشد سرعت باز شدن وبلاگ قرآنی‌تان خیلی کم نشود.





### محتوای قرآنی

**بازدیدکننده ندارید؟ خب، توقع داشتید وبلاگ قرآنی‌تان با این مطالب، مشتری هم داشته باشد؟! مشکل اصلی خیلی از وبلاگ‌های قرآنی موجود در همین‌جاست. محتوای این وبلاگ‌ها یا آن‌قدر ساده و دم‌دستی است که مخاطب بی‌خیال خواندن و پیگیری مطالب دیگر وبلاگ می‌شود یا آن‌قدر تخصصی است که طرف، چیزی از آن سر در نمی‌آورد. تعدادی از استادان حوزه نشسته‌اند و کلی فکر کرده‌اند و شیوه‌های بیان محتوا را از خود قرآن برای جذاب شدن مطالب پیدا کرده‌اند. این شیوه‌ها به حساس شدن مخاطب و ماندگاری مطالب قرآنی در ذهن آنها کمک می‌کند. ما این شیوه‌ها را مفت و مجانی در اختیارتان می‌گذاریم تا در وبلاگ قرآنی‌تان از آنها استفاده کنید.**

۱- شیوه پرسش و پاسخ: یک ششم خود قرآن از آیاتی تشکیل شده است که سوالی را مطرح می‌کند. این یکی از رمزهای جذابیت این کتاب مقدس است. پس اگر شما هم محتوای مطالب وبلاگتان را به شکل پرسش و پاسخ بیان کنید، می‌توانید از روش قرآن استفاده کنید و کلی مشتری جذب کنید.

۲- شیوه داستانی: قرآن کریم پر است از داستان‌ها و حکایت‌های مختلفی از گذشتگان تا درس عبرتی شود برای آیندگان. حدود ۳۰۰داستان در متن قرآن آمده و این شیوه حسابی آخرین کتاب خدا را جذاب کرده است، شما هم می‌توانید نکته‌های قرآنی‌تان را با خلق یک داستان در وبلاگ به مخاطب بدهید، البته اگر کمی دست به قلم باشید.

۳- شیوه درد و درمان: اگر قرآن را خوب جست‌وجو کنید، کلی راه‌حل معنوی برای درد و مرض‌های روحی پیدا می‌کنید. قرآن کریم به نیاز مخاطبانش توجه کرده و این راه‌حل‌ها را در اختیارشان قرار داده است. خب، شما هم از این روش تقلید کنید. در وبلاگ قرآنی‌تان سراغ بیان دردهای روحی بروید و با بیان درمان‌های قرآنی، مشتریانتان را بیشتر کنید.

۴- نکته اساسی: لطفا یک کیلومتر مطلب در هر پست نگذارید. بازدیدکننده تا حجم مطلبتان را ببیند در جا از خواندنش منصرف می‌شود. کوتاه نویسی در وبلاگ‌نویسی حسابی جواب می‌دهد.

### چرخاندن وبلاگ

**وبلاگ قرآنی را راه انداخته‌اید و ولش کرده‌اید به امان خدا؟ همین کارها را کرده‌اید که حالا حال وبلاگ‌های قرآنی فارسی زبان خیلی خوب نیست. حالا که به عنوان یک فعال قرآنی پا به فضای مجازی گذاشته‌اید، سعی کنید با انجام دادن کارهای زیر در وبلاگ‌نویسی قرآنی ثابت قدم باشید.**

۱- وبلاگ قرآنی، ویترین مغازه شماست که باید هر چند وقت یکبار اجناس تازه‌ای در آن قرار دهید تا مشتری‌ها جذبتان شوند. اجناس تازه وبلاگ قرآنی هم همان یادداشت‌ها و مطالب جدید شماست. هرچه قدر فاصله زمانی میان گذاشتن یادداشت‌ها کمتر باشد، وبلاگ قرآنی‌تان به روزتر و مغازه مجازی‌تان پررفت و آمدتر است.

۲- مشتری مداری را فراموش نکنید. اگر یک بار فروشنده و مغازه‌دار با شما بداخلاقی کند و جوابتان را درست و حسابی ندهد برای همیشه شما را به عنوان یک مشتری از دست خواهد داد. اگر جواب مشتری‌های وبلاگ قرآنی‌تان را ندهید این قضیه در مورد شما هم صادق است.

### آشنایی با وبلاگ‌ها

**چند وبلاگ قرآنی خوب را اینجا معرفی کرده‌ایم. وقت کردید سری به آنها بزنید تا حساب کار دستتان بیاید.**

nsqran.parsiblog.com: در این وبلاگ می‌توانید تفسیر آیات و سوره‌ها، فضیلت آیات و سوره‌ها و احادیث در ارتباط با قرآن را مشاهده کنید.

quranblog.parsiblog.com: در این وبلاگ به سوالات و شبهات قرآنی رایج در کشور، پاسخ‌هایی منطقی و به روز داده می‌شود.

life-with-quran.blogfa.com: در این وبلاگ که به نام دفتر آیه‌های زندگی و درس‌های بندگی خطاب می‌شود، نویسنده هفته‌ای یک آیه کلیدی و کاربردی قرآن را شرح و توضیح مختصر می‌دهد.

noorequran.blogfa.com: در این وبلاگ می‌توانید به معماهای جالب قرآنی پاسخ دهید و همچنین مطالب مختلفی درباره این کتاب الهی بخوانید.

kalamenoor.parsiblog.com: در این وبلاگ نکته‌های از قرآن کریم با استفاده از تفاسیر مختلف بیان شده است. در ضمن به سوال‌های قرآنی مخاطبان پاسخ داده می‌شود.

avayeasemani.mihanblog.com: در این وبلاگ که شکل و شمایل حرفه‌ای‌تری نسبت به وبلاگ‌های قرآنی دیگر دارد می‌توانید اخبار مختلفی از برنامه‌های قرائت قرآن و قاریان کشورمان بخوانید. یواشکی بگوییم که این وبلاگ مال یکی از همکاران ماست.

نگاه مسؤولان

### حمایت از خلاقیت

**این روزها خیلی از مسؤولان حوزه قرآنی متوجه شده‌اند که فضای وبلاگ‌ها، فضای مناسبی برای تبلیغ مفاهیم قرآنی است؛ به همین دلیل هم اظهارنظرهای مختلفی در این زمینه داشته‌اند. اینها آخرین گفته‌های آنها درباره اوضاع وبلاگ‌نویسی قرآنی در فضای مجازی است.**



**محمدعلی خواجه‌پیری، رئیس مرکز فعالیت‌های قرآنی وزارت ارشاد:** رکود وبلاگ‌نویسی قرآنی به این دلیل است که از این نوع وبلاگ‌ها حمایت نمی‌شود؛ وبلاگ‌ها حمایت‌های مختلفی لازم دارند؛ تبلیغ وبلاگ، ارتباط با استادان و کمک برای تولید محتوا از جمله حمایت‌هایی است که می‌تواند انجام بگیرد. اگر ما بتوانیم این زمینه‌ها را فراهم کنیم تا وبلاگ‌نویس قرآنی سهل‌تر فعالیت کند، می‌توانیم موجب تحرکی در این زمینه شویم. بیشتر وبلاگ‌نویسان قرآنی استطاعت مالی ندارند و دانشجو و طلبه هستند که از انگیزه بالایی برخوردارند و ما موظف هستیم که از آنان حمایت کنیم.



**محمدهادی فضل‌الله‌نژاد، معاون دفتر توسعه وبلاگ‌های دینی:** رسالت تبلیغ قرآن در فضای مجازی بر عهده نهاد یا سازمان خاصی نیست. هر فرد که در این زمینه توانایی‌ای دارد، موظف به تبلیغ این کتاب آسمانی در این فضاست. وبلاگ توانایی‌های زیادی دارد و همین توانایی‌ها باعث شده که از اهمیت بالایی در فضای مجازی برخوردار باشد. این توانایی را می‌توان این گونه تعریف کرد که یک وبلاگ می‌تواند با رسانه‌هایی چون روزنامه و مجله برابری کند. افراد حقیقی و حقوقی زیادی وجود دارند که انرژی و امکانات زیادی برای داشتن یک وبلاگ قرآنی صرف می‌کنند ولی تلاش و فعالیتشان اثربخش نمی‌شود. این عدم اثربخشی به این دلیل است که آنان فضایی را که در آن فعالیت می‌کنند نمی‌شناسند و در نتیجه شرایط لازم را در کار خودشان فراهم نکرده و به تناسب آن روش‌های درست را انتخاب نمی‌کنند.

**رضا سلطانی، مدیر بخش دین و اندیشه سایت تبیان:** تبلیغ قرآن در فضای مجازی را وظیفه انسانی و اسلامی هر فرد می‌دانم و معتقدم که سرمایه‌گذاری هدفمند برای آموزش و تبلیغ قرآن در این فضا وظیفه دولت است. البته منکر این نیستم که باید از لحاظ کیفی فعالیت بیشتری داشته باشیم و این حرکت در تمامی کشورهای اسلامی و در کشور خود ما هم آغاز شده است. یکی از اقدامات ارزشمند در حوزه وبلاگ‌نویسی قرآنی تعیین معیارهای «مطلب ارزشمند» است؛ مطلبی را که دارای منابع و مراجع دست اول، جدید، بهینه و به‌روز است می‌توان در زمره مطالب ارزشمند دانست.

دکتر «مجید معارف» درست ۲۰ سال است که در دانشگاه تهران علوم قرآن و حدیث تدریس می‌کند

# به ما زمان بدهید...

سیدمهرزاد موسوی

**دکتر مجید معارف یک «معبد» دارد؛ معبدی به اندازه یک اتاق ۱۲متری که با انبوه کتاب‌ها پر شده. یک طرف این اتاق که خود استاد معبدش می‌خواند، ویژه کتاب‌های قرآنی است؛ از دوره کامل انواع تفاسیر گرفته تا کتاب‌های دانشگاهی تازه چاپ. طرف دیگر این اتاق باریک هم اختصاص دارد به قفسه‌هایی پر از کتاب حدیث. در این معبد کوچک لوح تقدیر و تندیس هم تا دلتان بخواهد، پیدا می‌شود.**

**معارف، استاد پر تلاش و خستگی‌ناپذیری است؛ این را انبوه پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های روی میز کارش نشان می‌دهد که برای داوری یا راهنمایی به مقصد بلوار اباذر ارسال شده. با همه این نشانه‌ها و البته زندگینامه و فعالیت‌های پژوهشی بسیار، مصاحبه‌کننده باید بداند که کار سختی پیش‌رو دارد! او آرام و با طمأنینه حرف می‌زند و بدون آنکه تأکید خاصی داشته باشد، با همان آرامش، پاسخ همه سوال‌های چالش‌برانگیز را می‌دهد و با ظرافت خاصی به همه انتقادها پاسخ می‌دهد. حتی اگر پاسخ‌هایش قانع‌کننده هم نباشد، همان آرامش ذاتی در کلامش به کمکش می‌آید تا مصاحبه‌کننده را تسلیم کند.**

**در آستانه آغاز بیستمین سال تدریس دکتر مجید معارف در دانشگاه تهران با او هم‌صحبت شدیم تا این مصاحبه مفصل با یکی از «قرآنی‌ها»ی دانشگاهی از جایی کلید بخورد که انتظارش را نداشت و به جایی برسد که از «زمان» به عنوان راه‌حل پیشرفت علوم قرآنی نام ببرد.**

**اگر اشتباه نکنم، شما ابتدا اقتصاد خواندید و تا لیسانس هم ادامه دادید؛ برایم جالب است که بدانم چه اتفاقی افتاد که تغییر رشته دادید و جذب قرآن و علوم حدیث شدید؟**

(کمی مکث) این قضیه برمی‌گردد به سابقه قبلی من در حوزه و مدارس علمی قدیمی و آمادگی خانوادگی در حفظ قرآن و آشنایی با فرهنگ اسلامی در دوران کودکی و نوجوانی. با آن پشتوانه، بعد از اینکه لیسانس اقتصاد را گرفتم، با اعلام تاسیس رشته علوم قرآن و حدیث، به راحتی در کنکورش شرکت کردم و نفر اول آزمون هم شدم.

**این جذبه و کشش چه بود که شما را در این رشته پاگیر کرد؟ خیلی‌ها هستند که اطلاعات قرآنی‌شان را بالا می‌برند ولی ترجیح می‌دهند که رشته مجزایی در دانشگاه بخوانند.**

من خوشبختانه در دوره نوجوانی‌ام با جلسات مذهبی شیراز ارتباط داشتم؛ جلساتی که ۴۵-۴۰ سال پیش برگزار می‌شد. آشنایی علمی با قرآن و نهج‌البلاغه باعث شد که با زبان عربی گره بخورم. بعد از یادگیری زبان عربی قادر شدم که به مطالعه کتاب‌های اسلامی بپردازم و به این حوزه علاقه‌مندتر شوم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۳۶۱ رشته علوم قرآن و حدیث برای نخستین بار در کشور ما به عنوان یک رشته علمی مطرح شد. من که سابقه آشنایی با قرآن را داشتم و در دبیرستان‌ها و دانشکده صداوسیما تدریس می‌کردم، طبیعی است که از این رشته استقبال کردم چون فکرم این بود که باید مطالعات سنتی و شخصی، در قالب‌های مدرن و با روش تحقیق‌های جدید همراه شود. این درک، مرا به جایی رساند که احساس نیاز کنم که اطلاعاتم را با روشمندی آکادمیک و اصولی همراه کنم. لذا در نخستین دوره پذیرش دانشجویان در دانشگاه تربیت مدرس، شرکت کردم.

**استاد! شما تحصیل کرده رشته علوم قرآنی و حدیث هستید و این رشته، امسال در کشورمان ۲۷ ساله می‌شود؛ در همه این سال‌ها، چه خروجی بارزی از این رشته می‌توان نام برد؟**

لازم است یک مقدمه بگویم: این رشته در ابتدا پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط دکتر سید محمدباقر حجتی طراحی شد. قبل از انقلاب یک رشته‌ای بود به عنوان فرهنگ عربی و فرهنگ قرآنی؛ یعنی حدیث و سنت پیامبر(ص) که دومین منبع مهم شناخت اسلام به شمار می‌آید، هیچ جایگاهی نداشت. بعد از انقلاب که دانشگاه‌ها متحول شدند، تصمیم بر آن شد که علوم قرآن و حدیث هم آکادمیک ارائه شود. به تدریج خود این رشته، انشعاباتی ایجاد کرد؛ مثلا به‌تنهایی، دکترای علوم قرآن، تفسیر، علوم حدیث و معارف اسلامی داریم. بنابراین ما هرچه جلوتر رفتیم، این رشته تخصص‌های خودش را پیدا کرد و پیشرفت داشت. اما به لحاظ نیروی انسانی، اگر بگوییم که سالانه بیش از ۱۰۰ نفر در مقطع دکتری و ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر در مقطع کارشناسی ارشد، خروجی نیروی انسانی داریم، اغراق نکرده‌ام. فارغ‌التحصیلان این رشته، هر تزی که می‌نویسند، از هر پایان‌نامه‌ای که دفاع می‌کنند، یک اثر علمی جدید در رشته علوم قرآن و حدیث پا به عرصه وجود می‌گذارد؛ این یک خروجی بارز است. اگر ما به تولید علم معتقدیم و معتقدیم این تولید علم است که دانش را پیش می‌برد، پس ما الان، سالانه ده‌ها مقاله علمی در حوزه علوم قرآن و حدیث متولد می‌کنیم؛ ده‌ها پایان‌نامه دفاع می‌شود. اینها خروجی نیست؟

**این خروجی‌ها همه قبول؛ مستند کردن یافته‌ها درست؛ اما چرا ما مفسر قرآن دانشگاهی مشهور نداریم؟ کسی که مشهور و نامی باشد.**

این به معنای مطلق عدم نیست. نه اینکه یک دانه هم نداریم....

**قطعا! منظور من هم «نبود» نیست!**

امکان دارد در باب مقایسه با مفسرانی که از حوزه برخاسته‌اند، بگویید که مفسران دانشگاهی کمتر هستند؛ این را بدانید که تفسیر قرآن پدیده زمان‌بری است. مفسر باید حداقل ۲۰ سال از عمر تحقیقاتی خودش را متمرکز کند روی تفسیر. نسل بنده که نسل نخست دانشجویان علوم قرآن و حدیث هستند و بنده پیرترین دانشجوی این رشته هستم، فقط ۲۰ سال است که از تز دکترایمان دفاع کرده‌ایم. من تازه سال ۷۲ از تز دکتری‌ام دفاع کردم که می‌شود ۱۶ سال؛ بنابراین خود تفسیرنویسی یک ماجرای زمان‌بر است؛ البته اگر می‌خواهیم تفسیری کامل و صحیح پدید آید؛ مثلا علامه طباطبایی نزدیک به ۲۰ سال برای تفسیر المیزان تحقیق و پژوهش داشته. لذا ما امیدواریم که با گذشت زمان و در آینده خروجی‌های تفسیری دانشگاهیان را ببینیم.

**فکر می‌کنید این انتظار باید تا کی ادامه پیدا کند؟**

با این سوال، اجازه دهید چند نکته همین‌جا اضافه کنم که بدانید دانشگاهی‌ها در حوزه تفسیر دست خالی هم نیستند. جناب دکتر حجتی و دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی که هر دو از استادان بنام دانشگاه هستند، مشترکا تفسیری به نام تفسیر «کاشف» تالیف کرده‌اند که الان به نیمه قرآن رسیده و حاصل حدود ده سال کار مستمر است و جلد به جلد به چاپ می‌رسد. تفسیر دیگر، کار دکتر رضایی اصفهانی است که در قم مشغول نگارش «تفسیر آسان» برای جوانان است. ایشان همراه چند نفر دیگر، ترجمه‌ای از قرآن ارائه داده‌اند به نام «نخستین ترجمه گروهی قرآن مجید». ما در حوزه ترجمه، مترجمان دانشگاهی زیادی داریم، آن هم مترجم توانا؛ مثلا ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند که به اعتقاد بسیاری و از جهاتی، بهترین و کامل‌ترین ترجمه فارسی قرآن است، حاصل کار یک فرد دانشگاهی است یا دکتر مجتبوی یا دکتر توحیدی هم ترجمه‌های خوبی تقدیم جامعه کرده‌اند.

**البته بحثمان به ترجمه هم می‌رسد ولی بگویید چرا در این بیست و چند سال ترجمه‌های خوبی داریم اما تفسیر، خیر؟**

دلیل ثمربخش بودن ترجمه‌ها این است که هرچند کار ترجمه کار سنگینی است اما چون به اندازه تفسیر، زمان‌بر نیست، زودتر به نتیجه می‌رسد؛ بنابراین ما آثار علمی متعددی داریم ولی چون تفسیر، پروژه علمی طولانی‌تری است، دیرتر به نتیجه می‌رسد.

**پس، از پاسخ‌های شما نتیجه می‌گیرم که چشم‌انداز آینده را برای دانشگاهیان روشن می‌بینید؛ فقط باید زمان داد.**

بله، مطمئن باشید. زمان که بگذرد و تلاش‌ها که به نتیجه برسد، پیشرفت در علوم قرآنی را مشاهده خواهید کرد.

> **فارغ‌التحصیلان این رشته، هر تزی که می‌نویسند، از هر پایان‌نامه‌ای که دفاع می‌کنند، یک اثر علمی جدید در رشته علوم قرآن و حدیث پا به عرصه وجود می‌گذارد**

**مرحوم دکتر جعفر شهیدی در یک پروسه چندساله و با همراهی دانشجویانش توانست ترجمه ماندگار و وزین نهج‌البلاغه را تالیف کند که جزو افتخارات ترجمه و دانشگاه است. چرا ما پس از این همه سال، در حوزه قرآن، هیچ خروجی همانند آن نداریم؟**

اینجا می‌خواهم به سه رویکرد اشاره کنم؛ امروز دانشجویان ما که فارغ‌التحصیل می‌شوند، باید وارد بازار کار شوند. رویکردهای جذبشان اینهاست: رویکردهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی. من به جرات می‌گویم که ۸۰ درصد فارغ‌التحصیلان ما به دلیل نیاز مبرم دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی، جذب آموزش می‌شوند. فردی که وارد این حوزه شد، باید شب مطالعه کند و صبح تدریس کند. شاید تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد فارغ‌التحصیلان ما رویکردشان پژوهشی است؛ بماند اساتیدی که مشغول کار آموزشی می‌شوند، حداقل‌هایی برای پژوهش دارند اما پژوهش جزو لوازم کارشان است و نه هدف. می‌ماند ۵ درصد که معمولا جذب کارهای غیرمرتبط یا مسؤولیت‌های اجرایی می‌شوند. در این رویکرد آخری هم که اساسا فرد، از هر دو جنبه منفک می‌شود. شما بسنجید که در حوزه‌های مدیریتی در ۳۰ سال انقلاب اسلامی، متصدیان اداره کشور، از دانشگاه‌ها بیشتر بوده یا حوزه؟

> **اگر ما به تولید علم معتقدیم، پس الان سالانه ده‌ها مقاله علمی در حوزه علوم قرآن و حدیث متولد می‌کنیم؛ ده‌ها پایان‌نامه دفاع می‌شود. اینها خروجی نیست؟**

**شما آمار و ارقام مشخصی دارید؟**

من یک مطالعه علمی دقیقی ندارم اما شاید ۶۰ تا ۷۰ درصد مدیران جامعه ما، فارغ‌التحصیلان متعهد دانشگاه بوده‌اند و بیشتر حوزویان در حوزه دستگاه قضائی و صدور حکم فعال شده‌اند.

**من هنوز جوابم را نگرفته‌ام.**

شما توجه بفرمایید که ما زمانی به دانشگاه رفتیم که دانشگاه، خالی بود؛ برای همین به تربیت مدرس رفتیم. ما و نسل ما به محض اینکه فوق لیسانس گرفتیم، بلافاصله وارد کلاس‌های درس شدیم. الان، بعد از این سال‌ها، از شاگردان ما، تازه دو- سه نسل دکتری در حال تربیت است. اگر جامعه ما اجازه بدهد به من و امثال من و مسؤولیتی متوجه ما نکند، بنده می‌توانم کاملا مشغول کارهای پژوهشی بشوم. نتیجه این کناره‌گیری شاید تا ده سال دیگر یک اثر پژوهشی بشود.

**یعنی معتقدید که نیازهای زمان، شما و نسل شما را از کارهای پژوهشی ماندگار معذور کرده است؟**

نیازهایی که دانشگاه‌های ما داشته‌اند، در بعد آموزشی است ولی حوزه‌های علمیه یک پشتوانه طولانی و چند صدساله داشته‌اند. نظام حوزه‌های علمیه، یک نظام امروزی نیست؛ یک نظام سنتی است اما دانشگاه شرایط خاص خودش را دارد؛ نظام جدیدی دارد. دانشگاه بعد از انقلاب یک ماموریت جدید داشت؛ نیروسازی و معلم‌سازی از مهم‌ترین وظایف ما بود....

**نکته همین‌جاست؛ تا کی می‌خواهد این نیروسازی ادامه پیدا کند؟ کی به یک اشباع می‌رسیم که دیگر در بعد پژوهش برای جامعه و آیندگان فعالیت شود؟**

الان در برخی رشته‌ها تقریبا به این اشباع رسیده‌ایم. دانشگاه‌ها دیگر نیاز به نیروی آموزشی آن‌چنانی ندارد. خوشبختانه تعداد استادان این رشته به اندازه کافی زیاد شده است. قبلا دانشگاه‌ها ماموریتی داشتند و به همین دلیل برخی وظایف دیگر با تعدیل مواجه می‌شد. البته می‌خواهم تاکید کنم که در ۳۰ سال گذشته از بعد پژوهش دست خالی نبوده‌ایم. ما اول انقلاب یک مجله تخصصی برای رشته علوم قرآنی نداشتیم اما الان فقط در رشته علوم قرآن و حدیث بیش از ده مجله داریم با درجه علمی- پژوهشی؛ گو اینکه هر پایان‌نامه، یک اثر پژوهشی است.

**منظورم یک اثر تاثیرگذار در جامعه بود که توجه همه را به خود جلب کند.**

ما الان دو دایره‌المعارف معتبر داریم؛ یکی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و دیگری دانشنامه بزرگ جهان اسلام. بررسی کنید در این دو دایره‌المعارف ارزشمند، مقاله‌نویس‌های این آثار، بیشتر اساتید دانشگاهی هستند یا از فضلای حوزه؟ قطعا درصد آن ۷۰ به ۳۰ است یا حتی ۸۰ به ۲۰ برای استادان دانشگاهی. ما در این مدتی که گذشته به پژوهش بی‌توجه نبوده‌ایم. آیا از این دایره‌المعارف‌ها، ارزشمندتر سراغ دارید؟

**برگردیم سر همان سوال قبلی که فراموش شد؛ شما فکر نمی‌کنید که ما به یک ترجمه ملی نیازمندیم؟ یک ترجمه قابل عرضه در جهان اسلام و تاثیرگذار.**

مرکزی به نام «مرکز ترجمه قرآن» به نظرم کاری جدی را مدنظر قرار داده. این مرکز یک فصلنامه منتشر می‌کند به نام ترجمان القرآن. از سال‌ها قبل، یکی از اهداف این مرکز، ارائه ترجمه‌ای است که -به تعبیر شما- بر آن ترجمه ملی می‌توان نام نهاد؛ یعنی اندیشه ترجمه گروهی؛ ترجمه‌ای که متکی به فرد نباشد و به یک موسسه وابسته است از قبل وجود داشته. پیشنهاد می‌کنم سراغ این نهاد هم بروید چراکه ترجمه بعدی از این مرکز بیرون می‌آید.

**شما خودتان به ترجمه کامل و جهان‌شمول احساس نیاز کرده‌اید؟**

بله و چند دلیل علمی دارم برای این نیاز؛ نکته اول اینکه به نظر بنده هر ترجمه درست، خلاصه‌ای از یک تفسیر است؛ یعنی مترجم حتما دیدگاه تفسیری دارد؛ مثلا اگر مترجم شیعه یا سنی باشد، در دیدگاه ترجمه او تاثیر دارد. مترجم باید هم آگاهی علمی داشته باشد و هم دیدگاه ادبی؛ می‌بایست از تاریخ قرآن مطلع باشد و هم اطلاعات فقهی‌اش در اوج باشد و هم کلامی. یک نفر امکان دارد در همه این امور توانایی و جامعیت نداشته باشد اما اگر چند نفر با تخصص‌های گوناگون در کنار هم باشند، می‌توانند ضعف‌های هم را جبران کنند. نکته دوم اینکه باید توجه داشته باشیم که قرآن معجزه است. درست است که ترجمه قرآن، وجه اعجاز قرآن به زبان عربی را ندارد اما وقتی چند نفر با هم همکاری می‌کنند، بیشتر می‌توان امیدوار بود که ترجمه بهتری دست دهد و وجوه اعجاز -حتی‌الامکان- منتقل شود به زبان دیگر.

**اگر خود شما بخواهید رشته علوم قرآن و حدیث را آسیب‌شناسی کنید، به چه نکاتی می‌رسید؟ این بار منتقد شما یید تا به یک نتیجه‌ای برسیم.**

این نکته‌ای که می‌خواهم بگویم، فقط مخصوص رشته علوم قرآنی نیست بلکه همه رشته‌ها را شامل می‌شود؛ طبیعت محیط دانشگاه است. مهم‌ترین ضعفی که در طبیعت دانشگاه هست، ضعف در محدودیت مواد آموزشی است، آن هم در زمان کاملا محدود؛ مثلا درسی به نام تاریخ قرآن را باید در ۱۶ جلسه و هر جلسه را در دو ساعت تدریس کنیم. خیلی اوقات پیش می‌آید که همین ۱۶ جلسه هم تشکیل نمی‌شود. در عین حال این دو واحد را دانشجو می‌گیرد و در یک ترم می‌گذراند و خداحافظ تاریخ قرآن! معمولا مشکلی که در دانشگاه وجود دارد همین است که درس‌ها در یک زمان محدود با سرفصل‌های بسته تدریس می‌شود و معمولا فقط خاطره‌ای از آن درس در ذهن دانشجو می‌ماند و بچه‌ها با درس مهمی مثل تاریخ قرآن مانوس نمی‌شوند؛ مگر کسی که شوق ویژه‌ای داشته باشد تا ماورای کارهای دانشگاهی به تحقیق بپردازد. اما در حوزه، اینگونه نیست؛ مثلا آنها نمی‌آیند «لمعه» را در یک ساعت‌هایی محدود کنند بلکه می‌گویند لمعه درس شماست و باید بیایی هر روز یک ساعت آن را بخوانی تا تمامش کنی. موادی که ارائه می‌شود محدود است ولی روزانه و پیوسته است؛ برخی دروس با یک عمقی ارائه می‌شود. دانشگاه اقتضائاتی دارد که هرچند مواد آموزشی بیشتری تدریس می‌شود اما متاسفانه بعضا سطحی است.

**انتقاد شما به همین یک مورد خلاصه می‌شود؟**

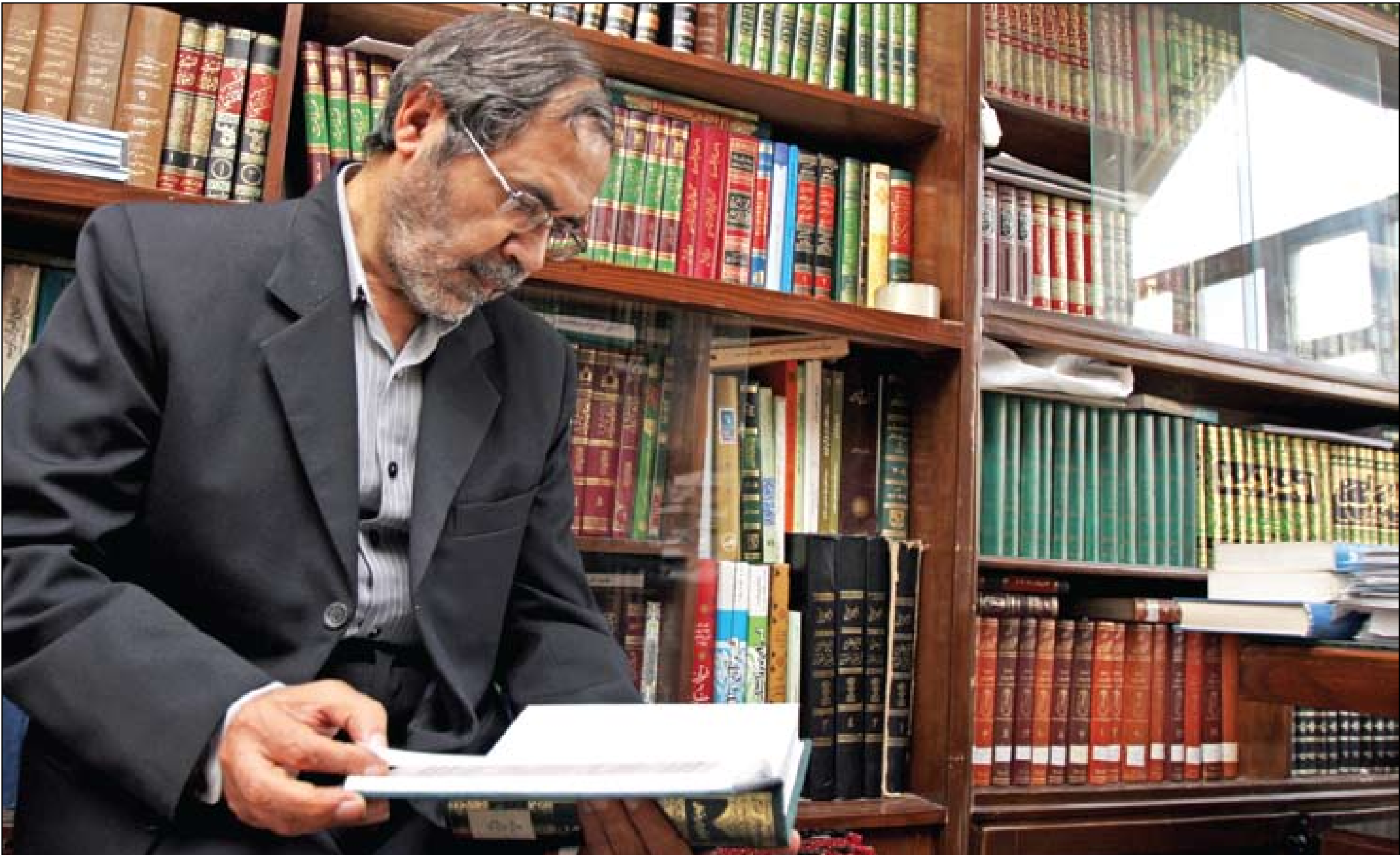
خیر، مورد دوم اینکه باید برنامه‌ها به‌روز باشد. گاهی اوقات از این نکته غافلیم؛ یعنی بازنگری در برنامه‌ها را جدی نمی‌گیریم. به نظر من در دانشگاه مواد درسی باید هر دو سال به دو سال بازنگری شود و با توجه به نیازهای اجتماعی تغییر کند. در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران خوشبختانه توانسته‌ایم دوره کارشناسی را متحول کنیم و در حال بازنگری دوره ارشد و دکتری هستیم.

**یعنی توانسته‌اید هر دو مشکل را برطرف کنید؟ هم به‌روزرسانی منابع و هم ارتباط کم دانشجو با دروس.**

بله؛ مثلا دروس تخصصی را از ۵۰ واحد به ۸۰ واحد رسانده‌ایم که دانشجو باید در سه ترم یا چهار ترم با تاریخ حدیث روبه‌رو شود.

**اصلا به نظر شما رشته علوم قرآن و حدیث ما با همه ضعف‌ها و قوت‌هایش، قابل قیاس با نمونه‌های دیگر جهان اسلام هست؟**

بله، رشته‌ای که در ایران به عنوان علوم قرآن و حدیث داریم، در کشورهای اسلامی با عنوان‌های اصول دین یا علوم القرآن و السنه وجود دارد. الازهر مصر یکی از مراکز قوی این رشته است. کتاب‌هایشان ایران می‌آید. تا جایی که ارتباط پیدا نکند با مسائل اعتقادی شیعه، کتاب‌هایشان در دانشگاه‌های ما مورد بررسی و نقد یا تدریس قرار می‌گیرد. الان کتاب‌های تاثیرگذار محققان ما مرتب در حال ترجمه و انتقال به جوامع دانشگاهی جهان اسلام است منتها ما نیاز به زمان داریم تا بازتابش را در میان دیگران ببینیم. زمان‌بر است تا این دستاوردهای علمی ارائه شود و بازتاب‌هایش را در سال‌های آینده ببینیم.





## برای آنهایی که «معارف» را نمی‌شناسند
# نخستین فارغ‌التحصیل

**تقریبا مرکز شهر است، با ساختمانی که معماری خاص و کاشیکاری امروزی‌اش به چشم هر رهگذری می‌نشیند؛ تقاطع خیابان شهید مطهری و خیابان شهید مفتح؛ دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران؛ جایی که عکس هر دو شهید حوزه و دانشگاه روی دیوارش نقش بسته است. نام «مجید معارف» که تناسب درستی با عنوان همین دانشکده معروف تهران دارد، برای دانشجویان علوم قرآنی، آشناتر از آن است که بتوان توضیحش داد. مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران -به گفته خودش- نخستین فارغ‌التحصیل رشته علوم قرآن و حدیث از بدو تاسیس این رشته است؛ فرقی هم نمی‌کند که منظور، مقطع ارشد باشد یا دکتری.**

دکتر مجید معارف از متولدان شیرازی سال ۱۳۳۲ به حساب می‌آید. اقتصاد را تا مقطع کارشناسی ادامه داده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیش از انقلاب فرهنگی مدرکش را می‌گیرد. از همان زمان، کار تدریس را در محیط‌های دانشگاهی آغاز می‌کند. ۱۳۶۲ به دانشکده صداوسیما می‌رود و معارف اسلامی، عربی و تاریخ اسلام جزء فهرست تدریس‌هایش قرار می‌گیرد. همزمان در اولین دوره ارائه درس علوم قرآن و حدیث شرکت می‌کند و رتبه نخست را هم به خود اختصاص می‌دهد و در دانشگاه تربیت مدرس، علوم قرآنی را -این‌بار- آکادمیک فرامی‌گیرد. بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد در سال ۶۴، تدریس در دانشگاه‌های مختلف را ادامه می‌دهد تا در سال ۶۸ عضو رسمی دانشگاه تهران لقب می‌گیرد. سال‌های شمسی که به ۱۳۷۲ می‌رسند، استاد معارف با مدرک دکتری نخستین فارغ‌التحصیل رشته نورسیده «علوم قرآن و حدیث» می‌شود. فراغت از دکتری با تز مشهور «پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه» باعث گسترش فعالیت‌های این استاد مشهور دانشگاه در حوزه حدیث و تاریخ حدیث می‌شود؛ «به دلیل نوع علاقه‌ام و متناسب با نیاز جامعه و دانشگاه، ۷۰ درصد استعدادم را گذاشتم روی کار حدیث؛ چراکه با بررسی جامعه متوجه شدم که در زمینه علوم حدیث و به‌خصوص تاریخ حدیث، آثار پژوهشی خاصی وجود ندارد». او در همه این سال‌ها از محضر اساتید بنامی چون آیت‌الله سید حسن سعادت، دکتر سید محمدباقر حجتی، دکتر محمدباقر محقق و دکتر محمدباقر بهبودی بهره برده و امروز، خود از استادان شناخته شده این رشته به حساب می‌آید. معارف غیر از حدیث، در علوم قرآنی هم چهره مطرحی است؛ «در همین ده سال گذشته هم این افتخار را داشته‌ام که به عنوان خادم قرآن کریم انتخاب شوم؛ یعنی خوشبختانه خدمات قرآنی‌ام در حدی بوده که شخصیت قرآنی‌ای از بنده ارائه دهد».

فعالیت در سازمان صداوسیما در اوایل انقلاب، همکاری در راه‌اندازی صداوسیمای مرکز زاهدان و مدیریت امور برنامه‌های صداوسیمای مازندران از جمله فعالیت‌های اوست که تا قبل از تدریس، مشغول آنها بوده و معاونت پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی و سردبیری مجله «پژوهش دینی» نیز از جمله مسؤولیت‌های او در سال‌های اخیر بوده است.



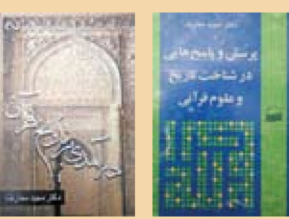






### کتابخانه
فقط تالیفات قرآنی استاد، اینهاست

## پرسمان کتابی!



**پرسش و پاسخ‌هایی در شناخت تاریخ علوم قرآنی؛** پرتیراژترین کتاب استاد که هرسال تجدید چاپ می‌شود و جزو کتاب‌های درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ویژگی کتاب این است که با وجود علمی و متقن بودن، به شکل پرسش و پاسخ طراحی شده.

**مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی؛** مجموعه ۱۴ مقاله علمی است که ساماندهی شده در قالب یک کتاب.

**درآمدی بر تاریخ و قرآن؛** این کتاب در دوره ارشد، به عنوان یک کتاب درسی تدریس می‌شود.

پژوهش‌های متعدد قرآنی که هنوز چاپ نشده. (بیش از ۶۰ مقاله در علوم قرآن و حدیث نوشته شده که بیش از ۳۰ اثر آن با درجه علمی تخصصی است.) ولی در علوم حدیث، تعداد کتاب‌ها چندین برابر اینهاست.

### حاشیه
رادیو قرآن یکشنبه‌ها میزبان استاد است

## مصباح؛ بپرس و پاسخ بگیر!

دکتر معارف از سال‌های ابتدایی انقلاب، با محیط رسانه آشنایی دارد؛ «به دلیل نیاز زمانه و انقلاب، از سال ۵۸ وارد سازمان صداوسیما شدم. در زاهدان و مازندران و تهران همکاری داشته‌ام. خلاصه اینکه رسانه را شناختم و فهمیدم که این رسانه چه بردی دارد. انسان می‌تواند کلاسی داشته باشد به وسعت ده‌ها کیلومتر و شاگردانی به اندازه هزاران هزار نفر. بنابراین حتی زمانی که از سازمان انتقال پیدا کردم به دانشگاه، رسانه را ترک نکردم».

معارف پس از سال‌ها فعالیت رسانه‌ای، این‌روزها در رادیو قرآن حضور فعالی دارد و علت آن را علاقه بسیار به این رادیو عنوان می‌کند. نتیجه این علاقه زیاد، یک برنامه قرآنی با محوریت پرسش و پاسخ شد که سابقه‌ای طولانی هم دارد. چیزی شبیه همین صفحه «پرسمان» خودمان؛ «نزدیک به ۱۲-۱۰ سال قبل برنامه‌ای ایجاد شد که در این سال‌های طولانی، افت‌وخیزهایی هم داشته اما همیشه ارتباطش را با مخاطبان حفظ کرده. تغییرنام و حتی ساعت پخش برنامه که باعث ریزش مخاطب می‌شود، اتفاق افتاده اما مخاطب باقی مانده».

اکنون هم این برنامه با نام «مصباح» همچنان در حال پخش است. در تابستان، یکشنبه شب‌ها نه تا ده پخش می‌شود. استقبال از این برنامه حتی با تغییر زمان پخش، کم نشده است به‌طوری که استاد می‌گوید: «گاهی سؤال‌ها و تماس‌ها آن‌قدر زیاد بوده که به زحمت افتاده‌ایم برای پاسخگویی. علاقه مردم به علوم قرآنی بالاست و باید راه‌های جدیدی پیدا کرد».

## آیه ۱۸۶ سوره بقره، مژده بزرگی است از سوی خداوند به آنهایی که با دعا او را صدا می کنند

# دست دعا، چشم امید

**حسن میثمی** **«وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادی عَنِّی فَإِنِّی قَریبٌ اجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجیبُوا لی وَ لْیُؤْمِنُوا بی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُون»از ما نخواهید ترجمه این آیه را-آن گونه که هست-بنویسیم. باور کنید مترجمان و مفسران اعتراف کرده‌اند که نمی توان مفهوم این آیه را بیان کرد. ترجمه‌اش می شود: «و چون بندگانم درباره من از تو پرسند، همانا من نزدیکم خواندن خواننده را آنگاه که مرا بخواند، پاسخ می دهم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که ره یابند». اما مگر می توان این عبارت عاشقانه را در حصار این واژه‌ها اسیر کرد. آیه ۱۸۶ سوره بقره بی‌نظیر ترین آیه کتاب آسمانی ماست. خداوند با استفاده از ادبیات عرب هفت بار در این عبارت کوتاه می گوید«من»بندگانش را هم با عبارت «ناس» خطاب نکرده و گفته است:«بنده‌های من»این آیه درباره دعا نازل شده است، عملی که در ماه مبارک رمضان و به ویژه شب‌های قدر فراگیر تر می‌شود.**

همه مفسـران درباره شأن نـزول این آیـه اتفاق نظر دارند:«برخی افراد از رسول خدا(ص) سؤال کردند: خدا را چگونه بخوانیم؟ آیا به ما نزدیک است که او را آهسته بخوانیم یا اینکه دور است و باید با فریاد دعا بخوانیم؟! این آیه در پاسخ آنان نازل شـد.» در اصول کافی، صدها حدیث در اهمیت، نقش، آداب و چگونگی دعا آمده است که مفسران در تفسیر همین آیه به آنها اشاره می کنند. آیه دعا درست در میان بحث روزه در سوره بقره مطرح می‌شود. حجت الاسلام قرائتی این موضوع را بسیار ظریف و دقیق می‌داند و می گوید:«قرار گرفتن آیه دعا در میان آیات روزه، به دلیل تناسب بیشتری است که ماه خدا با دعا دارد.» بدون تردید شب‌های قدر را باید بهترین زمان برای دعا دانست. گفته‌اند در این شب تا می توانید خدا را صدا کنید و برای همین است که خواندن دعای جوشن کبیر توصیه شده اسـت، دعایی که در آن خداوند را با هزار و یک اسمش صدا می‌زنیم.

### چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟

این سؤال، صورت مساله خیلی‌هاست. مگر خدا نگفته که اگر مرا بخوانید شما را اجابت می کنم، پس حکمت چیست که گاهی اوقات بی‌نتیجه می‌مانیم؟ علامه طباطبائی در تفسیر المیزان پاسخ مناسبی به این سؤال می‌دهد: «خداوند در این آیه می‌فرماید: «خودم اجابت می کنم دعاکننده‌ای را که فقط مرا بخواند و با اخلاص تمام، از من طلب خیر کند.» پس اگر دعا مستجاب نشد، یا به دلیل آن است که ما از خداوند خیر نخواسته‌ایم و در واقع برای ما شـر بوده است یا اگر واقعاً خیر بوده، خالصانه و صادقانه از خداوند درخواست نکرده‌ایم و همراه با استمداد از غیر بوده است. البته احتمال دارد که استجابت درخواست ما به مصلحت نباشد که به فرموده روایات، در این صورت به‌جای آن، بلایی از ما دور می‌شود یا برای آینده ما یا نسل ما ذخیره و در آخرت جبران می‌شود.» با این حال نباید فراموش کرد که گاهی اوقات انسان‌ها به دلیل گناهانی که انجام می‌دهند، دعایشان حبس می‌شود و در اصطلاح بالا نمی‌رود. در دعای کمیل هم می‌خوانیم که:«اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعا» در اصول کافی آمده اسـت:« کسی که غذای حرام بخورد، یا امر به معروف و نهی از منکر نکند یا از سر غفلت و بی‌اعتنایی دعا کند، دعایش مستجاب نمی‌شود».

### نقش دعا

نکته دیگری که در بحث دعا مطرح می‌شود، این است که «اگر کارهای خداوند قانونمند و بر اساس عوامل و سنت‌های ثابت است، پس دعا چه نقشی دارد؟» حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر نور، این سؤال را پاسخ داده است: «همان گونه که انسان در سفر، حکم نماز و روزه‌اش غیر از انسان در وطن است، دعاکننده‌ها هم با انسان‌های غافل تفاوت دارند. سنت خداوند لطف به اولی است، نه دومی. دعا و گفت‌وگو با خداوند، ظرفیت انسـان را برای دریافت الطاف الهی بیشتر می کند. همانگونه که توسل و زیارت اولیای خدا شرایط انسان را عوض می کند. چنان که اگر کودکی همراه پـدر به مهمانی برود، دریافت محبتش بیش از آن خواهد بود که تنها برود. بنا بر این دعا، زیارت و توسل، سبب تغییر شرایط است، نه برهم زدن سنت‌های قطعی الهی».

**باید نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسایل موجود به کار بگیریم، آنجا که دست ما کوتاه شد و به بن‌بست رسیدیم سراغ دعا برویم**

### دعا فضولی در کار خدا نیست؟

یکی از شبهه‌هایی که بعضی افراد در بحث دعا مطرح می کنند، این اسـت که دعا کردن نوعی فضولی در کار خدا محسوب می‌شود. آیت‌الله مکارم‌شیرازی این سؤال را در تفسیر نمونه پاسخ داده است:«دعا یک نوع عبادت، خضوع و بندگی است. انسان به وسیله دعا توجه تازه‌ای به ذات خداوند پیدا می کند و همانطور که همه عبادات اثر تربیتـی دارد، دعا هم دارای چنین اثری خواهد بود، اما اینکـه می گویند دعا فضولی در کار خداسـت و خدا هر چه مصلحت بدانـد، انجام می‌دهد، پاسخ روشنی دارد. سـؤال کنندگان توجه ندارند که مواهب الهی بر حسب استعدادها و لیاقت‌ها تقسیم می‌شود، هر قدر استعداد و شایستگی بیشتر باشد، سهم بیشتری از آن مواهب نصیب انسان می‌شود. به همین دلیل است که امام صادق(ع) فرموده‌اند: در نزد خداوند مقاماتی است که بدون دعا کسی به آن نمی‌رسد».

### بنشینیم و دعا کنیم؟!

حتی تصورش هم خنده‌دار اسـت؛ اینکه عده‌ای بنشینند و بگویند خدایا مشکل ما را حل کن، اما خودشان قدم از قدم برندارند. بسـیاری از دشـمنان فرهنگ دعا، با طرح همین مسـاله سـعی دارند دعا خواندن را عملی نابخردانه تصویر کنند؛ در صورتی که قـرآن و معارف دینی مـا مواضع دعا کردن را به روشنی عنوان کرده‌است. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسـیر آیه دعا می‌نویسـد:«آنها که چنین ایرادهایی را مطرح می کنند از آثار روانی، اجتماعـی و تربیتی و معنوی دعا و نیایش غافلند. انسان برای تقویت اراده و برطرف کردن ناراحتی‌ها به تکیه‌گاهی احتیاج دارد، دعـا چراغ امید را در انسان روشـن می‌سازد. دعا این نیسـت که از وسایل و علل طبیعی دست بکشـیم و به جای آن دسـت به دعا برداریم، بلکه مقصود این است بعد از آنکه نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسایل موجود به کار بستیم، آنجا که دست ما کوتاه شد و به بن‌بست رسیدیم، به سراغ دعا برویم و با توجه و تکیه بر خداوند، روح امید و حرکت را در خود زنده کنیم و از کمک‌های بی‌دریغ آن مبدأ بزرگ مدد گیریم. بنابراین، دعا مخصوص نارسایی‌ها و بن‌بست‌هاست، نه عاملی به‌جای عوامل طبیعی.» البته دعا نوع دیگری هم دارد که در شرایط عادی خوانده می‌شود: «نوع دیگر دعا در موارد قدرت و توانایی هم انجام می گیرد و آن دعایی است که نشان‌دهنده عدم استقلال قدرت‌های ما در برابر قدرت پروردگار است. به عبارت دیگر، مفهوم آن توجه به این حقیقت اسـت که اسـباب و عوامل طبیعی هرچه دارند از ناحیه او دارند و به فرمان او هستند، اگر به دنبال دارو می‌رویم و شفا از آن می طلبیم به دلیل آن است که خداوند آن اثر را به دارو بخشیده، این نوع دیگری از دعاست که در احادیث اسلامی هم به آن اشاره شده است».

## سه نکته درباره یک آیه

**علامه طباطبایی(ره)**

### شرایط اجابت دعا

برای اجابت دعا باید قبل از هر چیز در پاکی قلب و روح کوشید و از گناه توبه کرد. امام صادق(ع) فرمودند:«مبادا هیچ‌یک از شما از خدا تقاضایی کند مگر اینکه نخست حمد و ثنای او را بجا آورد و درود بر پیامبر و آل او بفرستد بعد به گناه خود نزد او اعتراف کند، آنگاه وقت دعا می‌رسد.» دومین شرط برای دعا، پاک کردن زندگی از اموال غصب شده و حلالیت طلبیدن از آنهایی است که مورد ظلم قرار گرفته‌اند. دعاکننده همچنین نباید از حرام تغذیه کند» از پیامبر اسلام(ص) نقل شده:«کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، باید غذا و کسب خود را پاک کند». مساله سـوم، انجام امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا آنها که امر به معروف و نهی از منکر را ترک می گویند دعای مستجابی ندارند، چنان که از پیامبر اسلام(ص) نقل شده:«باید امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه خداوند بدان را بر نیکان شما مسـلط می کند و هر چه دعا کنند مستجاب نخواهد شد».

**آیت‌الله مکارم‌شیرازی**

### بدون دعا سقوط می‌کنیم

در بحث دعا، روایات و حکایات بسـیاری وجود دارد. نقل شده فردی خدمت امام صادق(ع) رسید و سـؤال کرد: «دو نفر وارد مسجد شده‌اند، یکی مدام نماز خواند و دیگری مدام دعا کرد، کدام یک برترند؟» امام صادق(ع) فرمودند:« هر دو خوبند.» سؤال کننده اصرار کرد و حضرت پاسخ داد:«آنکه بیشتر دعا کرده، بالاتر است.» به همین دلیل است که دعا در اسلام از جایگاه بی‌نظیری برخوردار است. حتی اروپایی‌ها هم امروز به این موضوع واقف شده‌اند. الکسیس کارل، روان‌شناس مشهور اروپایی در کتابی به نام نیایش نوشته است:«فقدان نیایش در میان هر ملتی برابر با سقوط آن ملت است! اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است، معمولا از فساد و زوال مصون نخواهد بود. البته نبایـد این مطلب را فرامـوش کرد که تنها صبح نیایش کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به‌سربردن بیهوده است، باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال با توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد».

**حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی**

### قوانین الهی تغییر نمی‌کنند

گاهی مستجاب شدن دعای ما نظام آفرینش را به هم می‌ریزد، نظیر دانش‌آموزی که در امتحان جغرافیا در پاسخ این سؤال که آیا سطح دریاها بالاتر است یا کوه‌ها؟ چون به اشتباه نوشته، سطح دریاها بالاتر است! از خداوند می خواهد که این دو را جابه‌جا کند تا نمره قبولی بگیرد! با کمی دقت متوجه می‌شویم که بسیاری از دعاهای ما هم همین حالت را دارند و مستجاب‌شدنشان باید قوانین الهی را تغییر دهد. به هر حال، خداوند همان گونه که قادر است، حکیم هم هست.این نکته را هم نباید فراموش کرد که خداوند نیازهای ما را می‌داند، ولی دستور دعا نشانه آن است که درخواست ما آثاری دارد. نکته دیگری که در بحث دعا وجود دارد، این است که دعا باعث از بین رفتن تکبر می‌شـود. بنده هنگام دعا باید خود را زیر پا بگذارد و دست دعا به سوی خالـق بی‌همتا بلند کند، بـه همین دلیل اسـت که دعا را فارغ از نتیجه‌اش، یک عبادت می‌دانند.



خط اصلی قرآن، کلید رمز و متن بابری قرآن در کنار یکدیگر در تصویر دیده می‌شود

## قرآنی که پس از ۴۹۳ سال رمزگشایی شد

# قرآن به خط بابری

**زهره کهندل** **نوک قلم را در مرکب سیاه فرو برد. خطوط را با تامل روی صفحه کشید. زیر لب واژه‌ها را تکرار کرد: نون و القلم... و ما یسطرون... نوک قلم بر صفحه رقصید. حالا انگار، قلم بخشی از دستش شده بود، بخشی از تمام وجودش. کار، به انتها نزدیک می‌شد. سرانگشتی هم که حساب می‌کرد، پنج سالی می‌شد وقتش را برای نگارش این قرآن گذاشته بود، قرآنی با خطی منحصربه‌فرد.**
**سال‌نگار تاریخ، سال ۹۳۷ه.ق را برای مرگ او رقم زده بود. درست پنج سال بعد از به تخت نشستنش در هندوستان. از ششم محرم سال ۸۸۸ ه.ق که چشم به جهان گشوده بود، ۴۹ سال می‌گذشت. حدود چهار دهه بر تخت سلطنت نشسته بود. از ۱۱ سالگی که او وارث این تخت شد، به روش شاهزادگان تیموری روزگار گذراند؛ شاهزادگانی که خوی متفاوت بودن و افکار خارق‌العاده در ذاتشان موج می‌زد. تاریخ هم به نابغه بودن و هنردوستی تیموریان معترف بود. علاقه آنان به کارهای متفاوت هم در اقداماتی عجیب بر لوح ذهن تاریخ پیر ثبت شده بود. ظهیرالدین بابرشاه محمد هم از این قاعده مستثنا نبود.**

در نخستین نگاه، رسـم الخط بیشتر به میخی می‌ماند. مرحوم اسـتاد احمد گلچیـن معانی، نویسـنده کتاب «راهنمـای گنجینه قرآن‌هـای نفیس آسـتان قدس رضوی» درباره این خط می‌نویسـد؛ «ظهیرالدین بابر از سلاطین بزرگ و نامدار روزگار خود و موسس سلسله تیموری هند بـود. یکی از کارهـای وی که جنبه تفنن داشـته و مقبولیت نیافته، اختراع خط بسـیار دشـوار بابری است».

احمد گلچین که ۲۵ سال سـابقه تحقیق و بررسی در متون تاریخی و ادبی در کتابخانه‌های ملک، مجلس شورای ملی و آسـتان قدس رضوی را داشته، در کتاب راهنمای گنجینه قرآن درباره خط و مشـخصات قرآن بابری می‌نویسـد؛ «کاتب نامعلوم، تحریر نیمه اول قرن دهم هجری، کاغذ و تذهیب کشـمیری، اسامی سور به زر، فواصل آیات زرنشـان، کتابت دو صفحه اول به قلم زر، هر صفحه ۱۷ سـطر، اندازه جدول ۹/۷×۵/۹، ۲۶۵ ورق به قطع ۱۲/۵×۹ سـانتی‌متر، جلد مقوایی لبه‌دار با روکش پارچه‌ای، وقفی شاه سـلطان حسین در سال ۱۱۱۹ هجری قمری».

او در کتاب «راهنمـای گنجینه قرآن» که آن را یک سـال پس از تاسـیس کتابخانه آسـتان قدس رضوی در سـال ۱۳۴۷ه. ش نوشته، اشـاره کرده است:«این مصحف شـریف روزگار درازی در تالار نفایس کتابخانه آسـتان قدس رضوی به نمایش گذاشـته شـده بود و عکس یکی دو صفحه آن را به تهران و اروپا و آمریکا نزد خط‌شناسان فرسـتاده بودند و خط آن شناخته نشده بود. مرحوم دکتر قاسـم غنی یک آیه از انجیل را که به هزار خط رایج و متروک و مرده و زنده نوشته شده و در انگلستان به طبع گراوری منتشر کرده بودند، به دست آورده و در اختیار آقای اوکتایی، رئیس سـابق کتابخانه قرار داد و ایشان پس از مدت‌ها صرف وقت به این نتیجه رسیدند که خط مصحف مزبور با هیچ یک از آنها تطبیق نمی کند».نکتـه دیگر اینکه اسـتاد گلچین در کتابش می گوید: «غریب‌تر از این خـط غریب عبارت وقف‌نامه شاه سلطان حسین است که آثار انحطاط و زوال مرگبار دولت ۲۰۰ ساله صفوی از آن آشکار است، چه شاه مزبور و علما و دانشمندان دستگاه پر عرض و طول وی کاغذ و تذهیب کشمیری رایج عصری و خط غیر کوفی و کتابت ۱۸۰-۱۷۰سـال پیـش از روزگار خود را نشـناخته و مصحف مزبور را به خط یکی از ائمه اثنی عشر و احتمالا به خط امام هشـتم(ع) تشـخیص داده‌اند».اما او اضافه می کند که با توجه به سوابق یاد شده و قراین موجود از قبیل کاغذ کشمیری و تذهیب هندی و کتابت ۴۵۰ساله و غرابت خط و دشوارنویسی آن به تشخیص بنده و بدون شـک و تردید این قرآن به همان خط اختراعی بابرشاه نوشته شده است.

**جرقه رمزگشایی زمانی در ذهن فاضل نیشابوری زده شد که هنگام نگاه کردن به نسخه اصلی، کلمه‌ای برایش آشنا آمد؛ کلمه مبارک «الله»**

### راز برملا شد

امروز که روز شـمار تاریخ، سال ۱۴۳۰ هجری قمری را نشان می‌دهد و ۳۱۱ سـال از تاریخ وقف و ۴۹۳ سال از تاریخ نگارش این اثر نفیس می گذرد، راز خطوط غریب و دشوار این پادشاه تیموری رمزگشایی شده است.

فضل اللهفاضل نیشـابوری، کاشـف راز خط غریب بابرشاه و کارشناس اداره مخطوطات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، یافتن کلید این خط اختراعی را یکی از دغدغه‌های ذهنی خود می‌دانست که مدت‌ها وی را به آن مشغول داشته است. اولین جرقه این رمزگشایی زمانی در ذهن او زده می‌شود که هنگام نگاه کردن به سطور صفحات نسخه اصلی قرآن، کلمه‌ای برایش آشنا می‌آید؛ کلمه مبارک «الله».

فاضل که خط کوفی را سال‌ها پیش در محضر استاد «عطار هروی» آموخته اسـت، کلمـه‌ای از قرآن بابری را بی‌شـباهت به خط کوفی نمی‌بینـد. او می گوید: «تا جایی که اسـتاد گلچین هم اشاره داشـته‌اند این خط تاکنون شناخته نشـده اسـت و با وجود آنکه بعضی از صفحات برای رمزگشایی به اروپا و آمریکا فرستاده‌شده بود اما با مقایسه‌های تطبیقی این خط با آیه‌های انجیل که به هزار خـط رایج و متروک نوشـته شـده، باز هم شناسایی نشد».

البته به گفته کاشف این خط در این رمزگشایی، خود قرآن مجید راهنما بود. کلمه‌ای که بی‌شباهت به کلمات کوفی نبود، سـرنخ این رمزگشایی شد. سپس آن کلمه از قرآن اسـتخراج و آیات آن هم بررسی شد و از طریق مقایسه تطبیقی نهایتا قرآن بابری قرائت شد.

این مدرس خوشنویسی گمان می کند که این خط از ترکیب خط کوفی و احتمـالا خطوط و علایم هندی اقتباس و اختراع شده و سپس تصرفات زیادی در کلمات و حروف آن ایجاد شده است. به اعتقاد او، هیات کلمات و برش ظاهری آنها حد فاصل خط میخی و تا حدی چینی را در ذهن بیننده تداعی می کند. همچنین جهت حروف و خواندن آن همانند خط کوفی از راست به چپ است.

### خط عجیب

نکته جالب اینکه حروف و کلمات بابری زاویه‌دار و بیشتر مثلثی و پیکانی شکل طراحی شده‌اند. فاضل می گوید: «در نوشـتن کلمات بابری قوت و ضعف بـه کار رفته و همه انـدام کلمات بـه یک ضخامت نیسـت، به همین دلیل نوشـتن را مشـکل می کند. گمان می کنم که در نوشـتن این قرآن یا از قلم‌نی و به احتمال قوی‌تر از قلم فلزی استفاده شده است».با این تفاصیل اما، خط بابری در غبار فراموشـی تاریخ، متروک ماند. کاشف واژه‌های این خط، دلیل این فراموشی را خشـک و سخت بودن خطوط می‌داند و می گوید: «سطح خط بابری زیاد و دور آن نسبت به خطوط زمان خود کم است؛ به گونه‌ای که حتی دور آن از خط «محقق» و «ریحان» کمتر اسـت، مخصوصا در اتصالات حروف به یکدیگر که خیلی خشک و کم دور طراحی شده و شـاید یکی از عواملی که خط بابری نتواسـته جایگاه خودش را باز کند، این است که دور آن کم بوده و به لحاظ زیبایی‌شناسی کمتر و عقب‌تر از خطوط متداول زمان خود مانند نستعلیق، نسخ و ثلث بوده است». این مدرس خوشنویسی معتقد است خطوط اختراعی نمی‌تواننـد پا به پای خطوطی کـه به تدریج متحول می‌شـوند، گام بردارند اما ارزش کار بابرشاه به عنوان هنرمندی که خطی را ابداع کرده و به عنوان فردی که بدون شـک بر میراث هنر و فرهنگ بشـری چیزی افزوده، گرامی اسـت. فاضل می گوید: «این قرآن که به خط بدیع بابری نگاشته شده یکی از نفایس منحصربه‌فرد جهان اسلام است. به اعتقاد من این اثر فاخر ملی ظرفیت ثبت جهانی را دارد زیرا در نوع خود بی‌نظیر است و باید این گنجینه غنی به تمام جهانیان معرفی شود».

### همچنان راز

خدایـش بیامرزد بابرشـاه را، شـاهزاده‌ای از سلسـله هنردوسـت تیموری کـه در بسـتر فرهنـگ ایرانی-اسلامی خالق شاهکاری بی‌نظیر بود. بابرشاه هنر والای خوشنویسـی را به خدمت گرفت؛ برای نمایش زیبایی و عظمت واژگان الهی که در کتاب اندیشـه ورز قرآن به زمینیان اهدا شده است. قرآن شاهکار دوران میانسالی بابرپادشاه که خط غریب و متروک آن، در روزگار دیگری رمزگشایی شد که شاید خود بابر هم فکر کشف آن را در چنین دورانی نمی کرد. اما آنچه مهم اسـت اینکه، دلیل نگارش قرآن به این خط ابداعی از سوی بابر چه بوده است اگرچه مرحوم اسـتاد گلچین آن را به تفنن تعبیر کرده است اما گمان می‌رود که با واکاوی شخصیت غریب این شاهزاده تیموری، غبار ابهام از رازهای دیگر این خط که به واقع نمودی از تجلی اندیشه‌های خوشنویس و مخترع آن بوده، زدوده شود. به واقع بابرشاه را چه شد که سال‌های آخر عمر خود را صرف ابداع چنین خط دشواری کرد؟ آیا او را سـختی‌هایی افتاده بود که از چشم تاریخ دور مانده اسـت و امروز نمود آن را در عرقریزی روح این شاهزاده هنرمند در ابـداع خط بابری می‌بینیم؟! شـاهکار قرآن بابری که در نوع خود در جهان بی‌نظیر است هم اکنون در گنجینه مخطوطات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود■

شبی که بهتر از هزار ماه است

# هزار شب و یک شب

محبوبه شعاعی

تمام سال را منتظر می‌مانی تا برسد آن شبی که از هزار ماه بر تر است؛ همان «لیله القدر خیر من الف شهر»؛ همان که قلب رمضان است؛ همان که دعا در آن مساوی است با اجابت؛ همان شبی که در آن رحمت دوست جاری‌ست مثل رود، مثل باران. می‌دانم که می‌دانی، که از درک عظمت چنین شبی عاجز و ناتوانم اما تو خود کرم نما و مرا هم در جمع بندگان خوبت دعوت نما و خود هم خواســتنی‌ها را به من بیاموز تا بدانم چــه بخواهم و چه نخواهم. زمزمه‌های دلم را در چنین شــبی با طنین صدای خوبانت، همراه ساز تا شاید الغوث‌الغوث‌هایم این بار سکوت عرش را به تقلا تبدیل سازد و خلاص شدن از آتش جهنمت را به من هم نوید دهند. نباید از دست داد این لحظات ناب را که در آن تقدیر یک ســاله رقم می‌خورد. به قول دکتر شریعتی که می‌گوید: «و از میان همه تاریخ، پیوسته شب‌هایی است که بر ما می‌گذرند، ناگهان شبی فرا می‌رسد که پایانش سپیده دمی ست و سپس طلوع خورشید. در آن شب باران فرشته می‌بارد و چه جهل زشتی است در زیر این باران بودن و تن و جان را با آن شستن. پس باید در آغوش کشید این شب را با آن دعاهای نیمه‌شب و تضرع و زاریش. بک یا الله...



ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین (بقره – ۲۵۰)
پروردگارا استقامتمان ده و قدم‌هایمان را استوار ساز و بر گروه کافران پیروزمان کن ◀



▲ ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما (فرقان – ۷۴) خدایا ما را از همسران و فرزندانمان روشنی دیدگان عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران بساز

▼ ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفرلنا و ترحمنا لنکونن من الخاسرین (اعراف – ۲۳)
پروردگارا ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و رحممان نکنی از زیانکاران خواهیم بود





▼ رب هب لی من لدنک ذریه طیبه انک انت السمیع الدعاء (آل‌عمران – ۳۸)
پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی



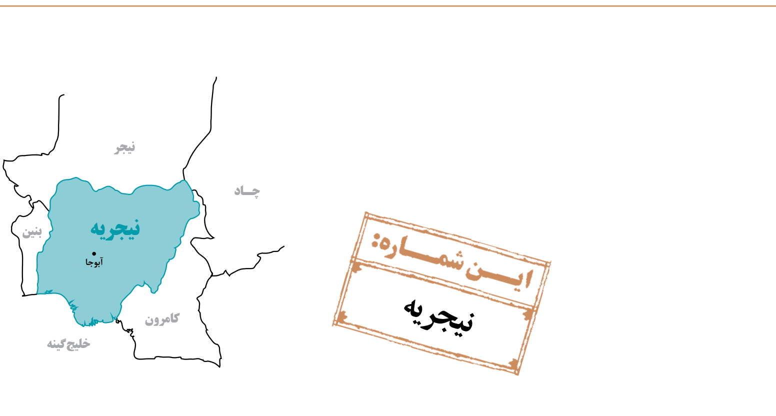


◀ رب اجعلنی مقیم الصلاه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء (ابراهیم – ۴۰)
خدایا، مرا به پا دارنده نماز کن و از فرزندان من نیز. پروردگارا دعای مرا قبول کن

◀ و ننزل من‌القرآن ماهو شفاء و رحمه للمومنین (اسراء– ۸۲)
و ما آنچه از قرآن فرستیم شفای دل و رحمت الهی بر اهل ایمان است

▼ یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلاتموتن الا و انتم مسلمون (بقره – ۱۳۲)
ای پسران من: خدا دین را برای شما برگزید پس نمی‌میرید مگر اینکه مسلمان باشید



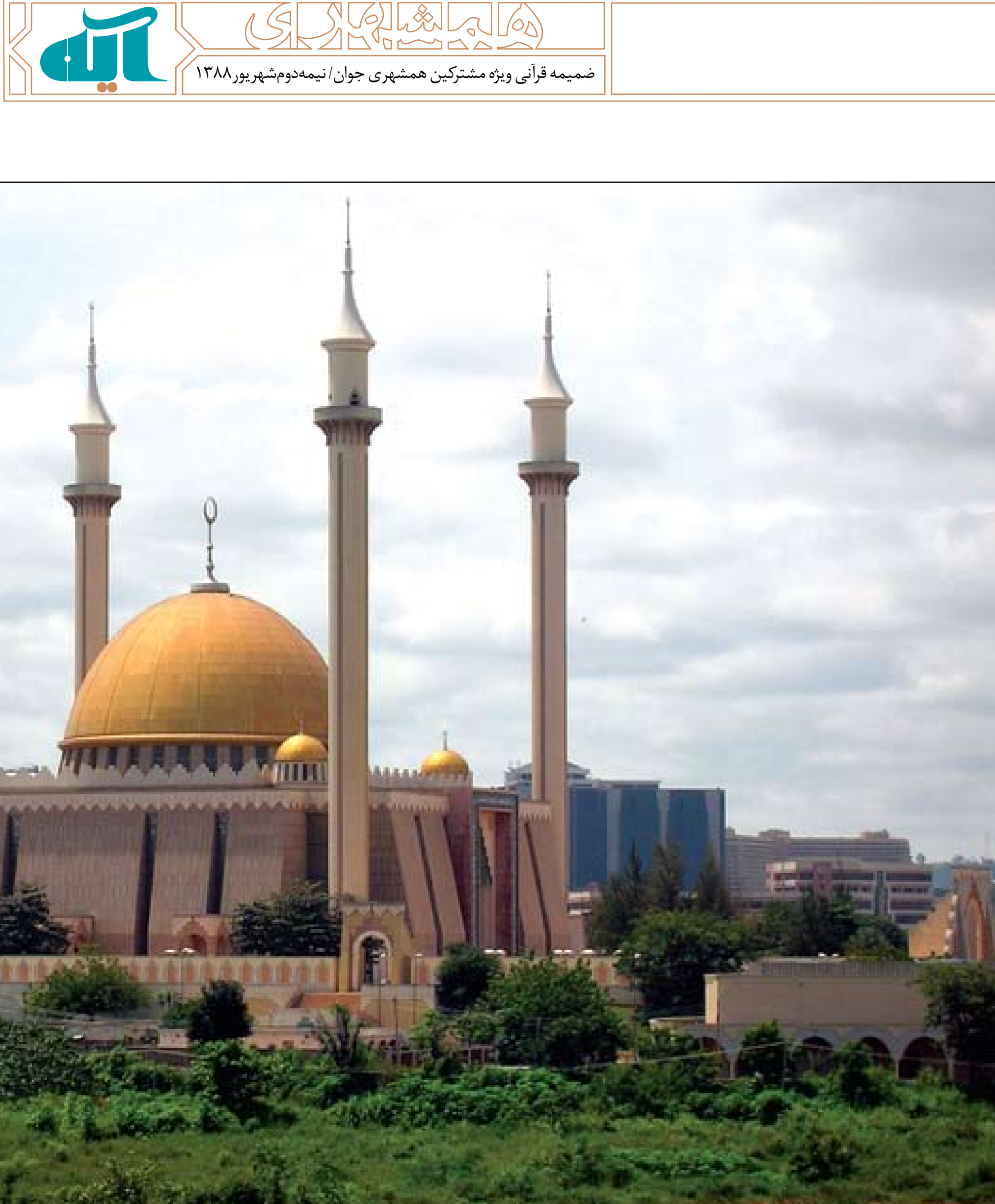



## نیجریه از نفت‌خیزترین کشورهای دنیاست، اما مردم این کشور حتی توان خرید قرآن را ندارند

# آیه‌های سبز در کشور قبیله‌های سیاه

**اصغر اصغری**

**از نخستین زمزمه آیات وحی در قاره سیاه بیش از ۱۴۰۰ سال می‌گذرد. جعفر بن ابی‌طالب در برابر نجاشی- پادشاه حبشه- قصد دفاع از مسلمانانی را دارد که از دست کفار مکه به آفریقا پناه آورده‌اند. جعفر با درایتی بی‌نظیر آیاتی را از سوره مریم تلاوت می‌کند و نجاشی را به اندیشه وامی‌دارد و می‌گوید: «سرچشمه دو کتاب آسمانی قرآن و انجیل یکی است» و این سرآغازی می‌شود برای میزبانی سیاهان از آنچه آن را هدایت برای متقین می‌خوانند. جواهر لعل نهرو، قاره آفریقا را قبل از ورود اسلام چنین معرفی می‌کند؛ «یک نوع مسیحیت فاسد و جنگجو در غرب و آفریقا رواج داشت. اسلام در قالب واژه‌هایی که پیام‌آور برابری و عدالت بود، به سرعت در آفریقا گسترش یافت». نقطه آغازین آشنایی مردم کشور نیجریه با اسلام هم به قرن چهارم هجری (یازدهم میلادی) برمی‌گردد و پس از آن در قرن سیزدهم و شانزدهم میلادی گروه‌های دیگری از مردم نیجریه مسلمان شدند. گزارش ما نگاهی دارد به کشور بزرگ نیجریه و حضور قرآن میان مسلمانانش.**



مسجد جامع ابوجا، پایتخت نیجریه

نیجریه با قدمتی چندهزارساله، بیش از ۱۴۰ میلیون نفر جمعیت دارد که حدود ۵۰ درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. حضور آیات قرآن و زبان عربی در میان قبیله‌ها باعث شده تا ۴۰ درصد از واژه‌های گویش‌های مختلف از زبان عربی وام گرفته شود. اولین برنامه آموزش قرآن در این کشور در میان قبیله معروف یوروبا اجرا شده است. روش آموزش قرآن در میان آنها همان شیوه سنتی بوده است؛ شاگردان گرد یک استاد حلقه می‌زدند و کلاس درس هم عمدتا در مسجدها برقرار می‌شد. ولی امروزه برای آموزش‌های مذهبی به ویژه آموزش قرآن در نظام آموزشی رسمی کشور، جایگاه خاصی در نظر گرفته شده و حتی رشته آموزش قرآن در دانشگاه تا مقطع دکترا تدریس می‌شود.

در ۳۶ ایالت نیجریه ۱۵۰ گویش محلی و بومی وجود دارد و قرآن به دو گویش یوروبا و هوسا ترجمه شده است. البته مردم علاقه چندانی به ترجمه قرآن به این گویش‌ها ندارند و ترجیح می‌دهند تا متن قرآن را به زبان عربی بخوانند. نخستین ترجمه قرآن کریم به زبان یوروبایی توسط یک کشیش مسیحی به نام میخائیل سموئل کول صورت گرفت. او در نیجریه از طرف جمعیت تبشیری در سال ۱۹۰۶ ماموریت تبلیغی داشت و تا سال ۱۹۳۶ به عنوان مدیر دانشکده اودودوا اوی لاگوس مشغول به کار بود. ترجمه او یک بار در سال ۱۹۰۶ در لاگوس - بزرگ‌ترین شهر نیجریه- و دیگر بار در سال ۱۹۲۴ در انگلستان با حروف لاتین و در ۴۱۰ صفحه با عنوان AlKurani Ti a yipada Si ede Yoruba چاپ شد. این اثر ترجمه‌ای تحت اللفظی و فاقد متن عربی است. هرچند ترجمه او اشکالاتی دارد، اما راه برای شناساندن قرآن به مسیحیان یوروبا و غیر بومیان باز شد. در میان یوروبایی‌ها هیچ گونه تفسیر قرآنی‌ای وجود ندارد. اما در بعضی قبیله‌ها تفاسیری از قرآن یافت می‌شوند که از آن جمله می‌توان به تفسیر عربی شیخ محمود قمی و تفسیر شیخ عبدالادهم اشاره کرد که به صورت نسخه خطی موجود است. روش تدریس تفسیری هم که در مساجد گفته می‌شود به صورت قدیمی و سنتی است و از تفاسیر جدید قرآن در این کشور کمتر استفاده می‌شود.

مسلمانان نیجریه ارادت و علاقه خاصی به کتاب آسمانی دارند و همواره ساعت‌هایی از روز را به تلاوت کتاب وحی اختصاص می‌دهند. آنها معتقدند که آیات قرآن خاصیت شفابخشی دارد و انسان را از بلایای طبیعی و نفس اماره نجات می‌دهد. نیجریه‌ای‌ها حتی از این هم فراتر رفته‌اند و برای حل مشکلات خانوادگی و اجتماعی دست به دامن قرآن می‌شوند که البته نگاه سنتی و سطحی به این قضیه گاهی نتیجه مطلوبی در بر ندارد! آنها قرآن را به دو روایت معروف «حفص از عاصم» و روایت «ورش» تلاوت می‌کنند.

### کنکور برای مسابقه قرآنی

مسابقات قرآن از اهمیت ویژه‌ای میان نیجریه‌ای‌ها برخوردار است و آنها همیشه پای ثابت مسابقات بین‌المللی داخلی و خارجی‌اند. حافظان، قاریان و داوران این کشور در تلاشند تا پس از موفقیت در مسابقات داخلی بتوانند به مسابقات بین‌المللی راه پیدا کنند و این را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانند. در آخرین دوره از مسابقات بین‌المللی که در سال ۸۷ در ایالت باوچی و به همت مسؤولان مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه عثمان دن فدیو برگزار شد، بیش از ۳۰۰ نفر نام‌نویسی کردند که در پایان نفرات برتر هر رشته برای شرکت در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در ایران و دیگر کشورهای برگزارکننده مشخص شدند. مسابقات دوره بیست و یکم کشوری هم که با حمایت مالی دولت نیجریه و با همکاری مرکز مطالعات اسلامی و دانشگاه عثمان دن فدیو این کشور برگزار شد، کنکوری بود برای بهترین‌ها تا نفرات برتر برای مسابقات بین‌المللی عربستان مشخص و آماده شوند. داوران، قاریان و حافظان مطرح کشور نیجریه در دوره‌های دهم، چهاردهم، شانزدهم، نوزدهم و همچنین در دوره‌های اخیر مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن کریم در ایران حضور یافته‌اند و از این پس باید شاهد حضور پررنگ‌تر مردمان غرب آفریقا در میان شرکت کنندگان در مسابقات معتبر باشیم. هر چند آنها تا به حال توفیق بین‌المللی مهمی کسب نکرده‌اند.

**هر چند بیشتر مردم نیجریه از خرید قرآن محرومند، اما این کشور بیشترین تعداد حافظان قرآن را در میان کشورهای آفریقایی داراست**

### نظام آموزش

نگاه سنتی به مقوله آموزش قرآن در نیجریه یکی از دلایلی بوده که باعث شده قاریان و حافظان کتاب وحی کمی کندتر از کشورهای دیگر حرکت کنند. در آغاز دهه ۶۰ و پس از استقلال نیجریه از سلطه بریتانیای کبیر مسؤولان امر با بازنگری در شیوه‌های معمول آموزشی تلاش کردند تا نظام پویاتری را جایگزین روش‌های سنتی کنند. از سال ۱۹۹۰ سه نظام آموزشی مجزا در این کشور وجود دارد. نظام سنتی، مدارس قرآنی و موسسات آموزش رسمی به سبک غربی.

نظام سنتی بیش از ۵۰ درصد جمعیت آماده به تحصیل را دربرمی گیرد و تقریبا به صورت بخشی کاملا خصوصی عمل می کند. هیچ قانونی از سوی دولت برای فعالیت این بخش تدوین نشده، مگر نوع آموزش و تعلیماتی که نیاز به صدور مدرک دارد. آموزش اسلامی در مدارس قرآنی، بخشی از وظایف دینی به شمار می‌آید. کودکان در سنین پنج تا شش سالگی یک یا دو سوره قرآن را از یک عالم دینی محلی- Mallam - یا معلم دینی یاد می گیرند و از حفظ می‌خوانند. تعلیمات دینی شامل الفبای عربی و توانایی خواندن و رونویسی از قرآن و متن‌هایی است که برای نیایش‌های روزانه مورد نیاز است. هر جامعه اسلامی چنین ساختاری را در مکتب‌خانه یا مسجد محلی ایجاد کرده و این سطح ابتدایی به طور وسیعی در همه قبایل منتشر شده. تعداد کمی از خانواده‌های مسلمان که متمول‌تر و دارای تحصیلات عالیه‌اند، جوانان خود را به کلاس‌های فراگیری متون عربی می‌فرستند. دستور زبان، صرف و نحو، حساب، جبر، منطق، معانی و بیان و تفسیر و الهیات به درس‌های قبلی اضافه شده است. پس از گذراندن این سطح، دانش آموزان طبق یک عادت مرسوم به یکی از مراکز مشهور آموزش اسلامی می‌روند.

در تمام سال‌های دوران استعمار چندین مدرسه رسمی اسلامی تاسیس شد که شیوه‌های مرسوم اروپاییان را دنبال می کردند. این مدارس تقریبا در تمامی شهرهای اصلی نیجریه دایر شدند اما در ایالت کانو نقش پررنگ‌تری داشتند؛ شهری که وحدت اسلامی در تعداد زیادی از مدارس آن گسترش پیدا کرد. آنها مدارسی برای خانواده‌های مومن و ثروتمند فراهم کردند که مایل بودند فرزندانشان به شیوه جدید اروپایی درس بخوانند ولی همچنان ارزش‌های دینی بر آنها حاکم باشد. چنین مدارسی به عنوان مدارس خصوصی محلی با نفوذ ارزش‌های مذهبی حاکم در داخل نظام آموزشی مدرن را حفظ کردند. به همین علت دولت، همه مدارس محلی و خصوصی را در اواسط دهه ۷۰ تحویل گرفت و فقط اجازه داد چنین مدارسی تا سال ۹۰ به فعالیت خود ادامه دهند.

### همایش‌های قرآنی

همایش‌ها و دوره‌های مختلفی در سال‌های اخیر برای به‌روز کردن اطلاعات در زمینه نظام‌های آموزشی در علوم قرآنی برگزار شده است. از آن جمله می‌توان به افتتاح مرکز حفظ و قرائت قرآن در ایالت زمفرا اشاره کرد. این مرکز قرآنی در شمال غربی نیجریه و با هدف جذب و آموزش حافظان و قاریان ممتاز قرآنی تشکیل شده است. مرکز قرآنی به پیشنهاد هیات حفظ و قرائت قرآن زمفرا و با هدف مهیا کردن فضایی برای نسل جوان برای حفظ و قرائت قرآن و شناسایی استعدادهای بالقوه برای شرکت در رقابت‌های قرآنی منطقه‌ای، کشوری و بین‌المللی تاسیس شده است.

الحاجی احمد عبداللهی گانوا- دبیر اجرایی هیات حفظ و قرائت قرآن زمفرا- می گوید: «این هیات در راستای وظایف خود پیشنهاد تاسیس مرکز حفظ و قرائت قرآن را ارائه کرده است. اینجا برای آموزش حفظ و قرائت قرآن به جوانان و پژوهشگران تاسیس شده و افرادی که در این هیات قرآن آموزش می‌بینند در بسیاری از مسابقات محلی و جهانی شرکت کرده و به موفقیت‌های زیادی دست یافته‌اند».

سازمان‌دهی دوره‌های آموزشی، برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی برای مدارس اسلامی و گسترش حفظ و قرائت قرآن در مدارس قرآنی از جمله اهداف این مرکز قرآنی است. دولت هم قول داده تا مقدمات اعطای مدرک دانشگاهی را برای حافظان کلام نور فراهم آورد.

از سویی دیگر سازمان‌هایی مانند بانک توسعه اسلامی نیجریه می کوشند با غنی‌سازی فرهنگ قرآنی، راه را برای آموزش بهتر قرآن هموار کنند. این سازمان در آخرین اقدام خود ۱۶ استاد قرآن این کشور را به مدت ۳۰ روز راهی شهر مکه کرد تا با روش‌های آموزشی جدید آشنا شوند و همچنین از تجربه‌های استادان دیگر کشورهای مسلمان هم بهره‌مند شوند. شرکت‌کنندگان در این دوره همچنین راه‌های مختلف آموزش عمومی قرآن و تبلیغ دین را فرا می گیرند.

شهر لاگوس هم در سال گذشته میزبان همایش «تاثیر قرآن در پیشرفت جوامع اسلامی» بود. در این همایش تخصصی سه روزه بررسی تاثیر قرآن در رشد و تعالی انسان و پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی با شعار «کن قرآناً یمشی علی الارض» مورد توجه قرار گرفت. این همایش هم به همت دفتر انجمن جهانی جوانان مسلمان در نیجریه و با همکاری دانشکده بین‌المللی علوم قرآنی کشور غنا برگزار شد و مباحثی تخصصی در زمینه آموزش حفظ، قرائت، تفسیر و تجوید قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت.

**در ساختار آموزشی نیجریه کودکان پنج تا شش‌ساله هم باید یک یا دو سوره قرآن را یاد بگیرند و از حفظ بخوانند**

### موهبت الهی

اما با همه این اقدامات، نیجریه همچنان با کمبود منابع آموزشی، استادان مجرب و مراکز آموزش قرآن کریم مواجه است. خیلی از علاقه‌مندان به قرآن نمی‌توانند بهای هدیه قرآن را بپردازند و از آن استفاده کنند. رئیس انجمن علمای ایالت کانو اعلام کرده که بنابر اطلاعات موجود، نیجریه بیشترین تعداد حافظان قرآن را(با توجه به جمعیت) در میان کشورهای آفریقایی مسلمان داراست که بیشتر آنها ساکن ایالت کانو هستند.

شیخ ابراهیم خلیل در دیدار با رئیس انجمن حافظان قرآن نیجریه با بیان این مطلب گفته است: «حضور این تعداد حافظ قرآنی در کشور، موهبتی از جانب خداوند است اما متاسفانه چندان توجهی نسبت به این موهبت صورت نمی گیرد و حمایت و پشتیبانی لازم از آنان به عمل نمی‌آید».

ابراهیم خلیل در ادامه از همه مسلمانان نیجریه خواست برای حمایت از حافظان قرآن تلاش کنند و توجه به آن را به ماه مبارک رمضان محدود نکنند. فقر بسیاری از مسلمانان این کشور آفریقایی، مشکلاتی را برای علاقه‌مندان قرآن پدید آورده است. آیا راه نوینی برای گسترش قرآن در نیجریه کشف می‌شود؟





مسلمانان نیجریه پای ثابت مسابقات بین‌المللی قرآن هستند؛ مسابقات اندونزی



قاریان و حافظان نیجریه پای ثابت مسابقات قرآن کریم هستند؛ هرچند به افتخاری نرسیده‌اند

روابط فرهنگی -دینی ایران و نیجریه چگونه است؟

## آموزش، حفظ و تبلیغ

دفتر روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهر لاگوس نیجریه قرار دارد؛ جایی که نمایندگان مذهبی و فرهنگی کشورمان سعی در تبلیغ مکتب اهل بیت(ع)، تبلیغ قرآن و ترویج فرهنگ انقلاب دارند. برگزاری محافل قرآنی و مداحی اهل بیت(ع) از مهم‌ترین برنامه‌های این دفتر به شمار می‌آید. در مراسم ویژه‌ای که به مناسبت تجلیل از قاریان و حافظان نیجریه در مرداد برگزار شد، سید محمود عظیمی نصرآبادی- رایزن فرهنگی ایران در نیجریه- به عنوان مهمان ویژه و شیخ زغلول السنوسی به عنوان سخنران در جمعی از شخصیت‌های مذهبی و دولتی حضور یافتند. نصرآبادی طی سخنانی در این مراسم گفت: «قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر عظیم الشان اسلام است که برای هدایت انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌ها نازل شده و دستورات انسان‌ساز آن چراغ راه بشریت است. قرآن کلام الهی است که خداوند با بندگانش از طریق آیات نورانی آن صحبت می کند و راه راست را به آنها نشان می‌دهد و از گناه و نافرمانی باز می‌دارد». مرکز قرآنی ام حجه‌الله از مراکز عمده آموزش حفظ و قرائت قرآن کریم در شهر لاگوس به شمار می‌رود که هر سال ضمن آموزش ده‌ها دختر و پسر جوان، به اجرای برنامه‌های قرآنی از جمله مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم می‌پردازد. یکی دیگر از اقدامات مهم دفتر روابط فرهنگی ایران و نیجریه تاسیس و تجهیز کتابخانه‌ای در شهر لاگوس است. بیشتر کتاب‌های این کتابخانه با موضوعات قرآنی، شیعی، تحقیقی، عقیدتی و تاریخ اسلام جمع‌آوری شده و در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. پایگاه اینترنتی این دفتر فعال در غرب آفریقا، مورد توجه نیجریه‌ای‌ها قرار گرفته و آخرین اخبار مذهبی و قرآنی را از طریق همین پایگاه به نشانی lagos.icro.ir به دو زبان انگلیسی و فارسی دنبال می کنند.

نفر دوم مسابقات حفظ دانشجویان ایران اهل نیجریه است

## جای خالی بانوان در مسابقات قرآن

محمد اول ناصر حافظ کل قرآن از نیجریه است که چند وقتی را در ایران گذرانیده است. او نظرات جالبی درباره مسابقات قرآنی دارد؛ «حضور استادان بزرگوار قرآن در این مسابقات، ضمن ایجاد انگیزه در شرکت کنندگان باعث ارتقای سطح مسابقات هم می‌شود. مسابقات بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان بهتر است که در بخش بانوان هم برگزار شود چراکه این امر ضمن گسترش فرهنگ قرآن در میان زنان و تفهیم آموزه‌های قرآنی به آنان، دانشجویان دختر را برای حفظ قرآن و شرکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی تشویق می کند». ناصر معتقد است: «رقابت‌های بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان ایران به لحاظ اهمیت بالای آن باید از پوشش خبری مناسب‌تری برخوردار باشد و به‌صورت زنده از شبکه‌های محلی و ماهواره‌ای پخش شود تا مردم به‌طور مستقیم در جریان این رقابت‌ها قرار گیرند». او با اشاره به اینکه شیوه اجرای مسابقات عالی و در سطح بین‌المللی است، می گوید: «شرکت کنندگان این رقابت‌ها باید به لحاظ کیفی در سطح بالایی باشند. چراکه داوران قضاوت‌کننده در مسابقات، از بهترین قاریان جهان اسلامند و رقابت در حضور این استادان نیازمند دانش و مهارت کافی در زمینه حفظ و تلاوت آیات قرآن است». محمد ناصر نقش رقابت‌های قرآنی در تقویت همگرایی اسلامی را بسیار مهم ارزیابی می کند؛ «مسابقات قرآن دانشجویان مسلمان در ایران به‌دلیل حضور ملیت‌ها و مذاهب مختلف، تاثیر مستقیمی در اتحاد و انسجام اسلامی دارد». محمد درباره وضعیت قرآنی کنونی کشورش می گوید: «در کشور نیجریه از قاریان قرآنی همچون محمد صدیق منشاوی و قاریان برجسته مصر پیروی می‌شود. با این وجود احساس می‌شود مصر از دوران طلایی خود در زمینه قرائت قرآن فاصله گرفته و همچون گذشته قاریان ممتاز را به مسابقات اعزام نمی کند. خوشحالم که این مسابقات با حمایت یک کشور اسلامی برگزار می‌شود و از دولت و مردم ایران به خاطر توجه و عنایت ویژه به قرآن کریم و حافظان و قاریان قرآن تشکر می کنم». محمد اول ناصر، دانشجوی دانشگاه شهر کانوی نیجریه و نماینده این کشور در دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان ایران است و تاکنون در مسابقات سراسری قرآن نیجریه در رشته حفظ قرآن، مقام دوم را کسب کرده است.

## ماه‌روزه در سرزمین سیاه

مردم نیجریه در ماه رمضان معمولا غذاهای مخصوصی دارند و مصرف میوه هم در این ماه بیشتر می‌شود. زنان برای افطار غذاهایی همچون العصیده، الدویا، حلیم و اذنجی و برای سحر التو فراهم می کنند. فرنی، شیر، چای و غذاهایی شبیه فلافل هم جزو خوردنی‌های محبوب این ماه است. چون مردم با یکدیگر ارتباط دارند، چند خانواده افطاری‌هایشان را برمی‌دارند و جلوی خانه یک نفر از همسایگان یک سفره پهن می‌کنند و با هم افطار می کنند. بعضی از مردم هم طبق‌هایی را در نزدیکی مساجد قرار می‌دهند و پس از نماز مغرب با یکدیگر به تناول افطار مشغول می‌شوند. تلویزیون نیجریه در این ماه همیشه سخنرانی قرآن و تفسیر پخش می کند. متاسفانه هنوز از علمای مکتب اهل‌بیت(ع) برای سخنرانی در تلویزیون دعوت نکرده‌اند. مسلمانان نیجریه معتقدند که شب قدر، شب بیست‌وهفتم ماه رمضان است. مردم در این شب پرمنزلت به مسجد می‌روند و به عبادت و شب زنده داری می‌پردازند و بعد از نماز صبح به منزل بازمی گردند. عید فطر را سلطان (که مردم امور دینی خود را با اعلام او رسمی می‌دانند) از طریق رادیو اعلام می کند. برای عید فطر و قربان در نیجریه باید لباس نو دوخته شود. مردم در این روز خوش‌پوش می‌شوند و به خواندن نماز عید سعید فطر و جشن و شادی می‌پردازند.

پنجمین نمایشگاه‌بین‌المللی پوستر اسماء‌الحسنی در موزه هنرهای معاصر تهران در حال برگزاری است

## نام‌های خدا زیر یک سقف

لطیف، متین، یکتا، الله و... نام‌های نیکوی بسیاری که از آن خداست؛ نام‌های مقدسی که با هر یک از آنها می‌شود پروردگار را صدا زد و عبادتش کرد. بیش از هزار اسم را برای خدا می‌شمارند که از این میان ۱۲۷ نام در قرآن ذکر شده است. «اسماء‌الحسنی» عبارتی است که در معارف اسلامی ۹۹ نام خداوند را شامل می‌شود؛ گرچه فقط یکی از نام‌ها نام اصلی خداست و حضرت محمد(ص) خدا را با آن نام عبادت می‌کرد.

ولی اسماء‌الحسنی در باورهای دینی یک مفهوم ویژه است و همه اسم‌هایی را که تمامیت و یگانگی او را نشان می‌دهند، دربرمی‌گیرد؛ باوری که در تمام ادیان آسمانی رایج است و تنها به مسلمانان محدود نمی‌شود. اما در دنیای گرافیک چه؟ اسماء‌الحسنی در دنیای هنر و گرافیک نام یک نمایشگاه و مسابقه جهانی است که قدمتی پنج‌ساله دارد و در آن، عبارات مکتوب هنرمندان را می‌توان به تماشا نشست.

این روزها اگر سری به گالری‌های موزه هنرهای معاصر بزنید، پوسترهای متنوعی از نام‌های الهی چشم‌نوازی می‌کنند که هر کدام ذوق و اندیشه خلاق خالق خود را نشان می‌دهند؛ ترکیب زیبای حروف و رنگ‌ها در کنار هم که تصاویر تفکربرانگیز و عمیقی را به وجود می‌آورند؛ حروفی که درهم‌تنیده و اشکال ویژه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند.

چیزی که در این نمایشگاه نظر بیننده‌ها را جلب می‌کند، حضور آثاری از هنرمندان خارجی است. از لابه‌لای راهروها و سالن‌های موزه هنرهای معاصر که می‌گذری، بین تصاویر با مفاهیم اسلامی تایپوگرافی یا حروف‌نگاری‌هایی به زبان فارسی و عربی، تابلوهایی را می‌بینی که زبانشان چندان آشنا نیست؛ تایپوگرافی‌ها و پوسترهایی به زبان‌های چینی، انگلیسی و زبان‌های دیگر که در همه آنها یک مفهوم واحد را می‌توان یافت؛ نامی از نام‌های خدا. پنجمین نمایشگاه پوستر اسماء‌الحسنی با سازمان‌دهی سایت «تودی پوستر» و حمایت موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر برگزار شده است. امیرعبدالحسینی- دبیر اجرایی این نمایشگاه- درباره آثار رسیده به دبیرخانه و انتخاب آثار توضیح می‌دهد: «از ابتدای فراخوان تا پایان مهلت ارسال آثار این دوره حدود ۱۳۰۰ اثر توسط دبیرخانه دریافت شد. در جریان این دوره ۲۰۰ اثر انتخاب شد و از این بین ۴۰ اثر به بخش مسابقه راه پیدا کرد و ۷۰ اثر هم در بخش خارج از مسابقه و غیررقابتی نمایش داده می‌شود.»

### جایزه‌های کوچک و بزرگ

بخش رقابتی یا مسابقه، مهم‌ترین بخش این نمایشگاه بود که در آن ۴۰ اثر از ۳۰ هنرمند داخلی و خارجی بین آثار ارسالی مورد ارزیابی قرار گرفت. هیات داوران این رقابت را هنرمندانی از عرصه‌های هنری مختلف برعهده داشتند. قباد شیوا، مجید مجیدی و صداقت جباری داوران ایرانی این مسابقه بودند و در کنار آنها دو داور خارجی هم حضور داشتند. رنه ونر از کشور سوئیس و ویسام شوکت از امارات متحده عربی، دو داور غیرایرانی این دوره اسماء‌الحسنی بودند. البته ویسام شوکت در این جشنواره حضور نداشت و داوری را به صورت مجازی انجام داد ولی در مراسم افتتاحیه پیامی از او خوانده شد. در بخشی از این پیام آمده است: «به عنوان یک خطاط و طراح گرافیک همواره مجذوب هنر پوستر در ایران بوده‌ام و احترام خاصی برای آن قائلم. به نظر من این هنر نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط بین ایران سنتی و ایران مدرن دارد. در سال‌های اخیر جهشی مهم در استفاده از خطنگاری و خطاطی به شکل بسیار مدرن و معاصر در طراحی پوستر ایرانی مشاهده می‌شود. این گونه ترکیب‌بندی حروف و کلمات همواره توانسته است توجه مخاطبان را به خود جلب کند و در هنر گرافیک ارزش بصری ویژه‌ای دارد. به عبارتی می‌توان گفت که هنر گرافیک ایران سبکی نوین در هنر طراحی گرافیک جهان ایجاد کرده است.»

پس از ارزیابی آثار توسط هیات داوران، ده نفر برای دریافت جوایز این مسابقه انتخاب شدند. علی جواهر- هنرمند ایرانی- جایزه بزرگ این نمایشگاه را که مبلغ ۴۰ میلیون ریال بود از آن خود کرد. در قسمت برگزیدگان هم سابینا آبرهازن و ریتا توتاگلی از کشور سوئیس رتبه اول را به دست آوردند و دیپلم افتخار همراه با ۳۰ میلیون ریال وجه نقد به آنها داده شد. علی سیلان از کشور ترکیه هم به عنوان برگزیده دوم انتخاب شد و جایزه ۲۰ میلیون ریالی را از آن خود کرد. جایزه سوم این نمایشگاه هم به مبلغ ۱۰ میلیون ریال به امید نعم‌الحبیب از ایران تعلق گرفت. الناز باقری، بهرام حمیدی، فاطمه اسلامی کتابچی و شاهین افشاری از ایران همراه آدایتا ماندایام از آمریکا هم در این دوره مورد تقدیر قرار گرفتند و ۲ میلیون ریال جایزه نقدی و لوح تقدیر نمایشگاه را دریافت کردند.

### نمایش مجازی در ویترین روز

سایت تخصصی نمایشگاه مجازی طراحان گرافیک به نام «ویترین روز» هم آثار پنجمین نمایشگاه جهانی حروف‌نگاری پوستر اسماء‌الحسنی را همزمان با موزه هنرهای معاصر به صورت مجازی نمایش می‌دهد. پوسترهایی که در این نمایشگاه مجازی به نمایش درمی‌آیند، شامل ۴۰ اثر بخش مسابقه هستند.

این نمایشگاه مجازی در سایت ویترین روز به نشانی www.vitrinrooz.com به نمایش درآمده. امکان ویژه‌ای که در این نمایشگاه دیجیتال وجود دارد، این است که علاقه‌مندان و مخاطبان می‌توانند به صورت آن‌لاین آثار برگزیده و منتخب از نگاه خود را انتخاب کنند و به آنها رتبه بدهند. در حقیقت نوعی ارزیابی آن‌لاین توسط بازدیدکنندگان انجام می‌شود. در این نظرسنجی از سه طراح برگزیده از نگاه مخاطبان تقدیر خواهد شد.

### هنرمندان خارجی

در کنار هنرمندانی که از کشورمان در این نمایشگاه حضور دارند، آثار متعددی هم در بخش رقابتی و بخش‌های جنبی از هنرمندان سایر کشورها ارائه شده. در این دوره از سالانه اسماء‌الحسنی، شرکت‌کنندگان بسیاری از آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا حضور داشتند. شمس‌الدین غازی، سابینا آبرهازن و ریتا توتاگلی شرکت‌کنندگان سوئیسی این نمایشگاه بودند. لی‌زو، ژانگ‌جی و کین‌زا هم از چین در این دوره شرکت کردند. علی سیلان و یوسف کز از ترکیه و فردوس آرا احمد، اریفور رحمان و محمد عبدالرحیم از بنگلادش افراد دیگری بودند که آثارشان به این نمایشگاه راه پیدا کرد. همچنین گرانت بیرس انگلیسی، نصیر احمد پلازی ایتالیایی، امیلیاز الواسکار لهستانی و آدایتا ماندایام آمریکایی دیگر خارجیان این سالانه بودند.

علی وزیریان، رئیس پنجمین نمایشگاه بین‌المللی پوستر اسماء‌الحسنی:

# هر داور با نظری خاص انتخاب شد

**بنفشه رحمانی    رنگ‌های زنده، گاهی سرد و گاهی گرم؛ خط‌هایی که بالا می‌روند، پایین می‌آیند، عمق می‌یابند، برجسته می‌شوند، گاهی آرام و پیوسته امتداد می‌یابند و گاهی می‌شکنند و زاویه‌دار می‌شوند؛ ترکیب‌های ساده و پیچیده از حروف فارسی، عربی، انگلیسی یا حتی چینی؛ نام‌هایی که غریبه نیستند و حالا در این ترکیب تحسین‌برانگیز زیبا، آشناتر از همیشه به نظر می‌رسند؛ آن‌قدر آشنا که دیگر مهم نیست دست‌های چه کسی این زیبایی‌ها را آفریده؛ مهم نیست با چه زبانی و چه حروفی و چه خطی این نام‌ها روی پوسترها نقش بسته؛ همه نام‌ها یکی را صدا می‌زنند و همه این اسم‌ها متعلق به اوست؛ نامی برای خدا؛ اسماء‌الحسنی. حالا پنجمین سالی است که نمایشگاه پوستر تایپوگرافی اسماء‌الحسنی برگزار می‌شود و هنرمندان زیادی گرد هم می‌آیند تا با درهم آمیختن حرف‌ها، رنگ‌ها و ذوق و سلیقه، نقشی از نام خدا را خلق کنند. علی وزیریان- هنرمند، فیلمساز و گرافیست- ریاست پنجمین دوره این نمایشگاه سالانه را برعهده دارد.**

جایزه دوم به هنرمند ترک رسید. در مرکز این عکس، اثر او را می‌بینید

**چرا اسماء‌الحسنی؟ موضوعات بسیاری می‌تواند در زمینه باورها و اعتقادات دینی برای طراحی پوستر وجود داشته باشد.**

نام‌های مرتبط با خداوند در قرآن و گفته‌های پیامبر(ص) بیشتر از ۱۰۰ عنوان است و عبارت «اسماء‌الحسنی» یک اصطلاح ویژه برای ۹۹ نام خداوند در ادب و معارف اسلامی است. اسماء‌الحسنی در باورهای مسلمانان یک مفهوم بسیار ویژه دارد و خدا در قرآن می‌فرماید: «زیباترین نام‌ها متعلق به الله است؛ پس او را با این نام‌ها صدا بزنید». حضرت محمد(ص) بارها و بارها صحابه خود را به روشن نگه داشتن قلب خویش با یاد کثیر خداوند توصیه و سفارش می‌کردند.

در قرآن آمده است: «...و به طور قطع یاد خداوند عظیم‌ترین چیز است و خداوند به اعمال شما آگاه است». و در جایی دیگر می‌گوید: «آنانی که اعتقاد دارند و کسانی که قلبشان خشنودی را در یاد خدا یافته، بدانند که بی‌هیچ شکی قلب‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرد».

بنابراین به یاد داشتن و برشمردن اسامی متبرکه الله، به یادآوری همیشگی او منجر می‌شود و یادآوری همیشگی او تهذیب و مهربانی قلب را در پی خواهد داشت. الله همان اجابت‌کننده جاودان جهانیان است و هیچ چیز قابل‌قیاس با او نیست. ما می‌توانیم او را با نام‌های مقدس دیگر هم صدا کنیم ولی خداوند باید تنها با یکی از نام‌هایی که حضرت محمد(ص) به وسیله آن او را عبادت می‌کرد، یاد یا صدا زده شود. دلیل این امر هم روشن است؛ الله، قادر مطلق، فوق افکار و قوه ادراک بشر قرار گرفته و بنابراین صدا زدن او به وسیله نام‌هایی که زاده تخیلات و تفکرات شخصی باشد برای یگانگی و تمامیت او ناشایست است.

> **در همه ادیان بحث نام‌های خدا وجود دارد و تنها به مسلمانان محدود نمی‌شود همین امر ما را بر آن داشت که این نمایشگاه را در سطح جهانی برگزار کنیم**

**اسماء‌الحسنی فقط به باورهای مسلمانان مربوط می‌شود؟**

نکته مهم همین جاست که نام‌های خداوند یک مساله رایج در بین تمام ادیان آسمانی است. در همه ادیان بحث نام‌های خدا وجود دارد و تنها به مسلمانان محدود نمی‌شود. همین امر ما را بر آن داشت که این نمایشگاه را در سطح جهانی برگزار کنیم.

**پس شرکت‌کننده‌های خارجی، همه مسلمان نبودند؟**

نه. در بین آنها پیروان ادیان دیگر هم حضور داشتند. به عنوان مثال دو نفر اول در بخش برگزیدگان که مشترک با هم جایزه نفر اول را گرفتند هر دو از کشور سوئیس و مسیحی بودند. حتی رنه‌ونر- هنرمند سوئیسی‌ای هم که در هیات داوران مسابقه حضور داشت- مسیحی بود.

**رنه‌ونر چطور برای داوری این دوره از مسابقات انتخاب شد؛ با توجه به اینکه نه مسلمان است و نه ایرانی؟**

در نمایشگاه‌ها و مسابقات طراحی پوستر معمولا هر سال موضوع اصلی تغییر می‌کند ولی در این نمایشگاه موضوع اصلی- یعنی نام‌های خداوند- ثابت است ولی هر سال کیفیت آثار، بهتر از سال‌های قبل می‌شود و همین امر داوری را مشکل می‌کند. داوران بسیاری بودند که می‌توانستیم انتخاب کنیم ولی در بین داوران خارجی دنبال کسی بودیم که ویژگی‌های خاصی داشته باشد. رنه ونر با مشاوره و رایزنی‌های بسیار انتخاب شد. او جایگاه ویژه‌ای در هنر گرافیک دارد. یک ویژگی مهم او این است که در دین خودش- یعنی مسیحیت- انسان بسیار معتقدی به شمار می‌رود و نگاه مذهبی ویژه‌ای دارد. در شروع نمایشگاه اسماء‌الحسنی، حدود پنج سال پیش بود که فهمیدم این موضوع جزء مسائل اعتقادی دیگر ادیان الهی هم هست. آن زمان در مطبوعات خواندم که آهنگسازی انگلیسی، سمفونی کلاسیکی را براساس ۹۹ اسم الهی ساخته است و همین موضوع بود که مرا به فکر بین‌المللی کردن این نمایشگاه انداخت و در این راستا به این فکر کردم که در ترکیب هیات داوران ما هم هنرمند غیرمسلمان حضور داشته باشد و رنه ونر را با توجه به سوابقش و ارتباط وسیعی که با طراحان، سایت‌ها و مجموعه‌های مختلف طراحی پوستر دارد، انتخاب کردیم؛ ضمن اینکه ایشان در یکی از نمایشگاه‌های ایران هم داوری کرده است.

> **به این فکر کردم که در ترکیب داوران، هنرمند غیرمسلمان حضور داشته باشد؛ رنه ونر را با توجه به سوابقش و ارتباط وسیعی که با طراحان دارد، انتخاب کردیم**

**ویسام شوکت، داور اماراتی چطور؟**

شوکت از طراحان مسلمان است و از شخصیت‌های شناخته شده در حوزه هنر اسلامی. ویسام شوکت متولد شهر بصره در جنوب عراق است ولی در امارات متحده عربی زندگی می‌کند. حرفه اصلی این هنرمند موضوع نمایشگاه اسماء‌الحسنی است. شوکت در ابتدا از هنرمندان خوشنویس بوده و بعد به عرصه طراحی حروف و پوسترسازی راه یافته است.

**درباره انتخاب مجید مجیدی بگویید. چه ارتباطی بین هنرهای تصویری و گرافیک وجود دارد؟**

ارتباط هنرهای تصویری و گرافیک در دنیا موضوع غریبی نیست. مجیدی نه تنها با گرافیک بیگانه نیست بلکه فعالیت‌هایی هم در این زمینه داشته است. او در حوزه سینما جایگاه برجسته و شناخته‌شده‌ای دارد و همین موضوع باعث شده تا فعالیت وی در دیگر رشته‌ها از جمله طراحی گرافیک نادیده گرفته شود. مجیدی در نمایشگاه‌های مختلف گرافیک و طراحی پوستر حضور داشته. ایشان در برگزاری چندین نمایشگاه پوستر در کنار هنرمندانی چون مرحوم مرتضی ممیز و آلن لوکرنک داوری کرده و در بعضی از نمایشگاه‌ها هم در زمره برگزارکنندگان بوده‌اند. بنابراین مجیدی نه تنها با مقوله گرافیک و طراحی پوستر بیگانه نیست بلکه فعالیت‌هایی هم در این زمینه داشته. من غیر از فیلم «بیدمجنون»، طراحی پوستر همه فیلم‌های مجید مجیدی را انجام داده‌ام و با نظرات او در زمینه طراحی پوستر کاملا آشنایی دارم. مجیدی در زمینه هنر دارای نگاه معنوی عمیقی است که این نگاه معنوی یکی از ویژگی‌های نمایشگاه اسماء‌الحسنی را تشکیل می‌دهد. همچنین تاکید می‌کنم که ارتباط عمیق بین هنرهای تصویری از جمله سینما و گرافیک در دنیا موضوع غریبی نیست؛ همچنان که در ایران هم هر ساله سینماگران در جشنواره فیلم فجر روی پوستر سینما هم داوری می‌کنند. چند سال پیش دعوتنامه‌ای از بی‌ینال مکزیک داشتم که یک سینماگر مرا به این بی‌ینال دعوت کرده بود و این در حالی بود که رئیس این بی‌ینال و یکی از اعضای هیات داوران آن هم سینماگران برجسته‌ای بودند.

**صداقت جباری هم هنرمند برجسته‌ای است که بیشتر در زمینه نقاشی‌خط شناخته شده است.**

گرچه صداقت جباری را بیشتر در زمینه نقاشی‌خط می‌شناسند ولی تحصیلاتشان در طراحی گرافیک بوده و در این رشته هم تدریس می‌کنند. همچنین جباری یکی از بهترین صاحب‌نظران در حوزه طراحی حروف است. درباره قباد شیوا هم باید بگویم گرچه این هنرمند نیاز به معرفی ندارد ولی دلیل انتخاب ایشان برخورداری از ویژگی دیگری هم بود. قباد شیوا یکی از پیشگامان حروف‌نگاری در تاریخ پوستر ایران بوده است که البته در سال‌های اخیر در این زمینه مورد کم‌لطفی قرار گرفته. با انتخاب ایشان در هیات داوران خواستم به نوعی از ایشان قدردانی کرده باشم.

**آقای وزیریان! اشاره کردید دو نفری که جایزه نفر اول را مشترکا از آن خود کرده‌اند هر دو سوئیسی بوده‌اند. این ارتباطی با حضور رنه ونر سوئیسی در کمیته انتخاب آثار و هیات داوران ندارد؟**

این تقارن کاملا تصادفی بوده. انتخاب سابینا آبرهازن و ریتاتوتالگی به عنوان نفرات اول بخش برگزیدگان، ارتباطی به داوری رنه ونر ندارد. شکل داوری کاملا متفاوت بود و از مراحل داوری فیلمبرداری هم شده. اتفاقا رنه ونر آخرین داوری بود که به این آثار رأی داد و درواقع رأی داوران دیگر پیش از ایشان به این آثار بود.



اثری که رتبه نخست این دوره را به خود اختصاص داد، کار دو هنرمند مسیحی بود

چینی‌ها در این دوره نمایشگاه حضور فعالی داشتند؛ نمونه کارشان را ببینید!

با برندگان نمایشگاه پوستر اسماء‌الحسنی و راز و رمز موفقیتشان

# آنچه از دل برآید...

**برای خلق یک اثر هنری زیبا همیشه هم لازم نیست وقت زیادی صرف شود یا فکرهای بزرگی پشت آن باشد؛ گاهی یک حس ناب برای آفریدن هنری ماندگار کافی است؛ حسی که در لحظه می‌جوشد و در لحظه خلق می‌کند.**

### نقطه‌ها جایزه می‌برند

برنده جایزه بزرگ پنجمین نمایشگاه پوستر اسماء‌الحسنی یک ایرانی به‌نام علی جواهر است. او در نیم‌ساعت کارش را اجرا کرده. او «دو نوع کار هنری می‌شود انجام داد؛ یکی اینکه فقط فکر و ایده‌پردازی وجود داشته باشد. ولی بعضی کارها حسی است؛ البته فکر و ایده‌پردازی هم همیشه وجود دارد. مدت‌ها در فکر بودم که کار جدیدی انجام بدهم. بعضی کارهای نقاشی را که نگاه می‌کردم ایده می‌گرفتم ولی این پوستر ناگهان به ذهنم رسید و کار نقطه‌گذاری را انجام دادم. کار اول به سرعت و همین‌طوری بود ولی دومی را که جایزه گرفت با رنگ‌های پخته‌تر کار کردم؛ با همین شیوه و نقطه‌گذاری ولی با رنگ‌های زنده و شفاف. کل زمانی که برای اجرای دستی کار صرف کردم حدود نیم ساعت بود و همان موقع تقریبا مطمئن بودم که جایزه می‌گیرد. وقتی مشغول کار بودم همسرم گفت که این کار با بقیه کارها متفاوت است. رنگ‌ها حس و حال خاصی داشتند. در حالی که برای انتخابشان فکر نمی‌کردم. یک پالت کنارم بود و همین‌طور حسی، رنگ می‌گذاشتم. هم اجرای کار و هم خود اثر حس عجیبی برایم داشت».

جواهر از سومین دوره نمایشگاه اسماء‌الحسنی، هر سال در این نمایشگاه شرکت کرده و در چهارمین دوره هم لوح تقدیر گرفته؛ «پارسال که آثارم به نمایشگاه راه یافت و جزو تقدیری‌ها بودم، تصمیم گرفتم کار جدیدی انجام بدهم. می‌دانستم که این نمایشگاه هر سال برگزار می‌شود». جواهر پیش از این هم کارهای زیادی در زمینه تایپوگرافی انجام داده و حدود چهار سال است که با موضوع نام‌های خدا حروف‌نگاری می‌کند؛ البته بیشتر نام «الله»؛ «اسم‌های زیادی را کار کرده‌ام ولی بیشتر الله بوده. حدود ۶۰-۵۰ اثر با موضوع الله دارم. نمی‌دانم چرا ولی وقتی می‌خواهم کار را شروع کنم، اول الله به ذهنم می‌رسد و دوست دارم این نام را کار کنم».

علی جواهر متولد ۱۳۶۲ تبریز است و مدرک کارشناسی ارتباطات تصویری دارد. فعالیت در عرصه گرافیک را از سال ۷۹ و با هنر اسلامی شروع کرده. از همان سال ۷۹ هم در جشنواره‌های زیادی حضور داشته؛ «در نمایشگاه‌های زیادی شرکت کرده‌ام. بار اولی هم نیست که جایزه می‌گیرم. فکر می‌کنم این نوع مسابقات و نمایشگاه‌ها که بیشتر جنبه اعتقادی و دینی دارد، در اولویت است؛ حس و حالی به انسان می‌دهد که بقیه نمی‌دهد. این برنده شدن را بیشتر دوست داشتم. بزرگ‌ترین و باارزش‌ترین جایزه‌ای است که تا به حال گرفته‌ام». برنده جایزه بزرگ نمایشگاه پوستر اسماء‌الحسنی درباره نحوه اجرای این کار می‌گوید: «کار اصلی گواش و اکریلیک بود که روی مقوا اجرا کردم. اندازه کار هم A۳ است. بعد از اجرا، از کار عکس گرفتم و بزرگ کردم و برای مسابقه فرستادم».

### فکرش را نمی‌کردم

امید نعم‌الحبیب که بعد از رقیبانی از سوئیس و ترکیه که جوایز اول و دوم را به دست آوردند، جایزه نفر سوم برگزیدگان را از آن خود کرد، حدود پنج سال است به صورت حرفه‌ای کار گرافیک انجام می‌دهد ولی کمتر در جشنواره‌ها شرکت می‌کند؛ «پیش از این در جشنواره‌های زیادی شرکت نکرده بودم. البته خارج از ایران چند بار در مسابقات شرکت داشته‌ام و جایزه هم گرفته‌ام. هر سال هم در یک نمایشگاه گروهی عکس و گرافیک در فرانسه شرکت می‌کنم چون در کنار گرافیک، عکاسی هم انجام می‌دهم ولی امسال برای اولین‌بار در نمایشگاه پوستر اسماء‌الحسنی شرکت کردم چون کلا به تایپوگرافی علاقه‌مندم. سه کار برای این نمایشگاه فرستادم که اول خودم حدس می‌زدم یک کار دیگر انتخاب شود ولی این یکی انتخاب شد و جایزه هم گرفت». نفر سوم پنجمین نمایشگاه پوستر اسماء‌الحسنی طراحی فونت‌های ویژه‌ای را آغاز کرده و تلاش می‌کند رابطه‌ای بین خطوط قدیمی و جدید برقرار کند؛ «فونت‌های خاصی را از مدت‌ها پیش طراحی کرده‌ام؛ فونت‌هایی که هم شبیه خطوط باستانی و فرم‌های قدیمی شکسته مثل کوفی و بنایی باشد و هم نزدیک به فونت‌ها و خط‌های جدید. ساده بودن و در عین حال حالت کتیبه بودنش برایم مهم بود. در نمونه فونتی که قبلا طراحی کرده‌ام، حروف جدید با شکل و ظاهر جدید است ولی شکننده و سفت و سخت با زاویه‌های هندسی. همه حروف در کادرهای مستطیلی قرار می‌گیرند و نقطه‌ها به شکل مثلث است. در واقع دید شخصی‌ام را وارد کردم». نعم‌الحبیب متولد ۱۳۶۰ تهران است و دانشجوی رشته گرافیک. پوستری که برای این نمایشگاه طراحی کرده و جایزه گرفته «واحد» نام دارد که به یگانگی خدا اشاره می‌کند؛ «طرح اصلی پوستر عدد یک است که داخل آن چند اسم از نام‌های خدا آمده. اتودهایم دستی بود ولی کل کار در کامپیوتر اجرا شد و متریال خارجی در این پوستر نداشتم. به این کار جور دیگری نگاه می‌کنم. وقتی کسی کاری را آغاز می‌کند از یک‌جایی احساس می‌کند به ایده رسیده و بعد شروع می‌کند به اجرا. سعی کردم در ساختار اصلی پوستر و چیدمان و آنچه مخاطب می‌بیند، دقیق باشم. هدف اصلی‌ام نظم درونی بین خطوط بود. علاوه بر این، دلم می‌خواست جنبه‌های ارزشی و اعتقادی اسماء خدا در پوستر پیدا باشد. برایم مهم بود که کار، نه خیلی ساده باشد و نه خیلی پیچیده؛ به ویژه که نمایشگاه بین‌المللی است و آدم‌های مختلف کار را می‌بینند. درواقع احساس می‌کنم چنین کاری باید نه آن‌قدر ساده و دم‌دستی طراحی شود که خیلی زود برای بیننده لو برود و نه آن‌قدر پیچیده که هر مخاطبی نتواند از آن سر درآورد. باید بین این دو باشد؛ یعنی مخاطب برای کشف آن فکر کند و در عین حال غیرقابل کشف هم نباشد. احساس می‌کنم تا حدی موفق شده‌ام نظم مورد نظرم را به بیننده القا کنم».





قرآن همه ما را به رحمت خداوند امیدوار کرده. پس از خواندن این مطلب که پر از آیه‌های رحمت است، می‌توانید یک نفس راحت بکشید

# وقتی شیطان هم امیدوار است!

محبوبه شعاعی

**به دور و برتان نگاه کنید؛ همه چیز تغییر کرده. اصلا طبیعت ماه خدا همین است. حتما این روزها برایتان پیش آمده که هنگام اذان مغرب در ترافیک مانده باشید و کسی دستتان دانه‌ای خرما و یک استکان چای بدهد. ماه رمضان که می‌رسد، مردم مهربان می‌شوند، مردم در کوچه و خیابان نذری می‌دهند، زندانیان نیازمند را آزاد می‌کنند، سفره‌های افطار پهن می‌شود و ده‌ها آداب و رسوم دیگر که خودتان بهتر می‌دانید. ماه مبارک هم که به نیمه می‌رسد، به بهانه میلاد کریم اهل بیت(ع)، تب بخشش به اوج می‌رسد؛ آن‌قدر که نانوایی‌ها هم نان رایگان به مردم می‌دهند و خلاصه، شهر یکباره رنگ عوض می‌کند و البته باید این شرایط کم نظیر را قدر دانست. بسیاری از این رفتارها، در قالب یک عمل دینی صورت می‌گیرد که قرآن کریم آن را «انفاق» معرفی کرده است.**

وقتی منتظری تا نتیجه‌ای که می‌خواهی بگیری، در واقع امیدواری؛ یعنی رجا داری. در مفردات راغب ذیل واژه رجا آمده: «گمان و پنداری که اقتضای رسیدن به شادی در آن است». مصداقش هم آیه ۵۷ سوره اسراست که می‌گوید: «شما از خدا امید پاداش دارید». در تفسیر المیزان هم در مورد معنای رجا آمده: «رجا به معنای امیدواری و ظن رسیدن به چیزی است که باعث مسرت باشد».

خدا در آیه ۲۰۸ سوره بقره در همین باره گفته است: «مومنان کسانی‌اند که به رحمت ربشان امیدوارند».

برخی دانشمندان اخلاق در تفسیر این آیه نوشته‌اند: «هر کس منتظر نتیجه مطلوبی در آینده باشد و گمان به تحقق اسباب آن داشته باشد، همزمان احساس خرسندی‌ای به او دست می‌دهد که این خرسندی، همان امیدواری است».

می‌دانید امیدواری در قرآن بارها و بارها مورد توجه قرار گرفته. آیه‌ای در قرآن است که هر کلمه‌اش رحمت است. آیه ۵۳ سوره زمر: «بگو، ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند مأیوس نشوید، همانا خداوند همه گناهان را می‌بخشد زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است». امیدوارکننده‌تر از این آیه می‌خواهید؟ می‌دانید این آیه به تعبیر بسیاری از مفسران امیدبخش‌ترین آیه قرآن است. با این حساب دیگر نباید مدام از آتش و عذاب گفت چرا که روز قیامت سر و کارمان با سرچشمه بخشش و رحمت است.

امام ششم به نقل از پیامبر اکرم(ص) حدیثی قدسی و امیدوارکننده فرموده. خداوند گفته است: «من از بنده ام -چه مرد چه زن- که در اسلام پیر شده‌اند، حیا می‌کنم که به عذاب گرفتارشان کنم».

در اصول کافی هم آمده است خداوند متعال به رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «مؤمنان به اعمالی که برای کسب ثواب من انجام می‌دهند، تکیه نکنند؛ چرا که اگر تمام عمرشان را در عبادت من بکوشند و زحمت بکشند، باز کوتاهی کرده‌اند و به ژرفای عبادتم نمی‌رسند، آنها باید به رحمت من اعتماد کنند و به بخشایش من امیدوار باشند».

### امید دنیایی، امید اخروی

امید در قرآن هم در امور مادی مصداق دارد و هم معنوی. امور مادی مثل زمانی که حضرت یعقوب(ع) در آیه ۸۳ سوره یوسف امید داشت خدا همه فرزندانش را دوباره اطرافش جمع کند؛ «من صبر می‌کنم؛ صبری زیبا. امیدوارم خداوند همه فرزندانم را به من بازگرداند؛ چراکه او دانا و حکیم است». اصلا خودمان هم می‌دانیم که خیلی اوقات برای گرفتن حوایج مادی و دنیایی دست به سوی آسمان بلند کرده‌ایم.

در تفسیر نمونه آمده است: «کسی که امید به اجابت دعا نداشته باشد، هرگز دست به دعا بر نمی‌دارد و در پیشگاه خدا ناله و زاری نمی‌کند. امید به استجابت دعا موجب می‌شود که شخص، این سختی و رنج را برخود هموار کند و به اشکال مختلف و راه‌های گوناگون به دعا بپردازد و برای رهایی از مشکلات زندگی و دردهای روحی و جسمی و برآورد نیازهایش دعا کند».

نوع دیگر امید هم به آخرت مربوط می‌شود. در آیه ۳۶ سوره عنکبوت آمده: «و ما به سوی «مدین» برادرشان - شعیب - را فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، به روز قیامت امیدوار باشید و در زمین فساد نکنید» یا امید به عفو الهی که با توبه محقق می‌شود. در آیه ۱۵۳ سوره اعراف آمده: «و آنها که گناه کرده و بعد از آن توبه کردند و ایمان آوردند، امید به عفو او را دارند زیرا پروردگار تو آمرزنده و مهربان است».

امام باقر(ع) در این‌باره می‌فرماید: «آدم به حضرت حق گفت: شیطان بر من تسلّط دارد و چون خونی که در بدن من روان است، به من راه دارد، برنامه‌ای برای من قرار بده». پروردگار فرمود: «عنایت من به شما آدمیان این است که هرگاه گناهی را نیت کنید، من در نامه شما نمی نویسم، اگر به آن نیت عمل کردید، نوشته می‌شود، هرکدام از شما اراده کار خیری کردید، می‌نویسم، اگرچه عمل نکنید. اما اگر انجام دادید، ده برابر برایتان می‌نویسم». آدم گفت: «عنایت بیشتری به من بفرما». خطاب رسید: «چنانچه پس از گناه توبه کنید من توبه شما را قبول می‌کنم و از کردار بد شما گذشت می‌کنم». آدم گفت: «عنایت بیشتری نیازمندم». خداوند فرمود: «برای شما توبه را قرار دادم و برنامه توبه بر شما آن چنان گسترده کردم که تا هنگام خروج روح از بدن توبه را می پذیرم، به رحمت من امیدوار باشید». واقعا باید پس از خواندن این آیات و روایات یک نفس راحت کشید.

البته همه این رحمت‌ها در صورتی نصیب ما می‌شود که به آن امید قلبی داشته باشیم.

در اصول کافی روایتی از قول پیامبر اکرم(ص) آمده است: «قسم به آن که معبودی جز او نیست، به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به سبب حسن ظن و امید او به خداوند. قسم به آن که جز او معبودی نیست هیچ مؤمنی پس از توبه و استغفار عذاب نشد، مگر به سبب سوءظن او به خداوند و کوتاهی در امید بستن به خدا و بدخلقی و غیبت مؤمنان. خداوند همراه گمان بنده مؤمن خود است، همان طور با او رفتار می‌کند که در گمان او بوده است. پس به خدا خوش گمان باشید و به سوی او راغب‌شوید».

این روایت مژده ای بزرگ به امیدواران و تهدیدی برای ناامیدان است. امام صادق(ع) هم در اصول کافی حسن ظن به خدا را این‌چنین توصیف می‌کند: «خوش گمانی به خداوند آن است که جز به او امیدوار نباشی و جز از گناهانت نهراسی».

### کمی هم بترس!

باید مراقب باشید تا از آن سوی بام سقوط آزاد نکنید. به گواه همه مفسران قرآن و دانشمندان دین، باید انسان‌ها با اعمال خود مقدمات رحمت خدا را فراهم کنند. علما می‌گویند آنهایی که بدون کار خیر در انتظار رحمت خداوند می‌نشینند، به نوعی دچار غرور و نادانی اند.

نقل کرده‌اند که روزی ابوعلی سینا در مهمانی ابوسعید ابوالخیر شرکت کرد. ابوسعید در باره ضرورت عمل و آثار طاعت و معصیت سخن می‌گفت که بو علی رباعی زیر را به عنوان سندی برای امید داشتن به رحمت خواند: «ماییم به عفو تو تولا کرده/ وز طاعت و معصیت تبرا کرده/ آنجا که عنایت تو باشد، باشد/ ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده». ابوسعید که شعر بوعلی را درست ندید، فی الفور پاسخ داد: «ای نیک نکرده و بدی‌ها کرده/ وانگه به خلاص خود تمنا کرده/ بر عفو مکن تکیه که هرگز نبود/ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده».

روایت جالب دیگری هم از امام ششم نقل شده است. شخصی خدمت امام صادق(ع) رسید و گفت: «گروهی را می‌شناسم که گناه می‌کنند و می گویند ما به رحمت پروردگار خویش امیدواریم و به رفتار خود ادامه می‌دهند». حضرت فرمود: «اینان مردمی هستند که دل به آرزویی خام خوش کرده‌اند و دروغ می‌گویند که امیدوارند. آنان امیدوار نیستند چرا که هر کس امیدی در دل دارد، به دنبال دستیابی به آن تلاش می‌کند و آن را می‌یابد و هر کس هم از چیزی بترسد، از آن خواهد گریخت. پس دروغ می‌گویند. آنان از عذاب خدا نمی‌ترسند وگرنه از آن دوری می‌جستند و گناه نمی‌کردند».

بیایید یک چیز را با هم شرط کنیم و آن اینکه در همه حال اعتدال را رعایت کنیم. اصلا اسلام دین اعتدال است. خدا در قرآن مسلمانان را امت وسط نامیده؛ یعنی امتی که در همه چیز اعتدال دارد، حتی در امید داشتن به رحمت خدا. همه مردم در صورتی که اسباب رحمت را فراهم کنند، شامل آن می‌شوند. تنها گروهی که خدا آب پاکی را روی دستشان ریخته و گفته روی رحمت من حساب نکنید، کافران هستند. در آیه ۸۷ سوره یوسف آمده: «همانا جز گروه کافران، کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

### چرا ناامیدی؟

یکی از علت‌های ناامیدی عجله است. کسی که دعا می‌کند و از درگاه خداوند درخواستی دارد چون خواسته‌اش برآورده و دعایش مستجاب نمی‌شود، ممکن است گمان کند که نظر رحمت خداوند از او برگشته و به همین دلیل ناامید می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مؤمن پیوسته در نیکی و راحتی و مهربانی خداست تا زمانی که عجله نکند پس اگر عجله کند، نومید می‌شود و دعا را ترک می‌کند». راوی می گوید از ایشان پرسیدم: «چگونه عجله می کند؟». فرمودند: «با خود می گوید مدتی طولانی دعا کردم و اجابت نشد».

قرآن آثار ناامید شدن از رحمت خدا را مفصل بیان کرده.

در سوره یونس و فرقان آمده است: «نومیدی در انسان موجب می‌شود تا انسان موجودی سرکش شود و به طغیان نسبت به خدا و قوانین آن دست زند». آیه ۸۷ سوره یوسف هم ناامید شدن از رحمت خدا را عامل کفران نعمت می‌داند. در آیه ۱۰۴ سوره نساء هم آمده است که ناامیدان از رحمت خدا دچار سستی و ضعف می‌شوند.

از لحاظ روان‌شناسی هم ثابت شده که افسرده‌ترین، شکست‌خورده‌ترین و بیمارترین انسان‌ها، انسان‌های ناامیدند. در روان‌شناسی مدرن، امید به گنج درون تشبیه شده است. اصلا به همین دلیل است که بالاترین گناه، ناامیدی از رحمت خداوند است.

امیر مؤمنان به مردی که زیادی گناهش او را به ناامیدی کشیده بود، فرمود: «ناامیدی تو از رحمت الهی از گناهانت بزرگ‌تر است».

در نهج الفصاحه هم آمده: «گناهکاری که به رحمت خدا امید دارد به خدا نزدیک‌تر از عبادت کننده ناامید است ».

در روایت دیگری آمده که روزی فردی به رسول‌الله رسید و پرسید: «زنی بچه خود را به دست خود کشته، آیا برای او امکان توبه وجود دارد؟».

پیامبر(ص) فرمود: «قسم به خدایی که جان محمد(ص) در قبضه قدرت اوست، اگر آن زن ۷۰ پیغمبر را کشته باشد و پشیمان شود و توبه کند، به شرط آنکه خدای تعالی صدق او را بداند که دیگر به هیچ گناهی رجوع نمی کند، توبه‌اش را قبول و گناهانش را عفو می‌کند. به درستی که توبه‌کننده از گناه مثل کسی است که گناه نکرده است».

در روایت دیگری هم این‌چنین آمده است: روزی پیامبر اکرم(ص) از محله‌ای عبور می‌کردند و دیدند عده‌ای از مردم مشغول خنده‌اند. پیامبر(ص) رو به آنها کرد و فرمود: «اگر می‌دانستید چیزی را که من می‌دانم، این‌گونه خنده نمی‌کردید». ناگهان جبرئیل آمد و آیه ۴۹ سوره حجر نازل شد: «بندگان مرا آگاه کن که من آمرزنده و مهربانم».

پس راه درست همان است که قرآن و اهل بیت(ع) فرمودند، اسباب رحمت خدا را فراهم کن و به آن امید قلبی داشته باش؛ حتی اگر هراز گاهی دچار لغزش شدی و حتی اگر صدبار توبه شکستی.

### در میانه خوف و رجا

لطفا با خواندن مطالب این دو صفحه جوگیر نشوید. توجه به رحمت و فضل خداوند، شخص باایمان را به نجات از عذاب قیامت امیدوار می‌کند و این امید را به او می‌دهد که مورد بخشش خدا قرار گیرد اما در عین حال نباید فراموش کرد که خدا در کنار همه صفات رحمت‌بخش خود، جبار نیز هست و گناهکاران و نیکوکاران را مساوی نمی‌داند.

انسان باید هم به رحمت خداوند امیدوار باشد و هم هنگام گناه از عذاب او بهراسد؛ به این می گویند «خوف و رجا».

امام سجاد(ع) در مناجات خود در صحیفه سجادیه با خداوند می‌گوید: «به نام خداوندی که جز به فضل او امید ندارم و جز از عدل او ترسی ندارم». در اصول کافی نیز از امام صادق(ع) نقل شده: «از خدا چنان بیم داشته باش که اگر حتی با نیکی‌های جن و انس بر او وارد شوی، تو را عذاب خواهد کرد و چنان به خداوند امیدوار باش که اگر با گناهان جن و انسان بر او وارد شوی، تو را رحم خواهد کرد».

حدیثی نیز از پیامبر اکرم(ص) در این‌باره وجود دارد: «خداوند متعال گفته، ای فرزند آدم! تا وقتی مرا بخوانی و به من امیدوار باشی، همه آنچه را از تو صادر شده می‌بخشم و به چگونگی گناه توجه نمی‌کنم. اگر گناهان تو از کثرت و بزرگی به ابرهای آسمان برسند و سپس از من آمرزش بخواهی تو را می‌آمرزم. اگر به اندازه گنجایش زمین گناه به سوی من بیاوری و سپس در حالی به من برسی که چیزی را شریک من قرار نمی‌دهی، به اندازه گنجایش زمین با مغفرت و آمرزش به استقبال تو می‌آیم».

امام صادق(ع) هم می‌فرمایند: «به خداوند چنان امیدوار باش که تو را بر ارتکاب گناهان دلیر نسازد و از خداوند چنان بیم داشته باش که تو را از رحمت او مأیوس نسازد».

اصلا اصل خوف و رجا در کنار هم به این معناست: نه مغرور شویم و نه وحشت‌زده.







راهکارهای پیشنهادی اسلام برای نابودی ناامیدی

## ۱۰ فرمان برای امیدوار شدن

بعضی راهکارهای دینی و حتی روان‌شناسانه تا حد زیادی می‌توانند کارگشا باشند. اگر می‌خواهید کمی بیشتر امید به زندگی پیدا کنید، این مطلب را بخوانید.

خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف می‌فرماید: «هر کسی که به دیدار پروردگارش امید دارد باید کارهای نیکو و صالح انجام دهد». تا می‌توانید کار خوب انجام دهید تا شما را به خدا نزدیک‌تر کند. سعی کنید باورهای دینی‌تان را هم تقویت کنید. در آیه ۱۷ سوره انعام می‌خوانیم: «بدانید که هیچ کس غیر از خداوند نمی‌تواند به سختی و غم شما پایان دهد و بر ناامیدی شما خط بطلان بکشد».

فکر کردن به اینکه رحمت وسیع پروردگار بر غضبش سبقت دارد، هم بسیار امیددهنده است. روایت‌هایی را که در این دو صفحه خواندید، هیچ‌گاه فراموش نکنید.

قرآن زیاد بخوانیم؛ مخصوصا آیات امید بخش را. در سوره نمل، آیه ۷۹ آمده است: «آنگاه که تنها شدی و در جست‌وجوی تکیه گاهی مطمئن هستی، بر من تکیه کن». آیه ۵۳ سوره زمر هم می‌گوید: «آنگاه که ناامیدی بر جانت پنجه افکند و رها نمی‌شوی به من امیدوار باش»، در آیه ۵۵ سوراه اعراف هم آمده است: «آنگاه که روحت تشنه راز و نیاز است، آهسته مرا بخوان».

یادمان باشد که خدا بیشتر از خودمان به فکر ماست. به قول حافظ: «چاره‌ساز ما به فکر کار ماست». در آیه ۱۵۲ سوره بقره آمده است: «آنگاه که دوست داری کسی همواره به یادت باشد، به یاد من باش که من همواره به یاد تو هستم».

سعی کنیم از ائمه اطهار الگوبرداری کنیم. در سوره احزاب، آیه ۲۱ آمده است: «افعال نیکوی پیامبر خدا برای شما - چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف - سرمشق و الگوی نیکویی است».

سعی کنید خود را هم بهتر بشناسید تا با شناخت نقاط ضعف و قوت با سختی‌ها کنار بیایید. افزایش تعاملات اجتماعی و مشارکت جمعی و ایجاد روحیه تعاون و مشارکت اجتماعی می‌تواند باعث افزایش روحیه، توانمندی، امیدواری و... شود. از مشخصه‌های شخصیتی و رفتاری افراد سالم و امیدوار، برخوردار بودن از مهارت‌های مقابله‌ای و مقابله صحیح با مشکلات است.

از عمده علت‌هایی که افراد را به بی‌تفاوتی، بی‌هویتی و ناامیدی سوق می‌دهد، نداشتن یک معنای درست از هدف و فلسفه زندگی است، اگر با کتاب‌های دینی و حدیثی ارتباطی صمیمانه‌تر داشته باشیم، پاسخ بسیاری از سوال‌های ناامیدکننده‌مان را به دست می‌آوریم.

احساس گناه یکی از عوامل اضطراب و افسردگی روح انسان است. فرد گناهکار احساس پوچی می‌کند و این موجب ناامیدی در او می‌شود. وقتی انسان راه بازگشتی نمی‌بیند، حاضر به تجدیدنظر در رفتار خود نیست و با توجه به تیرگی افق آینده‌اش، به هر سرکشی و طغیانی دست می‌زند. خداوند با عنایتی که به بندگان خویش دارد، راهی برای آنان قرار داده است تا هر قدر هم آلوده به گناه و نافرمانی حق باشند، راه نجات برایشان فراهم و امکان جبران مهیا باشد. توبه راهی است که خدا در برابر انسان‌ها قرار داده تا از یأس و ناامیدی رهایشان کند. قدر توبه را بدانید.

آدم باید بخشش‌های خداوند را در نظر گیرد و در مورد ثواب‌های فراوانی که مژده‌اش را داده است، اندیشه کند. دقت کردن در این امور اسباب امیدواری را قوت می‌بخشد.

ارتباط مستمر با علما یکی دیگر از راه‌های افزایش امیدواری است. گذشته از اینکه علمای دین با حرف‌هایشان امید را تقویت می‌کنند، در روایات آمده که نگاه کردن به چهره‌شان هم انسان را امیدوار می‌کند.

چند روایت معتبر برای آنکه به رحمت خداوند امیدوار باشیم

## ناامیدی از قتل هم بدتر است!

آیات و روایات بسیاری در مورد ارزش امیدواری وجود دارد که از زوایای گوناگونی به این موضوع نگریسته است. البته یادتان باشد امیدواری در صورتی مدح شده است که مستقیم یا غیرمستقیم به خداوند وصل شود، در غیر این صورت امید به غیرخدا می‌شود که خود گناه بزرگی است. این روایت‌ها و داستان‌ها نشان می‌دهد که باب رحمت الهی هیچ گاه بسته نمی‌شود.

وقتی فرعون برای تعقیب موسی(ع) و بنی‌اسرائیل وارد رود نیل شد، یکباره مسیری که برای موسی(ع) باز شده بود، بسته شد و فرعون و سربازانش در آب غرق شدند. فرعون در لحظه‌های آخر عمر در آب دست و پا می‌زد و می گفت: «موسی به دادم برس!». کسی به دادش نرسید و در آب به هلاکت رسید. پس از آن خدا به موسی فرمود: «ای موسی! تو به فریاد فرعون نرسیدی چون خلقش نکرده بودی، مطمئن باش اگر به جای تو از من کمک می‌خواست به فریادش می‌رسیدم و نجاتش می‌دادم».

روزی امام سجاد(ع) فردی را دید که دیوانه‌وار می‌خندد و فریاد می‌زند. حضرت پرسید: «چرا این مرد این‌گونه رفتار می کند؟». اطرافیان آن مرد پاسخ دادند: «این فرد یکی را کشته و از ترس عذاب خدا دیوانه شده است». امام سجاد(ع) با تاسف فرمودند: «ناامیدی او از رحمت خداوند از گناهی که مرتکب شده، بیشتر است».

روزی شخصی نزد امام صادق(ع) رفت و به دلیل مشکلات مالی از ایشان درخواست کمک کرد. امام(ع) با مهربانی فرمود: «متأسفانه امروز چیزی برای کمک به شما ندارم اما به زودی مالی به دستم خواهد رسید و آن را به تو خواهم داد، ان‌شاءالله». مرد گفت: «ای فرزند رسول خدا! پس موعدی را مقرر کنید که خدمت برسم و آن را تحویل بگیرم.» امام(ع) هر چند نمی‌خواست امید را از آن مرد بگیرد ولی فهمید مرد امید چندانی به رحمت خدا ندارد. از این رو موضوع را برایش تبیین کرد و فرمود: «چگونه به تو وعده بدهم در حالی که من به آنچه امیدی ندارم، در برابر رحمت پروردگار امیدوار می‌شوم. مهربانی خدا ناامیدی را برایم به امیدواری تبدیل می‌کند».



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران همت کرده تا نسخه‌های قرآن خطی را حسابی حفظ کند؛ عدد و رقم اصلا مهم نیست!

# هنرهای میلیاردتومانی

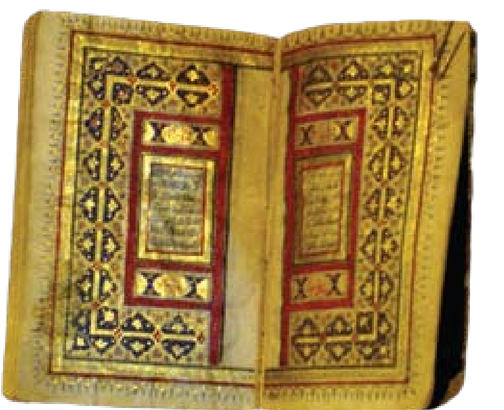
محسن رستگار

**رمضان امسال که بگذرد، ماجرای رونمایی از ۳۸ نسخه خطی قرآن کریم یکساله می‌شود. رمضان سال پیش بود که این تعداد قرآن خطی به ارزش تقریبی یک‌میلیارد تومان رونمایی شد؛ قرآن‌هایی که توسط کتابخانه ملی خریداری شده بودند و اتفاق مهمی در تاریخ حفظ آثار تاریخی میهن‌مان افتاد. اما همین چند ماه پیش دوباره عدد یک میلیارد تومان روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت. این بار، داستان از جلوگیری از یک قاچاق حکایت داشت. شرح ماجرا را بخوانید!**

بیشتر قرآن‌های خطی جلد لاکی دارند این، نمونه‌ای از همان جلدهاست



این قرآن به خطی نوشته شده که مایل به خط ایرانی «ریحان» است؛ خطی بین خط نسخ و نستعلیق



تمامی صفحات این قرآن با طلا آراسته شده است

سیزدهمین روز شهریور ۸۷ زمانی شد برای رونمایی از چندین اثر ارزشمند قرآنی؛ آن هم از نوع خطی‌اش. خبرگزاری قرآنی ایران این خبر را مخابره کرد: ۲۱ نسخه از ۳۸ نسخه خطی قرآن کریم که به قیمت یک‌میلیارد تومان توسط کتابخانه ملی از رمضان سال گذشته تاکنون خریداری شده است، در مکان این کتابخانه رونمایی شد. در این مراسم مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران درباره نسخه‌های اهدا شده به کتابخانه ملی گفت: «۲۰هزار و ۹۱۲ نسخه خطی منحصربه‌فرد از سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۸۶ به کتابخانه ملی اهدا شده است که شامل قرآن‌های نفیس خطی هم می‌شود».

علی اکبر اشعری درباره نفیس‌ترین نسخه خطی قرآن کریم که در این مراسم رونمایی شد، خبرنگاران را با گفتن این جملات شوکه کرد: «این قرآن یکی از نفیس‌ترین نسخ خطی قرآن است. ما زمانی از وجود این قرآن مطلع شدیم که خواهان زیادی در کشورهای اروپایی داشت، با مذاکراتی که سازمان اسناد کتابخانه ملی با دارنده این اثر انجام داد، موفق شد آن را به قیمت ۶۶۰میلیون تومان - یعنی دو سوم قیمت پیشنهادی اروپاییان که یک میلیارد تومان بود- خریداری و به‌عنوان سند افتخار ملی آن را به ثبت برساند».

اشعری توضیحاتش درباره این قرآن نفیس و گران‌قیمت را این‌گونه کامل کرد؛ «قرآن به خط مرحوم زین‌العابدین قزوینی در زمان فتحعلی‌شاه قاجار نوشته‌شده است.

کار نگارگری و تذهیب این قرآن با چندین نوع تذهیب و تشعیر مختلف به مدت سه سال توسط هنرمندی معاصر زین‌العابدین قزوینی انجام شده است. همچنین تذهیب جلد این قرآن با استفاده از طلا، اشرفی و رنگ در مدت دو سال صورت گرفته. از ویژگی‌های دیگر آن، این است که هر دو صفحه آن با دو صفحه بعدی متفاوت و هر کدام از نظر هنری در اوج است».

**قرآنی که به خط مرحوم زین‌العابدین قزوینی درزمان فتحعلی‌شاه قاجار نوشته شده‌از نفیس‌ترین وگرانترین قرآن‌های کتابخانه‌ملی ایران است**

به گفته مشاور فرهنگی رئیس جمهور در میان نسخ خطی موجود در دنیا، حوزه تمدن اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است و در میان نسخ خطی، اهتمام مسلمانان و هنرمندان مسلمان بیشتر مصروف کتابت، تذهیب و جلدسازی قرآن شده است، در واقع کتاب‌آرایی در حوزه کشورهای اسلامی و ایران عمدتا حول محور قرآن صورت گرفته و انواع هنرها در اوج در کارهای قرآن ملاحظه می‌شود.

اشعری در پایان همین مراسم از اجرای طرح دیگری رونمایی کرد که سرچشمه اتفاق‌های امسال شد. او این طرح را چنین توضیح داد: «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از دو سال پیش تاکنون با افرادی در داخل و خارج از کشور وارد مذاکره شد و برای جمع‌آوری و نگهداری نسخ خطی چهار راه را پیشنهاد داد. در وهله نخست افراد می‌توانند نسخ خطی خود را به کتابخانه ملی اهدا کرده و نام خود را به عنوان اهداکننده به ثبت برسانند. در وهله دوم سازمان کتابخانه ملی آمادگی کامل دارد تا با قیمت توافقی آثار را از دارندگان آنها خریداری کند.

در روش سوم دارندگان نسخ خطی که تمایل دارند این نسخ را نزد خود نگه دارند می‌توانند آن را به صورت امانی در اختیار کتابخانه ملی قرار دهند تا تحت نظارت این سازمان محفوظ مانده و هر زمان که تمایل داشتند آن را پس بگیرند و روش چهارم مختص به نسخ خطی موقوفی است و از آنجا که طبق نظر فقها انتقال دائم این آثار از جای اصلی به جای دیگر صحیح نیست، دارندگان می‌توانند این آثار را سالی یک بار به درمانگاه نسخ خطی آورده و بررسی‌های لازم توسط کارشناسان صورت گیرد تا اگر نسخ در معرض بیماری هستند اقدامات لازم انجام شود و کمتر مورد آسیب قرار گیرند».

### سال نو، اتفاق نو

با احتساب امسال، سه سالی است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سنتی را برقرار کرده که در روزهای ماه مبارک رمضان، قرآن‌هایی را که از پایان رمضان سال گذشته تا رمضان سال نو توسط کتابخانه ملی خریداری یا به آن اهدا شده است، رونمایی می‌کند. چراکه معنویت ماه قرآن بهانه‌ای می‌شود تا نسخ خطی‌ای که مانند شناسنامه هر ملت و نشان‌دهنده سابقه علمی هر کشور است، اهمیتی دوچندان پیدا کند.

در رمضان امسال بار دیگر نام یک میلیارد تومان سر زبان‌ها افتاد ولی این‌بار حکایت کمی فرق می‌کرد! بحث، بحث نمایش نفیس‌ترین و گران‌ترین قرآن ایران‌زمین بود. نمایش یک موفقیت بزرگ ملی که یک میراث ارزشمند را برای ایران حفظ کرد. این رخداد دوباره تیتر خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها شد و بسیاری از دل‌سوزان فرهنگ و هنر را خوشحال کرد؛ این اتفاق، ادامه روند خوشایندی است که در سال‌های اخیر رخ داده؛ سال‌ها بود که بسیاری از علاقه‌مندان و پژوهشگران به‌جای تماشای آثار جدید، شاهد نسخه‌هایی خطی بودند که پیش از این هم به نمایش درآمده بودند و شکل و موضوعی تکراری داشتند. ولی در همین سال‌ها و تغییر مدیریت و نگرش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به حفظ میراث فرهنگی، باعث شد تا در یک رسم سالانه، در ابتدای هر ماه رمضان، نسخه‌های ارزشمندی از قرآن و دیگر نسخه‌های خطی رونمایی شوند و در صدر اخبار فرهنگی قرار گیرند. بحث‌ها و تحقیقات جدید شکل گیرد و براهمیت این میراث‌ها که گاه در پستوی خانه‌ها پنهانند، تاکید شود. حالا با وجود بیش از هزار و ۲۰۰ قرآن –تنها- به خط کوفی، سیر تحولی کاملی از خطاطی قرآنی در کشورمان وجود دارد؛ این، نمونه کوچکی از دستاوردهای این سال‌هاست.

**کتابخانه‌ملی ایران از دوسال پیش تاکنون با افرادی در داخل و خارج از کشور وارد مذاکره شده و برای جمع آوری ونگهداری نسخ خطی پیشنهاد داده است**

این هنرهای میلیارد تومانی عزیز، ارزشش را دارند که بیشتر از پیش در جامعه مطرح شوند و امکان معرفی بیشتری بیابند. برای تماشای این کتاب‌های ارزشمند هم که شده، فرصت نمایشگاه قرآن و گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را از دست ندهید!



قرآن کریم با طلااندازی بین سطرها و ترجمه به خط نستعلیق، البته این، قرآن یک میلیارد تومانی نیست؛ فعلا امکان عکاسی از این قرآن وجود ندارد تا عکس یک ما شود!

از آغاز به کار کتابخانه ملی تا جمع‌آوری نسخ خطی

## جاودانه‌های تاریخ

**سال ۱۲۴۳ مدرسه دارالفنون، کتابخانه کوچکی راه انداخت که شد هسته اولیه کتابخانه ملی. در زمان مظفرالدین شاه یعنی حوالی سال ۱۲۷۶، برای گسترش فرهنگ جدید، انجمن معارف تهران و متعاقبش کتابخانه ملی معارف آغاز به کار کرد؛ کتابخانه‌ای در مجاورت مدرسه دارالفنون که تنها از واژه «ملی» بهره می‌برد، آن هم به معنای عدم وابستگی به دولت و مردمی بودن.**

هشت سال گذشت تا این کتابخانه به مدرسه دارالفنون منتقل و با کتابخانه آن ادغام شود. در آن زمان، کتابخانه که توسط حکیم الممالک -وزیرمعارف- «کتابخانه عمومی معارف» نام گرفته بود، پنج هزار جلد کتاب از جمله ۳۴۸ نسخه خطی داشت که توسط عبدالعزیز جواهرکلام فهرست نویسی شده بود. روزی ۳۱ نفر سراغ این کتابخانه جوان را می‌گرفتند.

اواخر سال ۱۳۱۳ کتابخانه ملی رویداد مهمی را تجربه کرد؛ ورود نسخه‌های خطی قابل توجه به قفسه‌های این مرکز پژوهشی. در این سال که مهدی بیانی، ریاست کتابخانه را بر عهده داشت، مکاتبات زیادی را برای رفع مشکل فضای کتابخانه انجام داد و در نهایت تاسیس «کتابخانه ملی ایران» را به علی اصغر حکمت -وزیر معارف- پیشنهاد کرد. وزیر از رضاشاه درخواست کرد زمینی را در قسمت شمالی ساختمان موزه ایران باستان که مساحتش سه هزار و ۵۰۰ متر مربع بود، به این امر اختصاص دهند. با ساخته شدن کتابخانه از روی نقشه و طرح «آندره گدار» -معمار فرانسوی- و آغاز بهره برداری در ۱۳۱۶، تمام کتاب‌های خطی کتابخانه سلطنتی که در مجموع سه هزار جلد می‌شد، به کتابخانه ملی جدید انتقال یافت.

این رخداد، آغاز فعالیت بخش نسخ خطی کتابخانه ملی هم بود؛ این بخش پس از این با سعی و کوشش دکتر مهدی بیانی و رؤسای بعدی کتابخانه، نسخ خطی زیبایی را به خود دید؛ سال ۱۳۳۶، چهار هزار و ۱۷۶ نسخه خطی و سال ۱۳۵۵، پنج هزار و ۳۰۰ نسخه خطی وارد بخش نسخ خطی شد. پس از انقلاب هم نسخ خطی کتابخانه پهلوی (سابق) و سازمان مدارک فرهنگی به کتابخانه ملی راه یافت تا با اهدای مجموعه‌های نفیسی چون کتابخانه خاندان شیخ جعفر شوشتری و کتابخانه خاندان ملا محسن قزوینی، مجموع نسخ خطی کتابخانه ملی ایران در سال ۸۳، به ۱۸ هزار نسخه برسد. البته به این عدد، ۳۰۰ نسخه عکسی و ۱۰۰ نسخه میکروفیلم را هم باید افزود. در میان انبوه این نسخ خطی، قرآن خطی هم از ابتدا در این مجموعه موجود بوده است. نخستین فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی قرآن موجود در کتابخانه ملی در اوایل دهه ۸۰ انجام شد که هنوز هم ادامه دارد. نسخ خطی قرآنی در گنجینه مخزن‌های کتابخانه ملی نگهداری می‌شوند؛ گنجینه‌ای که در آن قرآن دو صفحه‌ای منسوب به امام رضا(ع) را که به خط کوفی روی پوست آهو نوشته شده است، می‌توان دید؛ قرآنی که قدیمی‌ترین قرآن خطی موجود در کتابخانه ملی است. قرآن به خط وصال شیرازی، قرآن منسوب به بایسنقر میرزا، قرآنی که به صورت تومار نوشته شده و همچنین قرآن منسوب به خط حضرت علی(ع) که به زودی به این کتابخانه منتقل می‌شود، از جمله گنجینه‌های ارزشمند قرآنی در ایران است.

**نسخ خطی قرآنی در گنجینه‌مخزن‌های کتابخانه‌ملی نگهداری می‌شوند؛ گنجینه‌ای که در آن قرآن دو صفحه‌ای منسوب به امام رضا(ع) را که به خط کوفی روی پوست آهو نوشته شده‌است**

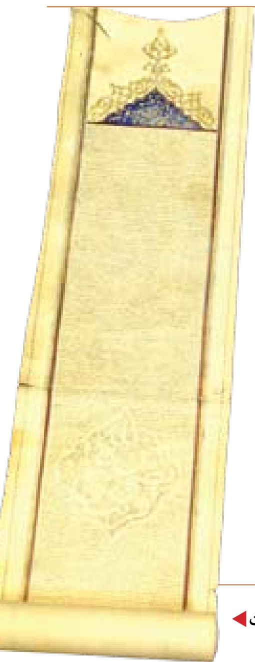


## پشت پیشخوان

طبیعی است که قرآن‌هایی با این عظمت و ارزش هنری و فرهنگی به این راحتی‌ها در اختیار مراجعه کنندگان قرار نگیرد. با اینکه در کتابخانه ملی عزمی وجود دارد تا قرآن‌های خطی را بتوان به نسخه‌های دیجیتالی تبدیل کرد اما تا این امکان به بهره‌برداری برسد، پژوهشگران تنها با این شرایط می‌توانند به گنجینه قرآن‌های خطی دسترسی داشته باشند:

-اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مدرسان حوزه‌های علمیه، دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه‌ها و طلاب حوزه‌های علمیه، پژوهشگران خارجی با ارائه معرفی‌نامه رسمی از محل اشتغال یا تحصیل و با تقاضای سفارتخانه‌ها یا دفاتر فرهنگی کشورهای متبوع. استفاده سایر افراد منوط به ارائه معرفی نامه از محل اشتغال یا تحصیل و پر کردن تقاضای کتبی و اعلام نظر موافق کارشناس بخش خطی است.

-شیوه استفاده از منابع: در اختیار گذاشتن کپی، میکروفیلم، عکس و اسکن از تمام یا بخش‌هایی از نسخ خطی بستگی به پر کردن فرم تقاضا و ذکر نوع تحقیق و پرداخت هزینه‌های اعلام شده دارد. اصل نسخه خطی در اختیار محقق گذاشته نمی‌شود؛ مگر در مواردی که نسخه مورد نیاز محقق، میکروفیلم یا اسکن نداشته باشد. در مواردی که محقق نیاز به رؤیت بخش‌هایی از نسخه دارد، پس از تأیید و موافقت مدیر بخش، فقط در سالن مطالعه و با نظارت کارشناس این بخش، امکان‌پذیر است.



این قرآن متفاوت به خط نسخ غباری و به شکل تومار نگاشته شده است

گزارش کوتاه

وقتی که کاتبان وحی کلام خدا را روی پوست می‌نوشتند و قرآن را تکثیر می‌کردند، در واقع فرهنگ و هنر را برای نسل‌های بعد به یادگار می‌گذاشتند

## هنر در اوج

**پیش از آنکه یوهان گوتنبرگ ابزار آلات چاپ را به تاریخ هدیه کند، پیش از آنکه «چاپچی باشی‌های بلاد فرنگ» مدل‌های مختلف آلات چاپ را وارد ممالک اسلامی کنند، آنچه را که خداوند بر بشرش پیشکش می‌کرد، کاتبان یا بر پوست می‌نگاشتند یا بر کاغذهای مصری و چینی. تا قرن‌ها قرآن و همین طور آرا و رساله‌های دانشمندان و آثار مشاهیر ادبی مسلمانان همین‌گونه، یعنی به طریق دستنویس منتشر می‌شد؛ شیوه‌ای که شاید به دلیل تکرار مکررات از سوی کاتب یا کاتبان مرارت زیادی را می‌طلبید اما شاید به دلیل همان سختی‌ها نه تنها این نوشته‌ها در آن عصر از ارزش والایی برخوردار بودند که در عصر حاضر هم جایگاه ویژه‌ای دارند.**

کتابخانه ملی ایران که قدمتی بیش از یک قرن دارد، مدتی است به جمع‌آوری نسخ خطی به ویژه نسخ خطی قرآن می‌پردازد. هم اکنون حدود ۵۵ هزار نسخه خطی در گنجینه این کتابخانه موجود است که ارزشمندترین آنها مجموعه قرآن‌های خطی است. این قرآن‌ها نه تنها شناسنامه و هویتی برای هر ملتند که نشان‌دهنده سابقه معنوی هم به شمار می‌روند. قرآن‌های خطی بیانگر این نکته‌اند که در میان نسخ خطی موجود در جهان، حوزه تمدن اسلامی چه جایگاه بلندی را به خود اختصاص داده؛ تمدنی که در همه قرن‌ها کوشش زیادی صرف نوشتن، تذهیب و جلدسازی کتاب آسمانی‌اش کرده است. در واقع می‌توان گفت کتاب‌آرایی در ممالک اسلامی -به ویژه ایران- نه‌تنها هنری مستقل محسوب می‌شده، که دارای شاخه‌های بسیاری هم هست.

کتابخانه ملی که مهم‌ترین گنجینه میراث فرهنگی مکتوب کشور و جلوه‌گر عظمت فرهنگی ایران است، وظیفه گردآوری، پردازش، ذخیره، پژوهش و اطلاع‌رسانی درباره قرآن‌های خطی را به عهده دارد. این کتابخانه که پس از کتابخانه آستان قدس رضوی رتبه دوم تعداد قرآن‌های خطی در کشور را داراست، از چهار سال گذشته تا امروز -به طور جدی و پیگیرانه- تمام تلاشش را برای تهیه و خریداری قرآن‌های خطی آغاز کرده است تا با فراهم‌آوری امکانات و شرایط خوب برای نگهداری، نسخ خطی بیشتری را به گنجینه خود بیفزاید. قرآن‌ها در مخزن‌هایی که از نظر حرارت و نور شرایط مناسبی دارند، بایگانی و حتی برای استفاده هم عرضه می‌شود. همه اینها از این روست که قرآن‌های ارزشمند عمر درازی داشته باشند تا تاریخی را که در سینه و جوهره خود دارند، به آیندگان منتقل کنند.

### بخش آسمانی

باید بدانید که در بین نسخه‌های خطی به‌جا مانده از پیش از عصر چاپ، وضعیت قرآن‌ها بهتر و مهم‌تر از وضعیت دیگر آثار است. کارشناسان دلیل این اتفاق را چنین توضیح می‌دهند: «یکی حفظ، مرمت و توجه به ویژگی‌های متن قرآن در همه این سال‌ها و دیگری از نظر نوع رسم‌الخط و ویژگی‌های هنری خود متون قرآنی باعث شده که این آثار ارزشمند بهتر به آیندگان منتقل شوند». مهم شمردن قرآن در واقع میراثی است که از کاتبان قدیم نسل به نسل به امروز منتقل شده است. آنها همه تلاش خود را بر زیباتر بودن نگارش خط‌ها در قرآن متمرکز می‌کردند؛ علاوه بر این به نوع کاغذ، نوع مرکب، تذهیبات و رنگ‌های به کار رفته در آن اهمیت وافری می‌دادند. حتی به این نکته که خطاط حتما باید طاهر و با وضو باشد، اهمیت می‌دادند و از جانب همین مهم شمردن‌ها بود که بسیاری از سبک‌های خطاطی، کتابت و نگارگری امروز از بین صفحات قرآن آغاز و به امروز منتقل شد. به همین دلیل منطقی است که امروزه کتابخانه ملی هم تلاش خود را برای حفظ، نگهداری و انتشار نسخه‌های برجسته از متون کهن -به ویژه آنها که به خطوط نسخ، ثلث و ریحان- هستند انجام می‌دهد.

جلوه دیگری از قرآن‌های خطی کتابخانه ملی ایران، متفاوت بودن آنها از دیگر نسخ خطی موجود در کشورهای اسلامی است. آنچه ایران را متمایز می‌کند، توجه به ترجمه است که با هدف آگاه کردن مردم نسبت به محتوای قرآن صورت می‌گرفت و با نهایت دقت و تلاش انجام می‌شد. شاید این سؤال برایتان مطرح شود که این قرآن‌های خطی که در مخزن‌های کتابخانه ملی خوش نشسته‌اند، چگونه تهیه شده‌اند؟ بدانید که دو معیار برای این کار در نظر گرفته شده؛ یکی «قدمت»، یعنی تاریخ کتابت و دیگری «تذهیب و خط» آن است و اصولا خرید قرآن‌های خطی هم طبق همین دو معیار صورت می‌گیرد.

جمع‌آوری این قرآن‌ها هم یا با خرید آنها صورت می‌گیرد یا با اهدای آنها از سوی دیگران. درباره چگونگی اهدای این قرآن‌ها می‌توان گفت که تعدادی از دانشمندان و علاقه‌مندان با وقف مجموعه‌های خود به کتابخانه ملی یا با تنظیم وصیتنامه، قرآن خطی و حتی سنگی خود را به این کتابخانه اهدا می‌کنند که از این میان می‌توان از خاندان «شوشتری» و «نحوی» یاد کرد که بیشترین کتب خطی و قرآن‌های ارزشمند را به کتابخانه بزرگ جمهوری اسلامی تقدیم کرده‌اند. این آثار اهدایی و وقفی که با نام همان خاندان در کتابخانه به ثبت می‌رسند، در قفسه‌های مشخصی در مخزن نگهداری می‌شوند.



نوع نوشتار و صفحه‌آرایی این قرآن، غیر ایرانی است
کلمه الله و نشانه‌ها با رنگ قرمز مشخص شده‌اند

همشهری آیه
ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه‌دوم‌شهریور۱۳۸۸

چرا مسلمانان هنگام مناجات با خداوند گریه می کنند؟
آیا اسلام و قرآن چنین توصیه‌ای کرده‌اند؟

# هوای گریه دارم ...

**مرضیه احتشام**

**«مرد که گریه نمی کنه!» عجب عبارت بی‌رحمانه‌ای است این ضرب‌المثل. مگر مردها دل ندارند؟ اصلا چرا گریه کردن در فرهنگ ما نماد ضعف و ناتوانی است؟ گاهی اوقات اشک ریختن آن‌قدر مطلوب است که باعث شادمانی خداوند می‌شود. اگر مومنی با خشوع و خضوع در برابر خداوند به سجده بیفتد و اشک بریزد، گناهانش را پاک می کند و پله پله به پروردگار نزدیک می‌شود. سوالی که این هفته در صفحه پرسمان به طور مفصل بررسی می‌شود، درباره همین موضوع است: «آیا گریه کردن در قرآن سفارش شده و اصلا چرا باید برای بخشش گناهان گریه کنیم؟». حالا که روزهای پایانی ماه مبارک رمضان را پشت سر می گذاریم و حال و هوای شب‌های قدر وجود دارد، خوب است پاسخ این سوال را از زبان قرآن و اهل بیت(ع) بخوانیم.**

واژه بکاء و مشتقاتش حدود هفت بار در قرآن آمده‌اند اما همه این موارد درباره گریه توبه در برابر خداوند نیست؛ مثلا آیه ۱۶ سوره یوسف(ع) به گریه دروغین برادران این پیامبر الهی که برای فریب یعقوب نبی(ع) بود، اشاره می کند. با این حال چند آیه قرآن هم به گریه‌های ممدوح اشاره دارد که اصلی‌ترین آنها در آیه ۵۸ سوره مریم(س) آمده است. وقتی خداوند ویژگی‌های تعدادی از پیامبرانش را بیان می کند، گریه کردن آنها را نیز مورد اشاره قـرار می‌دهد: «اینان کسانی از پیامبران بودند که خدا به آنان نعمت داد؛ از نسل آدم و از نسل کسانی که با نوح در کشتی سوار کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که آنان را هدایت کردیم و برگزیدیم. هنگامی که آیات خدای رحمان بر آنان خوانده می‌شد، با گریه به سجده می‌روند».

این آیه می‌تواند مهر تاییدی باشـد برای اشک‌هایی که شیعیان در مناجات با خداوند می‌ریزند. مرحوم آیت‌الله طباطبایی در «تفسیر المیزان» درباره این آیه می‌نویسد: «این آیه کنایه اسـت تا کمال خضوع و خشـوع در برابر خداوند را نشان دهد. اینکه اشـک ریختن در این آیه به پیامبران الهی نسبت داده شده، نشـان می‌دهد که این عمل از نشـانه‌های بنده‌های مخلص خداوند است». در کتاب «ارشـاد القلوب» محمد دیلمی آمده که خداوند دوسـت دارد بندگانش پس از خواندن آیات قرآن اشک بریزند و حدیثی در این باره از امام صادق(ع) هم آمده است که فرمود: «رسول خدا(ص) نزد عده‌ای از جوانان انصار آمد و فرمود می‌خواهم برای شما قرآن بخوانم و هر کسی که با شنیدن این آیات گریه کند، بهشت از آن اوست. آنگاه از سوره زمر آیه «وَسِـیقَ الذینَ کَفَرُوا إلِی جَهَنمَ زُمَرا» را تا پایان سوره خواندند. همه گریه کردند، مگر جوانی که گفت ای رسول خدا! من خود را شبیه گریه کنندگان درآوردم ولی قطره اشکی از چشـمانم بیرون نیامد. در این هنگام پیامبر(ص) فرمود: دوباره می‌خوانم هر کسی که خود را شبیه گریه‌کنندگان سازد، بهشت از آن اوست».

> **آنگاه که بنده از خوف حق گریه کند، گناهان او فرو می‌ریزند؛ چنان که برگ از درختان فرو می‌ریزد**

### آب و آتش

شاید برایتان جالب باشد که بدانید پیامبر اکرم(ع) چندین بار فرموده‌اند که اشک چشم مومن که برای استغفار جاری شود، مثل آبی است که آتش دوزخ را خاموش می کند. چند نمونه از این روایات را بخوانید: «هـر مؤمنی به اندازه بال پشه‌ای اشک بر گونه‌اش جاری سازد، خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می کند» و «چشمی که از خوف خدا گریسته و چشمی که بیداری کشیده باشد و چشمی که از حرام خدا پوشانیده شده باشد، آتش دوزخ را نمی‌بیند». ایشان در روایتی دیگر به آنهایی که اشک می‌ریزند، مژده می‌دهد که «هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر از قطره اشکی که از ترس او و قطره خونی که در راه خدا ریخته شده باشد، نیست.

هر بنده‌ای که از خوف خدا بگرید، خداوند جام رحمتش را به او می چشاند و در عوض، جایش را در بهشت خندان و خوشحال قرار می‌دهد و به احترام او خداوند هر کسی را که در اطرافش باشد-اگرچه ۲۰هزار نفر باشند- مورد مهر و رحمت قرار می‌دهد. اگر بنده‌ای میان امتی از خوف خدا بگرید، خداوند به واسطه گریه او، آن امت را مشمول مهر خود قرار می‌دهد».

### نشانه اجابت دعا

تاکنون اعمال ام داوود را در نیمه ماه رجب انجام داده‌اید؟ آنهایی که در مراسم اعتکاف این اعمال را به جا آورده‌اند، خوب می‌دانند که در پایان دعای این روز مبارک چه آمده است: «وقتی به سـجده می‌روی، سعی کن اشک بریزی؛ حتی اگر به اندازه بال مگسـی باشـد. این نشـانه اجابت دعاست». نشانه از این زیباتر می خواهید؟ در روایات دینی ما بارها و بارها آمده که اشک ریختن نشانه اجابت دعاست. برای همین است که در شب‌های قدر، زمانی که قرآن را روی سر می گذاریم، ناخودآگاه اشکمان جاری می‌شود. این هم دلیل دیگری است بر رحمانیت خداوند. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرموده‌اند: «گریه از خوف حق کلید رحمت و نشانه قبولی اعمال و راه اجابت دعاست» و در حدیث دیگری نیز فرموده‌اند: «آنگاه که بنده از خوف حق گریه کند، گناهان او فرو می‌ریزند؛ چنان که برگ از درختان فرو می‌ریزد و چون روزی که از مادر متولد شده، پاک می‌شود».

### گریه در همه ادیان بوده است

برخلاف تصور عده‌ای که می گوینـد گریه کردن فقط در مکتب اسـلام وجود دارد و ادیان دیگـر چنین فرهنگی ندارند، روایات دینی معتبر نشان می‌دهند که همه پیامبران پیروان خود را به اشک ریختن برای توبه دعوت می کردند. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «خداوند به حضرت عیسی(ع) وحی فرمود که از خوف من اشک از دیدگانت بریز، قلب خود را خاشع و بدنت را خاضع بدار و آن زمانی که مردمان غافل لب به خنده گشودند، به زیارت اهل قبور بشتاب تا از آنها عبرت بگیری». البته بیشتر مفسران قرآن در تفسیر آیه ۵۸ سوره مریم(س) که به گریه کردن پیامبران الهی اشاره می کنند، نوشته‌اند: «گریه از زمان آدم ابوالبشر وجود داشته و وسیله‌ای برای توبه بوده است». در تایید این گفته می‌توان به وحی خداوند به حضرت موسی(ع) اشاره کرد: «ای موسی! کسانی که از خوف من گریه می کنند، در قیامت اعمالشان را مانند دیگر مردم مورد تفتیش قرار نمی‌دهم؛ چرا که هیچ عبادتی برای من مانند مناجات همراه اشک نیست».

> **پیامبر اکرم(ص) چندین بار فرموده‌اند اشک چشم مومن برای استغفار جاری شود، مثل آبی است که آتش دوزخ را خاموش می کند**

### چه کسانی بیش از همه اشک ریختند؟

پاسـخ ایـن سـوال را امـام صـادق(ع) فرمـوده اسـت: «گریه کننده‌ترین‌های عالم شـش نفر بوده‌انـد؛ آدم(ع)، یعقوب(ع)، یوسـف(ع)، یحیی(ع)، فاطمه زهرا(س)، و امام زین العابدین(ع). حضرت آدم(ع) از مفارقت بهشت آن‌قدر گریست تا اینکه اشـک از دیدگانش همانند دو نهر آب جاری شد. حضرت یعقوب(ع) آن‌قدر در فراق فرزندش یوسف(ع) گریست که ضعف بر بینایی چشمانش پدید آمد. حضرت یوسف(ع) آن‌قدر از فراق پدر بزرگوارش گریست تا اینکه اهل زندان از گریه او مضطرب شدند و با او گفتند یا شب گریه کن و روز آرام بگیر یا روز گریه کن و شب آرام بگیر. حضرت یحیی بن زکریا(ع) از خوف خدا آن‌قدر گریست که گوشت صورتش در اثر اشک زیاد ریخت حضرت زهرا(س) از فراق پدر عالیقدرش آن‌قدر گریست که اهل مدینه به تلاطم افتادند. پس روزها ناچار به قبرستان بقیع می‌رفت و به یاد پدر گریه می کرد، حضرت زین العابدین(ع) نیز بعد از شهادت پدر بزرگوارش مدت ۲۰سال هرگز طعام نزد او نگذاشتند که گریه نکند و هرگز آبی نیاشامید که گریه نکند».

### آثار اشک ریختن

گریه کردن به تایید پزشـکان فواید جسـمی دارد و به تایید روایات دینی فواید روحی. محققـان عقیده دارند گریه و خنده هر دو ریشـه در یک بخـش از مغز دارند و همان‌طور که خنده فواید زیادی بـرای بدن دارد و باعث پایین آمدن فشار خون، افزایش قدرت ایمنی بدن و بهبود حالت روحی می‌شود، اشک ریختن نیز باعث ایجاد همین شرایط می‌شود. پزشـکان همچنین معتقدند که اشک حاوی کورتیزول است که دفع آن به وسیله اشک، نوعی سم‌زدایی محسوب می‌شود. درباره آثار معنوی گریه هم می‌توان به روشنایی چشم و قوت قلب اشـاره کرد. امام علی(ع) درباره آثار معنوی اشک ریختن فرمودند: «گریه از ترس خداوند قلب را روشن می کند و انسان را از بازگشتن به گناه باز می‌دارد».


همشهری آیه
ضمیمه قرآنی ویژه مشترکین همشهری جوان / نیمه‌دوم‌شهریور۱۳۸۸

چرا قرآن کریم از خوراکی‌ها، تنها عسل را شفا می‌داند؟

## شهد شیرین شفا

**چرا قرآن کریـم از خوراکی‌ها، تنها عسـل را شفا می‌داند؟**

قرآن کریم تنها یک مـاده غذایی را شـفا می‌داند و آن هم عسل اسـت، در آیه ۶۹ سـوره نحل آمده است: «پس به سوی کندو برو، از شکم آنها شهدی نوشـیدنی با رنگ‌های گوناگون بیـرون می‌آید که درون آن شفایی برای مردم اسـت.» این آیه نشان می‌دهد که عسل داروی بسیاری از بیماری‌هاست و البته نزد انسان‌ها آن گونه که باید، شناخته نشده اسـت. آنهایی که با طب سـنتی آشـنایند، خوب می‌دانند که پزشکان سنتی عسل را درمان بسیاری از دردها می‌دانند. پیامبر اسـلام(ص) نیز در این باره فرموده‌اند: «هیچ مریضی‌ای با هیـچ چیز به مانند نوشیدن عسـل شـفا پیدا نمی کند». نکته جالب دیگری که در این بحث وجود دارد، این اسـت که خداوند فرموده ما به زنبور عسـل وحـی کردیم و این نیز در نوع خود بی‌نظیر اسـت. در آیه ۶۸ سوره نحل آمده: «پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و درختان و آنچه مردم برمی‌افرازند، برای خود خانه‌هایی برگیر».

دانشـمندان با تحقیقات خود فواید زیادی برای عسل ارائه داده‌اند. در اینجا به طور خلاصه به برخی از این فواید اشاره می‌کنیم:

عسل مواد معدنی بسـیاری دارد؛ مانند پتاسیم، آهن، فسفر، ید، منیزیم، سـرب، منگنز، آلومینیوم، مس، سولفور، کرومیوم، لیتیوم، نیکل، روی، اسمیوم، تیتانیوم، سدیم و مواد آلی. عسل همچنین برای درمان بیماری‌های پوستی، گوارشـی، قلبی و تقویت رشد کودکان مناسب است.

عسـل از مهم‌ترین مواد قندی طبیعـی بوده و تاکنون ۱۵ نوع قند در آن کشف شده است.

به گواه پزشکان، این شـهد شیرین بیماری‌های اعصاب، بی‌خوابی، درد پهلو، سیاتیک، دیفتری، مرض کم‌خونی، امراض کبد و بیماری‌های استخوانی را علاج می کند و فواید بسیاری برای درمان یرقان دارد.

خوردن عسل در حال ناشـتا برای زخم معده و اثنی‌عشـر و کاهش ترش کردن معده مفید اسـت. همچنین برای تنظیم قند خون موثراست و مجاری ادرار را ضدعفونی می کند. یکی دیگر از ویژگی‌های عسل این است که هیچ‌گاه فاسد نمی‌شود. نوشته‌اند که در مصر عسل چندین هزار ساله پیدا کرده‌اند که فاسد نشده چون دارای اسـید فرمیک است و فاسد نمی‌شود.

عسل برای زخم معده و التهاب معده مفید است و نقش موثری در تنظیم اسیدهای معده دارد. همچنین تحقیقات نشان داده که زنبورداران کمتر به سرطان مبتلا می‌شوند. البته در این‌باره نباید زیاده‌روی کرد و طبیعی است که عسل در مورد بسیاری از بیماری‌ها فایده دارویی ندارد. حجت‌الاسلام قرائتی در تفسیر آیه ۶۹ سـوره نحل نوشته اسـت: «ناگفته پیداست که عسل شفای همه دردها نیست؛ به همین دلیل به صورت نکره «شفاء» آمده است».



## حدیث قدسی چیست؟

**فرق بین حدیث قدسی و آیه قرآن چیست؟**

حدیث قدسی حدیثی است که پیامبر(ص) یا سایر انبیا یا امامان معصوم(ع) از خداوند نقـل می کنند. مضمون این احادیث به وسیله وحی یا الهام در خواب بر بزرگان دین نازل شده است. به هر حال در حدیث قدسی ادعای اعجاز وجود ندارد؛ به خلاف قرآن که نشان اعجاز و بی‌مانندی دارد.

برخی فرق‌های دیگـر قرآن و حدیث قدسـی عبارت است از:

۱-قرآن سند رسالت و کتاب رسمی دین اسلام است ولی احادیث قدسی چنین جایگاه و ویژگی‌هایی ندارند.

۲-قرآن قطعی‌الصدور است ولی احادیث قدسی ظنی‌الصدورند؛ یعنی نمی‌توان گفت صددرصد از جانب خدا هستند. احتمال دارد مانند بسیاری از روایت‌های دینی ما که در اعتبارشان حرف و حدیث‌های بسیاری وجود دارد، حدیث‌های قدسی نیز دچار تحریف شده باشند؛ به همین دلیل اعتبار قرآن به هیچ وجه با احادیث قدسی قابل‌قیاس نیست.

۳-سومین فرق حدیث قدسی و آیات قرآن به مضمون آنها مربوط می‌شود. احادیث قدسی بیشتر مسائل اخلاقی و عرفانی را طرح می کنند؛ در صورتی که قرآن مجید جامع است و علاوه بر نکته‌های اخلاقی و عرفانی، به مسائل فقهی، تاریخی و... نیز پرداخته است.

## فرشتگان چند نفرند؟

**قرآن کریم فرشتگان خداوند را چه تعداد می‌داند و چه وظایفی برایشان عنوان کرده است؟**

آیه‌ای در قرآن کریم درباره تعداد فرشتگان وجود ندارد اما بهتر است پاسخ این سوال را در حدیثی از امام صادق(ع) پیدا کنید. از حضرت سوال شد که تعداد فرشتگان بیشتر است یا انسـان‌ها؟ امام فرمود: «سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، فرشتگان خدا در آسـمان‌ها از عدد ذرات خاک‌های زمین بیشترند و در آسمان جایی نیست مگر آنکه در آنجا فرشته‌ای خداوند را تسبیح می گوید». این نشان می‌دهد که تعداد فرشتگان الهی به هیچ وجه قابل‌شمارش نیست؛ چراکه در حدیث دیگری آمده است برای هر قطره بارانی که بر زمین می چکد، فرشته‌ای وجود دارد. وظایف تعدادی از فرشتگان نیز در قرآن کریم آمده است. در آیه ۲۱ سوره تکویر آمده است که برخی از فرشتگان وظیفه رساندن پیام خدا به پیامبران را دارند. آیه پنج سوره سجده نیز می گوید که تدبیر امور عالم به دست برخی از فرشتگان انجام می‌شود و بعضی دیگر نیز نگهبان بهشت و خدمتگزار بهشتیان هستند. آیات ۷۱ تا ۷۳ سوره زمر هم وظیفه برخی از فرشتگان را نگهبانی از جهنم عنوان کرده است. در آیه دهم سوره انفطار هم آمده است که برخی از فرشتگان مراقب اعمال انسان‌ها هستند و اعمال آنها را می‌نویسند.

## چرا پس از نماز آیه می‌خوانند؟

**چرا پس از خواندن نماز در مساجد آیه «إن الله و ملائکته یصلون علی النبی...» را می‌خوانند و صلوات می‌فرستند؟**

این کار ریشه در روایت‌های اسـلامی دارد و در سنت و سیره پیشوایان دین چنین آمده است؛ مؤمنان نیز به پیروی از آن بزرگواران این عمل را انجام می‌دهند. امام موسی کاظم(ع) در این‌باره فرموده اسـت: «هر کس بعد از نماز صبح و نماز مغرب، قبل از آنکه پاهایش را حرکت دهد و حالت نشستن نماز را به هم بزند، آیه إن الله و ملائکته یصلون علی النبی... را بخواند و بگوید خدایا بر محمد و ذریه آن حضرت درود بفرست، خداوند ۱۰۰ حاجت او را برآورده می کند؛ ۷۰ حاجت دنیایی و ۳۰ حاجت اخروی». شیخ ابوالفتوح رازی نیز در این‌باره می گوید: «هنگامی که آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی... نازل شد، یکی از اصحاب از پیامبر اسلام(ص) پرسید اهمیت سلام دادن بر شما را می‌دانیم اما چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی إبراهیم و آل إبراهیم إنک حمید مجید». آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه درباره همین آیه نوشته است: «مقام پیامبر اکرم(ص) آن‌قدر والاست که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان بر عهده آنها گذارده شده، بر او درود می‌فرستند. اکنون که چنین است شما نیز با این پیام جهان هستی هماهنگ شوید و بر حضرتش صلوات بفرستید».

## ترتیل خواندن یعنی چه؟

**قرآن کریم را به چند روش می توان تلاوت کرد؟**

آیه چهارم سوره مزمل، شیوهٔ صحیح قرائت قرآن را بیان می کند: «و رتل القرآن ترتیلا». اما سوال اساسی این است که ترتیل یعنی چه؟ متاسفانه بیشتر مردم-به‌اشتباه-تصور می کنند قرائت قرآن بدون فراز و فرودهای صوتی ترتیل است؛ در صورتی که بیشتر عالمان علم قرائت نظر دیگری دارند. استاد بهاءالدین خرمشاهی در دانشنامه قرآن‌پژوهی ترتیل را این‌گونه تعریف کرده‌است: «درست و شیوا خواندن قرآن مجید را ترتیل می‌گویند». در حدیثی از امام علی(ع) آمده‌است: «ترتیل ادا کردن حروف و آشنایی با وقوف قرآن است.» هرچند که در کتاب‌های دینی تعریف‌های دیگری هم برای ترتیل آمـده؛ به طور مثال در تفسـیر «مجمع البیان» در تبیین واژه ترتیل نوشته شده: «قرائت قرآن با صوت و لحن حزین را ترتیل می گویند». امام صادق(ع) نیز در این‌باره فرموده‌اند: «شیوه صحیح قرائت قرآن این است که قاری همراه تدبر آیات را بخواند؛ یعنی اگر به آیاتی رسید که بهشت را توصیف می کند، از خداوند بهشت را طلب کند و اگر به آیات جهنمی رسید، به خداوند پناه ببرد». یکی دیگر از ویژگی‌های ترتیل، ضرورت همراه نبودنش با عجله است. از امام علی(ع) در این‌باره روایتی رسیده است: «قرآن را نباید به صورت پراکنده و شعرگونه خواند. هدف قاری باید تامل در آیات کتاب خداوند باشد، نه به پایان رساندن آیات». طبق تعاریفی که از ائمه اطهار رسیده، تعریف ترتیل را متوجه شدیم. این تعریف کلی شامل سه نوع قرائت می‌شود:

### تحقیق

یعنی خواندن قرآن با سـرعت کم و دقت زیاد که با فراز و فرودهای صوتی همراه است. تلاوت‌های مجلسی قاریان بزرگ جهان، همه به روش تحقیق است. قرائت تحقیق با توجه به طولانی بودنش همیشه با مانورهای صوتی همراه می‌شود تا برای شنونده لذت‌بخش باشد.

### تدویر

بیشـتر مردم به این نوع تلاوت می گوینـد ترتیل؛ یعنی خواندن قرآن با سرعت متوسط که باعث می‌شود آیات بیشـتری در یک زمان معین نسـبت به روش تحقیق خوانده شـود. معمولا تدویر خوانی یک جـزء از قرآن حدود ۵۰ دقیقه طول می کشد. تدویر قرآن در ماه مبارک رمضان مشتریان بیشـتری پیدا می کند. معروف‌ترین تدویر قرآن در کشور ما توسط استاد شهریار پرهیزکار اجرا شده است.

> **استاد خرمشاهی در دانشنامه قرآن‌پژوهی ترتیل را این‌گونه تعریف کرده است: «درست و شیوا خواندن قرآن مجید را ترتیل می‌گویند»**

### تحدیر

سرعت قرائت قرآن در این روش کمی بالاتر از روش‌های دیگر بوده و طبیعی است که فقط حرفه‌ای‌ها می‌توانند از این روش استفاده کنند. امسال شبکه قرآن و شبکه پنجم سیما نزدیک سحر قرائت تحدیر پخش می کنند که تقریبا هر یک جزء قرآن در زمانی حدود ۳۵ دقیقه تلاوت می‌شود. سعود الشـریم و عبدالرحمن سـدیس دو نفر از تحدیرخوان‌های معروف عرب هستند که اتفاقا سی‌دی‌هایشان در نمایشگاه قرآن امسال فروش بسیاری پیدا کرده است.



نگاه

## حسینی بااستعداد اما کم‌تجربه است



**عباس امام جمعه/استاد قرائت** با کمی تامل درباره بیست و ششمین دوره از مسابقات قرآنی باید بپذیریم کیفیت این دوره از مسابقات در حد قابل قبولی قرار داشت و از نظر فنی تلاوت‌های بهتری نسبت به سال‌های گذشته ارائه شد که نتیجه آن، حذف نکاتی از آیین‌نامه بود. طبق آیین‌نامه قبلی، خواندن در چهار دستگاه برای قاری الزامی بود و همین الزام دست قاری را در پرداختن به نغمه‌های متفاوت می‌بست. زیبایی خواندن در این دستگاه‌ها را انکار نمی‌کنم ولی هرچیزی سبک وسیاق خاص خودش را دارد و اینکه مسابقه فقط در آهنگ خلاصه شود کار درستی نیست. پس این اتفاق را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود در سال‌های آینده قاریان تلاوت‌های زیباتری ارائه دهند. شیوه اجرای مسابقات قرآنی سال به سال روند نزولی را طی می‌کند و مسؤولان برگزاری مسابقه بدون توجه به مسائل جانبی، تلاشی برای ارتقای وضعیت اجرایی مسابقه انجام نمی‌دهند. برای همین امسال در اعتراض به این روند، در افتتاحیه و اختتامیه مسابقه شرکت نکردم. گویا از ۴۵۰ مهمان ویژه‌ای که به این مراسم دعوت شده بودند فقط سه نفر در برنامه‌ها حضور داشتند و به قول معروف، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل! مسؤولان برگزاری مسابقات اگرچه سعی می‌کنند از نخبگان قرآنی در برنامه‌ها و کمیسیون‌ها استفاده کنند اما در نهایت آن چیزی را که مورد تایید خودشان است اجرا می‌کنند. در هر حال، آیین‌نامه مسابقات بین‌المللی قرآن نسبت به کشورهای دیگر حتی مالزی در حد مطلوبی قرار دارد اما نقص‌های جزئی‌ای دارد که اگر جلسات تداوم داشتند، مسلما این ضعف‌ها برطرف می‌شدند. سیدجواد حسینی از قاریان مستعد و خوش‌صوتی است که انصافا در این دوره از مسابقات خوب درخشید و بدون هیچ تردیدی رتبه نخست، حقش بود. شاید برای خیلی‌ها رتبه نخست در کشور مالزی اعتبار داشته باشد اما با توجه به سختگیری‌هایی که برای ورود به مسابقات بین‌المللی ایران انجام می‌شود، کسب مقام برتر در ایران به مراتب سخت‌تر از کشور مالزی است و حسینی توانست با توان بالا همه رقیبان را کنار بزند. سیدجواد فقط تجربه‌اش کم است که گذر زمان این مساله را هم حل می‌کند.



قاری برتر امسال

### سید جواد حسینی، پدیده قرائت مسابقات بین‌المللی تهران به فرهنگ اشتباهی که در جامعه قرانی کشور وجود دارد، انتقاد می کند

# قاری اگر بین‌المللی نباشد قاری نیست!

**زکیه سعیدی** **راه یافتن به مسابقات بین‌المللی قرآن برای خیلی از نخبگان قرآنی آرزوست اما سیدجواد حسینی چندان آرزوی حضور در این رقابت‌ها را نداشت؛ با این حال در رقابتی تنگاتنگ رقبای ایرانی را کنار گذاشت و به مسابقات بین‌المللی راه پیدا کرد و توانست با تفاوت امتیاز بالا، رتبه نخست مسابقات بین‌المللی را هم در کارنامه قرآنی‌اش ثبت کند. حسینی به گواه بسیاری از کارشناسان این حوزه می‌تواند جانشین خوبی برای پیشکسوتانی باشد که این روزها کمتر قرائت می‌کنند و خبرساز نمی‌شوند. سیدجواد در روزهای ماه مبارک رمضان برنامه‌های بسیاری در مشهد مقدس دارد. پس از آنکه در مسابقات بین‌المللی تهران رتبه نخست را آورد، از او قول یک گفت‌وگوی مفصل را گرفتیم. پدیده قرآنی امسال کشور، مهمان ما شد و درباره اوضاع قرآنی کشور با ما همکلام شد.**



**آقای حسینی! مثل اینکه در ماه مبارک رمضان حسابی سرتان شلوغ است!**

بله،با توجه به اینکه امسال در آستانه ماه مبارک رمضان در مسابقات بین‌المللی قرآن رتبه نخست را کسب کردم، شرایطی ایجاد شد تا به خیلی از برنامه‌های قرآنی دعوت شوم؛ خدا را شکر.

**یعنی قبلا کمتر دعوت می‌شدید؟**

خب، طبیعی است! همیشه افراد برتر مورد توجه قرار می‌گیرند. مردم هم نسبت به برترین‌ها ابراز علاقه می‌کنند.

**به نظر می‌رسد شما خیلی زود توانستید به جایگاه بین‌المللی دست پیدا کنید. اصلا از چه زمانی قرائت را آغاز کردید؟**

فکر می‌کنم سال ۷۰ بود. هشت سال بیشتر نداشتم که شبی همراه برادر بزرگ‌ترم به مسجد کرامت رفتم و در کلاس قرائت حامد شاکرنژاد شرکت کردم. همان یک جلسه انگیزه‌ای شد که به یادگیری قرائت قرآن روی بیاورم. چند سالی زیر نظر برادرم سیدحسین روانخوانی و تجوید را یاد گرفتم و از ۱۲ سالگی به صورت حرفه‌ای وارد قرائت شدم. نخستین مسابقه‌ای که شرکت کردم، مسابقات قرآنی کانون فرهنگی راه حق بود که حتی به فینال هم نرسیدم اما کم‌کم با آموزش‌های دلسوزانه استادانم سیدمجتبی سادات فاطمی و مجتبی جاویدی به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کردم.

**سبک خاصی در تلاوت قرآن دارید؟**

ترکیبی از تلاوت شحات انور و محمداللیثی را قرائت می‌کنم.

**از بین قاریان مصری و ایرانی به تلاوت کدام قاری علاقه بیشتری دارید؟**

نمی‌توان قاریان ایرانی را با استادان برجسته مصری مقایسه کرد اما اگر بخواهم بین ایرانی‌ها کسی را انتخاب کنم، قرائت حاج سعید طوسی را خیلی دوست دارم. معنویت خاصی در صدایش وجود دارد. بین قاریان مصری هم انتخاب خیلی سخت است؛ فکر می‌کنم از تلاوت استاد منشاوی بیشتر از استادان دیگر لذت می‌برم.

**بیست و ششمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن تهران از نظر کمی و کیفی چطور بود؟**

نسبت به سال‌های گذشته در سطح بالاتری قرار داشت. قاریان برجسته‌ای در این دوره از مسابقات شرکت کرده بودند. من یک رقیب سرسخت داشتم که از اندونزی اعزام شده بود و اتفاقا توانست رتبه دوم را به‌دست بیاورد. او در مسابقات مالزی اول شده و انصافا قاری خوبی بود.

**با او چقدر اختلاف امتیاز داشتید؟**

فکر می‌کنم هفت امتیاز. این اختلاف امتیازها اهمیتی ندارد. لطف خدا بود که زحمت‌هایم به نتیجه رسید.

**چقدر تمرین کرده بودید؟**

انگیزه برتر شدن در مسابقات بین‌المللی قرآن حدود چهارسال قبل در من ایجاد شد. همان سال هم با برنامه‌ریزی دقیق تمرین را آغاز کردم. علاوه براین، شرکت منظم در کلاس‌های آموزشی سیدمجتبی سادات فاطمی هم در برنامه هفتگی‌ام قرار داشت و همه سعی‌ام بر این بود که ضعف‌های قرائتم را پیدا کنم اما از سال گذشته تمرین‌هایم خیلی جدی‌تر شد و روزی چهار- پنج صفحه تمرین می‌کردم.

**فکر می‌کردید اول شوید؟**

فقط خواست خدا بود که برتر شدم ولی انگیزه اصلی‌ام از شرکت در مسابقات برتر شدن بود. بالاخره ما نماینده‌های جمهوری اسلامی ایرانیم و باید برای کشورمان افتخار باشیم.

**از آیین‌نامه این دوره از مسابقات راضی بودید؟**

تغییرات خیلی خوبی انجام شده‌بود. آیین‌نامه‌های دوره‌های قبل قاری را محدود می‌کرد و افراد مجبور بودند در چهاردستگاه موسیقایی قرآن را قرائت کنند. همین موضوع باعث می‌شد قرائت‌های خوبی نداشته باشیم اما امسال این آیین‌نامه تغییر کرد و استادانه خواندن قرائت اهمیت بیشتری پیدا کرد. مطمئنم که کیفیت قرائت در مسابقات امسال بسیار بالاتر از سال‌های گذشته بود.

**منظورتان از استادانه خواندن چیست؟**

به قرائتی استادانه می‌گویند که لحن با معنا مطابقت داشته باشد؛ مثلا وقتی قاری مجبور باشد شش خط قرآن را فقط در شکل آوازی «قرار» بخواند، نمی‌تواند با توجه به معنای قرآن لحنش را تغییر دهد و دستش در انتخاب نغمه‌های مختلف باز نیست اما امسال شرایط بسیار بهتر بود. من می‌توانستم با توجه به مضمون آیات لحنم را تغییر دهم. حتما می‌دانید که قاریان بزرگ آیات عذاب قرآن را با لحن خاصی می‌خواندند و آیات رحمت و بهشت را با سبک دیگر. آیین‌نامه امسال اجازه این کار را به ما می‌داد.

**اگر خواندن در دستگاه‌ها کیفیت قرائت را پایین می‌آورد، پس چرا در کشور مالزی با تجربه نیم قرن برگزاری مسابقه، هنوز هم خواندن در دستگاه‌ها اهمیت دارد؟**

ببینید! منظورم این نیست که خواندن در دستگاه‌ها غلط است؛ هر کدام، زیبایی‌های خاص خود را دارند ولی اگر اصرار داشته باشیم این تعداد آیه حتما به چند لحن خوانده شود، قرائت دچار نقص می‌شود اما اینکه چرا در مسابقات مالزی خواندن در دستگاه‌ها مهم است، باید بگویم که آنها به مفهوم آیات اهمیت چندانی نمی‌دهند؛ برای همین اگر قاری طبق لحنی که مد نظر آنهاست، قرائت نکند، امتیاز نمی‌آورد. اصلا به همین دلیل است که من مسابقات مالزی را معتبر نمی‌دانم و علاقه ندارم در آن شرکت کنم.

**پس چرا خیلی از قاریان ایرانی به رتبه نخست مالزی اهمیت بیشتری می‌دهند؟**

برای خیلی‌ها سابقه مهم است و مالزی در این زمینه حرف اول را می‌زند اما به نظر من مهم‌ترین موضوع در مسابقات به‌ویژه مسابقات قرآنی بحث عدالت است که در کشور مالزی نادیده گرفته می‌شود. آنها به نفر اول مسابقات کشورشان نگاه سیاسی دارند و منصفانه قضاوت نمی‌کنند. متاسفانه این بی‌عدالتی درباره قاریان ایرانی که در مسابقات مالزی شرکت می‌کنند، کاملا مشهود است و هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند.

**خیلی از قاریان وقتی یک مقام معتبر می‌آورند، دیگر در مسابقات شرکت نمی‌کنند. شما هم چنین تصمیمی دارید؟**

بحث مقام و رتبه نیست. در کشور ما تا زمانی که قاری مقام بین‌المللی نداشته باشد، جایگاهی ندارد و به نظر بیشتر مردم و حتی بعضی از مسؤولان قرآنی کشور، قاری در جایگاه بین‌المللی خلاصه می‌شود. اکنون در کشور ما قاریان بسیاری هستند که از صوت خوبی برخوردارند و در قرائت حتی از قاریانی که در مسابقات رتبه می‌آوردند هم بهترند اما به دلیل اینکه در مسابقات رتبه و مقام نیاوردند، جایگاهی ندارند.

**خیلی‌ها معتقدند مسابقات راه مناسبی برای ترویج فرهنگ قرآنی و ایجاد انگیزه در افراد است؛ قبول ندارید؟**

نکات مثبت مسابقات را که به افراد انگیزه می‌دهد، انکار نمی‌کنم ولی آسیب آنها بیشتر است. این ضعف ماست که قاری را فقط در جایگاه بین‌المللی‌اش تعریف کنیم. اتفاقا بسیاری از دوستان قاری هم همین نظر را دارند و موافق مسابقه نیستند اما می‌دانند که تا در مسابقه رتبه نیاورند، جایگاهی پیدا نمی‌کنند؛ در حالی که در هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی چنین فرهنگی وجود ندارد.

**پس به همین دلیل تاکنون در مسابقات شرکت می‌کردید؟**

بله و هیچ انگیزه دیگری نداشتم. مطمئن باشید اگر در کشور ما قاریان را سطح‌بندی کنند و هر قاری بداند در چه سطحی قرار دارد، خیلی‌ها اصلا در مسابقات شرکت نمی‌کنند و به مسائل و مشکلات دیگرشان می‌پردازند که اتفاقا بسیار زیادند.

**اگر در کشور ما قاریان را سطح‌بندی کنند و هر قاری بداند در چه سطحی قرار دارد، خیلی‌ها اصلا در مسابقات شرکت نمی‌کنند**

**چه مشکلاتی؟**

ببینید! ما به عنوان قاری هیچ امکانات خاصی در اختیار نداریم. نه بیمه هستیم و نه هیچ ارگان یا نهادی حمایتمان می‌کند. منبع درآمد قاریان و حافظان قرآنی هم مانند همه مردم متفاوت است. بعضی‌ها کارمندند و بعضی‌ها کار آزاد دارند. حالا حساب کنید یک قاری چقدر از وقت روزانه‌اش را باید صرف امور قرآنی کند.

**یعنی شما معتقدید فعال قرآنی نباید شغل دیگری داشته باشد؟**

جواب روشن است، صددرصد به فعالیت‌های قرآنی‌شان آسیب می‌رساند. بعضی از قاری‌ها استعدادهای خاصی دارند که باید به عنوان استادان رشته‌های قرآنی از آنها استفاده شود؛ به عنوان مثال بسیاری از قاریانی که در سطحی پایین‌ترند، آرزو دارند فقط چند ساعت در کلاس‌های استادان بزرگی مانند سعید طوسی شرکت کنند ولی آنها در ادارات به کارهای جزء و بدون ارتباط با قرآن مشغولند و نمی‌توانند در کلاس‌های آموزشی حضور داشته باشند. مسلما اگر این افراد از نظر مالی تامین شوند، چنین مشکلاتی نخواهیم داشت.

**اتفاقا سؤال من همین است. ببینید، در سال‌های اخیر بسیاری از قاریان با توجیه تامین درآمد حق‌الزحمه می‌گیرند. شما این کار را تایید می‌کنید؟**

خدا را شکر در بحث قرائت قرآن اینکه قاری مبلغ خاصی را به عنوان حق‌الزحمه دریافت کند، چندان مطرح نیست. بیشتر قاریان حق‌الزحمه ناچیزی دریافت می‌کنند اما این ظلم به شأن قاری است که از او بپرسند چقدر پول می‌گیری؟ یک قاری در همین جامعه زندگی می‌کند و او هم مانند همه مردم به امکانات مادی نیاز دارد. مسلما اگر حمایت شود، دیگر لزومی ندارد که برای اجرای یک برنامه دستمزد بگیرد. خودتان قضاوت کنید یک فرد بعد از چهار سال تحصیل مهندس می‌شود و هر پولی که دریافت کند، حقش است اما قاری بعد از ۱۶-۱۵ سال تلاش نه تنها جایگاهی ندارد بلکه اگر مبلغ ناچیزی هم دریافت کند، به او خرده می‌گیرند. این منصفانه است؟ بهتر است بگوییم ظالمانه است. باور کنید فعالیت‌های قرآنی دشواری‌های خاص خودشان را دارند.



### حافظ برتر مسابقات بین‌المللی ایران و مصر از دغدغه‌ها و علاقه‌هایش می گوید

# مسابقات به من انگیزه می‌دهد!

**محمودرضا درخشانی** **با آنکه رشته حفظ، طرفداران بسیاری دارد اما در مسابقات قرآن -غالبا- تحت‌الشعاع قرائت قرار می‌گیرد. بیشتر فعالان قرآنی و آنهایی که پیگیر مسابقات بیست و ششم تهران بودند، فقط قرائت‌ها را دنبال می‌کردند اما وقتی نام ناشناخته «شجاع زویدات» به عنوان نفر اول رشته حفظ اعلام شد آن رشته در کانون توجه قرار گرفت؛ حافظ جوان ایرانی در نخستین تجربه حضورش در مسابقات تهران، توانست رتبه اول را کسب کند. زویدات سال گذشته در همین روزها توانست رتبه نخست مسابقات بین‌المللی حفظ را هم به دست آورد و امروز یک حافظ با افتخار ایرانی محسوب می‌شود.**

**آقای زویدات، شما درست در دوره‌ای حفظ قرآن را آغاز کرده‌اید که موج حفظ قرآن توسط کودکان در جامعه شکل گرفته بود و افرادی مانند «محمدحسین طباطبایی» و «رقیه محمدی» به عنوان پدیده‌های قرآنی مطرح بودند. آیا شما هم تحت تاثیر همین فضای قرآنی دهه ۷۰، حفظ را آغاز کردید؟**

تقریبا بله، آن روزها هرجا که می‌رفتیم، حرف محمد حسین طباطبایی بود و همه خانواده‌ها آرزو داشتند یک محمد حسین یا رقیه محمدی داشته باشند. در آن سال‌ها اگر بچه‌ها کمی باهوش بودند، توسط پدر و مادرها به سوی حفظ قرآن سوق داده می‌شدند. همه این شرایط تلنگری شد که در کلاس‌های قرآن مسجد محله‌مان ثبت نام کنم. کلاس‌های جذابی بود و انگیزه‌ای شد که به حفظ قرآن روی بیاورم.

**چند سال طول کشید که کل قرآن را حفظ کردید؟**

چون منظم کار نمی‌کردم حدود شش سال طول کشید. البته کلاس هم نمی‌رفتم و فقط با نوار تمرین می‌کردم.

**مگر بدون کلاس می‌توان دقیق و حرفه‌ای حفظ کرد؟**

منظورم از کلاس، کلاس‌های ویژه حفظ است که این روزها روی بورس قرار دارد وگرنه کلاس‌های قرآنی مسجد محل را می‌رفتم.

**شما سال گذشته درست در همین روزها در مسابقات بین‌المللی کشور مصر هم اول شدید. کدام رتبه برایتان شیرین‌تر بود؛ مصر یا ایران؟**

شاید درست نباشد که مسابقات را این‌گونه با هم قیاس کنیم اما به دلیل فضاهای سیاسی‌ای که بر مسابقات قرآنی کشورهای دیگر حاکم است، فکر نمی‌کردم یک ایرانی را به عنوان رتبه برتر اعلام کنند؛ به همین دلیل رتبه مصر برایم شیرین‌تر بود.

**رقیبان ایرانی سرسخت‌تر بودند یا خارجی‌ها؟**

رقیبان ایرانی جدی‌ترند. برای ورود به خود مسابقات بین‌المللی ایران باید رقیبان بسیاری را کنار بزنید. اتفاقا در بیست و ششمین دوره از مسابقات قرآن، حافظان خوبی شرکت کرده بودند و مسابقه از نظر کیفی در سطح بالایی قرار داشت. به هر حال خداکمک کرد و اول شدم.

**چقدر با نفر دوم تفاوت امتیاز داشتید؟**

در مصر فکر می‌کنم اختلافمان در حد صدم بود اما در ایران پنج نمره اختلاف داشتم.

**شما هم با انگیزه شرکت در مسابقات، قرآن را حفظ کردید؟**

از کودکی به مسابقات علاقه بسیاری داشتم. اصلا انگار مسابقه به من انگیزه بیشتری می‌دهد. برای همین همیشه برای شرکت در رقابت‌های مختلف آمادگی دارم. امسال هم با توجه به اینکه سال گذشته اول شده بودم، فقط کمی به برنامه تمرینم نظم دادم. با این حال، خوب است بدانید که رتبه آوردن در مسابقات حفظ در ایران بسیار دشوار است. اصلا بهتر است بگوییم حفظ قرآن در ایران دشوارتر است.

**مثلا با چه دشواری‌هایی همراه است؟**

بپرسید با چه دشواری‌هایی همراه نیست! من معتقدم مدیریت قرآنی در کشور ما چندان کارآمد نیست. مگر می‌توان با چند طرح ساده جامعه قرآنی را اداره کرد؟ واقعا چرا قرآن این همه در کشور ما مهجور است؟ مسابقات در کشورهای عربی با چه شکوهی برگزار می‌شود و در کشور ما چگونه است؟ بعد از ۱۳ سال زحمت، رتبه اول مسابقات بین‌المللی قرآن را کسب کردم اما از همان روز کسب رتبه برتر، تازه بلاتکلیفی‌ام آغاز شده است. تا چند سال در مسابقه نمی‌توانم شرکت کنم. برای کسی هم اهمیت ندارد بعد از این، چه کاری انجام دهم یا ندهم. تا به حال پرسیده‌اید که چرا چهره‌های قرآنی خیلی زود فراموش می‌شوند اما چهره‌های ورزشی و هنری سال‌های بسیاری فعال و شناخته شده‌اند؟ آنها پس از برتری در مسابقات، دوران درخشان آغاز می‌شود و ما پس از کسب برتری محکوم به افول هستیم. البته برای یک نخبه قرآنی اهمیت ندارد که به او بها داده می‌شود یا نه چون همین قرآن برایش کافی است اما این یک درد است که اگر درمان نشود، معلوم نیست در آینده چقدر نوجوان و جوان انگیزه ورود به این مسیر را داشته باشند.



**فکر می‌کنید باید چه کار کرد؟**

باید فرهنگ‌سازی شود. متاسفانه دست‌اندرکاران فرهنگی هم در این زمینه کم‌کاری بسیاری کرده‌اند. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مدونی در این زمینه دیده نمی‌شود. متاسفانه چند نهاد و سازمان با هم خود را متولی ساماندهی امور قرآنی می‌دانند اما در جایی که باید حضور داشته باشند، هیچ‌کدام حضور مؤثر ندارند. این بی‌برنامگی و آشفتگی را می‌توان در تقدیر از نخبه‌ها و برترین‌های قرآنی به وضوح دید. شما ببینید جوایزی که در مسابقات بین‌المللی ایران داده می‌شود تا چه اندازه در شأن و اندازه نخبه‌های قرآنی است؛ به هیچ‌وجه قابل قبول نیست.

**مگر شما در این دوره از مسابقات چقدر جایزه گرفتید؟**

ده میلیون تومان. البته آنهایی که وارد حوزه قرآن و دین می‌شوند، خوب می‌دانند که باید بنا به سفارش مکتبی که برای آن خدمت می‌کنند، نباید دنبال جایزه و پول باشند اما این دلیل نمی‌شود که مسؤولان قرآنی کشور هم کم‌توجهی کنند! به هر حال، جایزه انگیزه را بیشتر می‌کند. ای کاش حداقل حالا که جوایز قابل توجهی نمی‌دهند، فکری برای افزایش بودجه‌های قرآنی شهرهای مختلف کنند؛ مثلا در شهر ما، آبادان شرایط واقعا نگران کننده است.

**از چه جهت؟**

ببینید، من خودم کارمند اوقافم اما باید بدون تعارف بگویم در شهر آبادان به هیچ وجه فعالیت‌های قرآنی نمود ندارد. خودتان خوب می‌دانید که فعالیت‌های قرآنی مستلزم تبلیغات فراوان است اما در شهر ما نه مراکز قرآنی فعال وجود دارد و نه آنهایی که فعالیت دارند، تبلیغات مناسبی انجام می‌دهند.

**گویا تصمیم دارید در رشته علوم قرآنی ادامه تحصیل دهید؟**

بله، فارغ‌التحصیل رشته حقوقم و اگر خدا بخواهد می‌خواهم در مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی ادامه تحصیل دهم.

# لحن حافظان چنگی به دل نمی‌زد!



**رضا دیانت/ حافظ و داور مسابقات قرآن** «شجاع زویدات» را از نزدیک نمی‌شناسم اما بخش‌هایی از قرائت او را در بیست و ششمین دوره مسابقات قرآن گوش کردم. کاملا مسلط می‌خواند و از قدرت حفظ خوبی برخوردار است اما در مسابقات امسال به نظر می‌رسید کمی اضطراب داشت و این نگرانی و استرس به حسن لحنش آسیب رسانده بود؛ در حالی که زویدات می‌توانست با لحن زیباتری قرآن را قرائت کند.

من معتقدم مسابقات سراسری قرآن از مسابقات بین‌المللی سطح بالاتری دارد و رقابت در آن، بسیار سخت‌تر از مسابقات بین‌المللی است؛ چرا که شرکت‌کنندگان در مسابقات سراسری، نخبه‌های درجه‌یک قرآن در کشورند که فقط چند نفرشان به مسابقه بین‌المللی راه پیدا می‌کنند و در مسابقه بین‌المللی با حافظان خارجی به رقابت می‌پردازند که غالبا از ایرانی‌ها ضعیف‌ترند. با این حال معتقدم در مسابقه سراسری‌ای که به عنوان داور در آن حضور داشتم، زویدات به لحن تسلط خوبی داشت و قرآن را با نغمه‌های زیباتر می‌خواند. اضطراب و نگرانی در مسابقه امری طبیعی است ولی این مشکل در قاریان و حافظان کشورهای دیگر کمتر دیده می‌شود و به نظرم این معضل از آنجا ناشی می‌شود که جایگاه قاریان و حافظان در ایران به کسب مقام در مسابقات بین‌المللی بستگی دارد و این شرایط باعث می‌شود شرکت‌کنندگان ایرانی با اضطراب بیشتری در مسابقه شرکت کنند. این مساله یک ضعف برای جامعه قرآنی ما محسوب می‌شود و نباید مسابقه تنها راه نشان دادن توانمندی یک قاری یا حافظ باشد. با توجه به این توضیحات باید پذیرفت که اگر این موضوع آسیب‌شناسی نشود، در آینده‌ای نه چندان دور جامعه قرآنی ما با معضل بزرگی روبه‌رو می‌شود و خیلی از قاریان و حافظانی که از توانمندی بالایی برخوردارند، در پیچ وخم مشکلات مسابقه از دور خارج می‌شوند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت اگرچه شرکت کنندگان در بیست وششمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن از حسن حفظ خوبی برخوردار بودند اما لحن حافظان چنگی به دل نمی‌زد و مسابقه از نظر لحنی در سطح پایینی برگزار شد. نکته بعدی که شاید ارتباط چندانی با مسابقه نداشته باشد، مشکلات جامعه قرآنی ما در بخش حفظ است.

همین جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از مسؤولان می‌خواهم با حمایت بیشتر از حافظان قرآن، فرهنگ حفظ کلام خدا را در جامعه گسترش دهند.

رمضان دو سال قبل از هجرت، معراج پیامبر(ص)

# مبدأ: بیت‌المقدس
# مقصد: آغوش خدا

محمد گرشاسبی

**«السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» رسول خدا سلام نماز عشا را داد و مثل همیشه در محراب نشست تا آنهایی که کارش داشتند، سراغش بروند. مدتی با مردم سخن گفت و کمی زودتر از شب‌های دیگر با آنها خداحافظی کرد و به سوی خانه ام هانی، دختر ابوطالب راه افتاد. می‌دانست که سفری بزرگ در پیش دارد و برای همین کمی با عجله حرکت می‌کرد. خانه ام‌هانی چسبیده به مسجدالحرام بود. رسول خدا مدتی در خانه نشست و آماده سفر شد. وقتش که رسید، جبرئیل، میکائیل و اسرافیل آمدند. مرکبی به نام «براق» همراهشان بود. بیرون خانه ایستادند و با احترام از پیامبر خدا خواستند تا سوار مرکب شود. رسول خدا پرده خانه را کنار زد و بیرون رفت. سوار براق شد. مقصد؛ بیت‌المقدس.**

قبل از آنکه به مسجدالاقصی برسند، براق در دو مکان توقف کرد؛ اول طور سینا که محل تکلم موسی با خداوند بود و دوم بیت اللحم، زادگاه عیسی بن مریم. پیامبر(ص) در این دو مکان نماز خواند و در یک چشم بر هم زدن، خود را درون مسجدالاقصی دید. عیسی(ع)، موسی(ع)، ابراهیم(ع) و دیگر انبیای الهی به استقبالش آمدند و پس از سلام دادن به ایشان همگی در صف نشستند تا نماز جماعت بخوانند، پیامبر خدا(ص) با خود گفت حتما جبرئیل امامت این نماز را بر عهده دارد اما ناگهان فرشته وحی دست حضرت را گرفت و با احترام از او خواست امام جماعت شود. رسول‌الله(ص) ایستاد، فرشتگان و انبیای الهی نیز پشت سرش ایستادند. پس از نماز، پیامبر اکرم(ص) مدتی از بخش‌های مختلف مسجد بازدید کرد و آماده سفر اصلی شد؛ عروج به آسمان، سفر به معراج.

در آسمان دنیا که همان آسمان اول است، فرشته‌ای به نام اسماعیل به استقبال جبرئیل و پیامبر(ص) رفت. در روایات آمده که اسماعیل ۷۰ هزار فرشته تحت امر داشت که هر کدام از آنها ۷۰هزار سرباز داشتند. به آسمان دوم که رسیدند، تمام فرشته‌ها با لبخند به سوی حضرت آمدند اما یک فرشته بزرگ و وحشتناک در آن آسمان وجود داشت که به هیچ وجه نمی خندید. آن‌قدر وحشتناک بود که رسول خدا(ص) را ترساند. پیامبر(ص) از جبرئیل پرسید:«این چه فرشته‌ای است که این‌قدر وحشتناک است؟» و فرشته وحی پاسخ داد:«حق داری از او بترسی. ما نیز هرگاه از این آسمان عبور می کنیم، وحشت‌زده می‌شویم. این فرشته نگهبان اصلی جهنم است که روزبه‌روز از گناهان مردم خشمناک‌تر می‌شود. ای رسول خدا! او نباید بخندد و به خدا قسم اگر قرار باشد به کسی لبخند بزند، آن فرد تو هستی». پیامبر(ص) گفت: «می‌خواهم جهنم را ببینم». جبرئیل به نگهبان جهنم دستور داد و پرده جهنم را کنار زدند. رسول‌الله(ص) بعدها به یارانش گفت: «وقتی پرده جهنم کنار رفت، چنان آتشی دیدم که هیچ‌گاه فراموشش نمی کنم. آتش چنان بالا می‌رفت که گمان کردم مرا نیز با خود خواهد برد». اصحاب می گفتند پیامبر(ص) پس از معراج کمتر می‌خندید چون دوزخ را دیده بود. آنگاه مردمی را دید که در حال عذاب بودند. رباخواران آتش می‌خوردند، تارک الصلوه‌ها سنگ‌های بزرگ بر سر می‌کوبیدند، سخن‌چینان گوشت بدن خود را می‌خوردند؛ هر گناه یک عذاب. پیامبر(ص) خواست زودتر آن منزل را ترک کنند. به مقصد آسمان سوم راه افتادند و در راه آدم ابوالبشر(ع) را دیدند. پیامبر(ص) و پدرش به هم سلام دادند و برای هم دعا کردند تا به آسمان سوم رسیدند.

نبی اسلام(ص) در آسمان سوم یوسف پیامبر(ع) را دید که چون ماه می‌درخشید و هزاران ملک خدمتگزار داشت، در آسمان چهارم ادریس نبی(ع) را دید، در آسمان پنجم به هارون پسر عمران رسید و در آسمان ششم موسی‌بن عمران(ع) به استقبالش آمد در حالی که می گفت: «بنی اسرائیل گمان کردند که من محترم‌ترین فرزندان آدم نزد پروردگارم، در حالی که این مرد گرامی‌تر از من است». در آسمان هفتم پیامبر(ص) ابتدا جدش ابراهیم نبی(ع) را ملاقات کرد، سپس وارد بهشت شد و خانه اهل بیتش را در بهترین نقطه آن دید. کنار رودخانه کوثر نشست و بر اهل‌بیت(ع) و دخترش فاطمه زهرا(س) سلام فرستاد. پیامبر(ص) از نعمت‌های بهشتی دیدن کرد و از خداوند خواست تا او را بهشتی قرار دهد. جبرئیل گفت: «ای نبی خدا! از اینجا تا خداوند ۷۰هزار حجاب فاصله است. نزدیک‌ترین فرشته‌ها به پروردگار، من و اسرافیل هستیم که با فاصله چهار حجاب با خدا سخن می گوییم؛ حجابی از نور، حجابی از ظلمت، حجابی از ابر و حجابی از آب». پیامبر(ص) و جبرئیل یک به یک حجاب‌ها را پشت سر گذاشتند. ناگهان فرشته وحی گفت: «دیگر نمی‌توانم همراهی‌ات کنم. بیم آن دارم که بال‌هایم بسوزند خداوند به من اجازه نداده از این مرز عبور کنم». پیامبر(ص) با او خداحافظی کرد و به تنهایی مسیر را ادامه داد. آن‌قدر پیش رفت تا با فاصله یک حجاب، صدای خداوند را شنید: «من محمودم و تو محمدی. اسمت را از اسم خودم مشتق کردم؛ پس هر که با تو بپیوندد، من به او می‌پیوندم و هر که با تو قطع کند، با او قطع می کنم. برو به سوی بندگانم و ایشان را از کرامتی که به تو کردم، خبر بده» و فرمود: «هیچ پیغمبری برنگزیدم، مگر آنکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیغمبر من و علی بن ابی طالب(ع) وزیر توست».

**رسول‌الله(ص) به یارانش گفت: وقتی پرده جهنم کنار رفت، چنان آتشی دیدم که هیچ‌گاه فراموشش نمی‌کنم**

پیامبر(ص) از معراج بازگشت و دوباره به خانه ام‌هانی رفت. هنوز پرده خانه در حال تکان خوردن بود. کم کم داشت وقت نماز صبح می‌رسید. پیامبر(ص) رو به ام‌هانی کرد و گفت: «نماز عشا را در این سرزمین خواندم، سپس به بیت‌المقدس رفتم و اکنون باز نماز صبح را همان‌طور که می‌بینید با شما می‌خوانم. به قریش بگو محمد می‌خواهد آنچه را که در این سفر دیده است، برای شما بازگو کند». حضرت وارد مسجدالحرام شد و بین حجرالاسود و کعبه ابوجهل را دید. ابوجهل وقتی چشمش به پیامبر(ص) افتاد گفت: «ای محمد! خبر جدید آورده‌ای؟» رسول خدا فرمود: «بله، دیشب مرا به معراج بردند» و ماجرا را برای او تعریف کرد. ابوجهل با تمسخر گفت: «نمی‌دانستم دروغگو هم شده‌ای. فکر می کنی مردم باور می کنند که تو دیشب از بیت‌المقدس به معراج رفته‌ای و اکنون بین ما هستی؟». پیامبر(ص) مثل همیشه با متانت فرمود: «آری! حقیقت دارد». ابوجهل با خودش فکر کرد بهترین بهانه را به دست آورده برای آنکه به نبی خدا(ص) نسبت جنون و دروغگویی دهد و بدون معطلی فریاد زد: «ای مردان عرب! بیایید و ببینید محمد چه می گوید» و با صدای بلند خندید. خبر در شهر پیچید و مردم برای آنکه بدانند قصه چیست، به سوی مسجدالحرام حرکت کردند. ابوجهل که صدای خنده‌اش قطع نمی‌شد، پس از جمع شدن مردم رو به نبی خدا(ص) گفت: «قصه‌هایی را که برای من گفتی، در محضر مردم بگو. نکند پشیمان شده‌ای از گفته‌هایت؟». پیامبر بدون آنکه پدر جهالت را نگاه کند، رو به مردم کرد و فرمود: «فرشتگان خداوند دیشب مرا به بیت المقدس بردند. آنجا تعدادی از انبیای الهی از جمله موسی(ع) و عیسی(ع) و ابراهیم(ع) بودند. با هم نماز جماعت خواندیم و من برای چند لحظه با آنان سخن گفتم». مردم با حیرت سخنان نبی خدا(ص) را گوش می کردند که ابوجهل فریاد زد: «چه می گویی محمد؟ اگر آنها را دیده‌ای، حتما می توانی برای ما توصیفشان کنی!».

**خدا به پیامبر گفت: من محمودم و تو محمدی اسمت را از اسم خودم مشتق کردم؛ پس هر که با تو بپیوندد، من به او می‌پیوندم**

رسول الله چند لحظه‌ای مکث کرد و فرمود: «عیسی(ع) مرد متوسطی بود. صورتش می‌درخشید؛ انگار از رخسارش جواهر جاری بود. موسی(ع) تنومند و تیره‌چهره بود اما جدم ابراهیم(ع)، شبیه هیچ کس نبود غیر از من».

مخالفان گفتند: «باید دلیلی بیاوری تا ما حرف‌هایت را باور کنیم». رسول خدا(ص) بلافاصله جواب داد: «برایتان دلیل می‌آورم تا باور کنید. وقتی در حال برگشت به سوی مکه بودم، چند قافله را دیدم. نشان آنها را برایتان بازگو می کنم تا بدانید محمد دروغ نمی گوید». رسول اسلام(ص) شرایط قافله‌ها را برایشان توصیف کرد و حتی گواه گرفت که از یک قافله ظرف آبی گرفته است. رنگ شترهایشان را گفت و تعداد اهالی آنها را. مدتی بعد که آن قافله‌ها وارد مکه شدند، مردم حیرت‌زده دیدند که نشان‌ها همان هستند که رسول خدا برایشان گفته بود. دیگر جای انکار نبود. ابوجهل با خشم از مسجدالحرام بیرون رفت و مردم به هم می گفتند: «به درستی که او برترین پیامبر خداست».

## نقشه راه معراج

۱۰ یک حجاب وجود داشت و او با خدا سخن گفت!

۹ بهشت در آسمان هفتم قرار داشت و پیامبر جایگاه اهل‌بیتش را آنجا دید.

۸ موسی(ع) در آسمان ششم به رسول اکرم گفت: «تو برترین پیامبر هستی».

۷ در آسمان پنجم، هارون همراه هزاران فرشته آمد و به رسول اسلام تعظیم کرد.

۶ حضرت ادریس(ع) در آسمان چهارم آمد و به پیامبر سلام گفت.

۵ یوسف نبی(ع) که مثل ماه می‌درخشید، در آسمان سوم به استقبال پیامبر(ص) آمد.

۴ پیامبر اکرم در آسمان دوم جهنم و عذاب‌های جهنمی را دید و از خداوند خواست امتش را از عذاب مصون بدارد.

۳ در آسمان اول فرشته‌ای به نام اسماعیل با ۷۰ هزار سرباز به استقبال رسول خدا آمدند.

۲ حضرت قبل از عروج به آسمان، از بخش‌های مختلف مسجدالاقصی دیدن کرد.

۱ پیغمبر اکرم پس از اقامه نماز عشاء آماده سفر شد تا با مرکب آسمانی از مکه به مسجدالاقصی برود.

---

۱۹ رمضان سال دوم هجری - غزوه بدر

## فتح اول

سوارکار عرب به سرعت به سوی مسجد رفت تا پیغمبر(ص) را ببیند. حامل پیام مهمی بود و به همین دلیل خیلی زود خود را به رسول اکرم(ص) رساند. سلام کرد و گفت: «ابوسفیان و کاروان مشرکان برای تجارت به شام رفته بودند و اکنون در حال بازگشت به مکه‌اند. آنها به زودی از مرز مدینه عبور می کنند». نبی اسلام(ص) که مدت‌ها پیش از مکه به سوی مدینه مهاجرت کرده بود، فرصت را مناسب دید برای آنکه درس عبرتی به ابوسفیان و دیگر مشرکان دهد. حضرت رو به یارانش فرمود: «خط بازرگانی قریش در اختیار ماست و می توانیم مسیر آنها را مسدود کنیم و برایشان شرط بگذاریم که اگر اجازه تبلیغ اسلام را ندهید، اجازه تردد را به شما نمی‌دهیم». پیامبر اسلام(ص) خود پیشاپیش همه لباس رزم پوشید و بلافاصله پس از او امیرالمومنین(ع) آماده جنگ شد. در نهایت سپاه اسلام با ۳۱۳ نفر از مهاجرین و انصار به سوی کاروان ابوسفیان رهسپار شد تا اولین نبرد جدی مسلمانان رقم بخورد. ابوسفیان از ماجرا خبردار شد و بلافاصله مسیر حرکت کاروان را تغییر داد؛ پیکی را نیز رهسپار مکه کرد تا سران قریش را خبردار کند و از آنها استمداد طلبد. سران قریش که از تعداد محدود مسلمانان خبردار شده بودند، هزار مرد جنگی را با تجهیزات کامل به سوی آنها روانه کردند، با این امید که همه آنها را از دم تیغ بگذرانند و خیالشان از ترویج اسلام راحت شود. ۱۹ ماه رمضان بود که مسلمانان و مشرکان در کنار چاه بدر که بین مکه و مدینه قرار داشت، با هم روبه‌رو شدند. چاه بدر در اختیار سپاه اسلام بود که سپاه ابوسفیان به محل نبرد رسید. آنها تشنه بودند. تعدادی از مسلمانان ابتدا خواستند اجازه خوردن آب را به کافران ندهند اما رسول مهربانی(ص) گفت: «اجازه دهید سیراب شوند. این کار دور از شأن مسلمانان است». در ابتدای نبرد، سه تن از سپاه اسلام و سه تن از سپاه کفر، با هم درگیر شدند. حمزه با شیبه، عبیده با عتبه و علی(ع) که جوان‌ترین آنها بود، با ولید، دایی معاویه روبه‌رو شدند و مسلمانان هر سه نفر را به درک واصل کردند. همین اتفاق باعث تضعیف روحیه سپاه کفر شد مسلمانان به فرماندهی علی(ع) به سوی کافران حمله‌ور شدند و بسیاری از آنها را به هلاکت رساندند و حدود ۷۰ نفرشان را نیز به اسارت گرفتند.

خیبر
مدینه
بدر
دریای سرخ

موقعیت چاه بدر بین مکه و مدینه

---

۲۱ رمضان - عروج حضرت عیسی(ع) به آسمان

## مسیح بالای صلیب نبود

عیسی(ع) در زبان عبری یعنی «خدا نجات می‌دهد». فرزند حضرت مریم(س) ۵۲۰۰ سال پس از هبوط آدم و ۵۷۱ سال پیش از تولد حضرت محمد(ص) در شهر بیت‌اللحم در حوالی بیت‌المقدس به دنیا آمد. مریم(س)، دختر عمران که پس از غیبتی طولانی با طفلی در آغوش به میان مردم بازگشته بود، در مقابل پرسش‌های کاهنان بنی‌اسرائیل بنا به دستور خدا باید سکوت اختیار می کرد. خدا گفته بود که طفل خودش سخن می گوید. کاهنان تهمت‌های بسیاری را به مریم(س) مقدس روا داشتند اما او با اشاره ابرو پاسخ اتهامات آنها را به طفل واگذار کرد. کاهنان با تمسخر پرسیدند: «چگونه با طفلی که یارای سخن گفتن ندارد، گفت‌وگو کنیم؟». ناگهان طفل که مسیح بنی‌اسرائیل(ع) بود، این گونه پاسخ داد: «همانا من بنده خاص خدا هستم. خدا مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود. هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمتم. خدا مرا به عبادت، نماز، زکات و نیکویی به مادر توصیه کرد و مرا ستمکار و شقی قرار نداد. سلام حق بر من است روزی که به دنیا آمدم، روزی که از جهان بروم و روزی که برای زندگانی ابدی باز برانگیخته شوم».

۳۶ سال از عمر عیسی(ع) می گذشت و فرماندار اورشلیم که به کمک یهودا -حواری خائن عیسی- از مخفیگاه پیامبر خدا آگاهی یافته بود، می‌خواست او را به جرم آشوبگری علیه امپراتوری روم دستگیر کرده و به صلیب بکشد اما به اذن خدا یهودا - همان حواری خائن - به شکل مسیح(ع) درآمد و او به صلیب کشیده شد تا عیسی(ع) بماند و با موعود مصلح به زمین رجعت کند.

قرن‌ها بعد در سال ۱۹۴۵ نوشته‌هایی از انجیل کشف شد که در آن این گونه آمده بود: «آن کسی را که دیدم خوشبخت می‌خندید، عیسی(ع) بود ولی آن کس که میخ‌ها را در دست‌ها و پاهایش فرو می کردند و صلیب بر کتف‌هایش بسته شد، کس دیگری بود». این متون با آنچه در آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره نساء آمده، منطبق است: «و گفتند ما عیسی(ع) را کشتیم، در صورتی که او را نکشتند بلکه امر بر آنها مشتبه شد. آنها از پی گمان خود می‌رفتند و به طور یقین مسیح را نکشتند و خدا او را به سوی خود بالا برد و پیوسته خدا کارش از روی حکمت است».

مجسمه مسیح در برزیل



---

۱۱ سپتامبر ۱۵۸۴ - تولد ارپنیوس، مترجم لاتین قرآن

## مترجم وفادار

قرآن تاکنون توسط مترجمان بسیاری به زبان لاتین ترجمه شده است. از این ترجمه‌ها نه فقط ساکنان شمال دریای مدیترانه که بسیاری از لاتین زبان‌های کشورهای دور استفاده می کنند. در این میان - توماس وان ارپنیوس - مترجم هلندی ترجمه‌ای منصفانه از قرآن به زبان لاتین و به دور از گرایش‌های کلیسا ارائه می‌دهد که در آن نه به ساحت پیامبر(ص) اهانتی می کند و نه به خود اجازه می‌دهد که چیزی را به کتاب خدا اضافه کند.

ارپنیوس که در ۱۱ سپتامبر ۱۵۸۴ در گورکوم هلند متولد شد، برای فراگیری الهیات به شهر لیدن رفت. او در آن مرکز توانست با استادان تراز اول زبان و ادبیات عرب آشنا شود؛ تا جایی که به اذعان بعضی از آنان، او به یک متخصص زبان عربی تبدیل شده بود. ارپنیوس در فضای آلوده‌ای که علیه مکتب اسلام وجود داشت، تصمیم به یک اقدام مهم گرفت و آن نشر معارف اسلامی به ویژه علوم قرآنی در اروپا بود.

او که در کنار عربی، روی دیگر زبان‌های شرقی (چون فارسی و عبری) نیز مطالعه می کرد و با کتاب «تاریخ طبری» نوشته محمد بن جریر طبری آشنا بود، در شهر لیدن کتاب صرف و نحو زبان عربی را تالیف کرد که در آن گزیده هایی از امثال لقمان حکیم هم به چشم می‌خورد.

توماس ارپنیوس برای چاپ آثارش نیاز به یک چاپخانه داشت؛ به همین دلیل با سرمایه شخصی خودش چاپخانه بریل را در مجاورت منزلش بنا کرد و آن را به چاپ کتاب‌هایی درباره تاریخ اسلام، عربستان و علوم قرآنی اختصاص داد.

ارپنیوس شیفته متون قرآن شده بود و به همین دلیل تصمیم به ترجمه قرآن گرفت. او ابتدا سوره یوسف را ترجمه کرد که از نظرش زیباترین داستان قرآن بود و بعد به ترجمه دیگر سوره‌ها پرداخت. او برخلاف بیشتر مترجمان لاتین، در ترتیب سوره‌ها دست نبرد و قرآنش را با سوره فاتحه، شروع و با سوره ناس ختم کرد.

توماس پس از سال‌ها تلاش برای اثبات حقانیت اسلام از طریق آموزش زبان عربی و چاپ کتاب‌های اسلامی، در سال ۱۶۲۴ در شهر لیدن دیده از جهان فروبست.

---

۱۹ رمضان - درگذشت حضرت موسی(ع)

## هم کلام با خدا

موسی(ع)، وسایل زندگی، گوسفندان خود و عصای اهدایی شعیب را برداشت و همراه خانواده‌اش، مدین را به مقصد مصر ترک کرد. اما در مسیر منحرف شد و پا به بیراهه گذاشت. او در جانب راست غربی کوه طور بود که ابرهای تیره سراسر آسمان را فراگرفت و رعد و برق شدیدی در آسمان به وجود آمد. درد زایمان هم همان لحظه سراغ همسرش رفت. موسی حیران و سرگردان بود و نمی‌دانست چه کار باید بکند. ناگهان نوری در کوه طور دید. گمان کرد در آنجا آتشی وجود دارد، به خانواده‌اش گفت: «همین‌جا بمانید تا من به جانب کوه طور بروم، شاید اندکی آتش برای گرم کردن شما بیاورم». وقتی به نزدیک آن نور رسید، دید آتش عظیمی از آسمان تا درخت بزرگی که در آنجا بود، امتداد یافته است. با دیدن آن منظره ترسید و چند قدم بازگشت. ناگهان از درخت ندا داده شد: «یا مُوسی اِنّی اَنَا اللهُ رَبُّ الْعالَمینِ» یعنی ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان. سپس خدا به او گفت: «عصای خود را به زمین بینداز!». وقتی عصای خود را افکند، دید عصا چون ماری با سرعت به حرکت درآمد، ترسید و به عقب برگشت اما به او گفته شد: «برگرد و نترس تو در امان هستی. اکنون دستت را در گریبانت فرو بر، هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشنده است. این دو برهان روشن از پروردگارت به سوی فرعون و اطرافیان اوست که آنها قوم فاسقی هستند».

به این ترتیب موسی(ع) به مقام پیامبری رسید و مأمور شد که برای دعوت فرعون به توحید حرکت کند.

موسی(ع) که اکنون پیامبر بنی‌اسرائیل شده بود، به دستور خدا با برادرش -هارون- نزد فرعون «منفتاح» که از ۱۲۳۰ تا ۱۲۱۵ قبل از میلاد حکومت کرد، رفت تا او را به یکتاپرستی دعوت کند. اما با تمام معجزاتش نتوانست او را هدایت کند. دست آخر وقتی شرایط را به نفع خود و بنی‌اسرائیل ندید، تصمیم به کوچ از مصر به سوی کنعان گرفت. آنها به اذن خداوند از رود نیل گذشتند تا فرعون و سربازانش اسیر غضب خداوند شوند.

حضرت موسی(ع) پس از سال‌ها زندگی کنار بنی‌اسرائیل -در حالی که بسیار پیر شده بود- درگذشت و او را در کوه «نِبو» در کناره شرقی بحرالمیت به خاک سپردند.

«ترین»های نمایشگاه هفدهم قرآن به شما کمک می کند که در این روزهای پایانی رمضان از همه خوبی های نمایشگاه یکجا بهره ببرید

# پایان، نزدیک است

حمیده پازوکی هیچ برنامه، مراسم و نمایشگاهی را در عالم پیدا نمی کنید که خالی از حاشیه یا حرف و حدیث باشد. این قاعده استثنا ندارد و حتی نمایشگاهی چون هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن را هم در بر می گیرد. این حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن هدایتمان کرد تا ترین‌های نمایشگاه قرآن امسال را در این شماره پیشنهاد کنیم. هم حال و هوای توصیه‌های معمول را عوض می کند و هم به شما کمک خواهد کرد تا در فرصت اندک باقیمانده، سراغ بهترین بخش‌های نمایشگاه بروید و زود به نتیجه برسید.

**قدیمی‌ترین اثر**

یکی از جالب‌ترین کتاب‌های عرضه شده در نمایشگاه هفدهم، قدیمی‌ترین کتاب منسوب به امیرالمومنین(ع) است که «نزهه‌الابصار و المحاسن‌الاثار» نام دارد. این کتاب که به همت انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شده است، قدمت بیشتری نسبت به کتاب «نهج‌البلاغه» دارد و نسخه خطی آن از کتابخانه واتیکان به ایران آورده شده. این اثر نزدیک به یک قرن پیش از «نهج‌البلاغه» تدوین شده است و فرموده‌هایی از امیرالمومنین(ع) را بیان می کند که برخی از آنها در نهج‌البلاغه موجود نیست.

**ریزترین نامه جهان**

در همان غرفه کوچک‌ترین قرآن جهان، قرار است ریزترین نامه جهان هم نگاشته شود. این نامه فوق کوچک، حاوی پیام‌های بازدیدکنندگان هفدهمین نمایشگاه بین المللی به دبیر کل سازمان ملل متحد است و پس از کامل شدن به این سازمان ارسال می‌شود. بازدیدکنندگان و به‌خصوص دانشگاهیان می‌توانند با حضور در غرفه ریزنگاری نوربخش نمایشگاه قرآن، پیام‌های کوتاه خود را به «بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متحد بنویسند. در پایان، مجموعه این پیام‌های کوتاه به همراه نام نویسندگان، در قالب ریزترین نامه جهان نوشته و برای دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد.

**پرطرفدارترین بخش نمایشگاه**

نمایشگاه قرآن هر سال خدمات گوناگونی را در بخش‌های متفاوت به مراجعان خود ارائه می‌دهد. در میان همه آنها، بخش پژوهش به سبب ارائه اطلاعات و نتایج پژوهشی به اقشار مختلف بسیار مورد توجه عموم مردم قرار گرفته است. این بخش از نمایشگاه قرآن به گونه‌ای طراحی شده که همه افراد از صنف‌های مختلف می‌توانند به آن مراجعه کنند و با کارشناسان ارتباط داشته باشند. بخش پژوهش به دو قسمت عمومی و تخصصی-فنی تقسیم می‌شود که در آنها امکان استفاده از نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی برای مراجعان وجود دارد. وجود غرفه‌های مشاوره و فناوری‌های نوین (آموزش وبلاگ‌نویسی قرآنی) هم از دیگر عواملی است که بر طرفداران این بخش افزوده است.

**شلوغ‌ترین غرفه‌ها**

مثل هر سال، هرجا ازدحام هست، نامی از نرم‌افزارها در میان است! راه گریزی هم نیست، گویا عموم مردم و به‌خصوص جوانان علاقه وافری به این نوع محصولات فرهنگی دارند و هرچه مسؤولان مدعی شوند که به سمت محتوایی شدن پیش می‌روند، باز هم جلوی این علاقه را نمی‌توان گرفت. کافی است در طبقه همکف نمایشگاه، تا انتهای سالن پیش بروید و لشکر علاقه‌مندان را ببینید که دنبال محصولاتی بهتر و البته پرسروصداتر می گردند.

نمایشگاه سالانه قرآن این مزیت را دارد که می‌توان عملکرد یکساله موسسات دینی را یکجا تماشا کرد و بین محصولات تولیدی مقایسه‌ای داشت. برای نمره دادن به محصولات قرآنی به این بخش سری بزنید.

**نکته کنکوری**

بهترین غرفه از نظر خدمات‌رسانی به بازدیدکنندگان و ارائه محصولات، غرفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) است. اگر سراغ جذاب‌ترین دکورها و نماسازی‌ها می‌گردید، حتما به بخش کودک و نوجوان بروید تا فرزندان‌تان لذت ببرند.

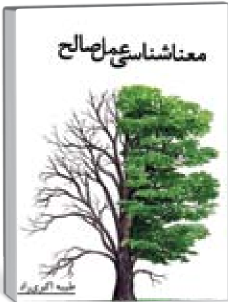
بهترین نشریه ارائه شده و البته فعال‌ترین غرفه هم شک نکنید که غرفه مجله وزین «همشهری آیه» است. تعریف از خود نیست، اما اگر به سالن همکف، بخش نهادها و موسسات بیایید، حتما همکاران کوشای ما را می‌بینید که با مخاطبان خود ارتباط برقرار می کنند.

برای اشتراک تنها مجله قرآنی مردمی (یعنی همین همشهری آیه خودتان) هم باید این غرفه را پیدا کنید. جالب اینکه امکان دارد برخی بخش‌ها برای متصدیان آشنا نباشد اما شک نکنید که از هر کس سراغ آیه را بگیرید، مستقیم به غرفه ما هدایت‌تان می کنند.

نوشابه برای خودمان باز نکردیم! گذاشتیم آخر مطلب که فقط حکم یک راهنمایی داشته باشد.

---

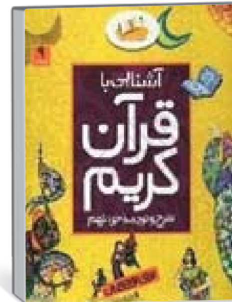
**کتاب**




## معناشناسی عمل صالح

معناشناسی یکی از علوم جدیدی است که بر پایه آن، واژه‌ها هیچ‌گاه بی‌دلیل به کار برده نمی‌شوند و در واقع این علم معتقد است که هر واژه بنا بر یک نقش معنایی خاص و البته کارآمد در یک جمله یا متن به کار برده می‌شود. با چنین تعریفی می‌توان گفت این علم قابلیت دارد که برای شناخت بیشتر کلام خداوند که نمونه اعلای ذکر دقیق و بجای کلمات است، مفید واقع شود. کتاب «معناشناسی عمل صالح» نوشته طیبه اکبری‌راد کتابی است که این علم را بنیان کار خود قرار داده است تا یکی از موضوعات قرآن کریم را مورد نقد و بررسی قرار دهد. به عبارتی نویسنده در این اثر می کوشد به معنای واقعی «عمل صالح» دست پیدا کند؛ چراکه به عقیده او در قرآن از این عمل و جزای دنیوی و اخروی آن بسیار صحبت می‌شود اما مشخص نیست که معنای دقیق عمل صالح و تفاوت‌های آن با مفاهیمی نظیر عمل خیر، حسنه، برّ و معروف چیست؟ اکبری برای دستیابی به معنای دقیق عمل صالح در قرآن با استفاده از معناشناسی، به واژه‌های همنشین آن توجه کرده: «واژه صالح با کلمه عمل به کار برده می‌شود. عمل به معنای انجام کاری با هدف، نیت و قصد است؛ درحالی که واژه خیر در بیشتر مواقع در کنار فعل می‌آید که به معنای انجام کاری بدون آگاهی قبلی و قصد و نیت است». این اثر به صورت جیبی و در دو نسخه ساده و تخصصی توسط نشر کویر روانه بازار شده است.

**کتاب**




## آشنایی با قرآن کریم

پیدا کردن کتاب‌هایی که قرآن را برای نوجوانان و با زبان خود آنان معرفی کند، در میان کتاب‌هایی که با موضوع قرآن روانه بازار می‌شوند، کار چندان ساده‌ای نیست؛ به ویژه این روزها در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن.

با وجود این، مجموعه سه جلدی «آشنایی با قرآن کریم» ویژه نوجوانان مجموعه‌ای است که می‌تواند با ارائه متنی سلیس و روان از ترجمه، شرح و تفسیر آیات قرآن، بخشی از نیاز این گروه به کتب قرآنی را برطرف کند. این کتاب که از حدود ده ترجمه معتبر قرآن برای ارائه قابل درک‌ترین برگردان فارسی برای نوجوانان بهره برده است، در غرفه انتشارات لک‌لک در نمایشگاه بین‌المللی قرآن عرضه شده است. شیوه ارائه مطالب در این کتاب به این صورت است که پس از طرح یک موضوع، آیه مرتبط، همراه با شرح و تفسیر آن بیان شده و همچنین شأن نزول هر آیه هم به دنبال آن ذکر می‌شود؛ به همین دلیل می‌توان این اثر را به نوعی دربردارنده قصص قرآنی هم دانست.

مجموعه سه جلدی آشنایی با قرآن ویراست تازه‌ای از مجموعه ۳۰ جلدی این اثر است که پیش از این منتشر شده بود و فرزانه زنبقی- نویسنده این مجموعه- به خاطر نوشتن آن، بانوی قرآن‌پژوه لقب گرفت. بهای این مجموعه ۵۰ هزار تومان است که با تخفیف ۴۰ درصدی، با مبلغ ۴۰ هزار تومان در نمایشگاه قرآن کریم به فروش می‌رسد که البته رقم کمی نیست!

**تلفن همراه**

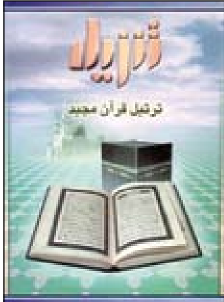


## قرآن به زبان‌های دیگر

نرم‌افزارهایی که در منوی پیشنهادهای ما مشاهده می کنید، هر کدام ویژگی‌های خاصی دارند و در شرایط گوناگون می‌توان از قابلیت‌های متفاوت آنها بهره برد؛ هرچند که شباهت‌های آنها به یکدیگر را نمی‌توان انکار کرد. نرم‌افزار تلفن همراه این شماره هم از این قاعده مستثنا نیست. برنامه Mobile Quran v0.9 برنامه‌ای است برای کسانی که به زبان‌های انگلیسی و فرانسه علاقه و البته تسلط دارند! اگر می‌خواهید ترجمه‌ای از قرآن به این زبان‌ها در اختیار داشته باشید تا کنجکاوی‌تان را پاسخ گوید، این نرم‌افزار را توصیه می کنیم. این برنامه قرآن کریم که با خط عثمان طه نوشته شده است، علاوه بر داشتن ترجمه انگلیسی و فرانسوی، تاکنون روی گوشی‌های مختلفی هم تست شده است.

برای دریافت این نرم‌افزار کافی است علاقه‌مندان قرآن به زبان‌های مختلف را به نشانی www.mobilestan.net راهنمایی کنید تا آن را از بخش نرم‌افزارهای اسلامی دانلود یا همان بارگذاری کنند. در این پایگاه برای دریافت این برنامه امکانات جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است؛ به این ترتیب که شما می‌توانید قرآن کریم را بدون ترجمه، با ترجمه انگلیسی یا با ترجمه فرانسه دریافت کرده و آن را روی تلفن همراهتان نصب کنید. تجربه جالبی است دیگر!

**نرم‌افزار**

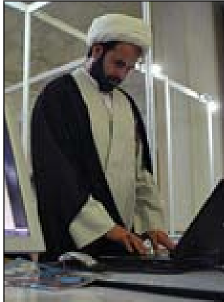



## تنزیل با امکانات اضافه!

در میان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که با موضوع قرآن کریم به بازار عرضه می‌شوند، مباحث قرآنی گوناگونی به چشم می‌خورد؛ از تفسیر و ترجمه گرفته تا عکس و ترجمه منظوم و حتی نقاشی (پیشنهاد شماره قبل را که یادتان نرفته!). با این حال یکی از موضوعات پرطرفدار که افراد مختلف را با سلیقه‌ها و معلومات متفاوت به خود جذب می کند، ترجمه قرآن است. البته چنین نرم‌افزاری از دید بیشتر کاربران باید امکاناتی بیش از ترجمه را هم داشته باشد؛ نرم‌افزار تنزیل یکی از نرم‌افزارهایی است که با محوریت ترجمه طراحی شده است. امکانات گوناگونی مانند قرائت کامل قرآن به روش ترتیل توسط پنج قاری مشهور جهان، نمایش همزمان متن قرآن، با امکان جست‌وجوی کلمه‌ای در تمام آیات قرآن کریم، چند دوره ترجمه کامل قرآن به فارسی و انگلیسی و در نهایت سه دوره تفسیر در این برنامه وجود دارد. تهیه‌کننده این نرم افزار بخش فرهنگی جهاددانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان است. از ویژگی‌های این نرم‌افزار علاوه بر ارائه متن قرآن با اعراب دقیق، می‌توان به در نظر گرفتن کدهای خاص برای کلمات صرفی به نحوی اشاره کرد که اسم‌ها، فعل‌ها و حروف از یکدیگر تمیز داده شوند.

قیمت این نرم‌افزار ۴۹۰۰۰ ریال است و علاقه‌مندان می‌توانند علاوه بر مراجعه به مراکز فرهنگی، آن را از پایگاه اینترنتی www.cdhoo.com به صورت آن‌لاین خریداری کنند.

**وب‌سایت**



## مرکز آموزش تفسیر قرآن

حالا دیگر می‌شود گفت چند سالی است که مراکز مختلف علمی، فرهنگی، صنعتی و... برای معرفی و اطلاع‌رسانی فعالیت‌هایشان پایگاه‌های اینترنتی راه‌اندازی می کنند و این کار به یک روش ثابت برای همه نهادها تبدیل شده است. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم یکی از مراکز تقریبا موفق در زمینه استفاده از شبکه مجازی جهانی است. هدف از ایجاد این مرکز علمی-فرهنگی، مسائل گوناگونی بوده که از میان آنها می‌توان به ترویج بیش از پیش فرهنگ قرآن در حوزه‌های علمیه، پرورش افراد متعهد در زمینه تفسیر و علوم قرآن برای نشر فرهنگ قرآنی در جامعه اسلامی و همچنین تأمین نیروی انسانی کارآمد برای برنامه‌ریزی و امور اجرایی، آموزشی و پژوهشی در زمینه تفسیر و علوم قرآن اشاره کرد.

پایگاه اینترنتی این مرکز از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است بخش رساله‌های علمی، پایان‌نامه‌ها و مقالات در زمینه آموزش علوم قرآنی از پرکاربردترین بخش‌های این سایت اسلامی-قرآنی هستند. به علاوه این پایگاه به جز این بخش مهم از یک کتابخانه مجزا در زمینه کتاب‌های قرآنی بهره‌مند است که حتما مورد استفاده بسیاری از کاربران قرار می‌گیرد. نشانی اینترنتی www.matquran.com را به خاطر بسپارید.

**تلویزیون**



## نسیم سحری

هرچند روزهای پایانی ماه مبارک رمضان را پشت سر می گذاریم اما بد نیست که همین اندک فرصت‌ها را هم از دست ندهیم و حتی در تماشای تلویزیون هم اندکی خرق عادت کنیم! حتما برنامه‌های اغلب تکراری شبکه‌های مختلف سیما در این روزهای پایانی ماه، شما را هم دلزده کرده است. حتما تلویزیون شما هم کمتر شبکه قرآن سیما را نمایش داده است. اما امسال مسؤولان این شبکه برای سحر و افطار تدارک ویژه‌ای دیده‌اند تا بتوانند در مقابل حریفان باتجربه خود عرض اندام کنند. یکی از این برنامه‌ها، ویژه برنامه «نسیم سحری» است؛ کاری از گروه معارف شبکه قرآن و معارف سیما که به تهیه‌کنندگی پرویز امیری و اجرای کاظم احمدزاده (مجری قدیمی و پرسابقه سیما) در سحرهای ماه مبارک رمضان هر روز به مدت ۹۰ دقیقه پخش می‌شود. آیتم‌های مناجات، ادعیه، سخنرانی و نماهنگ گوشه‌هایی از تلاش‌های این گروه برنامه‌سازی هستند. ویژه برنامه افطار شبکه قرآن سیما هم «سفره دوست» نام دارد که ۷۰ دقیقه روی آنتن است و به کارگردانی رضا سلسبیل تهیه شده. در این ویژه برنامه هم تلاش شده تا ضمن پرداختن به ابعاد زندگی دانشمندان قرآنی، قاریان و مؤذنان برتر کشور، فعالیت‌های قرآنی هم مورد بررسی قرار گیرد. بد نیست اگر سریال‌های رمضانی نه‌چندان جذاب امسال و البته عادت‌های همیشگی گذاشت، شبکه قرآن را هم به تماشا بنشینید.



# محفل‌های قرآنی

**سرقفلی این ستون به نام شماست. می‌دانیم که در گوشه و کنار این کشور جلسه‌های قرآنی فراوانی برگزار می‌شوند. قرار است در این ستون، همین برنامه‌ها را معرفی کنیم تا دوستداران کتاب خدا بتوانند از این ظرفیت‌های کم‌نظیر استفاده کنند. در این شماره به محافل قرآنی که به صورت ثابت در طول سال برگزار می‌شوند، پرداخته‌ایم. اگر شما هم می‌خواهید جلسه قرآنی‌تان را به ما معرفی کنید، کافی است یک تماس ناقابل بگیرید: ۸۴۳۲۱۵۲۰**

| استاد | محتوی | زمان برگزاری | نشانی |
|---|---|---|---|
| خانم رزاقی | قرائت | یکشنبه‌ها ۸ تا ۱۰ سه‌شنبه‌ها ۱۰ تا ۱۲ | خیابان وحدت اسلامی، پایین‌تر از خیابان فرهنگ، کوچه شهید مقدس خیابانی، مسجد الزهرا(س) |
| خانم رفیعی | قرائت | روزهای زوج ۹:۳۰ تا ۱۲:۳۰ | خیابان دولت، بلوار کاوه، خیابان فکوریان، مسجد خمسه |
| خانم روحی | قرائت | یکشنبه، دوشنبه، سه‌شنبه‌ها ۹ تا ۱۱:۳۰ | حسین‌آباد مهرشهر، خیابان تختی، خیابان دین‌محمد، مهد قرآن |
| خانم شیرزاد | قرائت و حفظ | دوشنبه‌ها ۹ تا ۱۱ | فاز ۴ مهرشهر، شهرک دریا، کوچه ساحل ۱، پلاک ۵۷ |
| حجت‌الاسلام آقامرادی | قرائت | دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها ۵ تا ۷ | نظرآباد، خیابان مفتح، کوچه اول شمالی، مسجد صاحب‌الزمان(عج)، دارالقرآن امام خمینی(ره) |
| حجت‌الاسلام قادری | قرائت | چهارشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها ۲۰ تا ۲۲ | رباط‌کریم، شهر گلستان، قلعه میر، مسجد جامع صاحب‌الزمان(عج) |
| حجت‌الاسلام دولتخواه | قرائت | پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها ۲۰ تا ۲۲ | رباط‌کریم، شهر جدید پرند، مسجد جامع پرند، خانه فرهنگ جوان |
| حجت‌الاسلام ندرلو سینایی | قرائت | یکشنبه‌ها ۱۹ تا ۲۱ | تهران، خیابان قزوین، خیابان عبید زاکانی، کوچه مسجد شبستان، مسجد منیریه |
| حجت‌الاسلام متدین | قرائت | یکشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها ۲۰ تا ۲۱ | تهران، اتوبان شهید چمران، خیابان شهید کچویی، مسجد جامع اوین |
| استاد ابراهیم‌آبادی | قرائت | دوشنبه‌ها بعد از نماز مغرب و عشا | تهران، میدان خراسان، خیابان جهان‌پناه، روبه‌روی داروخانه مسعود، کوچه شهید ریاحی، پلاک ۹ |
| استاد اشرفی | قرائت | چهارشنبه‌ها بعد از نماز مغرب و عشا | میدان کلاهدوز، خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی، خیابان شورا، پلاک ۳۵۲ |
| حجت‌الاسلام صالح یاسینی | حفظ | سه‌شنبه‌ها بعد از نماز مغرب و عشا | ورامین، پیشوا، مرکز قرآنی امام خمینی(ره) |
| حجت‌الاسلام میرزکی | تفسیر | یکشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها ۱۴:۳۰ تا ۱۶ | ساوجبلاغ، هشتگرد، خیابان مصلی، حوزه علمیه امام جعفر صادق(ع) |
| حجت‌الاسلام وحیدی | تفسیر | یکشنبه‌ها ۱۴:۴۵ | شهرری، تالار کلینی آستانه |
| حجت‌الاسلام هدایتی‌نژاد | تفسیر | دوشنبه‌ها بعد از نمازمغرب | ورامین، پیشوا، آستانه امامزاده جعفر بن موسی(ع) |
| خانم احمدی | تفسیر | دوشنبه‌ها ۱۴ تا ۱۶ | نسیم‌شهر، خیابان امام خمینی(ره)، طبقه فوقانی صندوق قرض‌الحسنه امام سجاد(ع) |
| خانم بابایی | تفسیر | یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها ۸ تا ۱۱ | پونک، ۳۵ متری گلستان، تقاطع شهید ستاری، مسجد امام حسین(ع) |
| استاد قربانی | تفسیر | شنبه‌ها ۹ تا ۱۰ | تهران، خیابان امام جواد(ع)، سیار در منازل، هیأت مکتب الصادق(ع) |
| خانم بوربور | روخوانی | یکشنبه و سه‌شنبه ۱۴ تا ۱۵:۳۰ | قرچک، روستای ولی‌آباد، حسینیه شهید ستاری |
| کمیل شکرپور | تفسیر | یکشنبه‌ها ۱۶ تا۱۸ | میدان انقلاب، خیابان ابوریحان، تقاطع لبافی‌نژاد، پلاک ۸۵، دارالقرآن خانه کارگر |
| استاد زکی‌لو | تفسیر | سه‌شنبه‌ها بعد از نمازمغرب | تهران، خیابان قزوین، نرسیده به میدان شمشیری، نبش خیابان کاظمی، فرهنگسرای قرآن |
| خانم گلپایگانی | تفسیر | دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها ۱۴:۳۰ تا ۱۶ | رباط‌کریم، خیابان انقلاب دوم، کوچه آزادی یکم، پلاک ۱۰، مرکز قرآنی حضرت فاطمه زهرا(س) |
| خانم مقدم | تفسیر | دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها ۹ تا ۱۰:۳۰ | تهران، پل کردان، خیابان آیت‌الله طالقانی، جنب مسجد قمر بنی‌هاشم(ع)، دارالقرآن کوثر طه |
| خانم‌هاشمی | تفسیر | شنبه‌ها و دوشنبه‌ها ۹ تا ۱۱ | تهران، شهرک کاروان، بعد از پارک کوهسار، کوچه عباسی، کوچه یاسمن، پلاک ۸۷ |
| خانم ظفرقندی | تفسیر | پنجشنبه‌ها ۱۰ تا ۱۱ | ورامین، جوادآباد، زینبیه، مؤسسه قرآنی کوثر |
| خانم موسوی | تفسیر | شنبه‌ها و دوشنبه‌ها ۱۰ تا ۱۲ | تهران، خیابان ایران، کوچه مقدم‌فر، کوچه شهید محبی، بن‌بست اول، پلاک ۳۲ |
| خانم تقدیمی | تفسیر | شنبه‌ها و دوشنبه‌ها ۱۵ تا ۱۷ | تهران، میدان بروجردی، خیابان جوادیه، مسجد ولی‌عصر(عج) |

همشهری آیه جوان
همشهری جوان • ضمیمه قرآنی • ویژه مشترکین • پیوست هفته‌نامه جوان • نیمه دوم شهریور ۱۳۸۸

# هُد هُد

برای خواهر کوچولو و برادر کوچولو

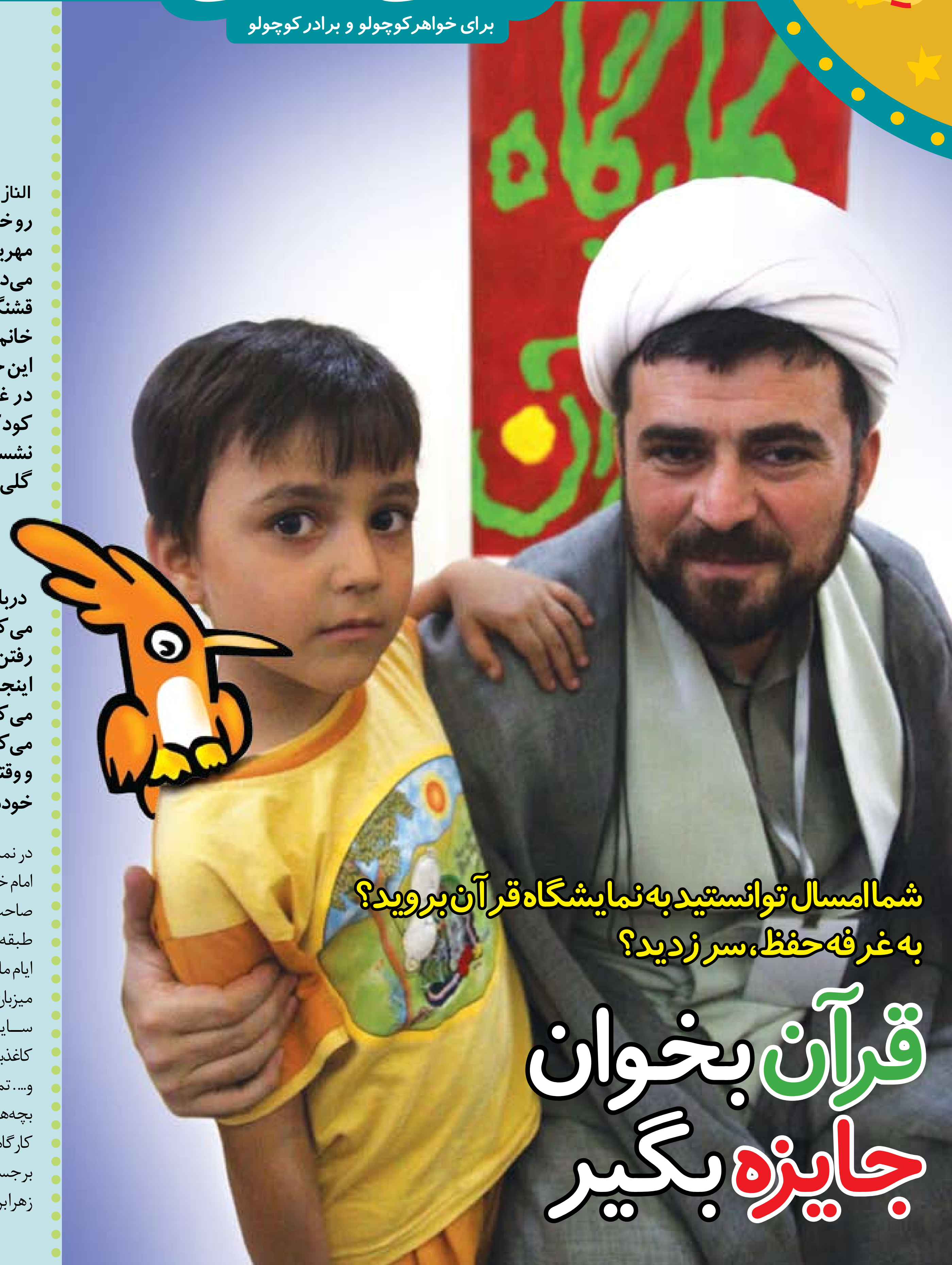


بچه‌ها این چهار صفحه مال شماست و اگر بخواهید می‌توانید از مجله جدایش کنید

**النازباقری‌نـــژاد** ● «من این بخش رو خیلـــی دوس دارم. خانــم مربی مهربونی داره که به من و دوستام یاد می‌ده چطور با این گل‌ها شکل‌های قشنگ بسازیم. تا الان دوبار هم از خانم مربی جایزه گرفتم.» بچه‌ها! این حرف‌های زهرا خامنه است که در غرفه «نقش برجســته» بخش کودک و نوجوان نمایشــگاه قرآن نشسته و مشغول ساختن یک نقش گلی است. او از همه بچه‌ها دعوت می‌کند که در چند روز باقیمانده از نمایشگاه قرآن سری به آن بزنند. زهرا کوچولوی شش‌ساله درباره کارگاهی که در آن گل‌بازی می‌کند، می‌گوید: «پـــدر و مادرم رفتن تا بقیه نمایشگاه‌رو ببینن و من اینجا کنار بقیه دوســتام، گل‌بازی می‌کنیم. خانم مربــی به ما کمک می‌کنه تا یک نقش خوشگل بکشیم و وقتی کارمون تموم شد، اون رو با خودمون به خونه ببریم».

در نمایشگاه قرآن امسال در مصلای بزرگ امام خمینی (ره) تهــران، کودکان و نوجوانان صاحب یک بخش ویژه‌اند. بخش کودک در طبقه همکف شبستان مصلی قرار گرفته و در ایام ماه مبارک رمضان با ۱۵ کارگاه مختلف میزبان شماست؛ نقاشی دیواری، سالن نمایش ســـایه‌ها، کارگاه قصه‌گویی و کتاب‌سازی، کاغذبری، خوشنویسی، غرفه مسابقه رایانه‌ای و.... تمام این ۱۵ کارگاه تلاش می‌کنند شما بچه‌ها را بیشتر با قرآن آشنا کنند. یکی از این کارگاه‌های خیلی جذاب، همین کارگاه نقش برجسته یا همان گل‌بازی خودمان است که زهرا برایتان تعریف کرد.

بروید صفحه چهار



**شما امسال توانستید به نمایشگاه قرآن بروید؟ به غرفه حفظ، سر زدید؟**

## قرآن بخوان جایزه بگیر

بچه‌ها! این هفته نوبت آشنایی با زندگی حضرت ابراهیم(ع) است. نام این پیامبر ۶۹ بار در قرآن آمده و یک سوره هم به نام ایشان است. زندگی حضرت ابراهیم(ع) شنیدنی‌های زیادی دارد. بخشی از آنها را اینجا بخوانید و از پدر و مادرتان بخواهید بقیه داستان‌های زندگی ایشان را برایتان تعریف کنند.

# ابراهیم(ع) در گلستان































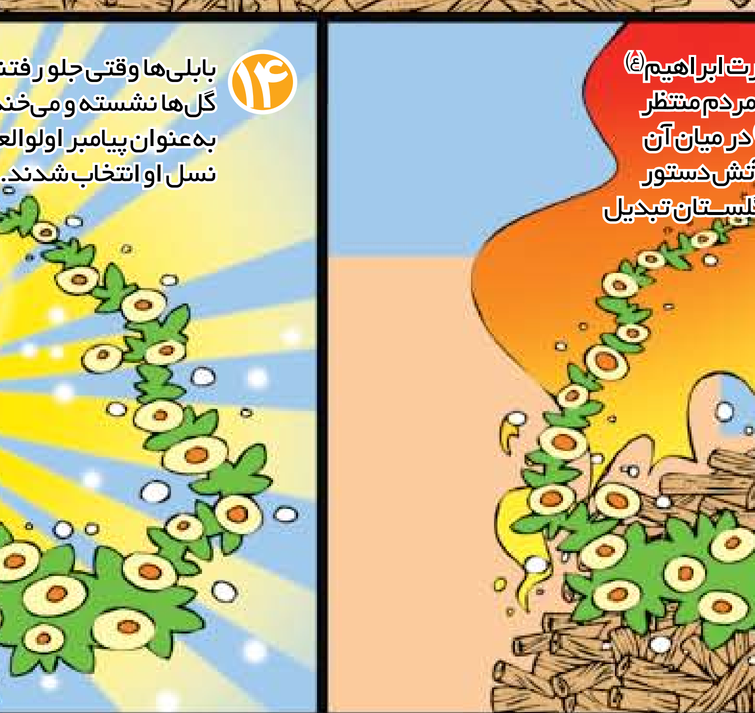


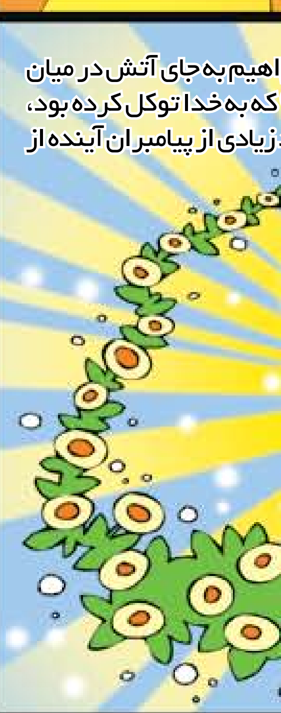











تصویرسازی: امیر خالقی

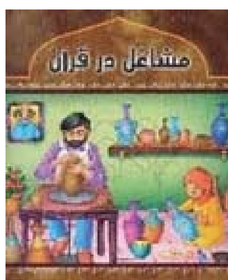
بقیه گزارش قرآن و جایزه‌ها

# قرآن بخوان، جایزه بگیر

یکی دیگر از کارگاه‌هایی که حتما شما بچه‌ها خیلی از آن خوشتان خواهد آمد، کارگاه «کاغذبازی» است.
در کارگاه کاغذبازی که دو بخش دخترانه و پسرانه دارد، بچه‌ها با کمک مربی‌ها نقاشی می‌کنند اما نقاشی‌ها را با مدادرنگی رنگ نمی‌کنند! بچه‌ها باید سعی کنند نقاشی را با تکه‌کاغذهای رنگی و چسب، رنگ کنند. در واقع رنگ هر قسمت از نقاشی با کاغذ رنگی انجام می‌شود.
علی‌مرتضی کاشفی پنج سال دارد. کاغذبری او آن‌قدر قشنگ بوده که آن را به دیوار غرفه چسبانده‌اند. علی‌مرتضی درباره نقاشی‌اش می‌گوید:«خانم‌مربی گفت اگه کاغذها رو درست بچسبونم روی نقاشی، به‌ام جایزه می‌ده. منم هر رنگ رو درست گذاشتم سر جای خودش و جایزه گرفتم».
در غرفه حفظ قرآن هم بچه‌هایی که سوره‌ای از قرآن را حفظ باشند، با قرائت آن از روحانی مسؤول این بخش جایزه خواهند گرفت. نگران نباشید! حتی اگر یک سوره هم بلد باشید، از این غرفه دست خالی برنخواهید گشت؛ مثل نازنین‌فاطمه که سه سال دارد و پنج سوره کوچک قرآن را حفظ است. نازنین‌فاطمه سوره ناس را از پشت بلندگو خواند و از روحانی غرفه یک کارت جایزه خوشگل گرفت. حتما شما هم می‌توانید. البته اگر فرصت نکرده‌اید امسال به نمایشگاه بروید، خیلی ناراحت نباشید. در مهد کودک‌های قرآنی که از چند روز دیگر کارشان را شروع می‌کنند، از این بازی‌ها تا دلتان بخواهد هست. از بابا و مامان بخواهید امسال شما را در یک مهد کودک قرآنی ثبت‌نام کنند.



## پیشنهاد کتابی
# شغل پیدا کن!




دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟ این موضوعی است که تا سال‌ها ذهن شما را به خود مشغول می‌کند و باید چندین انشا در مورد آن بنویسید. هیچ می‌دانستید که نام چندین شغل در قرآن برده شده است؟ با شغل‌هایی که مردم در زمان‌های مختلف انجام می‌داده‌اند و هنوز هم انجام می‌دهند، آشنا هستید؟ انتشارات «جامعه القرآن الکریم» کتابی با نام «مشاغل در قرآن» مخصوص شما تهیه کرده است. در هر صفحه شما با شغل و آیه مربوط به آن آشنا می‌شوید. تازه با خواندن این کتاب می فهمید که هر کدام از پیامبران الهی چه شغلی داشته‌اند و چه کاری می کرده‌اند؛ یکی نجار بوده و دیگری چوپان. این کتاب داستان‌های خواندنی‌ای دارد. پدر و مادرتان خوب می‌دانند این کتاب را چطور برای شما تهیه کنند.

## پیشنهاد دینی
# رساله یعنی چه؟

این پیشنهاد بیشتر به درد دختر خانم‌ها می‌خورد. دختر خانم‌های نه ساله اگر چه هنوز خیلی بزرگ نشده‌اند اما به سن تکلیف رسیده‌اند و باید خیلی از احکام دین را رعایت کنند. انگار خدا دخترها را بیشتر از پسرها دوست دارد! به هر حال شما برای اینکه با دستورات خدا و قرآن آشنا بشوید، چند راه دارید. حتما بهترین راه، کمک گرفتن از پدر و مادر، مربی و بقیه بزرگترهاست. یک راه دیگر هم مراجعه به رساله است. رساله به کتابی می گویند که مجموعه احکام دین در آن آمده است. اما مشکل اینجاست که بیشتر رساله‌هایی که الان هست به درد بزرگترها می‌خورد و شما شاید خیلی متوجه مطالب آنها نشوید. انتشارات «منتظران ظهور» برای شما یک رساله منتشر کرده تا بتوانید از آن استفاده کنید. این رساله کوچک هشت جلد دارد که در آنها مسائل دینی مثل اصول و فروع دین به شما آموزش داده می‌شود. البته سه بازی فکری هم در این مجموعه وجود دارد؛ هم بازی کنید و هم احکامتان را یاد بگیرید. اسم این کتاب رساله نوجوانان است.



## پیشنهاد پازلی
# سرگرم شو

این بسته رنگارنگ یک مجموعه کامل سرگرمی است که می‌تواند چند ساعت شما و دوستانتان را سرگرم کند. داخل این بسته یک کتاب، یک بسته بازی و چندین کارت وجود دارد. برای انجام این بازی باید اول کتاب را با دقت بخوانید؛ چون سوال‌های کارت‌ها از متن کتاب انتخاب می‌شود. تازه بعد از کارت‌ها نوبت به بازی اصلی می‌رسد. این بازی در سه موضوع تهیه شده؛ هدیه به مولود کعبه، هدیه به ضامن آهو و حیوانات در قرآن. حالا متوجه شدید که در این کتاب آسمانی چقدر مطلب برای یادگیری وجود دارد؟ موسسه «سیمای نور کوثر» این بسته‌های فرهنگی را برای شما تهیه کرده است تا علاوه بر بازی، قصه‌های قرآنی را هم یاد بگیرید. در پایان هم باید پازلی را که به قصه کتاب مربوط است، کامل کنید. به همین راحتی می‌توانید ساعت‌ها بازی کنید و بدانید که در این بازی چیزهایی را هم یاد گرفته‌اید.